

# ترجمہ تفسیر قمی

جلد چہارم

مؤلف

علی بن ابراہیم قمی قدس سرہ

مترجم : جابر رضوانی

جمعہ داری اموال

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۵۹۰۳۶

ش-اموال



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد

کتابخانه	مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۹۴	تاریخ ثبت: ۳۰۰



این کتاب با حمایت و مشارکت  
معاونت امور فرهنگی  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
چاپ شده است

## ترجمه تفسیر قمی

(جلد چهارم)

مؤلف: علی بن ابراهیم قمی

ناشر: انتشارات بنی الزهراء (علیها السلام)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سبحان / جزایری

شمارگان: ۲۰۰۰ دوره

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

قیمت: ۶۲۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۳۹-۸

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۵۲-۱۰-۷

بنی الزهراء (ع) (۱۳۸۸)

چاپ و نشر و توزیع

دفتر مرکزی:

قم، میدان شهداء، خیابان معلم، بعد از اداره برق، طبقه فوقانی چاپ و نا

تلفن: ۷۷۳۱۷۵۲-۷۷۳۸۵۵۵-۷۸۳۳۳۰۰-۲۵۱

همراه: ۹۱۳۳۵۱۳۱۴۸- (جزایری) - ۹۱۳۷۴۴۲۱۵۳- (معمانی)



مرکز تحقیق و پژوهش در علوم اسلامی

## فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱۱

### تفسیر سورة سجده

۲۲ - سورة سجده در مکه نازل شده و دارای ۲۰ آیه است..... ۱۲  
 عزرائیل علیہ السلام..... ۱۷  
 فضیلت روز جمعه..... ۱۹

### تفسیر سورة احزاب

۳۳ - سورة احزاب در مدینه نازل شده و دارای ۷۲ آیه است..... ۲۷  
 داستان زید بن حارثه..... ۳۱  
 پیامبر اولی است به مومنین از خودشان..... ۳۵  
 چگونگی جنگ احزاب..... ۴۰  
 معجزه‌های رسول خدا ﷺ در جنگ خندق..... ۴۱  
 ذکر رسول الله ﷺ در تورات..... ۴۴  
 مبارزه حضرت علی علیہ السلام با عمرو بن عبدود..... ۴۹  
 غزوه بنی قریظه..... ۶۱  
 شهادت سعد بن معاذ..... ۶۲  
 نازل شدن آیه تطهیر..... ۷۱

آیه حجاب ..... ۸۱

### تفسیر سورة سبا

۳۴ - سورة سبا در مکه نازل شده و دارای ۵۴ آیه است ..... ۹۰

وفات حضرت سلیمان علیه السلام ..... ۹۷

در روز غدیر ابلیس ها به ناله در آمدند ..... ۱۰۰

معنی تبلیغ رسالت بر تمام مردم ..... ۱۰۴

ظهور حضرت قائم علیه السلام ..... ۱۱۲

### تفسیر سورة فاطر

۳۵ - سورة فاطر در مکه نازل شده و دارای ۲۵ آیه است ..... ۱۱۷

فرمایش حضرت علی علیه السلام درباره صفت ملائکه ..... ۱۲۰

### تفسیر سورة یس

۳۶ - سورة یس در مکه نازل شده و دارای ۸۲ آیه است ..... ۱۳۷

معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله برای ابوجهل ..... ۱۴۰

مبلغان در انطاکیه ..... ۱۴۳

داستان ابوسعید یا امام رضا علیه السلام ..... ۱۴۹

### تفسیر سورة صافات

۳۷ - سورة صافات در مکه نازل شده و دارای ۱۸۲ آیه است ..... ۱۶۲

اسم شیعه در قرآن ..... ۱۷۷

۱۷۸.....	بجا آوردن ابراهیم مفاسک حج را.....
۱۷۹.....	ذبح اسحاق.....

## تفسیر سورة ص

۱۹۱.....	۳۸- سورة ص در مکه نازل شده و دارای ۸۸ آیه است.....
۱۹۸.....	داستان خطیبه داود <small>علیه السلام</small> .....
۲۰۲.....	دیدار داود <small>علیه السلام</small> با حزقیل.....
۲۰۸.....	داستان حضرت سلیمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۰۹.....	داستان از دست رفتن حکومت سلیمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۱۲.....	کیفیت سلطنت سلیمان <small>علیه السلام</small> .....
۲۱۳.....	مبتلا گشتن ایوب <small>علیه السلام</small> .....
۲۲۳.....	خلافت امیرالمومنین <small>علیه السلام</small> در شب معراج.....

## تفسیر سورة زمر

۲۳۱.....	۳۹- سورة زمر در مکه نازل شده و دارای ۷۵ آیه است.....
۲۳۹.....	آنچه که خداوند در بهشت بر ولی اش عطا می کند.....
۲۵۳.....	چگونگی نفع صور.....
۲۵۶.....	زمین با نور امام <small>علیه السلام</small> نورانی می شود.....

## تفسیر سورة مؤمن

۲۵۹.....	۴۰- سورة مؤمن (غافر) در مکه نازل شده و دارای ۸۵ آیه است.....
۲۶۸.....	چگونگی مُردن اهل آسمان و زمین.....

هر کس بمیرد و امامش را نشناسد ..... ۲۷۹

### تفسیر سوره حم سجده

۴۱ - سوره حم سجده (فصلت) در مکه نازل شده و دارای ۵۴ آیه است. ۲۸۳

شهادت دادن اعضاء بدن در روز قیامت ..... ۲۹۳

حضور معصومین (علیهم السلام) در هنگام مرگ ..... ۲۹۸

### تفسیر سوره شوری

۴۲ - سوره شوری در مکه نازل شده و دارای ۵۲ آیه است. ۳۰۷

امام حسن (علیه السلام) و یزید ملعون در نزد پادشاه روم ..... ۳۱۱

سوالات پادشاه روم از امام حسن (علیه السلام) ..... ۳۱۷

آیه مودت ..... ۳۲۸

### تفسیر سوره زخرف

۴۳ - سوره زخرف در مکه نازل شده و دارای ۸۹ آیه است. ۳۲۳

آیه ای برای سوار شدن بر چهارپایان و کشتی ها در بیابان و دریا ..... ۳۴۹

سوالات غلام آزاد شده عمر از امام باقر (علیه السلام) ..... ۳۵۸

علی (علیه السلام) شبیه عیسی بن مریم ..... ۳۶۳

گفتگوی اغنیاء و فقراء ..... ۳۶۴

### تفسیر سوره دخان

۴۴ - سوره دخان در مکه نازل شده و دارای ۵۹ آیه است. ۳۷۳

شب قدر ..... ۳۷۶



گریه آسمان و زمین بر امام حسین علیه السلام ..... ۲۸۰

ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام ..... ۲۸۰

### تفسیر سورة جاثیه

۴۵ - سورة جاثیه در مکه نازل شده و دارای ۲۷ آیه است ..... ۲۸۷

### تفسیر سورة احقاف

۴۶ - سورة احقاف در مکه نازل شده و دارای ۲۵ آیه است ..... ۳۹۹

مدت حمل امام حسین علیه السلام ..... ۴۰۵

سرزمین احقاف ..... ۴۱۰



### تفسیر سورة محمد صلی الله علیه و آله و سلم

۴۷ - سورة محمد صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه نازل شده و دارای ۲۸ آیه است ..... ۴۱۹

شرایط قیامت ..... ۴۳۱

### تفسیر سورة فتح

۴۸ - سورة فتح در مدینه نازل شده و دارای ۲۹ آیه است ..... ۴۴۵

صلح حدیبیه ..... ۴۴۷

سبب امتناع علی علیه السلام از دشمنان ..... ۴۶۴

### تفسیر سورة حجرات

۴۹ - سورة حجرات در مدینه نازل شده و دارای ۱۸ آیه است ..... ۴۶۹

دروغ بستن بر ماریه قبطی ..... ۴۷۲

### تفسير سورة ق

۵۰ - سورة ق در مکه نازل شده و دارای ۴۵ آیه است ..... ۴۸۵

مقام پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام در محشر ..... ۴۹۲

### تفسير سورة الذاريات

۵۱ - سورة الذاريات در مکه نازل شده و دارای ۶۰ آیه است ..... ۴۹۹

معنی زیبا و نیکو بودن آسمان ..... ۵۰۲

### تفسير سورة طور

۵۲ - سورة طور در مکه نازل شده و دارای ۲۹ آیه است ..... ۵۱۱

در بهشت غنا نیست ..... ۵۱۵

## پیشگفتار

تفسیری را که در پیش روی دارید ترجمه تفسیر علی بن ابراهیم قمی رحمته الله است؛ تفسیری که از بدو تولد تا به امروز مورد استفاده تمام مفسران شیعه شده و حتی بعضی از این بزرگواران تمام آن را در ذیل آیات تفسیری خود ذکر کرده‌اند و نیز علامه مجلسی رحمته الله هم در دائرة المعارف بزرگ شیعه یعنی بحارالانوار آن را در جای جای کتاب شریفش نقل کرده است.

حال که ترجمه این کتاب شریف با عنایت الهی و لطف آقا امام زمان روحی و ارواح المومنین لتراب مقدمه الفداء به پایان رسیده و آماده چاپ در پنج جلد گردیده است ضروریست که نکاتی را درباره آن توضیح دهیم:

۱. نسخه مورد ترجمه ما چاپ دارالکتاب جزائری است که با تصحیح و تعلیق و مقدمه علامه حضرت آیه الله سید طیب جزائری (حفظه الله) است.

۲. با توجه به آیات و ترجمه آن و نیز تحقیقات پاورقی و منابعی که از این تفسیر استفاده کرده‌اند ترجمه تفسیر را به پنج جلد رسانده است.

۳. عمده تحقیقات پاورقی ما از کتاب‌های روانی روی بحارالانوار و از کتب تفاسیر روی تفسیرهای برهان، صافی و نورالثقلین و نیز بعضی از کتاب‌های پراکنده بوده است که اگر تمام کتاب‌های تفاسیر را نقل می‌کردیم حجم کتاب را به بیش از این که هست می‌رساند.

۴. ترجمه جلد اول در دو جلد آماده شده که منابع تحقیقاتی را در پایان جلد دوم آورده‌ایم؛ و ترجمه جلد دوم عربی نیز در سه جلد آماده شده که منابع

تحقیقاتی آن را نیز در پایان جلد پنجم آورده‌ایم.

۵. تفسیر قمی شامل تمام سوره‌های قرآن است اما شامل تمام آیات نمی‌باشد و لذا برای سهولت فارسی زبانان، ما قبل از آیات تفسیری آیه مورد نظر با ترجمه‌اش را با قلمی مجزا از قلم متن و با فونتی نازک آورده‌ایم تا خواننده گرامی قبل از تفسیر به آیه و ترجمه آن دست‌رسی داشته باشد و با هیچ مشکلی روبرو نگردد.

۶. چون این ترجمه اولین ترجمه‌ای است که از تفسیر قمی شده یقیناً خالی از اشکال نیست و لذا از خوانندگان گرامی عاجزانه درخواست می‌کنم که در هنگام مشاهده سهوالقلمی آن را با دیده‌ی اعماض بنگرند و آن را بر این عاصی ببخشند.

در پایان از همه کسانی که ما را از پیشنهادهای خود بی‌بهره نگذاشتند و نیز کسانی که ما را در مقابله تاییبی یاری کرده‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم خصوصاً از حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج امیر آقا جزائری (حفظه الله) که اگر پی‌گیری‌های مخلصانه ایشان بعد از پیشنهاد ترجمه این تفسیر قیم نبود شاید تا حال این ترجمه به سرانجام نرسیده بود.

و همچنین از خداوند متعال درخواست عاجزانه دارم که ما را از قرآن جدا نکند و دست ناتوان ما را از تمسک جستن به قرآن ناتوان نگرداند چرا که اگر لطف و عنایت الهی شامل حال ما نباشد در دنیا و آخرت بدبخت و روسیاه خواهیم بود.

خداوند تو را سوگند می‌دهیم به حق قرآن آنی ما را از قرآن و تمسک جستن به آن جدا مگردان.

خداوند تو را سوگند می‌دهیم به حق قرآن آنی ما را از قرآن ناطق آقا امیرالمومنین (علیه السلام) دور مگردان.

انشاء الله

## تفسیر سورة سجده

۳۲ - سورة سجده در مکه

نازل شده و دارای ۳۰ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

أَمْ يَقُولُونَ افْتِرَاءُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ  
قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳)

۱- الم .

۲- این کتابی است که بی هیچ شک و ریبی از جانب پروردگار عالمیان نازل  
شده است.

۳- اما آنها می‌گویند، او (پیامبر) آن را به دروغ به خداوند بست می‌دهد،  
بلکه آن سخنان حقی از جانب پروردگارت است تا اینکه گروهی را انداز  
کنی که قبل از تو هیچ انداز کننده‌ای به سوی آنان نیامده است. شاید که  
هدایت یابند.

﴿الم﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ یعنی شکی در آن نیست.

﴿مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ اَمْ يَقُولُونَ افْتِرَاءُ ﴿قریش می‌گفتند که این از دروغ‌های

محمد است؛ و خداوند آنها را رد کرده و می‌فرماید: ﴿بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

لِتُنذِرَ قَوْمًا مِمَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ﴾ بلکه آن سخنان حقی از

جانب پروردگارت است تا اینکه گروهی را انذار کنی که قبل از تو هیچ انذار کننده‌ای به سوی آنان نیامده است، شاید که هدایت یابند.<sup>۱</sup>

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ  
مِمَّا تَعُدُّونَ (۵)

۵- (مخلعونند) امور این عالم را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند، سپس در  
روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که می‌شمارید به سوی او  
بالا می‌رود

﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ﴾ معنی آیه این است که  
خداوند متعال اوامر و نواهی و اعمال بندگان را تدبیر می‌کند و آن را از آسمان  
به سوی زمین می‌فرستد، پس آن اعمال به سوی جزای الهی در روز قیامت که  
مقدار آن هزار سال از سالهای دنیا است بر می‌گردد.<sup>۲</sup>

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷)  
ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۸)  
ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا  
مَا تَشْكُرُونَ (۹)

۷- او آن حدایی است که هر چیزی را بیکو آفرید، و ابتدای آفرینش انسان  
را از گل آغاز کرد.

۸- سپس نسل او (انسان) را چکیده‌ای از آب بی‌قدر و ناچیز بر ر داد

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۱۹۳

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۱۹۳، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۵۴۲، نورالتغلیب، ج ۴، ص ۲۲۱



۹- سپس آن را مرور نمود و از روح خود در آن دمید و برای شما گوش و چشمها و قلبها قرار داد. اما افراد کمی هستند که شکر نعمتهای او را بجا آورند.

﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ﴾ که مراد از انسان در این آیه آدم عليه السلام است.

﴿ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ﴾ سپس بچه هایش را قرار داد.

﴿مِنْ سُلَالَةٍ﴾ و آن خالص از آب و طعام می باشد

﴿مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ﴾ یعنی از نطفه و منی.

﴿ثُمَّ سَوَّاهُ﴾ یعنی استحاله نطفه به علقه و از علقه به مضغه تا اینکه روح در آن دمیده می شود.<sup>۱</sup>

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي ذُكِّرَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۱)

۱۱- بگو: فرشته مرگ که مأمور شست روح شما را می گیرد، سپس شما را به سوی پروردگارتان باز می گرداند.

عزرائیل عليه السلام

﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي ذُكِّرَ بِكُمْ﴾

عمیر بن هشام از امام صادق عليه السلام روایت کرده که فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: وقتی که مرا به معراج بردند فرشته ای را دیدم که لوحی از نور در دست دارد و بدون آنکه لحظه ای به راست و چپ خود نظر کند پیوسته به لوح نظر می کرد ولی محزون و متأثر و غمگین بود، از جبرئیل

پرسیدم: این فرشته کیست و چه می‌کند؟

جواب داد: این فرشته نامش عزرائیل و موکل قبض روح خلاق است  
گفتم: میل دارم او را از نزدیک ببینم. به همراهی جبرئیل نزدیک رفتم و  
گفتم: ای فرشته مرگ تمام کسانی که تاکنون مرده و یا بعدها خواهد مرد به  
وسیله شخص خودت قبض روح شده و می‌شوند؟

جواب داد: آری من شخصاً برای قبض ارواح حضور می‌یابم و تمام خلق  
دنیا بر حسب اراده و مشیت پروردگار چون سکه درهمی که در دست مردی  
باشد که به هر طریق بخواهد آن را در دست می‌گرداند در دست من می‌گردند،  
مسخر من هستند و خانه‌ای در روی زمین نیست مگر اینکه من در هر شبانه  
روز پنج نوبت داخل آن می‌شوم و چون گریه و زاری کسان متوفی را می‌بینم  
می‌گویم بیهوده زاری نکنید که من آنقدر باین خانه خواهم آمد که هیچ  
صاحب روحی باقی نماند و احدی از شما را باقی نمی‌گذارم.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای شخصی که پند پذیر باشد مرگ بهترین  
واعظ و پند دهنده است و مرگ وسیله عبرت و نصیحت می‌باشد  
جبرئیل فرمود: مصیبت پس از مرگ مهم‌تر و عظیم‌تر از خود مرگ و  
مردن است.<sup>۱</sup>

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ  
الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۳)  
فَذُوقُوا إِنَّا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا  
كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)

۱۳- و اگر می‌خواستیم به هر شخصی هدایتش (به اجبار) می‌دادیم. ولی (آنها را مختار گذاشتیم) و وعده من حق است که جهنم را از حق و انس (گناهکار) پر می‌کنم.

۱۴- (به آنها خطای کنیم) پس بجشید (عذاب جهنم را) چرا که دیدار امروزتان را فراموش کردید. به خاطر همین ما نیز شما را فراموش کردیم. و بجشید عذاب همینگی را به خاطر آنچه که انجام می‌دادید.

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هَذَا﴾ یعنی اگر بخواهیم همه را معصوم از گناه کنیم، می‌توانیم.  
﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ﴾ یعنی شما را ترک کردیم.

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۱۶)

فَلَا تَقَلِّمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۷)

۱۶- در بیمه شب پهلوهایشان از بستر خواب بدور است، و پروردگارش را با ترس و امید می‌خوانند. و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.  
۱۷- پس هیچ کس نمی‌داند که چه پاداش بیکونی که روشنی بخش چشم‌هاست به خاطر آنچه که (از اعمال نیک و صالح) انعام می‌دادند برای آنها ذخیره شده است.

### فضیلت روز جمعه

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

يُنْفِقُونَ﴾

عاصم بن حمید از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود هیچ عمل نیکی از بنده خدا سر نمی‌زند مگر آنکه در قرآن ثوابی برایش معین شده، حر نماز شب که خدای عز و جل ثوابی برایش بیان نکرده است پس که ثواب آن عظیم بوده، همین قدر فرموده: «تَجَافَى جُودُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» - تا - يَغْمُلُونَ<sup>۱</sup>.

آن گاه فرمود: خدای عز و جل برای بندگان مؤمنش در هر جمعه کرامتی دارد، چون روز جمعه می‌شود خداوند فرشته‌ای به سوی بنده‌اش روانه می‌کند، که با او دو جامه است، فرشته‌ای آن جامه را به باغ بهشتی آن بنده می‌برد، و از دربان اجازه ورود می‌خواهد، خادمان از صاحب باغ اجازه می‌خواهند، از همسران خود می‌پرسد مگر بهتر از این نعمتها که دارم نعمت دیگری وجود دارد که این فرشته برایم آورده؟

همسرانش می‌گویند: ای آقا و مولای ما، به آن خدایی که این بهشت را بر تو مباح کرده سوگند، هدیه‌ای آورده که از آن زیباتر چیزی ندیده‌ایم.

پس بنده مؤمن یکی از آن دو جامه را لنگ، و دیگری را سردوشی می‌کند، به هیچ چیز عبور نمی‌کند مگر آنکه از نور آن دو جامه روشن می‌شود، تا به مکان مقرر برسد. همین که به آن قرارگاه رسیدند، و با سایر مؤمنان در آنجا گرد آمدند، پروردگارشان برایشان تجلی می‌کند، چون به او نظر می‌کنند، یعنی به رحمت او، بی اختیار به سجده می‌افتند، پروردگارشان خطاب می‌کند که سرها از سجده بردارید، این جا دیگر جای سجده نیست، و امروز روز عبادت نیست، من از شما زحمت هر عمل و عبادتی را برداشتم.

می‌گویند. پروردگارا آخر هیچ چیزی بهتر از این که به ما داده‌ای نیست، به

ما بهشت ارزانی داشته‌ای.

می‌فرماید: شما هفتاد برابر آنچه دارید نیز نزد من دارید.

پس مؤمن در هر روز جمعه آنچه دارد هفتاد برابر می‌شود، و این است معنای جمله «وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ»<sup>۱</sup> که مربوط است به روز جمعه، آری، شب آن روز، شبی بسیار بزرگ، و روزش روزی بسیار تابناک است، تا می‌توانید در شب و روز جمعه تسبیح و تهلیل و تکبیر و ثنای خدای عز و جل بگویید، و به رسول خدا ﷺ درود بفرستید.

آن گاه فرمود: پس مؤمن از آن قرارگاه می‌رود و به هیچ چیز عبور نمی‌کند، مگر آنکه روشنش می‌سازد، تا به همسرانش می‌رسد، همسرانش می‌گویند: به آن خدایی که این بهشت را در اختیار ما گذاشت، ای مولای ما، هرگز تو را زیباتر از این ساعت ندیده‌ایم.

می‌گوید: من به نور پروردگارم نظر کردم.

سپس فرمود: همسرانش نه اهل مکر و حيله هستند و نه حیض می‌بینند و نه اینکه از بهره بردن از شوهرانشان دوری می‌جویند.

راوی گوید: عرض کردم: فدایت کردم می‌خواهم از چیزی سؤال کنم ولی حیاء می‌کنم.

امام ﷺ فرمود: سؤال کن.

عرض کردم: فدایت کردم! آیا در بهشت غناء هم هست؟

فرمود: در بهشت درختی است که خداوند به باد امر می‌کند که بر آن درخت بوزد و از آن درخت صدائی شنیده می‌شود که خلایق صدائی نیکوتر از آن را نشنیده‌اند و این در عوض آن است که کسی در دنیا از ترس خداوند

غناء و موسیقی را ترک کرده باشد.

تا آنجا که گفت: عرضمه داشتیم فدایت شوم، باز هم برابیم بگو  
فرمود: خداوند متعال بهشتی را به دست خود آفرید، که هیچ چشمی آن را  
ندیده، و احدی از آن خبر ندارد، هر روز صبح درب آن بهشت را باز می‌کند، و  
به آن فرمان می‌دهد که بوی خوشت را زیادتر کن، و نسیمت را بل نوازتر  
ساز، این است که خدای عز و جل در باره‌اش فرموده: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ  
لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ پس هیچ کس نمی‌داند که چه پاداش  
نیکوئی که روشنی بخش چشم‌هاست به خاطر آنچه که (از اعمال نیک و  
صالح) انجام می‌دانند برای آنها ذخیره شده است.<sup>۱</sup>

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ (۱۸)  
أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ (۱۹)

۱۸ - آیا کسی که ایمان آورده مانند کسی است که فاسق بوده؟ هرگز این دو  
با هم مساوی نیستند

۱۹ - اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای صالح انجام می‌دهند پس  
جایگاه آنها بهشت همیشگی است، و این پاداش آنچه است که (از اعمال  
صالح) انجام می‌دادند.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا  
كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾ فرمود: این آیه درباره‌ی علی بن ابی‌طالب علیه السلام و ولید  
بن عقبه بن ابی‌معیط نازل شد که ولید بن عقبه به آن حضرت گفت: به خدا

سوگند من از شما خوش بیان‌ترم، نیزه‌ام از نیزه تو تیزتر، و در صف تیراندازان ثابت قدم‌ترم.

علی‌علیه السلام فرمود: ساکت باش، تو تنها فاسقی و بس، پس خدای تعالی این آیه را نازل کرد: ﴿أَقَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ۚ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا يَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ که مراد از ﴿مومن﴾ علی بن ابی طالب علی‌علیه السلام است.<sup>۱</sup>

وَأَمَّا الَّذِينَ فَتَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ دُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۰)

۲۰- و اما کسانی که فاسق شدند پس جایگاه همیشگی آنها آتش جهنم است، هر زمان که بخواهند از آن خارج شوند دوباره به آن بر می‌گردانند و به آنها گفته می‌شود: بچشید عذاب جهنمی را که آن را تکذیب می‌کردید.

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فَتَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا﴾ تا - به تَکْذِیْبُونَ - می‌فرماید: وقتی آنان داخل جهنم می‌شوند در آن سقوط می‌کنند و به فاصله هفتاد سال راه سرنگون می‌شوند، آنگاه که به قعر جهنم رسیدند جهنم آمان را بیرون می‌اندازد، آنگاه که به بالای جهنم می‌رسند با آهن نگهداشته می‌شوند و از خروج‌شان جلوگیری می‌شود و حالشان به طور دایم چنین است.<sup>۲</sup>

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آيَةً يَهْدُونَ يَا مَرْغَابًا لِّمَا هَمَّوْا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴)

۱ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۵۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۰۵

۲ نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۳۱

۲۴- و بعضی از آنها را امام و پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما (مردم را)

هدایت می‌کردند، چون صبر نمودند، و به آیات ما یقین دانستند

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾ در علم الهی بود که آنها بر

آنچه که به ایشان می‌رسد صبر می‌کنند و به همین خاطر آنها را ائمه قرار داد

از طلحة بن زید از جعفر بن محمد از پدرش امام باقر علیه السلام که فرمود: مراد از

ائمه در قرآن دو نوع امام است، یکی امام عدل و دیگری امام حور و ستم

می‌باشد که خداوند می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ یعنی هدایت

به امر ما می‌کنند نه به امر مردم، آنها امر خداوند را مقدم بر خودشان و حکم

ما را مقدم بر حکم خویش می‌کنند.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ﴾ یعنی امر خودشان را مقدم بر امر خدا و

حکم خودشان را نیز مقدم بر حکم خداوند می‌کنند، و با هوا و هوس خویش و

آنچه که خلاف قرآن است عمل می‌نمایند.<sup>۱</sup>

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْخَرَزِ فَخَرَجَ بِهِ زُرْعَا تَأْكُلُ مِنْهُ

أَنْعَامُهُمْ وَاتَّخَذْتُمْ أَفْلَاكٌ تَنْصُرُونَ (۲۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۸)

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا تَنفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْتَظَرُونَ (۲۹)

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرِ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ (۳۰)

۲۷- آیا ندیدید که ما آب را به سوی زمین‌های خشک می‌بریم، پس از آن

رواحت‌هایی می‌روانیم که چهارپایان‌شان و خودشان از آن روبری

می‌خورند؟ آیا بینا نمی‌کردند؟



۲۸- و می گوید چه وقت می رسد این پیروزی شما، اگر راست می گویند؟

۲۹- بگو: روز پیروزی، اعمال آوردن کسانی که کفر می ورزیدند یعنی به

حال آنها نمی بخشد و به آنها مهلت داده نمی شود.

۳۰- پس از آنها روی بگردان، و منتظر باش. همانا آنها بر منتظر هستند.

﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾ عذاب پست عذاب رجعت یا شمشیر است.

﴿أَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ یعنی آنها در زمان رجعت بر می گردند تا عذاب شوند.  
﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ﴾ که «الارض الجرز» یعنی زمین خراب و آن مثالی است که خداوند درباره رجعت و قیام حضرت قائم علیه السلام زده است، پس هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را به رجعت خبر داد گفتند: «مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» و این آیه عطف بر آیه ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ﴾ ۲۱ همین سوره است و گفتند: «مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ» چه وقت می رسد این پیروزی شما، اگر راست می گویند؟

خداوند فرمود: به آنها بگو: ﴿يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ «فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُّسْتَظَرُّونَ» پس ای محمد از آنها دوری کن و منتظر باش، بدوستی که آنها هم از منتظران هستند.<sup>۱</sup>

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

# تفسیر سورة احزاب

۳۳ - سورة احزاب در مدینه

نازل شده و دارای ۷۳ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا  
حَكِيمًا (۱)

۱- ای پیامبر از خداوند بپرهیز، و از کافران و منافقین اطاعت مکن، همانا

که خداوند دانا و حکیم است.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا  
حَكِيمًا» این همان است که امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند پیامبرش  
حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد برای اینکه او را مخاطب سازد و غیر آن  
حضرت را اراده نماید یعنی «دخترم به تو می گویم، عروسم تو بشنو». پس  
مخاطب پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و مقصود مردم می باشند.<sup>۱</sup>

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوَاهِرِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّاتِي تَظَاهَرُونَ  
مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ كُمْ أَثْنَاءَكُمْ ذَلِكَمَنْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ  
يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (۴)

ادْعُوهُمْ لِآيَاتِهِمْ هُوَ أَقْصَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَقْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ بِنِي

الدِّينَ وَ مَوَالِبِكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ  
قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَظُورًا رَحِيمًا (۵)

۴- خداوند در درون آدمی دو دل قرار نداده است، و همسرانش را که طهارت  
می‌کشد (آنها را بمغواں مادر می‌خوانید) مادر شما، و پسر مرید حواصدها، و  
مرید شما قرار نداده است، این سخنانی که بر زبان جاری می‌شود، و  
خداوند حق را می‌گوید و او به راه راست هدایت می‌کند

۵- آنها (پسر حواصدها) را به اسم پدرانشان بخوانید که این سرد خد  
عادلانه‌تر است، اگر پدرانشان را نمی‌شناسید پس آنها برادران دبی و موالی  
شما هستند، و در کاری که به خطا رفتناید گاهی بر شما بیست، و لکن  
آنچه را که به عمد و نا ازانة قلبی می‌کنید (بر آن مزاحمه می‌شوید)، و  
خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَ مَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ  
مِنْهُمْ أُمَمَاتِكُمْ ﴾ این آیه با آیه ۲ سورة مجادله ﴿ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ  
نِسَائِهِمْ - تا - وَلَدْنَهُمْ ﴾ یکی است.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿ مَا جَعَلَ اللَّهُ  
لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ ﴾ به نقل از حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: دوستی ما  
اهل بیت و دشمنان ما در قلب انسانی با هم جمع نمی‌شود زیرا خداوند در  
درون انسان دو قلب قرار نداده که هم ما را دوست بدارد و هم دشمنان ما را،  
اما دوستی ما دوستی را خالص می‌کند همچنانکه طلا به وسیله آتش خالص  
می‌گردد و هیچ کدوری در آن نمی‌ماند، پس کسی که می‌خواهد بداند چقدر ما را  
دوست دارد قلبش را امتحان نماید، اگر به‌مراه دوستی ما دشمنان ما را نیز  
دوست بدارد پس او از ما نیست و ما هم از او نیستیم و خداوند و جبرئیل و

میکائیل دشمن آنهاست و خداوند کافرین را دشمن می‌دارد.<sup>۱</sup>

### داستان زید بن حارثه

﴿وَمَا جَعَلَ أَذْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ﴾

ابن ابی عمیر از جمیل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: سبب نزول این آیه این بود که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با خدیجه دختر خوید از دواج کرد، به منظور تجارت از مکه به عکاظ رفت و در آنجا زید را دید که در معرض فروش قرار گرفته، او را جوانی زیرک و تیزهوش و عفیف یافت، پس وی را خریداری کرد، و همین که به نبوت رسید، زید را به اسلام دعوت نمود، و زید مسلمان شد، از آن روز مردم به وی می‌گفتند: آزاد شده محمد صلی الله علیه و آله.

از سوی دیگر وقتی حارثه بن شراحیل کلبی از سرگذشت پسرش زید خبردار شد، به مکه آمد تا فرزندش را از مولایش خریده آزاد کند، و حارثه مردی محترم و بزرگ بود، نزد ابو طالب آمده گفت: ای ابو طالب! پسر من در حادثه‌ای اسیر شده، و شنیده‌ام که دست به دست بفروش رفته، تا به دست برادرزاده‌ات افتاده است، از تو خواهش می‌کنم به ایشان پیشنهاد کنی یا پسر من را بفروشد، و یا عوض آن غلامی دیگر بگیرد، و یا آزادش کند.

ابو طالب با رسول خدا صلی الله علیه و آله صحبت کرد، حضرت فرمود: من او را آزاد کردم هر جا می‌خواهد برود.

حارثه برخاست و دست زید را گرفت و گفت: پسر بر خیز و به شرافت و حسب و آبروی سابقت برگرد.

۱ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۵؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۸؛ نورالتفلین، ج ۴، ص ۲۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۱۴

زید گفت: به هیچ وجه تا زنده‌ام از رسول خدا ﷺ جدا نمی‌شوم  
 حارثه گفت: آیا دست از شرافت و دودمان خود برمی‌داری، و برده قریش  
 می‌شوی؟

زید مجدداً گفت: به هیچ وجه و تا وقتی که زنده‌ام از رسول خدا ﷺ جدا  
 نمی‌شوم.

پدرش خشمگین شد و گفت: ای گروه قریش شاهد باشید که من از او  
 بیزار می‌باشم و او دیگر پسر من نیست.

رسول خدا ﷺ به حاضران خطاب کرد: شاهد باشید، زید پسر من است،  
 از من ارث می‌برد، و من از او ارث می‌برم.

از آن روز مردم به زید می‌گفتند زید ابن محمد و رسول خدا ﷺ او را  
 دوست می‌داشت، و نامش را «زیدالحب» گذاشت.

بعد از آنکه رسول خدا ﷺ به مدینه مهاجرت فرمود، زینب دختر جحش  
 را به ازدواج زید درآورد، روزی دیر به خدمت رسول خدا ﷺ رفت، آن جناب  
 به منزل وی رفت تا از او خبر بگیرد، و در آن هنگام زینب وسط اطاق خود  
 نشسته، و با «فهر» (سنگی که ادویه را با آن نرم می‌کنند) عطر جامد خود را  
 می‌سایید، رسول خدا ﷺ درب را باز کرد تا از زینب خبر بگیرد، ناگهان  
 چشمش به زینب که زنی زیبا بود افتاد و گفت: منزّه است خداوند آفریدگار  
 نور و «فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» و سپس به منزل خود برگشت، در حالی  
 که به یاد زیبایی او بود.

زید به منزل آمد. زینب جریان را به شوهرش گفت. زید گفت: آیا میل داری  
 تو را طلاق دهم تا رسول خدا ﷺ با تو ازدواج کند؟

زینب گفت: می‌ترسم تو طلاق بدهی، و رسول خدا ﷺ هم با من ازدواج



نکند.

زید نزد رسول خدا ﷺ رفت و عرضه داشت: پدر و مادرم فدایت، زینب جریانی به این صورت برایم تعریف کرد، آیا میل داری من او را طلاق دهم تا شما با او ازدواج کنید؟

فرمود: نه، برو و از خدا بترس، و همسرت را نگهدار، خدای تعالی این جریان را حکایت کرده و فرمود: ﴿أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا - تَا - وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾<sup>۱</sup> پس خدای تعالی در بالای عرش خود زینب را به ازدواج آن جناب درآورد.

منافقین گفتند: زنان پسران ما را بر ما حرام می‌کند، آن وقت خودش همسر پسرش زید را می‌گیرد، خدای تعالی در پاسخ آنان فرمود: ﴿وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ - تَا - يَهْدِي السَّبِيلَ﴾ و نیز فرزندان خوانده‌ها را فرزندان شما قرار نداده است، این سخنانی که بر زبان‌تان جاری می‌شود، و خداوند حق را می‌گوید و او به راه راست هدایت می‌کند.

سپس فرمود: ﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ - تَا - وَمَوَالِيكُمْ﴾ بدانکه زید پسر واقعی حضرت محمد ﷺ نبود بلکه پیامبر به خاطر اینکه پدر زید او را از خود راند و لذا پیامبر برای تسکین دل زید او را به عنوان پسر خوانده خویش انتخاب نمود. در این مورد مادر ذیل آیه ۴۰ ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ مطلبی

۱ احزاب، آیه ۳۷؛ می‌گفتی همسر را نگهدار و از خداوند بترس، و در دلت چیزی را پنهان می‌دانی که خداوند آن را آشکار کرد، و از مردم می‌ترسیدی و در حالی که خداوند مرا و برتر بود که از او بترسی پس هنگامی که زید یارش را از آن زن برطرف کرد (و طلاقش داد)، ما او را به ازدواج تو درآوردیم تا برای مؤمنان ازدواج با زن پسر خوانده‌ها بشود هنگامی که طلاق بگیرند بیم نداشته باشند، و فرمان خدا انجام شدنی است.

نوشته ایم.

سپس خداوند نازل فرمود: ﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ﴾<sup>۱</sup> از این به بعد زنان بر تو حلال نمی شود یعنی آنچه را که در سوره نساء بر آن حضرت حلال کرده بود دیگر بر او حلال نیستند.

این آیه ﴿وَلَا أَنْ تَبْدَلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ﴾<sup>۲</sup> عطف بر داستان زن زید است ﴿وَلَوْ لَعَجَبْتَكَ حُسْنُهُنَّ﴾<sup>۳</sup> یعنی زن مردی بر تو حلال نیست که خودش را بر تو عرضه نماید مگر اینکه شوهرش او را طلاق بدهد و تو با او ازدواج کنی پس این عمل را بعد از این انجام مده.<sup>۴</sup>

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَّائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَنطُورًا (۶)  
وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعَيْنَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (۷)

۶- پیامبر به مومنین از خودشان سروارتر است، و همسران او مادران آنهاست، و خویشاوندان بست به یکدیگر سروار از مومنان و مهاجران هستند آنچه که در کتاب الهی آمده است، مگر آنکه بخواهید بر دوستان شما یکی و احسان کنید (مقداری از مالتان را به آنها بدهید)، که این حکم در کتاب الهی نوشته شده است

۱. احزاب، آیه ۵۲

۲. احزاب، آیه ۵۲

۳. احزاب، آیه ۵۲

۴. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۱۴، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۰۹، تفسیر مرهانی، ج ۶، ص ۲۱۴

۷- و (بیاد یاور) هنگامی که ما از پیامبران عهد و پیمان گرفتیم، و پیر از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و از آنها عهد و پیمان محکمی گرفتیم (با هر رحمتی که است رسالت الهی را تبلیع کند)

### پیامبر اولی است به مومنین از خودشان

«الْأُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ نَفْسِهِمْ وَآزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» می فرماید: این آیه چنین نازل شده «و هو أب لهم و أزواجه أمهاتهم»، و خداوند مومنین را اولاد رسول خدا ﷺ قرار داده و خود حضرت را پدران آنها، کسی که قادر نیست خودش را نگه دارد و مالی ندارد و بر خودش ولایتی ندارد پس خداوند تبارک و تعالی ولایت مومنین را بعد از خودش بر آنها، بر پیامبر قرار داد و این فرمایش رسول خداست که در غدیر خم فرمود: ای مردم آیا من اولی به شما از خودتان نیستم؟

گفتند: بلی! سپس آنچه را که از ولایت خود بر مردم واجب کرده بود را برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز واجب نمود و فرمود: آگاه باشید هر کس من مولای او هستم پس علی مولای اوست.

هنگامی که خداوند پیامبر را پدر مومنین قرار داد او را ملزم فرمود که به مردم کمک کند و یتیمانشان را تربیت نماید و در این هنگام رسول خدا ﷺ از منبر بالا رفت و فرمود: هر کس مالی داشته باشد و بمیرد آن مال به ورثه او می رسد و هر کس دین و یا مالی از خود بجا بگذارد و وارثی نداشته باشد، آن برای من است. خداوند برای مؤمنین حقوقی نسبت به پیغمبر مقرر فرموده مانند حقوقی که پدر نسبت به فرزند دارد و بعد از پیغمبر این حقوق به امیرالمؤمنین و بعد از آن جناب به ائمه منتقل می گردد چون پیغمبر و امیر

المؤمنين هردو پدران این امت هستند. خداوند می فرماید ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾<sup>۱</sup> که مراد از «والدان» رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشند.

امام صادق علیه السلام می فرماید. و به همین سبب یهود همگی اسلام آوردند زیرا بر خودشان و زن و بچه هایشان اطمینان خاطر پیدا کردند.<sup>۲</sup>  
﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ این آیه درباره امامت نازل شده است.<sup>۳</sup>

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ﴾ و او در «و منک» زائد است و آیه این است «و منک و من نوح» است پس خداوند برای خودش از انبیاء عهد و پیمان گرفت سپس برای پیامبرش و ائمه از انبیاء عهد و پیمان گرفت و سپس برای پیامبران بر رسولش عهد و پیمان گرفت.<sup>۴</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ نَصِيرًا (۹)  
إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَلُغِبَ الْقُلُوبُ الْحَاظِرُونَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (۱۰)  
هُمَا لَكَ ابْتِغَى الْمُؤْمِنُونَ وَرُلُّوْا زِلْزَالًا شَدِيدًا (۱۱)  
وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا

۱. ساء، آیه ۳۶: خداوند را عبادت کن و چیزی را شریک او قرار مده، و به پدر و مادر یکی کن

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۷

۳. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۲۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۲۱

۴. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۲۳؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۴۱

عُزُوراً (١٢)

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَنَسْتَأْذِنُ قَرِيبٌ  
مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (١٣)  
وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ آفَاطِهَا ثُمَّ سِئِلُوا الْقِتَّةَ لِأَنْتَاهَا وَمَا تَلَبَّسُوا بِهَا إِلَّا  
يَسِيرًا (١٤)

وَلَقَدْ كَانُوا عَاكِفُوا عَلَى الْكَلْبَةِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَبُولُوا الْأَذْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ  
مَسْئُولًا (١٥)

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُنصَحُونَ إِلَّا  
قَلِيلًا (١٦)

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا  
يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (١٧)

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ النَّاسَ  
إِلَّا قَلِيلًا (١٨)

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْنَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي  
يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ جِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى  
الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَخْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ  
يَسِيرًا (١٩)

يَخْسِرُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابَ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي  
الْأَحْزَابِ يَنْشُلُونَ عَنْ أَسْبَابِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (٢٠)

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ  
وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (٢١)

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ

وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (۲۲)

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَبِمَنَّهُمْ مِنْ فَضْلِهِ خُذُوا وَبِمَنَّهُمْ  
مَنْ يَسْتَظِلُّ وَمَا يَدْلُوا تَبْدِلًا (۲۳)

۹- ای کسانی که ایمان آوردید، نعمت خداوند بر شما را بیاد بیاورید  
هنگامی که لشکرهايي به سوی شما آمدند، پس ما باد و طوفانی شدید به  
سوی آنها فرستادیم که آن را سعی دیدید، و خداوند بداسیحه که اسحاح  
می دهد بیناست.

۱۰- (بیاد بیاورید) هنگامی که (لشکر کفار) از بالا و پائین (شهر مدینه) بر  
شما حمله ور شدند (و آن را محاصره کردند) و زمانی که چشمها از شدت  
ترس حیران شده و جانها به لب رسیده بود، و به وعده الهی گمانهای  
گوناگونی می بردید.

۱۱- در آنجا بود که مؤمنان امتحان شدند و به سختی متزلزل گردیدند.  
۱۲- و هنگامی که منافقین و کسانی که در دلهاشان مرضی بود می گفتند  
خداوند و رسولش بر ما وعده دروغگین داده اند.

۱۳- و هنگامی که گروهی از آنها گفتند ای اهل یثرب، دیگر برای شما  
جای ماندن نیست، (به خانه هایتان) برگردید، و گروهی از آنها از پیامبر  
احاره رفتن خواسته و می گفتند خانه های ما دیوار و حفاظی ندارد، در  
حالی که می حفاظ بودند، و مقصود آنها این بود که از جنگ فرار کنند.

۱۴- و اگر دشمنان از اطراف به شهر وارد می شدند و از آنها می خواستند که  
به کفر و شرک برگردید می پذیرفتند، و جر مدد کمی درنگ نمی کردند.

۱۵- و به تحقیق آنها قبل از این با خداوند عهد کرده بودند که به دشمن  
پشت نکنند، که از عهد الهی سوال خواهد شد.

۱۶- بگو اگر از مرگ با قتل فرار می‌کند هرگز بعضی به حال شما ندرد.

چون در آن هنگام از زندگی بهره کمی نمی‌برید.

۱۷- بگو: چه کسی می‌تواند شما را در برابر خداوند نگه دارد، اگر او بدي

با رحمتی را برای شما اراده کند؟ و برای آنها به غیر از خداوند هیچ ولی و

یاوری نخواهند یافت.

۱۸- به تحقیق خداوند کسانی را که مردم را از جنگ می‌ترساندند و کسانی

که به برادرانشان می‌گفتند به سوی ما بیایید را می‌شناسد، و آنها حراسی

زمانی (ملکت کمی) برای جنگ حاضر نمی‌شوند.

۱۹- آنها به شما بخل می‌ورزند، پس هنگامی که ترس پیش آید آنها را

می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند، و چشم‌هایشان در حلقه می‌چرخد، مانند

کسی که سختی مرگ به او روی آورده باشد، پس هنگامی که ترسشان فرو

نشست، با زبان تند و گفتار خشن خودشان با کمال حرص و بخل شما را

پیارارند، آنها ایمان می‌آورده‌اند، پس خداوند هم اعمالشان را محو و نابود

کرده، و این کار بر خدا آسان است.

۲۰- و آنها می‌پندارند که لشکر اعراب هنوز سرفته‌اند، و اگر برگردند

دوست دارند که در میان اعراب باده‌شیں باشند و از اخبار شما جويا

شوید، و اگر هم در میان شما باشند جرأتی به جنگ نمی‌پردازد.

۲۱- به تحقیق برای شما در رسول خدا الگوی نیکویی است، برای کسی که

آمد به (ثواب و رحمت الهی) و روز آخرت دارد، و خدا را بسیار یاد

می‌کند.

۲۲- و هنگامی که مؤمنین لشکر اعراب را دیدند گفتند: این همان وعده‌ای

است که خداوند و رسولش به ما داده بودند، و خداوند و رسولش راست

گفته‌اند، و این جر بر ایمان و تسلیمشان نینهد.

۲۳- از میان مؤمنان مردانی هستند که عهد و پیمانی را که با خدا بسته‌اند صادقانه ایستاده‌اند، پس برخی از آنها پیمان خود را به آخر رسانیدند، و برخی نیز در انتظار هستند، و در عهد و پیمان خود هیچ تغییری ندادند.

### چگونگی جنگ احزاب

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ... ۴ این آیات درباره داستان جنگ احزاب که قریش و عرب برای جنگ با رسول خدا ﷺ لشکرکشی کردند نازل شده است.

در آن جنگ قریش در سال پنجم هجری جمع شده در میان اعراب رفته و اعتماد آنها را برای جنگ با رسول خدا ﷺ جلب نمودند و ده هزار نفر را آماده کردند که در میان اعراب قبائل کنانه و سلیم و فزاره بودند، رسول خدا ﷺ قبیلۀ بنی نضیر را که رئیس آنها حی بن اخطب بود که از اولادان حضرت هارون علیہ السلام بودند را از مدینه بیرون کرد، چون از مدینه آواره شدند به سوی خیبر رفتند. حی بن اخطب به سوی قریش مکه رفت و برای ترغیب آنها به جنگ با پیامبر ﷺ به آنها گفت: محمد عرصه را بر شما و ما تنگ کرده و ما را از دیار و اموالمان آواره نمود و همچنین بنی قینقاع عموزادگان ما را نیز از شهرشان آواره کرد، پس بگردید و هم پیمانان خود و دیگران را برای جنگ با او آماده کنید تا به جنگ برویم و از قوم من که بنو قریظه باشند در یثرب هفصد نفر باقی مانده‌اند که همگی آنها از مردان جنگی هستند اگر چه با محمد هم عهد و پیمان است ولی من می‌توانم آنها را نیز به سوی شما متعایل



کنم تا عهد و پیمانشان با محمد را نقض نمایند و شما از بالای شهر مدینه و آنها از سمت پائین مدینه حمله کنند و کار محمد را یکسره کنیم.

### معجزه‌های رسول خدا ﷺ در جنگ خندق

محل سکونت بنی قریظه دو میل از مدینه فاصله داشت که بئر المطلب نام داشت. حی ابن اخطب پیوسته با قریش در میان عرب می‌گشتند تا اینکه ده‌هزار نفر از قریش و کنانه و اقرع بن حابس با قومش و عباس بن مرداس در بنی سلیم را جمع کردند. چون خبر جمع‌آوری لشکر قریش به پیامبر اکرم ﷺ رسید با یارانش که مقصد نفر مرد بودند مشورت نمود.

سلمان فارسی گفت: ای رسول خدا ﷺ جماعت کم در مقابل لشکر زیاد در هنگام جنگ دوامی ندارد.

پیامبر ﷺ فرمود: پس چه کنیم؟

گفت: در اطراف شهر خندق می‌کنیم تا فاصله‌ای میان ما و آنها باشد و مانع هجوم آنها از هر طرف باشد که ما در هنگام حمله دشمن همین کار را می‌کردیم و از یک طرف با دشمن جنگ می‌نمودیم.

در این هنگام جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: سلمان مشورت نیکویی داده است. پس رسول خدا ﷺ دستور دادند که از ناحیه احد تا راتج «راتج» را خندق بکنند و حضرت هر بیست قدم یا سی قدم را برای کندن به گروهی از مهاجرین و انصار می‌دادند و امر نمود که بیل‌ها و کلنگ‌ها را آورند و خود حضرت اول شروع به کندن کرد و کلنگی را گرفت و در قسمت مهاجرین شروع به کندن نمود و امیرالمومنین علی علیه السلام نیز خاک‌های کنده شده را برمی‌داشت و در بیرون می‌ریخت تا اینکه رسول خدا ﷺ عرق کرده و خسته

شد و فرمود، راحتی نیست جز در آخرت، پروردگارا انصار و مهاجرین را بیامرز. هنگامی که مردم رسول خدا را دیدند که خندق را حفر می‌کند شروع به گندن و بیرون ریختن خاک‌ها کردند، چون روز دوم شد از اول صبح شروع به گدن کردند و حضرت در مسجد فتح نشست و مهاجرین و انصار نیز خندق را می‌گندید تا اینکه به سنگی رسیدند که بیل و کلنگ در آن هیچ اثری نکرد پس جابر بن عبدالله انصاری را به نزد رسول خدا ﷺ فرستاد تا جریان را به آن حضرت بگوید.

جابر گوید: به مسجد رفتم رسول خدا را دیدم که بر پشت خوابیده و عبایش را زیر سرش گذاشته و از گرسنگی بر شکمش سنگی بسته بود، عرض کردم: ای رسول خدا در هنگام گندن خندق به سنگی رسیده‌ایم که بیل و کلنگ در آن اثری نمی‌کند، حضرت فوراً بلند شده و به سرعت آمدند و آن‌گاه آبی خواستند و وضوئی ساختند و مقداری از آن را آشامیدند و مقداری را نیز در دهان مبارکش مضمضه کرده و بر روی آن سنگ پاشیدند و سپس کلنگی را برداشته و ضربه‌ای بر آن زدند که برقی از آن جرقه زد که در اثر آن قصرهای شام را مشاهده کردیم و سپس ضربه‌ای دیگر زدند که بار برقی زده و قصرهای مدائن را دیدیم و آن‌گاه ضربه‌ای برای بار سوم زدند که برقی از آن ساطع شد و قصرهای یمن را دیدیم؛ رسول خدا ﷺ فرمود: آگاه باشید شهرها که برق به آنها رسید بزودی به روی شماها فتح خواهد شد و سپس آن سنگ برای ما همچون ریگ نرم شد.

جابر گوید: دانستم که حضرت گرسنه است چون دیده بودم که سنگ بر شکمش بسته بود، عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ آیا عذائی برای شما تهیه

فرمود: ای جابر چه داری؟

عرض کردم: بزغالہ و یک صاع (سه کیلو) جو دارم.

فرمود: برو و آنچه را که داری آماده کن

جابر گوید: به خانہ رفتم و به زخم گفتم که جو را آماده کند و من نیز بزغالہ را کشته و پوست کندم که زخم نان را پخت و من نیز خورش را آماده کردم چون غذا آماده شد نزد رسول خدا ﷺ آمده و عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ پدر و مادر من فدایتان باد غذا آماده است هر کسی را که دوست داری با خودت برای صرف غذا بیاورید.

پیامبر ﷺ بلند شده و در کنار خندق ایستاد و فرمود: ای مهاجرین و انصار دعوت جابر را اجابت کنید. ■

جابر گوید: در خندق هفتصد مرد کار می کردند که همگی بیرون آمدند و به سوی خانہ من حرکت کردند و پیامبر ﷺ در راه هر کسی از انصار و مهاجر را می دید به آنها نیز می فرمود که دعوت جابر را برای صرف غذا اجابت کنید من جلوتر رفته و به زخم گفتم: به خدا سوگند محمد رسول خدا ﷺ با عده ای می آید که برای هیچ کسی طاقت غذا دادن آنها نیست.

همسرم گفت: آیا به پیامبر عرض کردی که غذای ما چه مقدار است؟  
گفتم: بله!

گفت: او می داند که چند نفر را دعوت کند.

جابر گوید: رسول خدا ﷺ وارد شده و نگاهی به دیگ غذا کردند سپس فرمودند: ملاقه ای بر آن وزن و مقداری در ته دیگ باقی بگذار سپس نگاهی به تنور نمودند و فرمودند نان ها را بیرون بیاور و مقداری نیز از آن را در تنور بگذار باقی بماند سپس کاسه ای خواست و با دست مبارک خویش نان در

کاسه ترید کرد و با ملاقه از آبگوشت بر روی آن ریخت و فرمود: ای جابر! ده نفر را بیاور، ده نفر را آوردم خوردند و سیر شدند و در ظرف چیری جز اثر انگشت از آنها باقی نماند سپس فرمود: ای جابر یک دست بزغاله را بیاور، آوردم آن را نیز خوردند و باز فرمود: ده نفر دیگر را بیاور، آنها نیز آمده و خوردند و سیر شدند و در ظرف جز اثر انگشت چیزی باقی نماند سپس فرمود: یک دست دیگر بیاور که خوردند و رفتند. همینطور ده نفر ده نفر می آمدند می خوردند و من نیز یک دست می آوردم تا اینکه عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ مگر یک گوسفند چند تا دست دارد؟

فرمود: دو دست.

عرض کردم: سوگند به آن کسی که تو را به حق فرستاده است من تا حال سه دست برای شما آوردم.

فرمود: ای جابر! اگر سبکت می ماندی همه مردم فقط از همین دست می خوردند و سیر می شدند.

جابر گوید: همینطور ده نفر ده نفر دعوت می کردم می آمدند و می خوردند تا اینکه همه آن جمعیت غذا خوردند به خدا سوگند از آن غذا برای ما آنقدر باقی ماند که چند روز نیز ما از آن خوردیم.

جابر گوید: رسول خدا ﷺ خنق را کند و برای آن هشت در گذاشت و بر هر دری مردی از مهاجرین و مردی نیز از انصار با عده ای سرباز برای نگهبانی گذاشت تا اینکه قریش و کنانه و سلیم و هلال آمده و در محلی به نام رغبه (زغابه) که در نزدیکی مدینه است چادر زدند.

### ذکر رسول الله ﷺ در تورات

رسول خدا ﷺ سه روز قبل از آمدن قریش حفر خندق را تمام کردند. حی بن اخطب که پیشاپیش مشرکین قریش بود به وادی عقیق رسید، نیمه شب کنار قلعه یهودیان بنی قریظه که با پیغمبر اکرم ﷺ عهد و پیمان اتفاق بسته بودند، آمد چون در قلعه را بسته دید، در را کوبید و بنی قریظه را بیاری طلبید کهب بن اسد حی را شناخته به قوم خود گفت: این صدای حی بن اخطب است که قوم خود را به زحمت و شئامت انداخته و اکنون آمده که ما را هم به زحمت بیندازد و ما را وادار به نقض عهد با محمد ﷺ نماید در صورتی که محمد برای ما نیکو همسایه‌ای است؛ و برای دور کردن حی که پشت در ایستاده بود، پرسید: کیستی؟

حی خود را معرفی نموده و گفت: من آمده‌ام برای سعادت شما و عزت و احترام قبیله شما اقدام کنم.

کهب جواب داد: بلکه آمده‌ای موجبات خواری و ذلت ما را فراهم سازی. حی گفت: ای کهب اکنون قبایل قریش و کنانه و فزاره و سلیم و دیگران با سپاهیان بیشمار در وادی عقیق فرود آمده‌اند و آماده پیکار با مسلمین هستند و هرگز محمد از دست آنها جان سلام بدر نمی‌برد در را باز کن و آن عهد و پیمانی که ما بین شما و محمد است، آن را نقض کن.

کهب گفت: من در قلعه را به روی تو باز نخواهم کرد هر کجا که می‌خواهی

برو.

حی گفت: حتما از لثامت و خست خود و از ترس آنکه نانی که در تنور داری

برای ما بیاوری و نانت را بخوریم در را باز نمی‌کنی؟

کهب گفت: خدا ترا لعنت کند که از راهی وارد شدی که ناگزیر بگشودن در

شدم.

در قلعه را بروی حی گشوده و حی وارد شد و به کعب گفت: وای بر تو چرا بمن اعتماد نمی‌کنی و پیمان محمد را نمی‌شکنی باید از این فرصت حداکثر استفاده را نموده و اطمینان داشته باشی که محمد هرگز در این کارزار فاتح نخواهد شد.

بزرگان یهود که در حصار جمع بودند مانند عرال بن شمول و یاسر بن قیس و رفاعه ابن زید و زبیر بن یاطا پیرامون حی و کعب اجتماع کرده بودند. کعب به آنها گفت: نظر شما چیست؟

گفتند: تو بزرگ و فرمانروای ما می‌باشی هر چه اراده نمائی ما تبعیت خواهیم کرد اگر گویی بر عهد خود باقی می‌مانیم و اگر مصمم به ترک پیمان شوی از تو پیروی خواهیم نمود.

زبیر بن یاطا که پیرمرد نابینا و با تجربه و عالم بود گفت مگر شما تورات را نمی‌خوانید که در اسفار آن فرمود پیغمبر آخر زمان در مکه معوث می‌شود و پس از چندی از مکه به مدینه هجرت می‌کند به قدری متواضع است که بر الاغ برهنه سوار می‌شود، رداء بر تن می‌کند و پیوسته چهره‌اش متبسم است، بسیار کشنده می‌باشد و در چشمان او اثر قرمزی مشهود است، میان دو کتفش اثر مهر نبوت نقش شده، در برخورد با اشخاص بیم و وحشتی ندارد، حتی از پادشاهان و سلاطین ترسی ندارد، و بزرگی او عالمگیر خواهد شد اگر این محمد همان پیغمبر است که از کثرت جمعیت احزاب و مشرکین باکی ندارد و اگر به کوه حمله کند آن را از جا می‌کند و بر دشمنان غالب خواهد شد.

حی گفت: این پیغمبر نیست زیرا او از فرزندان اسماعیل است و حال آنکه

پیغمبر موعود باید از بنی اسرائیل باشد و حضرت موسی از ما عهد گرفته که ایمان به پیغمبری نیاوریم جز آنکه قربانی کنیم و او آتشی بیاورد و آن قربانی را بسوزاند و محمد این طور نیست و می‌خواهد با سحر بر ما غلبه کند و آیت و معجزه‌ای ندارد. آنقدر حی با افسون خود در حضار دمید و به لطایف الحیل آنها را وادار به قبول سخنان خود و نقض عهد نمود و عهدنامه‌ای که با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله منعقد ساخته بودند آورده بدست حی دادند، حی بن اخطب نوشته را گرفته و جوید و به دور انداخت و گفت اینک آماده کارزار و جنگ با محمد شوید.

چون خبر نقض عهد بنی قریظه به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید سخت متأثر گردید و مسلمانان مجزون و غمگین شدند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سعد بن معاذ و اسید بن حصین را که از قبیله اوس بودند و بین آنها و بنی قریظه اتحاد و اتفاق بود به قلعه بنی قریظه روانه نمود و فرمود: به نزد بنی قریظه بروید و ببینید که چه می‌کنند اگر دیدید که عهد و پیمان‌شان را شکسته‌اند وقتی برگشتید چیزی به دیگران نگوئید و فقط عضل و فاره بگویند. آن دو نفر به در قلعه رفتند، کعب بن حصین جلو آمده به سعد و پیامبر دشنام داد، سعد به او گفت: تو مانند روباهی هستی که در سوراخ سنگی پنهان شده باشد به زودی قریش بر خواهند گشت و رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را محاصره خواهد نمود و با دلت و خواری تو را از قلعه به زیر آورده و گردنت را خواهد زد آن‌گاه به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برگشته و عضل و فاره گفتند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: لعنت خدا بر ایشان باد ما امر کرده‌ایم که چنین نکنند و این را برای مصلحت و از روی توریه فرمود زیرا جاسوس‌های قریش در میان لشکر حضرت بودند و به آنها خبر می‌دادند. عضل و فاره دو قبیله از

عرب بودند که اسلام آوردند و سپس مکر و حيله کرده و از اسلام روی برگردانند و هنگامی که کسی حيله می کرد این مثل را زده و می گفت، عضل و فاره.

حی بن اخطب به نزد ابوسفیان و قریش رفته نقض عهد بنی قریظه و هم آهنگی ایشان را بر علیه مسلمین اعلام داشت و آنها از این خبر شاد شدند. شب هنگام نعیم بن مسعود اشجعی حضور پیغمبر آمده که سه روز قبل از آمدن قریش اسلام آورده بود، عرض کرد: ای رسول خدا به خداوند ایمان آورده و تو را تصدیق نموده ام و از ترس کفار ایمان خود را پنهان نموده ام، اگر اجازه می فرمائید به تنهایی به نزد شما بیایم و شما را یاری کنم این کار را انجام می دهم و اگر دستور بفرمائید من با ایجاد تفرقه بین یهودیان و قریش به یاری شما قیام نمایم این کار را نیز خواهم کرد بطوری که از قلعه شان بیرون نیایند. رسول خدا ﷺ فرمود: اگر تدبیری کنی که بنی قریظه از حصار خارج نشوند کمک شایسته و بحائی خواهد بود.

نعیم عرض کرد: پس به من اجازه دهید که بر علیه شما سخنانی بگویم  
فرمود: هر چه خواهی بگو.

نعیم اول به نزد ابوسفیان رفت که از مسلمان شدن او اطلاعی نداشت، گفت: مرا می شناسی، از دوستان و خیرخواهان شما هستم که خداوند شماها را بر دشمنانتان یاری نماید امروز شنیدم که بین محمد ﷺ و یهودیان بنی قریظه توافقی روی داده و قرار است یهودیان به صورت ظاهر به جمعیت شما ملحق و در باطن به نفع مسلمین اقدام کنند تا محمد بر شما پیروز شود و به آنها وعده داده است که چون چنین کنند مزارع بنونضیر و بنوقینقاع را که از آنها گرفته بود به ایشان بدهد که به شما پیشنهاد می کنم که فریب یهودیان را



نخورید اگر خواستند داخل لشکریان شما شوند مانع شوید و چند نفر از آنها را گروگان بگیرید و به مکه بفرستید تا از مکر آنها در امان باشید.

ابوسفیان گفت: خدا به تو توفیق و جزای خیر دهد که ما را نصیحت و ارشاد نمودی ما بر طبق دستور تو رفتار می‌کنیم.

آن‌گاه نعیم به سوی بنی قریظه که آنها نیز از اسلام آوردن او بی‌خبر بودند شتافت و به ملاقات کعب رفت و گفت: ای کعب تو به خوبی می‌دانی که من با شما دوستم و جز مصلحت و خیر قبیله شما نظری ندارم امروز شنیدم که ابوسفیان بیارانش درباره یهودیان چنین اندیشه در بین گذاشته بود که ما یهودیان را به جنگ با محمد ﷺ تشویق و به کارزار وادار می‌نمایم اگر غلبه و ظفر یافتند شهرت فتح و پیروزی به نام ما است و اگر شکست خورده و مغلوب شوند یهودی‌ها دچار تلفات و خسارت شده و ما در پشت جبهه در امان خواهیم ماند بنابراین من صلاح شما نمی‌دانم از قلعه خارج شده و قریش را یاری کنید، ده نفر از ایشان را گروگان گرفته و در قلعه نگاهداری کنید که اگر بر محمد پیروز نشوند نروند مگر آنکه عهد و پیمانی که میان شما و محمد بوده است به شما برگرداند زیرا چنانچه قریش فرار کنند و بر محمد ﷺ پیروز نشوند شک نیست محمد ﷺ نسبت به قتل و کشتار شما قیام خواهد کرد.

کعب گفت: به ما نیکی کردی و نهایت خیرخواهی را نمودی، ما از قلعه بیرون نمی‌رویم تا از آنها گروگان گرفته و در نزد خویش نگهداریم.

### مبارزه حضرت علی (ع) با عمرو بن عبدود

قریش آمدند و چون خندق را در مقابل خویش دیدند گفتند: این حيله و

تدبیری است که اعراب آن را نمی دانستند. یکی به آنها گفت: ایس از تدبیر سلمان فارسی است که در کشور فارس در موقع دفاع شهرها بکار می برده اند.

عمرو بن عبدود و هییره بن وهب و ضرار بن خطاب به سوی خندق آمدند و رسول خدا ﷺ لشکر را به صف کرده و آنها را منظم می نمود بطوری که حضرت به طرف خندق بودند و همه اصحاب در پشت سر آن حضرت قرار داشتند. مردی از مهاجرین که فلانی بود به مردی گفت: این شیطان عمرو بن عبدود را می بینید بخدا سوگند کسی از شمشیر او نجات نخواهد یافت، بیائید محمد ﷺ را بگیریم و تسلیم قریش بمائیم تا او را بکشد و ما راحت و آسوده بخانه و دیار خود برگردیم.

در آن وقت خداوند جبرئیل را بر پیامبرش نازل کرد ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْكُمْ وَ الْقَافِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ﴾ - تا - اُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا یعنی ای رسول گرامی خداوند احوال کسانی را که مسلمین را تهدید نموده و از جنگ می ترسانند و به برادران و اقوام خود می گویند به سوی ما بیائید و از همکاری با مسلمانان خودداری کنید بخوبی می داند همانا این قبیل از مردم جز مدت کوتاهی پایداری و ثبات در جنگ از خود نشان نمی دهند اینان بر شما بخل می ورزند چون خطر و حادثه ای پیش آید آنها را خواهی دید که از شدت ترس دیدگانیشان از حلقه بدوران افتاده ماند کسانی که مرگ بر سرشان سایه افکنده و در عالم بیهوشی دست و پا می زنند، همینکه آرامش برقرار و موجبات ترس از بین رفت با گفتار خشن و زبان تند و تیز اظهار وجود کرده و مطالبه غنیمت می نمایند این چنین مردم در حقیقت و واقع ایمان نیاورده اند و اعمالی که بجا می آورند همه ریا و بیهوده است و

خداوند به آسانی کارهای آنها را از بین برده و در هم می شکند.

عمرو بن عبدود نیزه اش را بر زمین نصب کرد و این اشعار را خواند.

و لقد بححت من النداء      بجمعکم هل من مبارز

و وقفت إذ جبن الشجاع      مواقف القرن المناجز

إنی كذلك لم أزل      مسترعاً نحو الهزاهز

إن الشجاعة في الفتی      والجود من خير الغرائز

که مضمونش این است: من از بس رو در روی جمع شما فریاد زدم و مبارز طلبیدم که هدای خود را خشن ساختم، و کسی پاسخم نگفت. و من هم چنان در موقعی که شجاعان هم در آن موقف دچار وحشت می شوند، با کمال جرأت ایستاده، آماده جنگم، راستی که سخاوت و شجاعت در جوانمرد بهترین غریزه ها است.

رسول خدا ﷺ فرمود: چه کسی می رود تا این سگ را دفع کند؟

کسی جواب آن حضرت را نداد پس امیرالمومنین علی علیه السلام بلند شد و عرض کرد: ای رسول خدا من حاضریم او را دفع کنم.

فرمود: ای علی او عمرو بن عبدود جنگجوی نام آور است.

حضرت علی علیه السلام عرض کرد: من نیز علی بن ابی طالب هستم.

رسول خدا ﷺ فرمود: نزدیک من بیا.

چون علی علیه السلام نزدیک شد پیامبر با دست خویش عمامه بر سر آن حضرت

بست و شمشیرش ذوالفقار را به دستش داد و فرمود: برو و جنگ کن و گفت:

«اللهم احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من

تحتہ ؛ پروردگارا او را از روبرو و از پشت سر و از سمت راست و چپ و از

بالا و پائین حفظش نما».

پس حضرت علی علیه السلام مانند شیر رو به میدان نهاد و این اشعار را خواند

لا تعجلن فقد أتاک	مجبیب صوتک غیر عاجز
ذو نـیة و بصیرة	والصدق منجی کل فائز
إنـی لأرجو أن أقیم	علیک نائحة الجنائز
من ضربة نجلاء یبقى	صوتها بعد الـهـزاهز

که مضمونش این است: تعجیل مکن که لاجبت کننده آواز تو بسویت آمد که از مبارزه با تو عاجز نیست و صاحب نیت درست و بصیرت و راستی و نجات دهنده هر رستگاری است، امیدوارم برای تو نوحه‌ای را که برای مردگان بر پا می‌کنند اقامه نمایم از ضربتی که بعد از جنگها بر سر زبان‌ها آوازه‌اش مانده باشد.

عمرو گفت: تو کیستی؟

فرمود: من علی بن ابیطالب پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و داماد او هستم. عمرو گفت: به خدا سوگند پدرت از دوستان قدیمی من بوده و من میل ندارم بدست من کشته شوی، پسر عمویت وقتی که تو را به سوی من فرستاد در امان نبود که تو را به وسیله این نیزه‌ام دریده و در میان آسمان و زمین نگه دارم که نه زنده باشی و نه مرده.

امیر المؤمنین علیه السلام به عمرو فرمود: پسر عمویم به من فرمود که اگر تو مرا بکشی من به بهشت می‌روم و تو در جهنم و اگر من تو را بکشم تو در آتش جهنم هستی و من در بهشت.

عمرو گفت: ای علی هر دوی آنها که برای تو شد؟ این بد تقسیم است که کردی.

حضرت علی علیه السلام فرمود: ای عمرو این را بگذار من از تو هنگامی که پرده

کعبه را گرفته بودی شنیدم که می گفتی هر کس در هنگام جنگ از من سه خواسته داشته باشد یکی از آن سه را برآورده می کنم و آآن من سه خواسته از تو دارم که یکی از آن سه را برآورده کن.

گفت: بگو ای علی!

فرمود: شهادت بده بر اینکه خدائی جز خدای یگانه نیست و اینکه محمد رسول خداست.

عمر و گفت: این را از من مخواه در خواست دومت را بگو

فرمود: برگردی و این لشکر را از رسول خدا دور گردانی که اگر راست گوید موجب شرف شماست و اگر دروغ گوید و پیامبر نباشد گرگان و دزدان عرب شر او را از شما برطرف خواهند کرد.

عمر و گفت: اگر این کار را بکنم زنان قریش در میانشان خواهند گفت و شعرا در شعرهایشان خواهند سرود که من ترسیدم و به عقب برگشتم و قومی را که مرا به عنوان رئیس خود انتخاب کرده بودند را یاری نکردم.

حضرت فرمود: درخواست سوم این است که از اسبت پائین بیائی زیرا تو سواره هستی و من پیاده تا برابر بوده و با هم جنگ کنیم.

عمر و چون این را شنید از اسب خود پیاده و آن را پی کرد و گفت: این خصلتی است که گمان نمی کردم کسی از عرب جرات درخواست آن را از من بکند؛ و بعد با شمشیرش ضربه ای حواله سر آن حضرت کرد که حضرت علی علیه السلام سپرش را جلو آورد و شمشیر آن را دو نیم کرده و به سر مبارکش اصابت نمود.

حضرت علی علیه السلام به او فرمود: ای عمرو تو پهلوان عرب هستی و من با تو مبارزه می کنم، روان بود که یاوری نیز با خود بیاوری؟

عمرو برگشت که به پشت سرش نگاهی بکند حضرت با سرعت پاهایش را به وسیله ضربه شمشیر قطع کرد و او بر روی زمین افتاد و گرد و خاک بلند شد منافقین گفتند: علی بن ابیطالب کشته شد. چون گرد و غبار نشست دیدند که حضرت علی علیه السلام بر روی سینه عمرو نشسته و ریش او را در دست گرفته و می‌خواهد سرش را ببرد که آن را برید و سرش را به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد در حالی که از سر مبارک آن حضرت به خاطر ضربه عمرو خون جاری بود. و نیز خون عمرو از شمشیر آن حضرت جاری بود و سر عمرو نیز در دست مبارکش بود می‌گفت:

أنا علي و ابن عبد المطلب الموت خير للفتي من الهرب

منم علی فرزند عبدالمطلب، مرگ از برای جوان بهتر از فرار کردن است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی با او حيله کردی؟

عرض کرد: بله! ای رسول خدا جنگ خود مکر و حيله است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله زبیر را به سوی هبیره بن وهب فرستاد که ضربه‌ای بر سر او زد و هلاکش نمود و به عمر بن خطاب امر کرد که با ضرار بن خطاب مبارزه کند چون ضرار برای مبارزه آمد، عمر تیری در آورد تا به سوی او بیندازد که ضرار گفت: وای بر تو ای فرزند صهاک آیا در هنگام مبارزه تیر می‌اندازی، به خدا سوگند اگر تیری به سوی من بیندازی در مکه هیچ دشمنی را باقی نمی‌گذارم مگر آنکه همه را بکشم، پس عمر پشت به ضرار کرده و فرار کرد و ضرار نیز دنبالش نموده و از پشت سر نیزه‌اش را مقداری بر پشت او فرو برد و گفت: ای عمر این را از من به یادگار داشته باش که در هنگام جنگ به تو رسیدم، ولی تو را نکشتم زیرا سوگند خورده‌ام تا توان دارم احدی از قریش را نکشم. و عمر نیز آن را فراموش نکرد و چون به حکومت رسید آن را

جبران کرد.

رسول خدا ﷺ در آنجا پانزده روز دیگر باقی ماند. ابوسفیان به حی ابن اخطب گفت: وای بر تو ای یهودی قومت کجاست؟

حی به سوی آنها رفت و گفت: وای بر شما بیرون بیاوید که با محمد اعلان جنگ کردید ولی نه با محمد جنگیدید و نه با قریش

کعب گفت: ما از قلعه بیرون نمی‌رویم تا اینکه قریش ده نفر از بزرگان خودشان را به عنوان گروگان به ما بدهند تا در قلعه نگهداریم که اگر بر محمد پیروز نشدند فرار نکنند تا محمد عهد و پیمان ما را به ما برگرداند و الا ما در امان نیستیم که اگر قریش فرار کنند و ما در خانه‌هایمان باقی بمانیم، محمد با ما جنگ کرده و مردان ما را می‌کشد و زنان و بچه‌هایمان را به اسارت می‌برد و اگر از قلعه بیرون نیاویم شاید محمد بر ما رحم کند و آن عهد و پیمان را دوباره به ما برگرداند.

حی ابن اخطب به او گفت: طمع باطلی کرده‌ای قریش این کار را نمی‌کنند و محمد نیز دیگر با شما عهد و پیمان نمی‌بندد، اکنون نه با محمد هستید و نه با قریش.

کعب گفت: این از شومی نقشه توست، تو پرنده‌ای هستی که فردا با قریش پرواز می‌کنی و می‌روی و ما را در وطنمان می‌گذاری تا محمد با ما جنگ نماید.

حی گفت: من عهد خدا و موسی را بر خود لازم می‌دانم که اگر قریش بر محمد پیروز نشدند با تو به قلعه شما بر می‌گردم تا هر مصیبت و گرفتاری که بر سر شما می‌آید بر سر من نیز بیاید.

کعب گفت، حرف همان است که گفتم که اگر قریش ده نفر را به عنوان

گروگان به ما بدهند ما با شما خواهیم بود و الا از قلعه بیرون نخواهیم رفت. حی این اخطب به سوی قریش برگشت و جریان را به آنها گفت و چو گفت که آنها گروگان از شما خواسته‌اند ابوسفیان گفت: به خدا سوگند این اولین مکر آنهاست که نعیم بن مسعود راست می‌گفت، ما هیچ احتیاجی به این برادران میمون و خوک نداریم.

چون محاصره قریش بر مسلمانان به طول انجامید و امر بر آنها سخت شد و از شدت سرما و گرسنگی در سختی بودند و از یهودیان نیز به شدت می‌ترسیدند، منافقین زبان به ناسزا باز کردند، چنانکه خداوند می‌فرماید همه اصحاب رسول خدا جز عده کمی منافق گشتند. حضرت جلوتر خبر داده بود که لشکر عرب از سمت بالا به ما حمله خواهند کرد و یهود نیز از سمت پائین بر ما حمله خواهند نمود و به سختی و مشقت بزرگی خواهیم افتاد ولی عاقبت ما پیروز خواهیم گشت. چون قریش آمدند و یهودیان عهد و پیمانشان را شکستند منافقین گفتند: ﴿مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾ خداوند و رسولش به ما وعده فریب و دروغ دادند.

گروهی از آنها در اطراف مدینه خانه داشتند گفتند: ای رسول خدا به ما اجازه فرمائید تا به خانه‌هایمان برگردیم زیرا خانه‌های ما در اطراف مدینه است و می‌ترسیم که یهود به آنها حمله کنند.

گروهی دیگر گفتند: بیائید فرار کرده و به بیابان برویم و به اعراب بیابان پناه ببریم زیرا همه وعده‌های محمد باطلی بیش نبوده است.

رسول خدا ﷺ به اصحابش دستور داده بود که شبانه از مدینه محافظت نمایند. حضرت علی علیه السلام در تمام شب در اطراف لشکر نگهبانی می‌داد که اگر قریشی حرکت می‌کرد با او جنگ می‌کرد، از خندق عبور می‌کرد و به نزدیک



قریش می‌رفت، بطوری که ایشان را می‌دیدند و هیچ نمی‌ترسید و در تمام شب نماز می‌خواند و چون صبح می‌شد به حای خود بر می‌گشت که مسجد امیرالمومنین علی علیه السلام در آنجا معروف است هر کس که به آنجا می‌رود آن را می‌داند و در آن نماز می‌خواند و آن مسجد از مسجد فتح به قدر پرتاب یک تیر به سمت عقیق فاصله دارد.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر طولانی شدن محاصره بی‌تابی اصحابش را دید به مسجد فتح رفت - و آن کوهی است که الآن مسجد فتح در بالای آن قرار دارد - و خدا را خواند و وعده خود را از خداوند طلب کرد و گفت: «یا صریخ المکروبین و یا مجیب المضطربین و یا کاشف الکرب العظیم أنت مولای ولی و ولی آبائی الأولین اکشف عنا غمنا و همنا و کربنا و اکشف عنا شر هؤلاء القوم بقوتک و حولک و قدرتک».

جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد خداوند سخن تو را شنید و دعایت را مستجاب کرد و به باد دیور امر کرد که با ملائکه قریش و لشکر آنها را در هم کوبد.

پس خداوند باد دیور را فرستاد که خیمه‌های مشرکان را در هم کوبید و آنها مجبور به فرار شدند. چون این مژده از جانب پروردگار رسید پیامبر حذیفه را که در نزدیک آن حضرت خوابیده بود صدا کرد، جوابش را نداد دوباره صدا کرد باز جواب نداد و برای بار سوم ندا داد گفت: لیک ای رسول خدا!

فرمود: تو را صدا می‌زنم چرا جوابم را نمی‌دهی؟

گفت: ای رسول خدا پدر و مادرم فدایت باد از ترس باد و گرسنگی

فرمود: در میان قریش برو و از حال آنها برایم خبری بیاور، کاری نمی‌کنی

مگر آنکه به سوی من برگردی، خداوند به من خبر داده که بادی بر قریش فرستاده و آنها را در هم کوبیده است.

حذیفه گوید: رفتم در حالی که از سرما بر خود می لرزیدم به خدا سوگند همین که از خندق عبور کردم چنان گرم شدم که گویا در حمام بودم، چون در میان قریش وارد شدم خیمه بزرگی دیدم به سمت آن رفتم دیدم که آتشی روشن است که گاهی پر نور می شود و گاهی کم نور می گردد و اوسفیان در داخل آن بود که خصیته هایش را در کنار آتش آویزان کرده بود و از شدت سرما بر خود می لرزید و می گفت: ای قریش اگر به گمان محمد ما با اهل آسمان جنگ می کنیم ما طاقت جنگ با اهل آسمان را نداریم و اگر با اهل زمین جنگ می کنیم توان روبرو شدن با آنها را داریم و سپس گفت: هر یک از کنار دست خود حالی بپرسد تا جاسوس محمد در میان ما نباشد

حذیفه گوید: من پیشدستی کرده و به کسی که در سمت راست من بود گفتم: تو کیستی؟

گفت: عمرو بن عاص هستم و سپس به کسی که در سمت چپ من بود رو کرده و گفتم: تو کیستی؟ گفت: من معاویه هستم. و من برای آن پیشدستی کردم که کسی از من اسسم را نبرد پس اوسفیان سوار شترش شد که پای آن را بسته بود و اگر رسول خدا ﷺ به من فرموده بود که کاری مکن تا برگردی می توانستم او را بکشم.

اوسفیان به خالد بن ولید گفت: ای ایاسلیمان به ناچار من و تو باید برای محافظت از ضعیفان بایستیم و سپس گفت: بارها را ببندید و رو به فرار گذاشتند. هنگامی که صبح شد رسول خدا ﷺ به اصحابش فرمود: از جایتان حرکت نکنید ولی چون خورشید طلوع کرد وارد مدینه شدند و عده کمی با آن

حضرت ماندند. ابن فرقد کنانی تیری به سوی سعد بن معاذ انداخت و رگ دستش را قطع نمود و خون زیادی از آن رفت، سعد با دست خویش رگ دستش را گرفت و گفت: پروردگارا اگر از جنگ قریش باقی مانده، مرا برای جنگ کردن نگهدار که من جنگ کردن با کسی که با خدا و رسولش به جنگ بپردازد را دوست دارم و اگر جنگ قریش با رسول خدا ﷺ به پایان رسیده پس همین زخم را سبب شهادت من قرار بده و مرا نمیران تا دیده مرا به کشتن بنی قریظه روشن گردانی، پس خون ایستاد و دستش ورم کرد. رسول خدا ﷺ برای او در مسجد خیمه‌ای بر پا کرد و خود به پرستاری او می پرداخت که خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ﴾ یعنی بنی قریظه که مکر و حيله کردند و اصحاب رسول خدا ﷺ را ترساندند.

﴿وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ - تَا - إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾ آنها کسانی بودند که به رسول خدا ﷺ گفتند: به ما اجازه بدهید تا به خانه‌هایمان که در اطراف مدینه است برگردیم می‌ترسیم که یهود به آنها حمله کنند و خداوند این آیه را درباره آنها نازل فرمود: ﴿إِنْ يَبْئُوتَنَا عَوْرَةً وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا - تَا - وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ این آیات درباره فلانی نازل شده که به عبد الرحمن بن عوف گفت محمد را به قریش تحویل دهیم و ما به قوم خویش ملحق گردیم.

خداوند مومنین راستین را توصیف کرده به آن چیزی که از مصیبت و سختی در جنگ خندق به آنها می‌رسد و می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ إِلَّا بِلَهَائِهِمْ﴾ یعنی آن بلاها و

سختی و قریب بر ایمانشان افزود.<sup>۱</sup>

ابی الحارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه «مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» فرمودند: یعنی ابداً فرار نمی‌کند «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» یعنی اجل او رسیده که مراد حمزه و جعفر بن ابی طالب می‌باشد، «وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» یعنی حضرت علی علیه السلام که منتظر اجلش است.<sup>۲</sup>

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِفَيْضِهِمْ لَمْ يَأْلُوا خَيْرًا وَكَفَىٰ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ  
وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (۲۵)

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَافِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ  
الرُّعْبَ فِرْقًا تَفْتَلُونَ وَتَأْسُرُونَ فَرِيقًا (۲۶)  
وَأَوْزَنَكُمْ أَرْصَهُمْ وَدَبَّارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْصَالَهُمْ تَطْلُوها وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ  
شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۷)

۲۵ - و خداوند کافران را (در جنگ احزاب) با دلی بر از حشم نار گرداند.  
بدون آنکه از کار خود نتیجه‌ای گرفته باشد، و خداوند مومنان را از جنگ  
کفایت نمود، و خداوند توانا و مقتدر است.

۲۶ - و خداوند گروهی از اهل کتاب (یهودان) را که از آنها (مشرکان)  
حمایت می‌کردند از حصار و قلعه‌هایشان پانس آورد، و در دلشان ترس و  
وحشت افکند (تا جایی که) گروهی از آنها را به قتل رسانیده و گروهی را

۱ بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۲۱۶ تا ص ۲۲۲، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۰؛ نور الثقیف، ج ۴، ص ۲۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۲۶  
۲ بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۲۲۲ و ج ۲۲، ص ۲۷۷ و ج ۲۵، ص ۴۰۹؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۴۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱

اسیر می کردید.

۲۷- شما را وارث زمین و خانه ها و اموال آنها قرار داد، و نیز سرزمینی را

که هرگز بر آن قدم نگذاشته بودید، و خداوند بر هر چیز تواناست

### غزوة بنی قریظه

﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْثِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ﴾ که

مراد علی بن ابی طالب علیه السلام است.<sup>۱</sup>

و این آیه ﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَاحِبِهِمْ وَقَدْ فَعَلُوا فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبَ فِرْقًا تَفْتَلْتُونَ وَنَلْسِرُونَ فَرِيقًا وَأَوْزَكُمُ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ این دو آیه درباره بنی قریظه نازل شده است.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از خندق برگشت و وارد مدینه شد و خواست که حمام کند جبرئیل او را ندا داد و گفت، آهنگ جنگ را کنار گذاشته ای به خدا سوگند ملائکه هنوز شمشیرهای جنگ را کنار نگذاشته اند، خداوند به تو امر می کند نماز عصر را نخوانده حرکت کنی و آن را در بنی قریظه بخوانی، من نیز در پیشاپیش شما حرکت می کنم و تا قلعه آنها جلو رفته و رعب و وحشت در میان آنها می اندازم، پیامبر صلی الله علیه و آله در حمراء الاسد حارثه بن نعمان را دید و به او فرمود: ای حارثه چه خبر تازه ای داری؟

گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله پدر و مادرم فدایتان باد، نحیه کلبی در میان مردم ندا می کند که کسی نماز عصر را نخواند مگر در بنی قریظه.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او نحیه کلبی نیست جبرئیل می باشد، علی را به نزد من

بیاورید چون حضرت علی علیه السلام آمد به او فرمود: ای علی به مردم بگو نماز عصر را در بنی قریظه می خوانیم. حضرت علی علیه السلام آمد و هرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله را برای مردم گفت، آنها نیز به سوی بنی قریظه حرکت کردند و علی علیه السلام در حالی که پرچم بزرگی در دستشان بود همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمد.

### شهادت سعد بن معاذ

هنگامی که قریش شکست خورده و فرار کردند حی بن اخطب آمده و داخل قلعه بنی قریظه شد. امیرالمومنین علی علیه السلام قلعه را محاصره نمود کعب بن اسید از بالای قلعه به مسلمانان و رسول خدا صلی الله علیه و آله ناسزا می گفت که پیامبر سوار بر الاغی آمد، علی علیه السلام جلو تر رفته و عرض کرد: ای رسول خدا که پدر و مادرم فدای شما باد نزدیک قلعه نشوید.

پیامبر فرمودند: ای علی شاید که به من ناسزا بگویند، آنها هنگامی که مرا ببینند خداوند ذلیلشان می کند، آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک قلعه رفته و یهودیان را مورد خطاب نموده و فرمودند: ای برادران میمون و خوک و سندگان طاغوت آیا به من ناسزا می گوئید، زمانی که مادر نزدیکی قومی برای جنگی فرود می آییم روزگارشان را سیاه می کنیم.

کعب بن اسید از بالای قلعه گفت: ای ابوالقاسم به خدا سوگند شما شخص نادانی نبودید. رسول خدا صلی الله علیه و آله حیا نمود بطوری که از گفته او عبا از دوش آن حضرت افتاد.

در اطراف قلعه درختان خرماي زیادی قرار داشتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست به آنها اشاره کرده از هم دور شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله لشکرش را در

اطراف قلعه قرار دادند و سه روز آنجا را محاصره کردند که کسی به مدت سه روز از حال آنها خبر نداشت که بعد از این مدت غزال بن شمول از قلعه بیرون آمد و گفت: ای محمد آنچه به برادرانمان بنی نضیر داده‌ای به ما نیز اعطا کن، خونمان در امان باشد و درختان خرما و سرزمین و آنچه که در آن داریم همه برای شما باشد.

پیامبر ﷺ فرمود: نه مگر آنکه زیر بار حکم من بروید.

غزال برگشت و چند روزی نیز در محاصره بودند که صدای گریه زنان و بچه‌ها بلند شد و به شدت بی‌تابی می‌کردند، چون محاصره شدن در قلعه بر آنها سخت شد به ناچار زیر بار حکم رسول خدا ﷺ رفتند. پیامبر دستور دادند که دستهای مردان را که هفصد نفر بودند را از پشت بستند و به زنان دستور دادند که در کناری بایستند. بزرگان اوس به رسول خدا گفتند: ای رسول خدا هم پیمانان و دوستان ما در جاهای زیادی ما را بر خزرچ یاری کرده‌اند ما کمتر از عبد الله بن ابی نیستیم که هفتصد نفر مرد جنگی با سیصد نفر غیر جنگی را به او بخشیدید، اینها را نیز به ما ببخش.

چون اصرار زیاد کردند پیامبر ﷺ به آنها فرمودند: آیا راضی می‌شوید که حکمیت را به مردی از خودتان وا بگذاریم؟

گفتند: بله! او کیست؟

فرمود: سعد بن معاذ.

گفتند: ما به حکمیت او راضی هستیم.

پس تمام مردم قبیله اوس که حضور داشتند پیرامون سعد جمع شده گفتند: ای ابا عمرو از خدا بترس و بدوستانت نیکویی کن و حکم عادلانه‌ای بنما که آنها ما را در جاهای زیادی یاری کرده‌اند.

چون بر او فشار آوردند و گفتند که از سرزنش ناسزاگویان نترس. زنان و بچه‌های بنی قریظه در اطراف سعد گریه می‌کردند، چون آرام شدند سعد به آنها گفت: ای طایفه یهود آیا به حکمی که من بدهم راضی هستید؟ تمام گفتند ما راضی بحکم تو هستیم و لکن انتظار حسن نظر را از جانب تو داریم پس از آنکه برای بار دوم رضایت یهود را درباره حکمت خود گرفت و جواب مثبت شنید با کمال ادب و احترام رو به جانب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نموده و عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد ای رسول خدا چه دستور می‌فرمایید؟

فرمود: ای سعد تو میان من و یهود هر حکمی بنمایی قبول دارم. سعد گفت. ای رسول خدا رای من این است که مردهای یهود را کشته و زنان و بچه‌ها را به اسارت بگیرید و اموالشان را بین مهاجر و انصار قسمت کنید.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بلند شد و فرمود. بخدا قسم حکمی کردی که خداوند در عرش هم بهمین طریق حکم فرموده است.

بعد از حکم سعد زخمی که او در جنگ خندق برداشته بود باز شد و شروع به خون ریزی کرد تا اینکه به شهادت رسید. اسیران را به مدینه بردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور دادند که گودالی در یکی از گوشه‌های بقیع کنده و مردان یهود را در آن گردن بزنند. حی بن اخطب به کعب بن اسید گفت: می‌بینی محمد چه بر سر ما می‌آورد. کعب گفت: بردبار و صبور باش و در دین خود ثابت و استوار بمان.

کعب ابن اسید در حالی که دستهایش را به گردنش بسته بود آمد، همین که رسول خدا صلی الله علیه و آله نظرش به وی افتاد، فرمود: ای کعب آیا «وصیت ابن الحواس» آن خاخام هوشیار که از شام نزد شما آمده بود سودی به حالت نبخشید؟ با



اینکه او وقتی نزد شما آمد گفت من از عیش و نوش و زندگی قراخ شام صرف نظر کردم، و به این سرزمین احمو که غیر از چند دانه خرما چیزی ندارد آمده‌ام، و به آن قناعت کرده‌ام، برای اینکه به دیدار پیغمبری نایل شوم که در مکه معوث می‌شود، و بدین سرزمین مهاجرت می‌کند، پیغمبری است که با پاره‌ای نان و خرما قانع است، و به الاغ بی پالان سوار می‌شود، و در چشمش سرخی، و در بین دو شانه‌اش مهر نبوت است، شمشیرش را به شانه‌اش می‌گیرد، و هیچ باکی از احدی از شما ندارد، سلطنتش تا جایی که سواره و پیاده از پا در آیند گسترش می‌یابد!

کعب گفت: چرا ای محمد همه اینها که گفتی درست است، ولی چه کنم که از سرزنش یهود پروا داشته‌م، ترسیدم بگویند کعب از کشته شدن ترسید، و گرنه به تو ایمان می‌آوردم، و تصدیقت می‌کردم، ولی من چون عمری به دین یهود بودم و به همین دین زندگی کردم، بهتر است به همان دین نیز بمریم.

رسول خدا ﷺ فرمود: بیایید گردنش را بزنید، مأمورین آمدند، و گردنش را زدند.

سپس حی بن اخطب جلو آمد رسول خدا ﷺ به او فرمود، ای فاسق، کار خداوند با خودت را چگونه دیدی؟

گفت ای محمد به خدا سوگند خودم را در دشمنی با تو شماتت نمی‌کنم، به تحقیق به اندازه خود در دشمنی با تو حرکت کردم و در حد توان خویش کوشش نمودم و لکن این خداست که کسی را خوار و ذلیل می‌کند و به هر کسی هم بخواهد عزت می‌بخشد، سپس در حالی که به سوی کشته شدن می‌رفت می‌گفت:

لعمرك ما لام ابن اخطب نفسه و لکنه من یخذل الله یخذل

یعنی: به جان تو سوگند که پسر اخطاب خودش را ملامت نمی‌کند و لکن خداوند هر کسی را که بخواهد حوار و ذلیل می‌کند.

سپس حلوتر رفته و گردش را زدند و یهودیان بنی قریظه را در مدت سه روز در سردی صبح و شام اعدام کرد و مکرر می‌فرمود: اب گوارا به ایشان بچشانید و غذای پاکیزه به ایشان بدهید، و با اسیرانشان نیکی کنید، تا آنکه همه را به قتل رسانید و این آیه نازل شد: ﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِبِهِمْ﴾ یعنی از قلعه‌هایشان

﴿وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ - تَا - وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ و در دلشان ترس و وحشت افکند (تا جایی که) گروهی از آنها را به قتل رسانیده و گروهی را اسیر می‌کردید شما را وارث زمین و خانه‌ها و اموال آنها قرار داد، و نیز سرزمینی را که هرگز بر آن قدم نگذاشته بودید، و خداوند بر هر چیز تواناست.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكِ إِن كُنَّ تُرِيدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّهَا فَمَعْلُومٌ  
أَمْتَعَكُنَّ وَأَسْرَحَكُنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا (۲۸)

وَإِن كُنَّ يُرِيدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ  
آخِرًا عَظِيمًا (۲۹)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ يُصَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ صِغْفَرِينَ  
وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

وَمَنْ يَفْعَلْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُورِبْهَا أَجْرُهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا  
لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

۲۸- ای پیامبر نه همسرانت مگو اگر شما زندگانی دنیا و رزق و رست آن را می‌خواهید، بیاید مهر شما را پرداخته و شما را به سگی و حویلی ره سارم  
 ۲۹- و اگر خداوند و رسول او و سرای آخرت را می‌خواهید، همانا خداوند برای میکوکاران شما پاداش بزرگی را آماده کرده است

۳۰- ای همسران پیامبر، هر کدام از شما مرتکب عمل فاحشه اشکاری شود، عذاب او دو برابر (از دیگران) است، و این کار بر خداوند آسان است  
 ۳۱- و هر کدام از شما برای خداوند و رسولش حضور کند، و عمل صالحی انجام دهد، پاداش او دو برابر (دیگران) است، و برای او روزی پرارزشی آماده کرده‌ایم.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً ۖ وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً﴾

سبب نزول آیه این بود که چون رسول خدا ﷺ از جنگ خیبر برگشت، و در آن جنگ گنجینه‌های آل ابی‌الحقین نصیب مسلمانان شد، همسرانش به آن جناب عرضه داشتند این گنجینه‌ها را به ما بده.

حضرتش فرمود: بر طبق دستور خدای تعالی در بین همه مسلمانان تقسیم کردم.

همسران از وی در خشم شدند و گفتند: تو چنان گمان کرده‌ای که اگر ما را طلاق دهی دیگر در همه قاصیل ما یک همسر هم کفو پیدا نمی‌شود که ما را بگیرد؟

خداوند متعال از این سخن ایشان برای رسول گرامی‌اش غیرت کرد، و به آن جناب دستور داد از ایشان کناره‌گیری کند. رسول خدا ﷺ بیست و نه

روز از ایشان کناره‌گیری نموده و در مشربه ام ابراهیم منزل گردید، تا آن که یک نوبت حیض دیدند، و پاک شدند، آن گاه آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزُوجِكَ - تا - أَجْرًا عَظِيمًا» را فرستاد، که در آن همسران رسول خدا ﷺ را محیر بین باقی ماندن بر همسری آن جناب، و بین طلاق گرفتن کرده بود

و اولین کسی که در بین همسران برخاست ام سلمه بود، عرضه داشت، من خدا و رسول را اختیار می‌کنم، دنبال او سایر همسران یکی یکی برخاستند، و با رسول خدا ﷺ از در آشتی معانقه کردند، و کلام ام سلمه را گفتند و خداوند این آیه را نازل فرمود: «تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تُؤَيِّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْنَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا»<sup>۱</sup> نوبت هر کدام از آنان را که بخواهی تأخیر می‌اندازی و هر کدام را که بخواهی نزد خود جای می‌دهی، و هر کدام از آنان را که از او کناره گرفته باشی اگر نزد خود بطلبی بر تو گناهی نیست این برنامه‌ریزی آزادانه به خوشحال نمودنشان و اینکه اندوهگین نشوند و همگی به آنچه به آنان داده‌ای حشود شوند، نزدیک‌تر است و خدا آنچه را در دل‌های شماست می‌داند و خدا دانا و بر دبار است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس به زنی نزدیک شد، همان ازدواج اوست و هر کس از زنی دوری گزید همان طلاق است.<sup>۲</sup>

آیه «تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تُؤَيِّ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ - با این آیه - يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزُوجِكَ ...» یکی است که در هنگام تالیف موخر شده است.

۱ احزاب، آیه ۵۱

۲ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۳۱۰ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۸

خداوند زنان پیامبر را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ تِلْكَ نِهَايَةُ أَجْرِهَا مَرَّتَيْنِ وَاعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا﴾ ای همسران پیامبر، هر کدام از شما مرتکب عمل فاحشه‌اشکاری شود، عذاب او دو برابر (از دیگران) است، و این کار بر خداوند آسان است. و هر کدام از شما برای خداوند و رسولش خضوع کند، و عمل صالحی انجام دهد، پاداش او دو برابر (دیگران) است، و برای او روزی پرارزشی آماده کرده‌ایم.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر (علیه السلام) فرمود: ثواب آنها دو بار و عذابشان دو برابر است.

همه اینها در آخرت است که عذاب و ثواب در آنجا مورد محاسبه واقع می‌شود.<sup>۱</sup>

هریز گوید از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ سؤال کردم، فرمود: مراد از فاحشه خروج به وسیله شمشیر است.<sup>۲</sup>

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳)

وَأَذْكُرَنَّ مَا يَلْغِي فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۹

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۶۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۵۱

إِنَّ الْمُتَّصِفِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُتَّقَاتِ  
وَالصَّادِقِينَ وَ الصَّادِقَاتِ وَ الصَّابِرِينَ وَ الصَّابِرَاتِ وَ الْخَاشِعِينَ وَ الْخَاشِعَاتِ  
وَالْمُتَّصِفِينَ وَ الْمُتَّصِفَاتِ وَ الصَّائِمِينَ وَ الصَّائِمَاتِ وَ الْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ  
وَ الْحَافِظَاتِ وَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا  
عَظِيمًا (۳۵)

۳۳- (ای همسران پیامبر) در خانه هایتان بنایید، و مانند دوره جاهلیت  
بحسین طاهر تشوید (خود آرایی نکنید)، و نمار به پا دارید، و رکات  
بپردازید، و از امر خدا و رسولش اطاعت کنید همانا خداوند می خواهد که  
هر پیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه نماید.  
۳۴- و از آنچه که از آیات الهی و حکمت در خانه های شما خوانده می شود  
یاد کنید، همانا خداوند لطیف و خبیر است.

۳۵- همانا مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان ما ایمان، و مردان و زنان  
مطیع فرمان خدا، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان صابر، و مردان و  
زنان خاشع، و مردان و زنان انفاق کننده، و مردان و زنان رورده دار، و مردان  
و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا را می کنند، خداوند برای  
همه آنها معرفت و پاداشی بزرگ آماده ساخته است.

طلحه بن زید از امام صادق علیه السلام از پدرش روایت می کند که درباره آیه  
﴿وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ فرمود: بزودی بعد از جاهلیت اول  
جاهلیت دومی به پیش می آید.<sup>۱</sup>

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ  
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ فرمود: این آیه در شأن

رسول اکرم ﷺ و علی ابن ابیطالب و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است که روزی پیغمبر اکرم ﷺ در خانه ام سلمه تشریف داشتند و علی و زهرا و حسن و حسین علیهم السلام را پیش خویش خواند و سپس تمام آنها را با خود در زیر عبای خیبری قرار داد و این دعا را خواند: «اللهم هؤلاء أهل بيتي الذين وعدتني فيهم ما وعدتني اللهم أذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا؛ خداوندا اینها اهل بیت من هستند که درباره آنها بمن وعده فرموده‌ای، خداوندا پلیدی و رجس را از ایشان دور فرما و آنها را پاک و پاکیزه گردان.»

ام سلمه که دعای پیغمبر اکرم ﷺ را شنید عرض کرد: ای رسول خدا آیا من هم جزء اهل بیت محسوب می‌شوم؟

فرمودند: خیر تو از اهل بیت نیستی ولی بتو مژده می‌دهم که اهل بهشتی. ابی‌جارود روایت کرده که زید فرزند امام زین العابدین علیهما السلام گفت: پدرم به من فرمود: بعضی از مردم جاهل و نادان چنین تصور کرده‌اند که مراد از اهل بیت زنهای پیغمبر ﷺ می‌باشند بخدا قسم هر کس چنین خیال کند گناهکار است و دروغ گفته زیرا اگر مقصود زنهای آن حضرت بودند بجای کلمه «عنکم الرجس» باید «عنکن الرجس» و بجای «یطهرکم» باید «یطهرکن» استعمال می‌شد چنانچه در آیات گذشته همینطور بوده و در آیه «وَأَذْكُرَنَّ مَا يُلْقِي فِي يُوبِكُنَّ» ضمیر تانیث آورده ببابر این آیه تطهیر ویژه پنج تن طیبه نازل شده و زنهای پیغمبر مشمول این آیه نمی‌باشند.<sup>۱</sup>

### نازل شدن آیه تطهیر

علی بن ابراهیم گوید: سپس مخاطب واقع شدن زنان پیامبر ﷺ قطع شده

و اهل بیت رسول خدا ﷺ مورد خطاب واقع شده و که می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» همانا خداوند می خواهد که هر پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه نماید سپس بر زنان پیامبر ﷺ عطف نموده و می فرماید: «وَأَذْكُرَنَّ مَا يَتْلُو فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا» و از آنچه که از آیات الهی و حکمت در خانه های شما خوانده می شود یاد کنید، همانا خداوند لطیف و خبیر است.

و سپس بر علی و آل محمد عطف کرده و می فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ - تا - أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» همانا مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان مطیع فرمان خدا، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان صابر، و مردان و زنان خاشع، و مردان و زنان انفاق کننده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که بسیار خدا را یاد می کنند، خداوند برای همه آنها مغفرت و پاداشی بزرگ آماده ساخته است.<sup>۱</sup>

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (۳۶)  
وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُنْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي



أَزْوَاجٍ أَذْعَيْنَاهُمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

۳۶- و هیچ مرد و زن مؤمنی هنگامی که خداوند و رسولش امری را لازم بدانند حق ندارد اختیاری داشته باشد، و هر کس خداوند و رسولش را نافرمانی کند، به تحقیق در گمراهی آشکاری است

۳۷- و (بیاد بیاور) هنگامی را که خداوند به آن کس نعمت داده بود و تو بیز به او نعمت داده بودی می گفتی: همسرت را نگهدار و از خداوند بپرهیز، و در دلت چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند، و از مردم می ترسیدی و در حالی که خداوند سراواتر بود که از او ترسی پس هنگامی که زید نیارش را از آن زن برطرف کرد (و طلاقش داد)، ما او را به ازدواج تو در آوردیم تا برای مؤمنان ازدواج با همسر پسر خوانده هایشان هنگامی که طلاق بگیرد نداشته باشد، و مردان خدا انجام شدی است

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مِؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾ فرمودند: سبب نزول آیه این بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله زینب دختر جحش اسدی از قبیله بنی اسد بن خزیمه که دختر عمه آن حضرت بود را برای زید بن حارثه خواستگاری کرد، زینب گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله به من مهلت دهید تا مشورتی بکنم که این آیه نازل شد: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مِؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ و برای هیچ مرد و زن مؤمنی هنگامی که خداوند و رسولش امری را لازم بدانند حق ندارد اختیاری داشته باشد.

زینب بعد از نزول این آیه گفت: ای رسول خدا امر و اختیار من به دست شماست، و راضی به همسری زید شد و حضرت او را به عقد زید درآورد، زینب مدتی در عقد زید بود تا آنکه روزی آنها با یکدیگر در امری از امور نزاع

کردند و به خدمت حضرت محمد ﷺ آمدند و چون نظر حضرت به زینب افتاد از حس او تعجب کرد، زید گفت: ای رسول خدا به من اذن ده تا زینب را طلاق دهم بواسطه آنکه او با من تکبر می کند و همیشه مرا با زبان می رنجاند رسول خدا ﷺ فرمود: از خداوند بترس او را نگهدار و با او می‌گویی کن اما زید او را طلاق داد و وقتی عده طلاق او تمام شد خداوند درباره ازدواج او با پیامبر آیه نازل کرده و فرمود: ﴿فَلَمَّا قُضِيَ زَيْدُ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاهَا﴾ پس هنگامی که زید نیازش را از آن زن برطرف کرد (و طلاقش داد)، ما او را به ازدواج تو در آوریم.<sup>۱</sup>

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً (۴۰)

۴۰ - محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نیست، و لکن رسول خدا و خاتم پیامبران است، و خداوند به همه چیز آگاه است

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ﴾

این آیه درباره زید بن حارثه نازل شده است، قریش گفتند که محمد بر ما ایراد می‌گیرد که نمی‌توانید زن پسران را بگیرید اما خودش زن زید را به عقد خود در آورد که خداوند فرمود: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ﴾ یعنی در آن روز؛ می‌فرماید: محمد پدر زید نبود.

﴿وَخَاتَمُ النَّبِيِّينَ﴾ یعنی هیچ پیامبری بعد از محمد ﷺ نیست.<sup>۲</sup>

۱ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۶، نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۸۰، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۸۶

۲ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۱۸، نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۸۳، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۸۹

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِيراً (۴۵)  
 وَ دَاعِياً إِلَى اللَّهِ بِآذِنِهِ وَ سِرَاجاً مُنِيراً (۴۶)  
 وَ بُشْرٍ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ فُضْلٌ كَبِيرٌ (۴۷)  
 وَ لَا تَطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ الْمُتَافِقِينَ وَ دَعَا أَهْلَهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ  
 وَكِيلاً (۴۸)

۴۵- ای پیامبر همانا ما تو را گواه، بشارت دهنده و انداز کننده فرستادیم.  
 ۴۶- و تو را دعوت کننده به سوی خداوند به اذن او قرار دادیم، (و اینکه تو)  
 چراغ روشنی بخش (هستی)  
 ۴۷- و مؤمنان را بشارت بده که همانا از جانب خداوند برای آنها فضل  
 بزرگی است.

۴۸- از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزار و اذیت آنها اعتنائی مکن، و  
 بر خداوند توکل کن، برای تو همین سر که خداوند حامی توست  
 ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِيراً وَ دَاعِياً إِلَى اللَّهِ بِآذِنِهِ وَ سِرَاجاً مُنِيراً  
 - تا- وَ دَعَا أَهْلَهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً﴾ این آیات در مکه پنج سال  
 قبل از هجرت نازل شده است و این دلیل است که کتابت قرآن طبق نزول آن  
 نمی باشد.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَخْلَقْنَا لَكَ أَرْوَاحَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُودَهُمْ وَ مَا مَلَكَتْ  
 يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ بَنَاتٍ عَمَّكَ وَ بَنَاتٍ عَمَّاتِكَ وَ بَنَاتٍ خَالَاتِكَ  
 وَ بَنَاتٍ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَ امْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ  
 إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا

فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ هِيَ أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونُ عَلَيْكَ حَرْجٌ  
وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا (۵۰)

۵۰- ای پیامبر ما همسرانی را که تهرشان را داده‌ای بر تو حلال کردیم. و  
بر کسانی را که به وسیله عیبت حدیده بر محشده اسب را مالک شده‌ای،  
و دختران صمویت، و دختران عَمّه‌ها، و دختران دانی، و دختران حاله‌ها که  
مانو هجرت کردند، و بیرون مؤمن‌های که خود را به پیامبر محشیده که اگر  
پیامبر بخواهد آنها را به همسری خود برگزید، که اینگونه اردوح  
مخصوص توست (برای تو حلال است) به دیگر مؤمنان، به تحقیق می‌دانیم  
که برای همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر کرده‌ایم. این به خاطر آن  
است که رحمتی برای تو باشد، و خداوند آمرزنده و مهربان است

خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّ  
أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أَجُوزَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِنْ أَفْءِ اللَّهِ  
عَلَيْكَ﴾ یعنی از غنیمت.

﴿وَبَنَاتِ عَمَّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ - تا - وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ﴾  
سبب نزول آیه آن بود که زنی از انصار خود را با کمال آراستگی زینت و  
آرایش کرده خدمت پیغمبر اکرم ﷺ شرفیاب شده خود را بر آن حضرت  
عرضه داشت و گفت: ای رسول گرامی من خود را بتو بخشیدم اگر بمن میل و  
عنایت داشته باشید در اختیار شما هستم.

عایشه به زن مزبور اعتراض کرد و گفت: خداوند تو را زشت گرداند که  
چنین خود را به مردان عرضه می‌داری.

پیغمبر اکرم ﷺ به عایشه فرمود: ساکت باش که این زن زاهده است  
خداوند طایفه انصار را رحمت فرماید، مردان ایشان مرا یاری نموده و زنهای

آنها بمن محبت و عاطفه بخرج می دهند، و به آن زن فرمود: برگرد من منتظر و حی می شوم که خداوند این ایه را نازل کرد: ﴿وَأَمْرَآةٌ مُّؤْمِنَةٌ إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَكْبَحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ یعنی هبه جز برای رسول خدا ﷺ حلال نیست.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَظِيرٍ مِنْهُنَّ وَلَٰكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْصَرِفُوا وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْبُرُوقِ أَنْ يَتَحَفَّظَ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُتَحَكَّمُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (۵۳)

إِنْ تَشَاءُوا شَيْئًا أَوْ تُخَفُّوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۵۴)  
لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَسْوَافِ إِيَّاهُنَّ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۵۵)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۵۶)

۵۳- ای کسانی که ایمان آورده اید به خانمهای پیامبر وارد نشوید مگر آنکه برای خوردن غذا به شما اجازه داده شود، در حالی که به انتظار وقت غذا نشیید (رودتر از موعد مقرر بنشیند)، و لکن هنگامی که دعوت شدید

۱ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۵، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۶، نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۹۲، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۹۵

وارد شوید. و چون غذا خوردند دروید، و برای گفتگو نشستند، که این عمل شما پیامبر را آزار می‌دهد، و او از شما شرم می‌کند، و بی‌حداوند از گفتن حق شرم ندارد. و هنگامی که چیری از زبان پیامبر می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، که به وسیله این عمل دل‌های شما و آنها پاکیزه می‌ماند، و شما باید رسول خدا را ادیت و آزار دهید، و هرگز نباید بعد از او (وفات پیامبر) یا همسرانش ازدواج کنید، همانا که این کار شما درد خداوند بسیار بزرگ است.

۵۴- اگر چیری را آشکار کنید یا پنهان نمائید، همانا خداوند به همه چیز دانا است.

۵۵- و بر زبان گاهی نیست که بر پدران و فرزندان و بر دران و بر درازگان و خواهرزادگان و زبان مسلمان و بردگان خود (بدون پرده تماس بگیرند)، (ای زبان) از خداوند پرهیزید، همانا که خداوند بر هر چیری گواه و آگاه است.

۵۶- همانا خداوند و مرشکانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و سلام و تحیت بگویند و تسلیم فرمان او باشید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَظِيرِينَ إِنَاءَهُ﴾

سبب نزول آیه این بود که چون رسول خدا ﷺ با زینب دختر جحش ازدواج کرد، و او را دوست می‌داشت، پس ولیمه‌ای درست کرد و اصحابش را به آن ولیمه دعوت کرد، و اصحاب بعد از خوردن غذا دوست می‌داشتند بنشینند، و با هم گفتگو کنند، و آن جناب دلش می‌خواست میهمانان خانه را

برای او و همسرش خلوت کنند، پس خدای عز و جل این آیه را فرستاد که ای کسانی که ایمان آورده‌اید! داخل خانه‌های رسول نشوید، مگر بعد از آنکه به شما اجازه داده شود، چون قبلاً بدون اجازه هم داخل می‌شدند، و این آیه این کار آنها را منع کرد.<sup>۱</sup>

﴿وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾ علت نزول آیه این بود که وقتی خداوند آیه ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَرْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾<sup>۲</sup> نازل فرمود و زنان پیامبر ﷺ را بر مسلمانان حرام نمود طلعه خشمگین شد و گفت: محمد زناش را بر ما حرام می‌کند و خود زنان ما را می‌گیرد که اگر خداوند محمد را بمیراند من اینچنین و آن چنین می‌کنم که خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾<sup>۳</sup> **اِنْ تُبْذَوْا شَيْئًا أَوْ تُخَفَّوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا** و شما نباید رسول خدا را اذیت و آزار دهید، و هرگز نباید بعد از (وفات پیامبر) او با همسرانش ازدواج کنید، همانا که این کار شما نزد خداوند بسیار بزرگ است. اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان نمائید، همانا خداوند به همه چیز دانا است.<sup>۳</sup>

سپس به گروهی معروف اجازه دخول بدون اذن را داده و می‌فرماید: ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ - تَا - إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ و بر زنان گناهی نیست که بر پدران و فرزندان و برادران و برادرزادگان و خواهر زادگان و زنان مسلمان و بردگان خود (بدون پرده تماس بگیرند)، (ای زنان) از خداوند بپرهیزید، همانا که خداوند بر

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۹۹؛ نورالتقلین، ج ۴، ص ۲۹۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۶۰

۲. احزاب، آیه ۶

۳. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۶۱؛ نورالتقلین، ج ۴، ص ۲۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۰۲

هر چیزی گواه و آگاه است.

سپس آن فضائی را که خداوند به پیامبرش عنایت فرموده را ذکر کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ یعنی صلوات خداوند برای تزکیه و ثنای اوست، و صلوات ملائکه مدح و ستایش رسول خداست، و صلوات مردم دعای آنها برای آن حضرت و تصدیق و اقرار به فضل اوست.

﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ یعنی تسلیم ولایت پیامبر و بر آنچه که آورده باشید<sup>۱</sup>

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا (۵۷)

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا (۵۸)

۵۷- همانا کسانی که خدا و رسولش را ادبیت و آزار می‌کند، لعنت خداوند در دنیا و آخرت بر آنها باد (خداوند آنها را از رحمت خود دور گرداند)، و برای آنها عذابی خوار کننده آماده ساخته است

۵۸- و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون هیچ گناهی آزار می‌دهند نار نهمت و گناه آشکاری را برداشته‌اند

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾

این آیه درباره کسی که حق امیرالمومنین علی علیه السلام را غصب نموده و حق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را گرفته و آن بزرگوار را انیت و آزار کرده نازل



شده است.

که رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس قاطمه را در زمان حیات من آزار دهد مانند این است که او را بعد از مرگ من آزار و انیت کرده است و هر کس او را بعد از وفات من انیت کند مانند این است که او را در زمان من انیت و آزار نموده است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده است و هر کس مرا آزار دهد همانا خداوند را آزار داده است و آن قول الهی است که می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...﴾<sup>۱</sup>

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ یعنی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام.

﴿بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بدون هیچ گناهی آزار می دهند بار تهمت و گناه آشکاری را برداشته اند.

این حکم درباره همه مردم جاری است.<sup>۲</sup>

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُتْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُفْرَقَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۵۹)

۵۹- ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمنین بگو خودشان را با جلباب (چادر و روسری های بلند) بپوشانند. این کار برای اینکه شحاته نشوند و مورد تعرض و جسارت (هوس رانان) قرار نگیرند بهتر است. و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱ بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۶۶؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۰۵

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۰۵

## آیه حجاب

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ

جَلَابِيبِهِنَّ﴾<sup>۶۰</sup>

سبب نزول این آیه چنین بود، که زنان از خانه بیرون رفتند تا به مسجد بروند، و پشت سر رسول خدا ﷺ نماز بخوانند، و چون شب می شد، و زنان برای نماز مغرب و عشاء بیرون می آمدند، جوانان سر راه آنان می نشستند، و متعرض ایشان می شدند، خدای تعالی این آیه را نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ - تا - ذَلِكَ أَذْنِي أَنْ يُعْرِضْنَ فَلَا يُوَدِّعْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾ ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مومنین بگو: خودشان را با چادر و روسری های بلند بپوشانند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد تعرض و جسارت هوس رانان قرار نگیرند بهتر است، و خداوند آمرزنده و مهربان است.<sup>۱</sup>

لَيْسَ لَمْ يَسْتِغْنِ الْغَنَاقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَ الْمُزْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ

لَتُغْرِبَنَّكُمْ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُخَاوِرُوكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰)

مَلْعُوبِينَ أَلَيْسَ أُنْفِقُوا أَخَذُوا وَقَتْلُوا تَقْتِيلًا (۶۱)

۶۰- اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی است که در مدینه

شایعات بی پایه و تبلیغات سوء می کنند نسبت از این کار خود بردارند، ما

هم تو را بر صد آنها بر می انگیزیم، سپس به جز مدت کمی نمی توانی در

کارتو در شهر باقی بماند.

۶۱- اگر همه جا رانده می شوی، هر جا که یافت شوی گرفته خواهد شد و

به سختی به قتل می‌رسد.

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُشَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ یعنی در قلبهایشان شک و تردید است.

﴿وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ﴾ این آیه در باره مردمی از منافقین نازل شد که در مدینه زندگی می‌کردند، و همواره به رسول خدا ﷺ زخم زبان می‌زدند، و چون آن جناب می‌خواست به جنگی برود، در بین مسلمانان شایعه می‌کردند که باز هم مرگ و اسیری، و مسلمانان اندوهناک می‌شدند، و نزد رسول خدا ﷺ شکایت می‌کردند، خداوند متعال در این آیه تا جمله ﴿الْأَقِيلَا﴾ به پیامبر دستور داد جز اندکی از ایشان همگی را از مدینه بیرون کند<sup>۱</sup> ﴿مَلْعُونَيْنِ أَيُّهَا النَّبِيُّ أَخْذُوا وَقْتَكُم مِّنْ أَهْلِ الْيَمِينِ﴾ از همه جا رانده می‌شوند، هر جا که یافت شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل می‌رسند.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای ﴿مَلْعُونَيْنِ﴾ فرمود: لعنت بر آنها واجب شد، خداوند بعد از لعنت می‌فرماید: هر کجا که دیده شدند بازخواست شده و کشته گردند.<sup>۲</sup>

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ (۶۶)

۶۶- در آن روز که صورتهای آنها در آتش دگرگون می‌گردد می‌گویند ای

کاش که ما از خدا و رسول اطاعت می‌کردیم.

﴿يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ﴾ کنایه از کسانی است که حق آل محمد ﷺ

۱- تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۱۵؛ نورالانوار، ج ۴، ص ۳۰۷

۲- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۷۰

را عصب نمودند.

﴿يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ یعنی ای کاش در مورد امیرالمومنین علی علیه السلام از خدا و رسولش اطاعت می کردیم.

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا السَّبِيلَ (۶۷)

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَتُهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (۶۸)

۶۷- و می گویند، پروردگارا همانا ما از سران و بزرگانمان اطاعت کردیم که ما را گمراه کردند.

۶۸- پروردگارا عذابشان را چند برابر کن، و آنها را به شدت مورد لعن

خودت قرار بده.

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا السَّبِيلَ﴾ که مراد آن دو نفر

هستند که یکی آقا و سید قومش و دیگری بزرگسال آنها بودند که شروع به ظلم و ستم در آل محمد علیهم السلام نمودند و حق آنها را غصب کردند.

﴿فَأَضَلُّنَا السَّبِيلَ﴾ یعنی ما را از مسیر بهشت گمراه کردند.

و مراد از «سبیل» امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد آن گاه می گویند: ﴿رَبَّنَا

آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَتُهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا﴾ پروردگارا عذابشان را چند برابر کن، و آنها را به شدت مورد لعن خودت قرار بده.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهًا (۶۹)

۶۹- ای کسانی که ایمان آورده اید، همانند کسانی نباشید که موسی را اذیت

و آزار نمودند، پس خداوند آنچه که درباره او می گفتند، میرا ساحت، که او

نزد خداوند آبرومند بود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهاً﴾ یعنی در نزد پروردگار دارای عزت و مقام است.

ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده، که فرمود: بنی اسرائیل می گفتند: آنچه مردان دارند موسی ندارد، و این تهمت از این نظر بهتر در دلها می نشست، که موسی همواره بدن خود را در محلی می نشست که کسی او را نبیند، این بود تا آنکه روزی موسی کنار نهري جامه خود را کند، و روی سنگی گذاشت، و مشغول شستشو شد، خداوند به سنگ فرمود: تا از موسی دور شود، و موسی مجبور شود به تعقیب آن برود و در نتیجه بنی اسرائیل همه عورت او را ببینند، و بدانند که آن سخن تهمت است، و همین طور هم شد، و فهمیدند آنچه می گفتند تهمت بوده، پس این آیه در این باره است که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ ...﴾<sup>۱</sup>.

معصوم علیه السلام می فرماید: خداوند می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره امیرالمومنین علی علیه السلام و ائمه علیهم السلام آزار و اذیت نکنید، همچنانکه حضرت موسی را اذیت کردند و خداوند او را از گفتار منافقین به دور نگه داشت.<sup>۲</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيداً (۷۰)

يُضْلِعْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ

۱ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۸۶؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۸؛ قصص الانبياء، ج ۱، ص ۲۱۷؛ نور الثقلين، ج ۴، ص ۳۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۱۶  
۲ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۲ و ج ۲۳، ص ۳۰۲؛ نور الثقلين، ج ۴، ص ۳۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۱۶

قَوْرًا عَظِيْمًا (۷۱)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَتَيْنَ أَنْ يُخَيِّبُنَهَا  
وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (۷۲)  
لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ  
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيْمًا (۷۳)

۷۰- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند بپرهیزید، و سحر حق و  
صحیح بگوئید

۷۱- تا خدا اعمال شما را اصلاح نماید، و گناهانتان را بپامرد و هر کس از  
خدا و رسولش اطاعت کند به تحقیق به رستگاری بزرگی نائل می‌گردد  
۷۲- همانا ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، از حمل  
آن خودداری کردند، و از آن ترسیدند، اما انسان حمل آن را پذیرفت، که  
انسان بسیار متکابر و نادان بود.

۷۳- (هدف از عرض امانت این بود) که خداوند مردان و زنان منافق، و  
مردان و زنان مشرک را عذاب کند، و خداوند رحمت خودش را بر مردان و  
زنان مؤمن بفرستد، که خداوند آمرزنده و مهربان است

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ سدید به معنای صحیح  
می‌باشد.

ابوبصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:  
﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ فی ولایة علی و الائمة علیهم السلام من بعده - فَقَدْ فَازَ قَوْرًا  
عَظِيْمًا یعنی هر کس در باره ولایت حضرت علی علیه السلام و ائمه بعد از آن  
حضرت از خداوند و رسول او اطاعت کند به رستگاری عظیمی می‌رسد.

به خدا سوگند این آیه اینچنین نازل شده است.<sup>۱</sup>

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا﴾

می فرماید: مراد از امانت، امامت و امر و نهی می باشد و دلیل بر اینکه مراد از امانت همان امامت است فرمایش خداوند درباره ائمه علیهم السلام می باشد که می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾<sup>۲</sup> یعنی امامت پس امانت همان امامت می باشد که بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه شد و آنها از حمل آن خودداری نمودند.

می فرماید: خودداری کردند بر اینکه به سوی امامت فرا بخوانند یا اینکه اهلس آن را به دست بگیرد ﴿وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾ یعنی فلانی آن را پذیرفت ﴿إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ \* لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ که انسان بسیار ستمکار و نادان بود. هدف از عرض امانت این بود که خداوند مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را عذاب کند، و خداوند رحمت خودش را بر مردان و زنان مؤمن بفرستد، که خداوند آمرزنده و مهربان است.<sup>۳</sup>

۱ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۷۲

۲ نساء، آیه ۵۸

۳ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۷۴، نورالتقلین، ج ۴، ص ۲۶۸، تفسیر مرقان، ج ۶، ص ۳۲۱





# تفسیر سورة سبا

۳۴ - سورة سبا در مکه نازل

شده و دارای ۵۴ آیه است.

مركز تحقيق و پژوهش اسلامي

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ  
وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱)

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجِعُ فِيهَا  
وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (۲)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِ الشَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ  
لَا يَنْفَعُ عَنْهُ إِثْقَالُ ذُرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْفَرُ مِنْ ذَلِكَ  
وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۳)

۱- حمد و سپاس از برای خداوند است که آنچه در آسمان ها و زمین است  
از برای اوست، و در آخرت نیز حمد و سپاس برای اوست، و او حکیم و  
آگاه است.

۲- (خداوند) آنچه را که بر زمین فرو می رود و آنچه را که از آن بیرون  
می آید را می داند، و آنچه که از آسمان نازل می شود و آنچه که از آن بالا  
می رود (نیز می داند)، و مهربان و آمرزنده است.

۳- و کافران گفتند قیامت به سوی ما نمی آید، بگو: بلی! به پروردگارم  
سوگند که به سراع شما خواهد آمد، (خداوند) عالم به غیب است، و به

مداره ذره‌ای در آسمانها و زمین را او پنهان نمی‌ماند، و نه کمتر از آن و نه

بیشتر از آن، مگر آنکه در کتاب مبین آمده است

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ \* يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ \* آنچه که در زمین فرو می‌رود و آنچه که از آسمان یعنی باران فرود می‌آید.

«وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا \* آنچه از نباتات و گیاهان از زمین می‌روید.

«وَمَا يَخْرُجُ فِيهَا \* یعنی از اعمال بندگان.

سپس خداوند گفتار مادیون را نقل کرده و می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ \* و کافران گفتند: قیامت به سوی ما نمی‌آید. بگو: بلی! به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، (خداوند) عالم به غیب است، و به اندازه ذره‌ای در آسمانها و زمین را او پنهان نمی‌ماند، و نه کمتر از آن و نه بیشتر از آن، مگر آنکه در کتاب مبین آمده است.<sup>۱</sup>

هشام از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: اول چیزی که خداوند آفرید قلم بود و به او فرمود: بنویس، پس آن هم آنچه از گذشت اتفاق افتاده بود و آنچه را که در آینده تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد را نوشت.<sup>۲</sup>

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يُهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۶)

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۲۴

۲. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۱۶؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۲۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۸۱؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۱۵

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُبْسِكُمْ إِذَا مَرَقْتُمْ كُلُّ مِرْقٍ إِنَّكُمْ لَعَمْرِي خَلْقٌ جَدِيدٌ (۷)

اَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا اَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (۸)

۶- و کسانی که به آنها علم داده شده می‌دانند آنچه که بر تو از جانب پروردگارت نازل شده حق است و به سوی راه خداوند صریح و حمید هدایت می‌کند.

۷- و کافران (به تمسخر) گفتند: آیا به مردی راهمائی کنیم که به شما خبر دهد که پس از آنکه مُردید و از هم متلاشی شدید دوباره افریشی تاره خواهید یافت؟

۸- آیا او به خدا دروغ می‌بندد یا به دیوانگی مبتلا گشته است؟ بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند (به خدا دروغ می‌بندند دیوانه هستند) و در عذاب و گمراهی دوری هستند.

﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ﴾ مراد از ضمیر «هو» امیرالمومنین علیه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و آنچه به آن حضرت نازل شده را تصدیق نمود، سپس خداوند گفتار زنداقه را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُبْسِكُمْ إِذَا مَرَقْتُمْ كُلُّ مِرْقٍ﴾ یعنی مرده و خاک شده بودیم.

﴿إِنَّكُمْ لَعَمْرِي خَلْقٌ جَدِيدٌ﴾ تعجب کردند اینکه خداوند آنها را دوباره به عنوان خلق جدیدی بیاورد.

﴿اَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا اَمْ بِهِ جِنَّةٌ﴾ که جنه به معنای مجنون است که خداوند آنها را رد کرده و می‌فرماید: ﴿بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ

الْبُعِيدُ﴾ بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند (به خدا دروغ می‌بندند و دیوانه هستند) در عذاب و در گمراهی دور هستند.

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالتَّنَّاءُ الْحَدِيدَ (۱۰)

۱۰- و به تحقیق ما به داود از سوی خود فصیلتی دادیم، ای کوه‌ها و

پرنده‌گان با او هم آوار شوید، و آهن را برای او نرم گردانیدیم.

خداوند از داود علیه السلام یاد کرده و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا

جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ﴾ یعنی با او تسبیح خداوند را می‌گفتند.

﴿وَالطَّيْرَ وَالتَّنَّاءُ الْحَدِيدَ﴾ هر وقت داود علیه السلام در بیابان می‌رفت زبور را

می‌خواند، کوه‌ها و پرنده‌گان و وحوش نیز با او تسبیح می‌گفتند، و خداوند

مانند شمع آهن را در دستان او نرم نمود بطوری که هر چه دوست داشت از

آن درست می‌کرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در روز سه شنبه دنبال حوائج خود بروید زیرا

آن روزی است که خداوند آهن را برای داود علیه السلام نرم نمود.<sup>۱</sup>

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ

بَصِيرٌ (۱۱)

۱۱- (و به او گفتیم) که (از آهن) زره‌هایی فراهم و گشاد بساز، و حلقه‌هایی

زره را به اندازه و یک شکل درست کن، و عمل صالح انجام دهید، که من

۱ مسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲ و ح ۵۶ ص ۴۱؛ دعوات راوندی، ص ۲۹۳؛ قصص الانبیاء جزئی، ص ۳۳۶؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۴۰؛ مصباح کفعمی، ص ۱۸۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۱۵؛ تفسیر صافی، ج ۶ ص ۸۱؛ تفسیر برهان، ج ۶ ص ۳۲۵

بدانچه انجام می دهید بینا هستم.

﴿أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ﴾ سابغات به معنای زره است.

﴿وَقَدْزُفِيَ السَّرْدُ﴾ میخ هائی که در حلقه های زره قرار می دهند ﴿وَأَعْمَلُوا

صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ و عمل صالح انجام دهید، که من بدانچه انجام می دهید بینا هستم.<sup>۱</sup>

وَلِلسَّيْمَانِ الرِّيحُ غَدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُها شَهْرٌ وَأَسْلَنَّا لَهُ عَيْنَ الْقَطْرِ وَ مِنَ  
الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَنْ يَرْغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ  
السَّعِيرِ (۱۲)

۱۲- و باد را سحر سلیمان ساختیم که صبحگاه به اندازه یک ماه و در  
عصر بفر به اندازه یک ماه راه می برد، و برای او چشمه مس را جاری  
نمودیم، و گروهی از جن ها به اذن پروردگارش در حضور او کار می کردند،  
و هر کس از آنها از فرمان ما سرپیچی می کرد به او از عذاب آتش سوزان  
می چشانیدیم.

﴿وَلِلسَّيْمَانِ الرِّيحُ غَدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُها شَهْرٌ﴾ باد کرسی سلیمان را در

صبح ها و شب ها به اندازه مسیر یک ماه می گرداند.

﴿وَأَسْلَنَّا لَهُ عَيْنَ الْقَطْرِ﴾ یعنی چشمه مس را برای او جاری ساختیم.

﴿وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَنْ يَرْغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ

عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ و گروهی از جن ها به اذن پروردگارش در حضور او کار  
می کردند، و هر کس از آنها از فرمان ما سرپیچی می کرد به او از عذاب آتش  
سوزان می چشانیدیم.

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَانِيلٍ وَ جَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ  
رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ (۱۳)

۱۳- آنها هر چه را که او (سلیمان) می‌خواست از معبد‌ها و تعشال‌ها و  
طروف بزرگ مانند حوصها و دیگهای عظیم (که بر زمین کار می‌گذاشتند و  
دارای حمل کردن نبود)، (و نه آنها گفتیم) ای آل داود شکر سمانید، ولی  
عده کمی از بدگاران من سپاس‌گزار هستند.

﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَانِيلٍ﴾ بر روی درختان.

﴿وَ جَفَانٍ كَالْجَوَابِ﴾ یعنی «جفون» که مانند حفره و کاسه بزرگی است.

﴿وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ﴾ که مراد از راسیات یعنی ثابت و پایرجا هستند سپس  
می‌فرماید: ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾ یعنی ای فرزندان داود شکر کنید بر آن  
چیزهایی که شکرش را بجا نمی‌آورد، سپس فرمود: ﴿وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ  
الشُّكُورُ﴾ بنده‌های کمی اهل شکر و سپاس‌گذاری هستند.<sup>۱</sup>

فَلَمَّا فَصَّيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَانَةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْشَأَهُ فَلَمَّا

خَرَّ تَنَبَّيَ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۱۴)

۱۴- پس هنگامی که مرگ را بر او (سلیمان) مقرر نمودیم، کسی آنها را نه  
مرگ او آگاه نکرد مگر چشیده زمین (موریانه) که عصبای او را خورد (و بدن  
سلیمان بعد از یک سال بر روی زمین افتاد) پس هنگامی که بر روی زمین  
افتاد جنیان متوجه شدند که اگر عیب می‌دانستند در عذاب و دلت حوار  
کنندمای باقی نمی‌مانند.



## وفات حضرت سلیمان علیہ السلام

﴿فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ﴾  
 می فرماید: روزی خداوند به سلیمان وحی نمود که مرگ تو فرا رسیده است،  
 آن حضرت به شیاطین دستور داده بود که برای او خانه‌ای از شیشه و بلور  
 در کنار دریا بسازند، روزی سلیمان وارد آن شده و به عصایش تکیه داده و  
 زبور را می خواند و شیاطین نیز در اطراف آن حضرت به او نگاه می کردند،  
 همانطور که به اطرافش نگاه می کرد مردی را در داخل قصرش دید و از او  
 ترسید و گفت: تو کیستی؟

گفت: من کسی هستم که رشوه نمی پذیرم و از سلاطین نیز نمی ترسم و  
 جانفش را گرفت و او در همان حالت تکیه بر عصا یک سال ماند و جنیان نیز  
 برای او کار می کردند و نمی دانستند که او مرده است تا اینکه خداوند  
 موریا نه‌ای را فرستاد تا عصای حضرت سلیمان را خورد، هنگامی که بر روی  
 زمین افتاد، ﴿فَلَمَّا خَرَّ عَلَى وَجْهِهِ تَبَيَّنَتِ الْأَنْسُ أَنْ لَوْ كَانُوا - أَيْ الْجِنُّ - يَعْلَمُونَ  
 الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾ انسان‌ها متوجه شدند که اگر جنیان غیب  
 می دانستند این همه سختی و عذاب نمی کشیدند.

که آیه اینطوری نازل شده است.

زیرا انسان‌ها می گفتند که جنیان از عالم غیب خبر دارند، اما هنگامی که  
 سلیمان با صورت بر روی زمین افتاد آنها متوجه شدند که اگر جنیان علم  
 غیب می دانستند یک سال برای او که مرده بود کار نمی کردند به گمان اینکه  
 زنده است.

جنیان از موریا نه به خاطر اینکه عصای حضرت سلیمان را خوردند تشکر  
 کردند. هنگامی که سلیمان وفات کرد ابلیس سحری را نوشت و در پشت آن

مرقوم داشت که این چیزی است که آصف بن برخیا برای سلیمان بن داود از ذخائر گنج‌ها و علم‌های گوناگون نوشته است و سپس آن را در زیر تخت سلیمان گذاشت که بعد از مدتی آن را پیدا کردند که کافران با دیدن آن گفتند: سلیمان با همین سحر و جادو بر ما غلبه یافته بود.

مومنان گفتند: سلیمان کسی جز بنده خدا و نبی الهی نیست و آنچه که انجام می‌داد همه از جانب خداوند بود.<sup>۱</sup>

لَقَدْ كَانَ لِسُلَيْمَانَ آيَةٌ خُتَّانَ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلَّامٍ رِزْقٍ رُكْمٍ  
وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةً طَيِّبَةً رِزْقٌ غَفُورٌ (۱۵)

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَبِيلَ الْغُرَمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِخَنَازِينِهِمْ خَنَازِينَ ذَوَاتِ أَنْثَى  
خَمَطٍ وَأُتْلَى وَشَجَرٍ مِنْ بَدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶)

ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَافِرِينَ (۱۷)

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمُ الْوَادِيَّ الْفَرَى الَّتِي مَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ  
سِيرُوا فِيهَا لِيُبَيِّنَ آيَاتِنَا آمِينَ (۱۸)

۱۵- و به تحقیق برای قوم ساسا در محل سکونتشان اینی بود، دو باغ بزرگ از راست و چپ، (به آنها گفتیم) از ررق پروردگارتان سحورید و برای او سپاس‌گزار باشید، شهری طیب و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده

۱۶- اما آنها (از شکر خدا) روی گردان شدند، پس ما هم سبلی بنیان‌کن بر آنها فرستادیم و دو باغ (زیبای) آنها را به دو باغی تبدیل نمودیم که میوه درختانش تلخ و ترش و بد طعم و شوره‌گرو اندکی درخت سدر گردد

۱۷- این کبر آنها به خاطر کفرانشان بود و آیا ما جر کفران کننده را کبر

می‌دهیم؟

۱۸- و میان آنها و شهرهایی که بر نعمت و برکت قرار داده بودیم، شهرهای

آشکاری قرار دادیم، و سفر در میان آنها را متناسب سودیم، (و به آنها

گفتم)، شب‌ها و روزها در میان آنها تا اعمی کامل مسافرت کنید

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ﴾ در یمن دریائی بود

که سلیمان به لشکریانش حکم کرد که برای قبیله سبا از دریای یمن نهري

بیرون بیاورند که تا بلاد هند جاری باشد. لشکریان سلیمان مطابق حکم او

نهري چنین بیرون آوردند و سدی عظیم نیز از سنگ و صاروج بر آن کشیدند

و مجاری در آن نهر قرار دادند که تا اهل سبا بقدر حاجت آب از آنجا به مزارع

و باغات خود جاری سازند و این اهل سبا را دو باغ بود یکی در طرف راست

بلاد ایشان و دیگری در جانب چپ آن و تاده روز راه و سعت آن دو باغ بود و

چون درختان سایه‌دار و اشجار پرثمر سر بر سر هم داده شاخها سر بهم

آورده بودند و مترددین درین ده روز راه اصلا شعاع آفتاب را نمی‌دیدند و

همه زیر سایه راه می‌رفتند و با این همه نعمت آن جماعت سر به عصیان و

نافرمانی برآورده کفران نعمت‌های الهی را نمودند و هر چند بزرگان آن قوم

ایشان را منع می‌نمودند و از عذاب منتقم حقیقی می‌ترسانیدند فائده‌ای مترتب

نمی‌گردید و ایشان متنبه نمی‌گشتند پس حق تعالی در مقام استرداد نعمت

خود درآمده و موشهای بزرگ بر آن سد که لشکر سلیمان بسته بودند

گماشت و آن موشها سنگهای آن سد را در اندک مدتی بیرون کشیده سدی

بدان استحکام و استواری را در هم شکستند و چون مانعی در راه آب نماند

سیلی عظیم آمده همه سرزمین آنها را خراب کرد و درختان را از بین برد

چنانچه خداوند از آن خبر می‌دهد ﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ

يَمِينٍ وَ شِمَالٍ - تا - سَيْلَ الْعَرِمِ ﴿مراد از «سِل العرم» یعنی سیلی بزرگ و شدید بود.

﴿وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ﴾ که «خَمْط» نوعی درخت خاردار است.

﴿وَأَثَلٍ﴾ نوعی درخت گز شوره زار بدون میوه است.  
 ﴿وَشَيْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا - تا - بَارَكْنَا فِيهَا﴾ و منظور از «فِيهَا» یعنی در مکه.<sup>۱</sup>

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا قَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰)  
 ۲۰- و به تحقیق ابلیس گمان باطل خود را درباره آنها محقق یافت که در او پیروی کردند جز گروهی از مومنین

### در روز غدیر ابلیس ها به ناله در آمدند

﴿وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا قَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾  
 ابن سنان از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمود: هنگامی که خداوند به پیامبرش امر نمود که حضرت علی (علیه السلام) را به عنوان امیرالمومنین بر مردم برگزیند همچنانکه می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾<sup>۲</sup>  
 ای پیامبر آنچه که از جانب پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن.  
 درباره علی (علیه السلام) در غدیر خم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِي مَوْلَاهُ» هر کس من مولای او هستم پس علی مولای اوست» پس ابلیس ها به

۱ بحار الانوار ج ۱۴، ص ۱۴۳، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۹۰

۲ مائده، آیه ۶۷

نزد ابلیس بزرگ آمده و خاک بر سرشان می ریختند. ابلیس به آنها گفت: شما را چه شده است؟

گفتند: این مرد امروز گره‌ای را بسته که تا روز قیامت قابل باز شدن نیست. ابلیس گفت: چنین نیست که می‌گوئید در اطراف او کسانی هستند که آن عهد و پیمان را نقض می‌کنند، پس خداوند بر رسولش این آیه را نازل فرمود:

﴿وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ...﴾<sup>۱</sup>

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۲۱)

قُلْ اذْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ (۲۲)

۲۱- و او (شیطان) بر آنها تسلطی نداشت مگر آنکه ايمان آوردندگان به آخرت را از کسانی که شک دارند بشناسیم، و پروردگارت نگهبان هر چیزی است.

۲۲- بگو، کسانی که غیر از خدا (معبود خود می‌دانید) را می‌خوانید، آنها ذره‌ای در آسمانها و زمین مالک نیستند، و در (آفریش) آن دو بی‌شریک می‌باشند، و نیز یاور و مددکار (در آفریش) هم سوده‌اند.

﴿وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ﴾ کنایه از ابلیس است ﴿إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ﴾ مگر آنکه ايمان آوردندگان به آخرت را از کسانی که شک دارند بشناسیم، و پروردگارت

۱ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۱۸۵ و ج ۳۷، ص ۱۱۹، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۳۷، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۹۴

نگهبان هر چیزی است.

سپس خداوند برای احتجاج با عبادت کنندگان بت‌ها می‌فرماید: ﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِنْ ظَهِيرٍ﴾ و در (آفرینش) آن دو نیز شریک نمی‌باشند، و نیز یاور و مددکار (در آفرینش) هم نبوده‌اند.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳)

۲۳- و هیچ شفاعتی برد او معنی ندارد مگر برای کسانی که به او اذن داده شده، تا هنگامی که اضطراب از دل‌های آنها بر طرف شود، می‌گویند پروردگارتان چه فرمود؟ جواب می‌دهد حق را (فرمود) و اوست خدای بلند مرتبه بزرگوار

﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ﴾ در روز قیامت هیچ یک از پیامبران و رسولان حق شفاعت ندارند مگر آنکه خداوند بر آنها اذن شفاعت دهد جز رسول خدا محمد ﷺ که خداوند قبل از روز قیامت بر آن حضرت اذن شفاعت داده است، و شفاعت برای او و برای انعمه از فرزندان او سپس از برای انبیا و پیامبران علیهم‌السلام می‌باشد.<sup>۱</sup>

ابوالعباس مکی گوید که در محضر امام باقر علیه‌السلام شرفیاب بودم که مردی به نام ابویمن حضور آن جناب آمده گفت ای ابا جعفر مردم مغرور شده و مدعی هستند که برای امت مرحومه شفاعت پیغمبر اکرم ﷺ کافی است.

حضرت سخت متغیر و خشمگین شده بطوری که آثار غضب از چهره مبارکش هویدا گشت و فرمود: وای بر تو ای ابایمن چگونه فکر می‌کنی این مردم که مرتکب منکرات شده و شهوات خود را اعمال نموده و هر لقمه حرامی را خورده و دست درازی به اموال و نوامیس دیگران کرده و چشم به شفاعت پیغمبر هم داشته باشند البته باید دانست کسی از اولین و آخرین نیست مگر آنکه محتاج به شفاعت محمد ﷺ و آل او می‌باشد و برای پیغمبر است که از امت خود شفاعت نماید و ما شفاعت شیعیان خود را می‌نمائیم و آنها هم به شفاعت اهل بیت خود می‌پردازند بطوری که یک نفر مؤمن می‌تواند باندازه قبیله ربیعه و مصر<sup>۱</sup> را از پیشگاه پروردگار شفاعت نماید، و مومن حتی خادمش را نیز شفاعت کرده و می‌گوید: خدایا او به من حق خدمت‌کاری در سرما و گرما دارد.<sup>۲</sup>

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیّه السلام در ذیل آیه «حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» فرمود: چون اهل آسمانها از روز بعثت عیسی بن مریم تا روز بعثت محمد بن عبد الله ﷺ هیچ وحیی نشنیده بودند، همین که خدای تعالی جبرئیل را به سوی محمد ﷺ فرستاد، اهل آسمانها صوت وحی را شنیدند، که چون افتادن آهن بر روی سنگی صاف و محکم صدا کرد، پس همه تکان خوردند. و همین که از وحی فارغ شد جبرئیل نازل شد، به اهل هر آسمانی برخورد، پریشانی و فزع از دل‌های اهل آن آسمان زایل گشت، آن وقت به خود آمده، از یکدیگر پرسیدند،

۱ تعداد قبیله ربیعه و مصر آن قدر زیاد بود که شفاعت یک نفر مومن را در روز قیامت به آن مثال می‌رساند، یعنی یک مومن می‌تواند شمار زیادی که تعدادش را حدّوند می‌داند شفاعت کند.

۲ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۳۹

پروردگارتان چه می گفت؟ و در پاسخ گفتند: خدا حق را گفت، و او علی و کبیر است.<sup>۱</sup>

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَ هُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ (۲۶)

۲۶- بگو پروردگار ما همه ما را در یک جا جمع می کند، سپس در بین ما به حق داوری می کند، و او داوری داناست.

﴿قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا﴾ بین ما قضاوت کن

﴿بِالْحَقِّ وَ هُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ﴾ که «الفتاح العليم» به معنای «القاضي العليم» یعنی قضاوت کننده دانایی است.<sup>۲</sup>

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۸)

۲۸- و ما تو را هرستادیم مگر برای همه مردم که بشارت دهنده و اذکار کننده آنها باشی، و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

### معنی تبلیغ رسالت بر تمام مردم

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ﴾

حفص کبانی گوید از عبد الله بن بکیر دجانی شنیدم که می گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود که: رسول خدا ﷺ برای همه مردم بشارت دهنده بود، آیا اینطور نیست که خداوند در کتابش می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً

۱ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۵۹

۲ نورالقلوب، ج ۴، ص ۳۳۵؛ مسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۹۵



لِلنَّاسِ ۚ مَا تَوْرَا بِرَأْيِ هَمَّةٍ مُرْدَمٍ فَرَسْتَادِهِ، بِرَأْيِ أَهْلِ شَرْقٍ وَغَرْبٍ وَ بِرَأْيِ أَهْلِ آسْمَانِهَا وَ زَمِينِ از جَنِّ وَ انْسِ، آیا رسالت آن بزرگوار به همة آنها رسیده است؟

عرض کردم: نمی دانم!

فرمود: ای فرزندی بکیر، رسول خدا ﷺ از مدینه بیرون نرفت پس چگونه رسالت او به اهل شرق و غرب رسیده است؟

عرض کردم: نمی دانم!

فرمود: کیفیت آن چنین بوده که حق تعالی به جبرئیل امر کرده که جملة زمین را به پری از بال خود برکند و به پیش رسول خدا نگاهدارد، پس جبرئیل همة زمین را در نظر حضرت آورد مانند کف دست مبارک او و بعد از آن، حضرت نظر بر اهل شرق و غرب کرده تبلیغ رسالت خود به هر قومی به زبان آن قوم نمود پس هیچ شهری و روستائی نماند مگر آنکه اهل آن را حضرت بنفس نفیس خود تبلیغ رسالت و شرایع نمود.<sup>۱</sup>

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ أَشْضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لَا أَتَيْنَا لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (۳۱)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضِعُّوا أَنْ نَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ تَلْ كُنتُمْ شَاحِرِينَ (۳۲)

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا تَلْ مَكُرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ

۱ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۸، مسائل علی بن جعفر علیه السلام، ص ۲۳۱، تفسیر برهان، ج ۶ ص ۲۴۱، نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۵

تَكْفُرُ بِاللَّهِ وَتَجْعَلُ لَهُ آتِدَادًا وَاسْرُوا الذَّامَةَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ وَ حَتَّى  
 الْأَعْلَالُ فِي أَغْصَابِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُخْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۳)  
 وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِيتُمْ بِهِ كَاذِبُونَ (۳۴)  
 وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳۵)  
 قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرْ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)  
 وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُفَرِّتُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ  
 صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءُ الْغَفِيفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْغُرُفَاتِ  
 آمِنُونَ (۳۷)

۳۱- و کافران گفتند ما هرگز نه این قرآن و نه کتابهایی که پیش از این بوده  
 ایمان نخواهیم آورد و اگر (روزی که) بیسی ستمکاران در پیشگاه  
 پروردگارشان نگه داشته شده‌اند و یا همدیگر به مجادله بر خواسته‌اند،  
 مستضعفان به مستکبران می‌گویند اگر شماها نبودید ما از ایمان آوردن گمان  
 بودیم.

۳۲- مستکبران به مستضعفان جواب می‌دهند آیا ما شما را از هدایت باز  
 داشتیم بعد از آنکه به سزاقتان آمد؟ بلکه شما خود مجرم بودید.

۳۳- و مستضعفان به مستکبران می‌گویند بلکه مکر و حيله‌های شب و  
 روز شما بود که پیوسته به ما دستور می‌دادید که به خداوند کافر شویم، و  
 برای او شریکانی بگیریم، و چون عذاب قیامت را دیدند پشیمانی خود را  
 پنهان می‌دارند، و ما رنجبرهایی را در گردن کافران قرار می‌دهیم، آیا  
 جرایبی به غیر از آنچه که انجام داده‌اند دارند؟

۳۴- و ما هیچ رسول انداز دهدهای را در شهری نفرستادیم مگر اینکه  
 مرفهان گفتند همانا ما برای آنچه که فرستاده شده‌ای کافریم.

۳۵- و گفتند: اموال و فرزندان ما زیاد است، ما از عذاب شدگان نخواهیم

بود

۳۶- بگو همانا پروردگارم رزق و روزی را برای هر کسی که خواهد

گسترش می‌دهد و یا تنگ می‌گیرد، ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند

۳۷- و اموال و فرزندان شما را به ما نزدیک نمی‌کند، مگر کسانی که

ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند (که با این عمل به ما نزدیک

می‌شوند)، پس به آنها پاداشی مضاعف در برابر اعمالی که انجام داده‌اند

دارند، و آنها در عرشه‌های (بهشتی) در امن و امان هستند

خداوند برای پیامبرش گفتار کافران از قریش و دیگران را نقل کرده و

می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ از

کتاب پیامبران.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ

يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا﴾ و آنها بزرگانشان بودند.

﴿لَوْ لَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ﴾ \* قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعُوا أَنْخُنْ

صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ﴾ که آن بیان است

﴿بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ﴾ بلکه شماها مجرم بودید.

سپس می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ﴾

یعنی شب و روز مکر و حیل می‌کردید.

﴿وَأَسْرُوا النَّدَاةَ ثَمَّ رَأَوْا الْعَذَابَ﴾

معصوم ع می‌فرماید: وقتی که ولی خدا را می‌بینند که در چه ناز و نعمت

است، و خود در آتش دوزخند، ندامت خود را پنهان می‌دارند.

شخصی پرسید: ای فرزند رسول خدا این پوشاندن ندامت چه فایده‌ای به

حال آنان دارد، به اینکه در عذابند؟

فرمود از شماتت دشمنان کراهت دارند.<sup>۱</sup>

سپس با مال و ثروتشان برخداوند فخر فروخته و گفتند: ﴿نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالاً وَأَوْلَاداً وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ﴾ اموال و فرزندان ما زیاد است، و ما از عذاب شدگان نخواهیم بود.

پس خداوند آنها را رد کرده و می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ و ما اموالکم و لا اولادکم بالثی تفریکم عندنا زلفی الا من آمن وعمل صالحاً بگو: همانا پروردگارم رزق و روزی را برای هر کسی که بخواهد گسترش می‌دهد و یا تنگ می‌گیرد، و لکن بیشتر مردم نمی‌دانند. و اموال و فرزندان شما را به ما نزدیک نمی‌کنند، مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند که با این عمل به ما نزدیک می‌شوند.

روایت شده که مردی در نزد امام صادق علیه السلام سخن از توانگران و ثروتمندان کرده و از ایشان بد گفت، امام صادق علیه السلام فرمود: ساکت باش توانگر اگر صله رحم کند، و به برادران خود نیکی نماید، خدای تعالی اجر این عمل را به او دوچندان می‌دهد، به خاطر اینکه هم نیکی کرده، و هم فریب دنیای خود را نخورده، هم چنان که قرآن کریم نیز فرموده: ﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالْثِی تَفَرِّیْكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً قَوْلُ لَکَ لَهُمْ جَزَاءٌ الضَّعْفُ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْعُرْفَاتِ آمِنُونَ﴾ اموال و اولاد شما چنان نیستند که شما را به درگاه ما نزدیک سازند، مگر کسی را که ایمان به خدا آورد، و عمل

۱ بحار الانور، ج ۸، ص ۲۹۴؛ نورالقلوب، ج ۴، ص ۳۳۵؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۹۸.  
تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۲

صالح انجام دهد، که چنین کسانی پاداششان در برابر اعمالی که کرده‌اند، دوچندان خواهد بود، و در غرقه‌های ایمن خواهند زیست.<sup>۱</sup>

قُلْ إِنْ رَزَقْنَاهُ الرِّزْقَ لَمِنْ بَشَاءٍ مِنْ عِنْدِهِ وَ يَقْدِرْ لَهُ وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۳۹)

وَ يَوْمَ يَخْتَرُهُمْ جَمْعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَ هَؤُلَاءِ إِنَّا كُنْمْ كَاثِرًا، يَنْقُذُونَ (۴۰)

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلَيْسَ مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ (۴۱)

۳۹- بگو، همانا پروردگارم رزق هر کدام از ملکانش را که بخواهد گسترش می‌دهد و برای هر کس که بخواهد تنگ می‌گرداند، و شما هر چه (در راه خدا) انفاق کنید عوص آن را می‌دهد، و او بهترین روزی دهندگان است

۴۰- (و بیاد بیاور) روزی که همه آنها محسور می‌شوند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا ایها گروه شما را پرستش می‌کردند.

۴۱- می‌گویند: پاک و مبره‌ی تو، ولی ما آنها تو هستی به آنها، بلکه آنها جن را می‌پرستیدند، و بیشترشان به آنها ایمان داشتند.

﴿وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾

حریز از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی امرش را در هر شب جمعه از اول شب و در شب‌های دیگر در یک سوم آخر شب به سوی آسمان دنیا فرو می‌فرستد که در پیشاپیش آن ملکی ندا

۱ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۷۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۶۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲، نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۸؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۳

می‌کند آیا توبه کننده‌ای است که خداوند توبه‌اش را بپذیرد؟ آیا استغفار کننده‌ای است تا خداوند او را بیامرزد؟ آیا درخواست کننده‌ای است تا درخواستش برآورده شود؟ پروردگارا بر هر انفاق کننده بیشتر از آنش اعطا نما و بر هر منع کننده‌ای مالش را از بین برده و تلف نما، تا اینکه فجر طلوع می‌کند، پس زمانی که فجر طلوع می‌کند آن ملک به امر پروردگار به سوی عرش برمی‌گردد و ارزاق بین بندگان تقسیم می‌شود، سپس امام علیه السلام به فضیل فرمود: ای فضیل بهره‌تو از آن همان مقدار است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ و شما هر چه در راه خدا انفاق کنید عوض آن را می‌دهد، و او بهترین روزی دهندگان است.<sup>۱</sup>

﴿وَيَوْمَ يَخْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ و بیاد بیاور روزی که همه آنها محشور می‌شوند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا اینها گروه شما را پرستش می‌کردند

پس ملائکه می‌گویند: ﴿سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ﴾ پاک و منزهی تو، ولی ما تنها تو هستی نه آنها، بلکه آنها جن را می‌پرستیدند، و بیشترشان به آنها ایمان داشتند.<sup>۲</sup>

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا تَلَّوْا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵)

۴۵ - و کسانی که قبل از آنها بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند، و در حالی که اسهام به یک دهم آنچه که به آنها (از مال و مقام) دادیم نمی‌رسد،

۱. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۶۴

۲. بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۱۷، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۴، نورالقلوب، ج ۴، ص ۳۳۹

پس رسولام را تکذیب کردند، پس مجازات من سست به آنها چگونه بود  
 هاشم بن عمار درباره آیه «وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا يَلْفُوا مِغْشَارَ مَا  
 آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ» روایت می کند که معصوم علیه السلام فرمود:  
 آنها کسانی بودند که رسولانشان را تکذیب کردند و آنچه به رسولان آنها  
 دادیم به یک دهم آنچه که به محمد و آل او داده ایم نمی رسد.<sup>۱</sup>

قُلْ إِنَّمَا أُعْطِيَكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنِ وَ قُرَادِي ثُمَّ تَسْكُرُوا مَا  
 بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جُنْوَ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۴۶)

۴۶ - بگو همانا شما را به یک جبر پند و اندرز می دهیم، و آن این است که  
 دو مرتبه دو نفر یا هر یک به تهائی برای خداوند قیام کنید، سپس بیندیشید که  
 این همتشین شما دیوانه بیست، بلکه او انداز دهنده شما در برابر عذاب  
 شدید الهی است.

ابوحمره ثمالی گوید از امام باقر علیه السلام درباره «إِنَّمَا أُعْطِيَكُمْ بِوَاحِدَةٍ» سؤال  
 کردم، فرمود: مراد از یک پند و اندرز همان ولایت علی علیه السلام است که خداوند  
 بدان موعظه نموده است.<sup>۲</sup>

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَخْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
 شَهِيدٌ (۴۷)

۴۷ - بگو: آنچه اجر و مزد از شما خواسته ام برای شماست، همانا اجر و

۱ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۶ و ج ۲۶، ص ۲۷۱؛ نورالتقلید، ج ۴، ص ۳۴۱؛ تفسیر صافی،  
 ج ۶، ص ۱۰۵؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۲۴  
 ۲ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۲۳؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۲۲۵؛ مابول الأسات الطاهره،  
 ص ۴۶۷؛ کافی، ج ۱، ص ۴۲۰؛ نورالتقلید، ج ۴، ص ۳۲۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۰۵

پادشاه من بر خلع شوند است، و او بر هر چیزی شاهد است

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهَوْلُكُمْ» فرمود: که رسول خدا صلی الله علیه و آله از قوم خود خواست که خویشان او را دوست بدارند، و آزار و اذیت نکنند، لذا این آیه نازل شد که همین اجر و مزد نیز به نفع شماست، و ثوابش عاید خودتان می‌شود.<sup>۱</sup>

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فِرْعَوْنُ فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۵۱)

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَ آتَىٰ لَهُمُ النَّارُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۲)

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳)

وَحَبْلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاهِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ (۵۴)

۵۱- و اگر ببینی زمانی که فراعنه‌ها بلند است اما نمی‌دانند (از عذاب الهی)

فرار کنند، و از جای نزدیکی گرفته می‌شوند.

۵۲- و می‌گویند به حق ایمان آوردیم، و از این مکان دور (قیامت) چگونه

می‌توانند به آن (ایمان آوردن) دسترسی پیدا کنند.

۵۳- و به تحقیق قبل از این به آن کافر شدید، و از حایلی دور و عایبانه نسبت

ماروا می‌دادند.

۵۴- و (امروز) میان آنها و خواسته‌هایشان جدایی افتاد، همچنانکه قبل از

این به عقیده‌های آنها عمل شد، همانا که آنها در شک و تردید بودند.

۱ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۴۶، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۰۶،  
مور الثقلین، ج ۴، ص ۲۲۲



ظهور حضرت قائم علیه السلام

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ قُرْعُوا فَلَأَقْوَتُ﴾

ابو خالد کابلی روایت کرد که امام ابی جعفر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، گویا همین الآن می بینم قائم علیه السلام را که به حجر تکیه داده است، آن گاه مردم را در رعایت حقش به خدا سوگند می دهد، و آن گاه می فرماید: ای مردم! هر کس با من در باره خدا محاجه کند، من اولی به خدا هستم، ای مردم هر کس با من در باره آدم محاجه کند، من اولی و نزدیکتر از سایرین به آدم هستم، ای مردم هر کس با من در باره نوح محاجه کند، من از هر کس دیگر اولی به نوحم، ای مردم هر کس با من در باره ابراهیم سخن گوید، و احتجاج کند، من خود از هر کس دیگر نزدیکتر به ابراهیمم، ای مردم هر کس با من در باره موسی محاجه کند، من خود اولی به موسی هستم، ای مردم هر کس با من در خصوص عیسی محاجه کند و آن جناب را به رخ من بکشد، من خود از هر کس دیگر نزدیکتر به عیسی هستم، ای مردم هر کس با من در خصوص محمد صلی الله علیه و آله محاجه کند من خود از هر کس دیگر به محمد صلی الله علیه و آله نزدیکتر و اولایم، ای مردم هر کس با من در خصوص کتاب خدا محاجه کند، من از هر کس دیگر به کتاب خدا نزدیکترم، آن گاه به مقام ابراهیم می آید، و در آنجا دو رکعت نماز می خواند، و با سوگند به خدا حق خود را بیان می کند.<sup>۱</sup>

سپس امام ابی جعفر علیه السلام فرمود: اوست به خدا سوگند مضطر در آیه شریفه: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾<sup>۲</sup> و اولین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل، و سپس سیصد و سیزده

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶

۲. نعل، آیه ۶۲ یا کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتارش را بر طرف می کند و شما را جانشینان زمین قرار می دهد

نفرند، و این عده هر کدام بتوانند، راه افتاده، خود را به وی برسانند، که می‌رسانند، و هر یک به این صورت به وی نرسند، در رختخوابشان ناپدید می‌شوند، و منظور امیرالمؤمنین علیه السلام از عبارت «هم المفقودون عن فرشهم» ایشان از رختخواب مفقود می‌شوند» همین است، و نیز منظور از آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً»<sup>۱</sup> پس در عمل به خیرات سبقت جویید، که هر جا باشید خدا همگی‌تان را می‌آورد همین است و فرمود: منظور از خیرات، ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام است. هم چنان که در جایی دیگر فرمود: «وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ»<sup>۲</sup> اگر عذاب را از ایشان تا مدت کمی تاخیر اندازیم.

منظور از امت معدوده اصحاب قائم علیه السلام است که در عرض یک ساعت همه یک جا جمع می‌شوند، وقتی قائم علیه السلام به سر زمین «بیدار» برسد، لشکر سفیان در برابرش صف آرایی می‌کند، پس خدای عز و جل زمین را دستور می‌دهد، تا پاهای ایشان را در خود فرو ببرد، و بگیرد، و درباره همین مورد است، که خدای عز و جل می‌فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكِنٍ قَرِيبٍ»<sup>۳</sup> و قالوا آمنا به یعنی می‌گویند: اینک ما به قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورده‌ایم.

«وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاقُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ» تا - وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ<sup>۴</sup> یعنی بین آنان و عذاب نشستن، حائل ایجاد می‌شود.

«كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ» یعنی آنهایی که قبل از ایشان مکذبین بودند، و هلاک شدند «مِنْ قَبْلِ إِنْهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ» همچنانکه قبل از این با هم

۱ بقره، آیه ۱۴۸: پس به سوی حیرات و بیکی‌ها بشتابید، که هر کجا باشید خداوند همه شما را حاصر می‌کند.

۲ هود، آیه ۸۰ و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تاخیر اندازیم.

عقیده‌های آنها عمل شد، همانا که آنها در شک و تردید بودند.<sup>۱</sup>

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در معنای آیه ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ  
فَرَغُوا﴾ فرمود: صدا که از آسمان می‌آید.  
﴿وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ از زیر پاهایشان به سوی زمین کشیده  
می‌شوند.<sup>۲</sup>

ابوحمزه گوید از امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿وَأَنِّي لَهُمُ التَّائُشُ مِنْ مَّكَانٍ  
بَعِيدٍ﴾ سؤال کردم فرمود: آنها هدایت را از طریق جستجو می‌کنند که بدان  
نمی‌رسند که اگر از مسیرش آن را طلب می‌کردند به راحتی و آسانی بدان  
دست می‌یافتند.<sup>۳</sup>



۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۷

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۴۸

۳ تفسیر برهان ۷ ج ۶، ص ۳۴۸؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۴۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۰۸

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

# تفسیر سورة فاطر



۳۵ - سورة فاطر در مکه

نازل شده و دارای ۴۵ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ  
مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعٍ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

۱- حمد و سپاس خداوندیست که آفریننده آسمانها و زمین است، و  
فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه  
آنچه که می‌خواهد در آفرینش می‌افزاید، همانا خداوند سر هر چیزی  
تواناست.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ مَثْنَى  
وَرُبُلًاثَ وَرُبَاعٍ»

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند ملائکه را مختلف خلق کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله  
جبرئیل را دید که ششصد بال داشت، و بر ساق پایش دری بود چون قطره  
شب‌نمی که روی گیاهان می‌افتد. آن قدر بزرگ بود که بین آسمان و زمین را پر  
می‌کرد.

و نیز فرمود: هرگاه خدای عز و جل به میکائیل دستور دهد به زمین مبوط  
کند، یک پایش روی زمین هفتم، و پای دیگرش روی آسمان هفتم قرار خواهد  
گرفت، و نیز خداوند متعال فرشتگانی دارد که نیمی از آنها از یخ، و نیم

دیگرشان از آتش است، و ذکرشان این است که: «یا مؤلفا بین البرد و النار ثبت قلوبنا علی طاعتک؛ ای خدایی که بین یخ و آتش الفت افکندی، دلهای ما را بر طاعتت ثابت بدار».

فرمود: خداوند ملکی دارد فاصله ما بین گوش او تا چشمش سه اندازه پانصد سال پرواز پرنده است. ملائکه نه آب و غذا می‌خورند و نه نکاح دارند همانا به نسیم عرش تامین می‌گردند، یک گروه از ملائکه تا روز قیامت در حال رکوع هستند و گروهی نیز هستند که تا روز قیامت در حال سجده می‌باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند هیچ چیزی را به تعداد و کثرت ملائکه نیافریده است، در هر روز و یا در هر شب هفتاد هزار ملائکه به سوی زمین می‌آیند و خانه خدا را طواف می‌کنند سپس به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعد به زیارت امیرالمومنین علیه السلام آمده و سلام می‌کنند و سپس به زیارت امام حسین علیه السلام می‌آیند و در آنجا می‌مانند، و در هنگام سحر به سوی آسمان بر می‌گردند و دیگر هرگز روی زمین بر نمی‌گردند<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود همانا خداوند اسرافیل و جبرائیل و میکائیل را از یک تسبیح خلق کرده است و برای آنها گوش و چشم و عقل نیکو و سرعت فهم قرار داده است.<sup>۲</sup>

### فرمایش حضرت علی علیه السلام درباره صفت ملائکه

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره خلقت ملائکه فرموده: خدایا ملائکه را آفریدی،

۱ بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۷۴

۲ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۵۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۴۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۱۴



و در آسمانت جای دادی، ملائکه ای که نه در آنان سستی هست و نه غفلت، و نه در ایشان معصیتی مفهوم دارد. آری آنها عالم ترین خلق تو به تو هستند و ترسنده ترین خلق تو از تو، و مقرب ترین خلق تو به تو، و عامل ترین خلق تو به فرمان تو، نه خواب بر دیدگان ایشان مسلط می شود، و نه در عقلشان سهوی پیدا می شود، و نه خستگی بدنهای ایشان نه در پشت پدران جای می گیرند، و نه در رحم مادران، و نه خلقتشان از ماء مهین است، بلکه تو ای خدا ایشان را به نوعی دیگر ایجاد کرده ای، و در آسمانهایت منزل دادی، و با جای دادنت در جوار خود اکرامشان کرده ای، و بر وحی خود امین ساختی، و آفات را از ایشان دور کردی، و از بلاها محافظتشان فرمودی، و از گناهان پاکشان ساختی، اگر قوت تو نبود خود قوی نمی شدند، و اگر تثبیت تو نبود خودشان ثابت قدم نمی گشتند، و اگر رحمت تو نبود اطاعت تو نمی کردند، و اگر تو نبودی آنها هم نبودند.

لیکن اگر آنها که این همه نزد تو مقام دارند، و تو را اطاعت می کنند و نزدت دارای منزلتند، و غفلتشان از امر تو اندک است، آنچه را که از تو بر ایشان پوشیده مانده مشاهده می کردند، و آن عظمت را که تا کنون از تو پی نبرده اند پی می بردند، قطعاً عبادت و عمل خود را کوچک می شمردند، و نفس خود را به ملامت می گرفتند، و می دانستند که تو را آن طور که باید عبادت نکردند، منزهی تو که خالق و معبودی، رفتار با مخلوقات چقدر نیکو است.<sup>۱</sup>

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا يُرْسِلُ لَهُ مِنْ

۱ بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۷۵، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۵۲، نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۰، تفسیر صالحی، ج ۶، ص ۱۱۵

## تَعْدِهِ وَهُوَ الْعَرِيفُ الْحَكِيمُ (۲)

۲- خداوند در هر رحمتی را به روی مردم بگشاید هیچ کسی نمی‌تواند.

حلولی آن را بگیرد، و حلوی هر آنچه را که بگیرد هیچ کسی نمی‌تواند به

عبر از او آن را برسد، و او عریر و حکیم است

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا»

می‌فرماید: متعه یکی از آن رحمت‌هاست.<sup>۱</sup>

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ مِنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸)

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَثَبِثَ سَحَابًا فَمُثِقًا إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَخْبِثًا بِهِ الْأَرْضَ

بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ الشُّورُ (۹)

۸- آیا کسی که عمل رشتش برای او زیبا جلوه داده شده و آن را بپسند

می‌بیند (همانند شخص بیکوکار واقعی است)؟ پس خداوند هر کسی را که

بخواهد گمراه و هر کسی را هم که خواست هدایت می‌کند، پس جات را

به خاطر آنها از شدت عم و حسرت از دست مده، همانا خداوند به آنچه که

آنها انجام می‌دهند آگاه است.

۹- و خداوند آن کسی است که بادهای او را فرستاد که ابرها را به حرکت در

بیاورند، پس ما آن ابرها را به سرزمین‌های مرده می‌رانیم و (به وسیله باران

آن ابرها) زمین‌های مرده را زنده می‌کنیم، رستاقیز (مردگان) این چنین

است.

۱ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۹۹ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹۸، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۴

۲ برانقلین، ج ۴، ص ۲۵۰

هاشم بن عمار درباره آیه ﴿أَفَمَنْ زُجِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ روایت می‌کند که این آیه درباره زریق و حبر<sup>۱</sup> نازل شده است<sup>۲</sup>

سپس خداوند عز و جل با زناحقه و مادی پرستان احتجاج نموده و می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَثِيرُ سَحَابًا فَسَقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ﴾ سرزمین مرده آن است که هیچ گیاهی در آن نیست.

﴿فَأَحْيَيْنَاهُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ یعنی به وسیله باران زمین را زنده می‌کنیم ﴿كَذَلِكَ الشُّورُ﴾ رستاخیز (مردگان) این چنین است.<sup>۳</sup>

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْغَزَا فَلِلَّهِ الْغَزَا جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَكَرُّ أُولَئِكَ هُوَ يَتَوَرَّ (۱۰)

۱۰- هر کس که طالب عرت است (باید از خداوند بخواهد) که همه عرت از برای خداست، کلمات پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح به سوی او بالا می‌رود، و کسانی که نقشه‌های رشت می‌کشند برای آنها عذاب شدیدی است، و مکر (نقشه) آنها نابود می‌شود.

﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ کلمه اخلاص و اقرار به آن چه که از جانب خداوند آمده از واجبات است و ولایت عمل صالح را به سوی خداوند بالا می‌برد.

۱ زریق بمعنی کور دل است و حبر بمعنی رویاه<sup>۱</sup> که با رویاه بازی و مکر و حبه حق امیرالمؤمنین علیه السلام و طاهرین سلام الله علیهم اجمعین را عصب نمودند

۲ بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۵۳، نورالعلین، ج ۴، ص ۲۵۱، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۵

۳ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۵۶

امام صادق علیه السلام می فرماید: منظور از «الكلم الطيب» گفتن شخص مومن «لا إله إلا الله محمد رسول الله علي ولي الله و خلیفه رسول الله» می باشد و فرمود: عمل صالح اعتقاد داشتن به وسیله قلب است به اینکه آن حق از حاسب پروردگار عالمیان است و هیچ شکی در آن نیست<sup>۱</sup>

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: برای هر سخنی مصداقی از عمل است که یا آن را تصدیق می کند و یا تکذیب، پس وقتی انسان سخنی بگوید و با عمل خود سخن خود را تصدیق کند، یعنی به گفته خود عمل کند، آن عمل گفتار او را به سوی خدا بالا می برد، و اگر عملش مخالف گفتارش باشد، گفتارش را نیز روی عمل خبیثش گذاشته، در آتش می اندازند.<sup>۲</sup>

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۱)

۱۱- و خداوند شما را از خاک آفرید، سپس از قطعه، سپس شما را روح (زن و مرد) قرار داد، و هیچ زنی باردار نمی شود و بارش را به زمین نمی گذارد مگر به علم اوست، و هیچ کسی عمر طولانی نمی کند یا در عمرش کم نمی گردد مگر آنکه در کتاب (علم الهی) ثبت است، و همانا این کار بر خداوند آسان است.

﴿وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ﴾ یعنی در کتاب

۱. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۶۴

۲. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۶۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۲۰، در التقلید، ج ۲، ص ۲۵۲

می نویسد که عمر چه کسانی را باید کم کند و یا زیاد، و این رد منکرین بده است.<sup>۱</sup>

وَمَا يَسْتَوِي الْتَحْزَانُ هَذَا عَذَابٌ مُرَاتٍ سَائِعٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْعُلَكَ فِيهِ مَوَاجِرَ اسْتَفُوا مِنْ فَضْلِهِ وَالْعُلُكُ تَشْكُرُونَ (۱۲)

۱۲- و هرگز دو دریا مساوی نیستند، ایس یکی آتش شیرین و گوارا و نوشیدنی دل چسب و آن یکی شور و تلخ، ولی از هر کدام گوشت نر و تاره می جوید، و زیورهای (لؤلؤ و مرجان) از آن استخراج کرده می پوشید، کشتیها را در آن می بینی که آبها را می شکافد (و به جلو می رود) تا از فصل الهی بهره مند گردد، و شاید که شکر گزار (نعمت های الهی) باشد

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذَابٌ مُرَاتٍ سَائِعٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ﴾ فرمودند: مراد از اجاج تلخی است.

﴿وَتَرَى الْعُلَکَ فِيهِ مَوَاجِرَ﴾ کشتی به وسیله باد جلو و عقب می رود.<sup>۲</sup>

يُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَحْلٍ مُسَمًّى ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَ الَّذِينَ تَلْعَوْنَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (۱۳)

۱۳- او شب را در روز و روز را در شب داخل می کند، و خورشید و ماه را

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۵۹؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۲

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۶۰

مسخر کرده که هر یک به مدت معینی در حرکت می‌باشد، اس است  
 خداوند پروردگار شما، حکومت را برای اوست، و کسانی را که به غیر او  
 می‌خوانید به اندازه پوست نازک روی هسته خرما مالک نیستند.

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْعٍ﴾ کلمه «قطعی» به معنای  
 پوست نازکی است که روی هسته خرما کشیده شده است.

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنْشِكُ مِثْلَ حَبِيرٍ (۱۴)

۱۴- اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی‌شنوند، و اگر بشنوند نمی‌تواند.  
 جواب شما را بدهند، و روز قیامت شرک شما را منکر می‌شوند، و هیچ  
 کس مانند حبیر (خداوند قاتا و آگاه) شما را آگاه نمی‌کند.

خداوند سپس بابت پرستان احتجاج کرده و می‌فرماید: ﴿إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا  
 يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ﴾ تا «بیشتر بگویم» یعنی در روز  
 قیامت شرک شما را که آنها را به خدائی گرفته بودید منکر می‌شوند و از  
 پرستش شما تبری جسته و ابراز تنفر می‌کنند.

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جُنْثِيهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ  
 كَانَ ذَا قُوَّةٍ إِنَّمَا تَنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمِنْ  
 تَرَكِي فَإِنَّمَا يَتَرَكَ لِيَتَقَبَّلَهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

۱۸- هیچ شخص گناه‌کاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد، و اگر  
 شخص مسکین‌باری کسی را برای بردن بار گناهش بخواند چیزی را بارش  
 را بر نمی‌دارد، و اگر چه از خورشیدشان باشند؛ همانا توقف می‌توانی کسانی

را انداز کنی که در پنهانی از پروردگارشان می‌ترسد، و سار به پا می‌دارد؛  
و هر کس پاکیزه باشد همانا نتیجه‌اش به خود او بر می‌گردد، و بازگشت  
همه به سوی خداست.

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ یعنی هیچ کس بار گناه کس دیگری را بر  
دوش نمی‌گیرد.

﴿وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَنْبِهَا لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ﴾ یعنی گناه  
کسی را کس دیگری بر دوش خود حمل نمی‌کند مگر کسی که به گناهی امر  
کند که در این صورت آمر و مامور گناهکار هستند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (۱۹)

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (۲۰)

وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْخُرُورُ (۲۱)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَخْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَ مَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ  
مَّن فِي الْقُبُورِ (۲۲)

۱۹- و هرگز کور و بینا مساوی نیستند؛

۲۰- و نه تاریکی‌ها و روشنایی؛

۲۱- و نه سایه و (محیط) سوزان؛

۲۲- و هرگز زندگان و مردگان با هم مساوی نیستند همانا خداوند

سخنانش را به گوش هر کسی که بخواهد می‌رساند، و تو نمی‌توانی (سحر)

خود را به گوش کسانی که در قبرها هستند (مردماند) برسانی

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ﴾ مثلی است که خداوند از برای مومن و

کافر زده است.

﴿وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ﴾ و ﴿وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْخُرُورُ﴾ که مراد از «ظل» انسان و

مراد از «حرور» چهارپایان هستند.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْواتُ﴾ و هرگز زندگان و مردگان با هم مساوی نیستند.

سپس فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ این کافران از تو چیزی را نمی شنوند و بدان عمل نمی کنند همچنانکه مردگان در قبرها نشنیده و عمل نمی کنند.

إِنْ أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيراً وَ نَذِيراً وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۲۴)  
وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالزُّبُرِ  
وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵)

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۶)  
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهَا وَ مِنْ  
الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَ خُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَ غَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷)  
وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ  
عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸)

۲۴- همانا ما تو را به حق بشارت دهنده و انذار کننده فرستادیم و هر امتی در میان خود انداز کننده ای داشت.

۲۵- و اگر تو را نکذیب می کنند (حای تعجب نیست) به تحقیق کسانی که قبل از اینها بودند آنها هم (پیامبران را) نکذیب می کردند. که رسولان آنها با دلالتی روشن و ما پد و موعظه و کتاب روشنگر به سوی آنها آمدند.  
۲۶- سپس کافران را (به خاطر گناهانشان) گردنم، پس عذاب من برای اعیان چگونه بود؟

۲۷- آیا دیدی که بخداوند از آسمان آبی تارل کرد و از آن میوه های



گوناگونی (از زمین) بیرون آوردیم؟ و از کوه‌ها بیراهه‌انی سبیل و سرچ به رنگ‌های گوناگون و گاه سیاه آفریدیم.

۲۸- و از مردم و جبندگان و چهارپایان بیر رنگهای گوناگونی هست که جدا آفرید، که حق چنین است، همانا بندگان عالم از خداوند می‌ترسند، همانا خداوند عزیز و آمرزنده است.

﴿وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ برای هر زمانی امامی است. سپس بزرگان آن را ذکر کرده و می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ- ای محمد- أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا- تا- وَغَرَابِيبُ سُودٌ\* غرابیب به معنای کلاغ‌ها است.<sup>۱</sup> ﴿وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ و معنای آن این است که بندگان عالم و دانا از خداوند می‌ترسند.

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ كَبُورَ (۲۹)

لِيُؤْتِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَ يَرْبِدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳۰)  
وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱)

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَى الْكِتَابِ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)  
جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَوْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا خَرِيرٌ (۳۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (۳۴)  
 الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَمَسٌ وَلَا نَمْسٌ فِيهَا  
 لَقُوبٌ (۳۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ دَارُ جَهَنَّمَ لَا يَقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفَ عَنْهُمْ مِنْ  
 عَذَابِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ (۳۶)

وَهُمْ يُضْطَرُّونَ فِيهَا زَنْبًا أَخْرَجْنَا نَعْمَلْ ضَالِحًا عَنِ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ  
 نَعْمَرْكُمْ مَا يَنْذَكُرْ بِهِ مَن يَنْذَكُرْ وَجَاءَكُمْ مِنَ النَّذِيرِ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ  
 نَصِيرٍ (۳۷)

۲۹- همانا کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و مبارزه پا می‌درند و آنچه را که به آنها روری دادیم در بهان و آشکارا عاقبت می‌کنند، تجارتی را امید دارند که هرگز ظهور و ریانی در آن نباشد.

۳۰- تا خداوند به آنها بآتش کامل عطا کند، و از فصل خودش بر آنها بفراید، همانا که او آمرزیده و شکرگزار است.

۳۱- و آنچه از کتاب بر تو وحی فرستادیم حق است و تصدیق کننده با کتاب‌های قبل از آن، همانا خداوند به بندگان خیر و سیاست.

۳۲- سپس این کتاب را به بندگان سرگرفته خود سه میراث دادیم، پس گروهی از آنها بر خود ستم کردند و گروهی میانه‌رو بودند و گروهی بیره ادا خداوند در خیرات و نیکی‌ها سقت گرفتند این همان فضیلت بزرگ است.

۳۳- بهشت همیشگی که در آن وارد می‌شوید در حالی که خودشان را زار و گمراهانی از طلا و مروارید ارزانند و لباسشان در آنجا خرد است.

۳۴- و می‌گویند حمد و سپاس خداوندی که عم و اندوه را از ما برطرف نمود، همانا پروردگار ما آمرزنده و شکرگزار است.

۳۵- همان کسی که ما را به فصل خود در این مرل همیشگی جای داد، که در اینجا هیچ ربی به ما نمی‌رسد و به هیچ سستی و حسنگی مبتلا نمی‌شویم.

۳۶- و کسانی که کافر شدند برای آنها آتش جهنم است، که دستور مرگشان صادر نمی‌شود تا بمیرند، و از عذاب آنها کم نمی‌شود، اینچنین هر شخص کفران کنندهای را کفر می‌کنیم.

۳۷- و آنها در آتش جهنم فریاد می‌زنند ای پروردگار، ما را بیرون بیاور تا به غیر از آنچه که عمل می‌کردیم عمل صالح انجام دهیم، (به آنها گفته می‌شود) آیا شما را به اندامای عمر ندادیم که هر کس اهل تذکر بود متذکر می‌شد؟ و انذار کنندهای به سراغ شما نیامد؟ اکنون (عذاب الهی را) بپوشید که برای ستمکاران هیچ یآوری نیست.

خداوند از مومنانی که اموالشان را در اطاعت الهی اتفاق می‌کنند یاد کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾ که «لن تبور» یعنی هرگز زیان نمی‌بینند.

سپس پیامبرش را خطاب قرار داده و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ و آنچه از کتاب بر تو وحی فرستادیم حق است و تصدیق کننده با کتاب‌های قبل از آن، همانا خداوند به بندگانش خبیر و بیناست.<sup>۱</sup>

سپس آل محمد را ذکر کرده و می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾ که منظور از «عبادنا» ائمه علیهم‌السلام می‌باشند سپس می‌فرماید: ﴿فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ﴾ یعنی از آل محمد که غیر از ائمه علیهم‌السلام

می باشند که منکر امام هستند.

﴿وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ﴾ یعنی کسی که اقرار به امام می کند  
 ﴿وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُذِنُ اللَّهُ﴾ که مراد امام علیه السلام است.

سپس خداوند آنچه را که برای آنها آماده کرده را متذکر شده و می فرماید:  
 ﴿جَنَاتٌ عَذْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلُّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ - تَا - لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ  
 وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾ که «نصب» به معنای خستگی و رنج و «لغوب» به  
 معنای کسالت و سستی است.

سپس خداوند آنچه را که از برای دشمنان و مخالفان و ستمکاران به حق  
 امامان علیهم السلام آماده کرده ذکر نموده و می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ سُرٌّ جَهَنَّمِ  
 لَا يَقْضِي عَلَيْهِمْ فَيْمُوتُوا - تَا - وَهُمْ يَضْطَرُّونَ فِيهَا﴾ یعنی ناله می زنند و فریاد  
 می کنند ﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ﴾ ای پروردگار، ما را  
 بیرون بیاور تا به غیر از آنچه که عمل می کردیم عمل صالح انجام دهیم  
 پس خداوند آنها را رد کرده و می فرماید: ﴿أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ  
 تَذَكَّرُ﴾ یعنی به شما عمر دادیم تا به همه امور آگاهی پیدا کردید.

﴿وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ﴾ یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله را برای شما مرستادیم به خود  
 نیامدید ﴿فَذُوقُوا عَذَابَ الْإِيمَانِ مِنَ نَصِيرٍ﴾ اکنون عذاب الهی را بهشید که برای  
 ستمکاران هیچ یآوری نیست.

إِنَّ اللَّهَ يُنَبِّئُكَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّ تَرَوْنَ رَالْتَا إِنِ امْتَكَنَهُمَا مِنْ  
 أَحَدٍ مِنْ نَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ خَلِيفاً غَفُوراً (۴۱)  
 وَ اتَّقُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَعَلَّ خَافَهُمْ نَذِيرٌ لِيَكُونُوا أَهْدَى مِنْ إِخْدَى  
 الْأُمَمِ فَلَمَّا خَافَهُمْ نَذِيرٌ مَا رَاذَهُمْ إِلَّا تَقُوراً (۴۲)  
 اسْتِكْبَاراً فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَعْيُنِهِ فَهَلْ

تَطُورُونَ إِلَّا شِئْتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِنُسُتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِنُسُتِ اللَّهِ  
تَحْوِيلًا (۴۳)

۴۱- همانا خداوند اسمانها و زمین را ننگه می‌دارد تا (از مسیر خود) منحرف نشود، و هرگز منحرف نمی‌شود، و کسی به غیر او نمی‌تواند آنها را ننگه دارد، همانا خداوند یردیار و آمرزیده است

۴۲- و آنها به خداوند سوگند محکمی حوررند که اگر انداز کسدهای بری آنها بیاید از استهای دیگر هدایت یافته‌تر خواهند بود پس هنگامی که انداز کننده‌ای برای آنها آمد انا به حرررر و نعت بر آنها چیری بهرود  
۴۳- اینها به خاطر استکبار در روی زمین و حبله‌های رشت‌شمار بود، حبله‌های رشت تنها دامان صاحبش را می‌گیرد، پس آیا آنها چیری حررر سنت گذشتگان را انتظار دارند؟ پس هرگز برای سنت الهی تبدیلی نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی.

خداوند گفتار قریش را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ﴾ یعنی آنها می‌گویند که هلاک شدیدی. ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ﴾ یعنی رسول الله ﷺ. ﴿فَمَا زَادَهُمْ إِلَّا تَفَوُّرًا \* اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ﴾

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه‌ای که خروج عایشه و حرکتش را به سوی بصره و نافرمانی و عصیان طلحه و زبیر را به اطلاع شیعیان خود مرقوم داشته و نوشته بود: کدام گناه بزرگتر از آن است که طلحه و زبیر همسر پیامبر ﷺ را از خانه خودش بیرون آورده که خداوند او را در پس پرده قرار داده بود و عیالات خود را در پرده حفاظت مستور و محفوظ داشته‌اند و علناً مخالفت خدا و رسولش را کرده و مرتکب سه معصیت گشتند که ضرر و

زیان آن به سوی مردم عاید گردید اول ظلم، دوم مکر و حبله، سوم نقص عهد و بیعت که کیفر و عقاب هر سه در قرآن و کتاب خدا تصریح و بیان شده که خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا بَعَثْنَا فِيكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ ۖ﴾<sup>۱</sup> ای مردم همانا بغی و ستم شما به خودتان بر می گردد.

و درباره نقض عهد فرموده: ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۖ﴾<sup>۲</sup> پس هر کس پیمان شکنی کند به ضرر خودش پیمان شکنی کرده است.  
و در مورد مکر و فریب می فرماید: ﴿وَلَا يَجِزُّ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۖ﴾ و آنها مرتکب بغی و ظلم به من شده و بیعت مرا نقض نموده و عهد شکنی کرده و نسبت به من مکر و تزویر روا داشتند.<sup>۳</sup>

أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (۴۴)

وَلَوْ يَأْخُذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظُهُرِهِمْ مِنْ ذَنْبِهِمْ وَلَكِنَّ يُوْخِرُهُمْ إِلَىٰ أَخْلٍ مُّسْمًى فَإِذَا جَاءَ لُجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (۴۵)

۴۴- آیا آنها در روی زمین گردش می کنند تا ببیند عاقبت کسانی که قبل از اینها بودند چگونه بود؟ که از آنها قوی تر بودند، در آسمانها و زمین هیچ

چیزی از تحت قدرت او بیرون نمی رود، همانا او دانا و توانا است

۴۵- و اگر خداوند مردم را به خاطر اعمالشان مواخذه کند، هیچ جنسده ای را بر روی زمین باقی نمی گذارد، و لکن آن (مواخذه) را تا مدت معین به تاخیر انداخته است (و نه آنها مهلت داده است)، پس هنگامی که اجل آنها

۱. یوس، آیه ۲۴

۲. فتح، آیه ۱۰

۳. بحر الانوار، ج ۳۲، ص ۱۰۷

فرا برسد (حداوند طبق عمل آنها مجازات می‌کند) و همانا خداوند به حال  
بندگانش بیناست.

﴿أَوَلَمْ يَمِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ آیا در قرآن و در اخبار گذشتگان که به هلاکت  
رسیدند نمی‌نگرند.

﴿فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از  
اینها بوده‌اند چگونه بود؟

﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظُهُرِهِمْ مِنْ ذَاتِهِ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ  
إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ خداوند آنها را در هنگام معصیت و در زمان غفلت و  
بی‌خبری نمی‌گیرد.<sup>۱</sup>

سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام از پدرش روایت می‌کند که رسول  
خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: از علم خدا گذشته و مرکب قلم خدا به این قضایی که رانده  
و این قدری که مقدر کرده خشک شده، که کتاب خدا جای خود را در شر باز  
کند، و رسولان خدا تصدیق شوند، و آنها که ایمان می‌آورند و تقوی دارند به  
سعادت برسند، و آنها که تکذیب می‌کنند و کفر می‌ورزند به شقاوت برسند، و  
مؤمنین به ولایتی از خدای عز و جل و مشرکین به برائتی از او نایل شوند.

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای عز و جل می‌فرماید: ای فرزندان آدم! تو  
به مشیت من برای خودت می‌خواهی آن چه را می‌خواهی، و به اراده من برای  
خودت اراده می‌کنی آن چه را که اراده می‌کنی، و به فضل نعمت من بر تو،  
چنان نیرومند شده‌ای که می‌توانی سر از فرمانم برتابی، و به قوت و عصمت  
من و عافیتم موفق شده‌ای که واجبات مرا ادا کنی.

پس اگر واقعا حسناتی داری، خود من به آن حسنات از تو سزاوارترم، و  
تو به گناهانت از من سزاوارتری، همیشة خیر من به سوی تو نازل است، و من

با آن خیر به تو انعام می‌کنم، و شر تو به خودت برمی‌گردد، به عنوان کیفر جنایاتی که کرده‌ای و به کثرت تسلطی که من به تو دارم به سوی طاعتم رو نهادی و به سوء ظنی که به من داری از رحمت مایوس شدی.

پس با این بیان حمد و سپاس برای من است و حجت علیه تو تمام است، و تو با این عصیان راه مواخذه مرا به روی خود گشودی، و با احسانت، مستحق پاداش نیکی که نزد من است گشتی. من هیچگاه از تحذیر تو کوتاهی نکردم، و تو را در حین سرگرمی و غرورت به عذاب نگرافتم

آن گاه فرمود: این همان کلام خدا است که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكُوا عَلَى ظُهُرِهِمْ مِنْ ذَاتِهِ﴾ و اگر خداوند مردم را به خاطر اعمالشان مواخذه کند، هیچ چنبنده‌ای را بر روی زمین باقی نمی‌گذارد.

و نیز می‌فرماید: من تو را به بیش از طاقتت تکلیف نکردم، و از امانت جز همان مقداری را که خودت علیه نهست اقرار داری تحمیلت ننمودم، من از تو برای خود به آن مقدار راضیم که تو از من برای خودت راضی باشی.<sup>۱</sup> آن گاه خدای عز و جل فرمود: ﴿وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كُنَّ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا﴾ و لکن آن (مواخذه) را تا مدت معین به تأخیر انداخته است (و به آنها مهلت داده است)، پس هنگامی که اجل آنها فرا برسد خداوند طبق عمل آنها مجازات می‌کند و همانا خداوند به حال بندگانش بیناست.<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۵، ص ۹۴؛ توحید شیخ صدوق، ص ۲۲۲

۲ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۷۶، نورالتعلیل، ج ۴، ص ۲۷۰



## تفسیر سورة یس

۳۶ - سورة یس در مکه نازل

شده و دارای ۸۳ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یس (۱)

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲)

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۳)

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴)

تَنْزِيلَ الْكَرِيمِ الرَّحِيمِ (۵)

۱- یس

۲- سوگند به قرآن حکیم.

۳- همانا تو از رسولان هستی.

۴- به راهی راست (فرستاده شدی).

۵- (ای قرآن) از جانب خداوند عز و جل و مهربان نازل شده است.

﴿یس \* وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ﴾

امام صادق علیه السلام می فرماید: ﴿یس﴾ اسم رسول خداست و دلیل بر آن آیه

﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ \* عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ می باشد.

﴿عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ یعنی بر مسیری واضح و روشن قرار داری.

لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷)

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ (۸)

۶- تا قومی را انداز کسی که پدرانشان انداز نشده، پس آنها در غفلت

هستند

۷- به تحقیق هرمان ما درباره بیشتر حتمی شده، از این جهت آنها ایمان

نمی آورند

۸- همانا ما بر گردن های آنها زنجیرهایی قرار دادیم که تا چانه هایشان

کشیده شده و سرهایشان را به طرف بالا نگه داشته است

﴿تَنْزِيلَ الْغَزِيرِ الرَّحِيمِ﴾ مراد قرآن است.

﴿لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ تا - عَلَى أَكْثَرِهِمْ ﴾ یعنی عذاب بر

آنها نازل شد ﴿فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ پس آنها ایمان نمی آورند

﴿إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ﴾ تا - فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴾ یعنی

سرهایشان را بالا دارند.<sup>۱</sup>

وَجَعَلْنَا مِنْ تَحْتِهِمُ السَّيِّئِينَ أَعْيَيْنَاهُمْ سُدًّا وَعَشَانَاهُمُ مَهْمًا

لَا يَصِيرُونَ (۹)

۹- و ما در پیش روی آنها و از پشت سرشان سدّی قرار دادیم و

چشم هایشان را پوشانده ایم پس (جایی را) نمی بیند

## معجزه پیامبر ﷺ برای ابوجهل

﴿فَأَغْشَيْنَاهُمْ﴾ یعنی آنها را نابینا کردیم.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ روایت می‌کند که فرمود: یعنی هدایت را نمی‌بینند، چون خدا گوش و چشم و دل و اعمالشان را از اینکه هدایت شوند گرفته است.

این آیه درباره ابوجهل بن هشام و چند تن از خاندان وی نازل شده، و جریان چنین بوده که رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست نماز بخواند، ابوجهل (لعنة الله علیه) هم سوگند خورده بود هر وقت او را دید نماز می‌خواند فرقهش را بشکافت، پس ابوجهل آمد در حالی که سنگی هم به دست داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دید که مشغول نماز است، هر چه دست بلند کرد تا سنگ را به طرف آن جناب پرتاب کند، خدا دستش را در گردنش خشکانید و نتوانست پایین بیاورد، و سنگ هم در دستش نمی‌چرخید، ناگزیر به طرف اصحاب خود برگشت، آن وقت سنگ از دستش افتاد. بعد از او مردی دیگر برخاست که او نیز از فامیل‌های ابوجهل بود، گفت من او را می‌کشم، همین که نزدیکش شد، گوش به قرائت او داد و دلش پر از ترس و وحشت شده و برگشت و به یاران خود گفت: بین من و او چیزی به شکل «شترتر» فاصله شد، و با دم خود به من اعلام خطر کرد، و من ترسیدم نزدیکش شوم.<sup>۱</sup>

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰)

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ فَتَسْرُهُ بِعَفْوَةٍ وَ آخِرُ

کَرِيمَ (۱۱)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآخَرَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي

إِمَامٍ مُّبِينٍ (۱۲)

۱۰- و برای آنها مساوی است که آنها را انداز کنی یا انداز نکسی، ایمان نمی آورند.

۱۱- همانا تو کسی را انداز کنی که از ذکر (باد الهی) پیروی کند و در بهار از خداوند مهربان بترسد، پس همچون کسی را نه معرفت و پاداشی بر ارزشش بشارت ده.

۱۲- همانا ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را که از پیش فرستاده اند و آثار آنها را می نویسیم، و هر چیزی را در کتاب مبین به شماره آورده ایم.

﴿وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ هم چنان که تاریخ ثابت

کرده که بنی مخزوم یعنی از فرزندان معیره احدی ایمان نیاوردند  
﴿وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ تا - وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ  
فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ یعنی در کتاب مبین. و آن محکم است یعنی تاویل نمی خواهد.  
ابن عباس از امیرالمومنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: نه خدا سوگند منم  
امام مبین، که ما بین حق و باطل جدایی می اندازم، و این را از رسول خدا صلی الله علیه و آله  
ارث برده ام.<sup>۱</sup>

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (۱۳)

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ (۱۴)

۱۳- و برای آنها اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن که رسولان به سراغ آنها

آمدند.

۱۴ - زمانی که دو نفر را به سوی آنها فرستادیم که آن دو را تکذب کردند، پس هر سومی را فرستادیم و همه گفتند ما به سوی شما فرستاده شدیم.

### مبلغان در انطاکیه

﴿وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿۱﴾ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَهُكُم مُّرْسَلُونَ ﴿۲﴾﴾

ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام روایت می‌کند که از آن حضرت در تفسیر این آیه سؤال کردم، فرمود: خداوند دو نفر را به سوی اهل شهر انطاکیه فرستاد تا مردم آنجا را به دین حق دعوت کنند، پس آن دو نفر طوری وارد شهر شدند که کسی ایشان را نشناخت و به دعوت مردم پرداختند. اما مردم بر آنها خشم کرده و آن دو را گرفته در بتکده شهر زندانی نمودند؛ خداوند نفر سومی را فرستاد چون داخل شهر شد قصر پادشاه را چریا شده و گفت مرا به حضور پادشاه ببرید. چون او را نزد شاه بردند گفت: مردی هستم که در بیابانها مشغول عبادت می‌باشم اکنون مایلیم که معبود پادشاه را پرستش کنم.

پادشاه دستور داد او را داخل بتکده نمایند تا به عبادت اصنام و بت‌ها مشغول شود. مدت یکسال در بتخانه ماند و با آن دو نفر مرد موحد که زندانی بودند مؤانست و مجالست داشت و با ایشان قرار گذاشت که او را نمی‌شناسند و در حضور پادشاه از خداشناسی و یکتا پرستی او سخن نگویند آن‌گاه تقاضای ملاقات شاه را نمود چون شاه او را احضار نمود گفت به من اطلاع دادند که تو این مدت در بتخانه به پرستش خدایان ما مشغول

بوده‌ای اینک ما خشنودی خودمان را به تو ابراز نموده و احاره می‌دهیم هر حاجتی که داری بخواهی تا مورد اجابت قرار دهم

آن مرد پاسخ داد: من حاجتی ندارم ولی دو نفر را در بتکده زندانی دیدم آنها را برای چه زندانی کرده‌اید؟

پادشاه گفت: این دو نفر دین ما را باطل دانسته و ما را به سوی خداوند آسمانی فرا می‌خواندند.

گفت: ای پادشاه بسیار شایسته و بجاست که امر فرمائید آن دو را به حضور آورده و مجلس مناظره‌ای تشکیل دهیم که اگر حق با آن دو بود از آنها پیروی می‌کنیم و اگر حق با ما بود آن دو در دین ما وارد می‌شوند.

پادشاه آن دو زندانی را احضار نمود و چون حاضر شدند آن مرد گفت: ادعای شما چیست و هدف شما از آمدن به این شهر چیست؟

گفتند: ما برای این به اینجا آمده‌ایم که مردم را به عبادت خداوند یگانه و یکتا دعوت کنیم که آسمان‌ها و زمین را آفریده، و در ارحام آنچه را که اراده نموده خلق کرده و آن طور که خواسته به آن صورت داده و درختان و گیاهان را رویانده و از آسمان باران فرستاده است.

آن مرد گفت: آیا آن خدای یکتایی که معبود شما است قادر است کوری را بینا و بیماری را شفا و مرده‌ای را زنده کند؟

گفتند: اگر از خدا بخواهیم و مشیت ذات مقدسش اقتضا کند البته اجابت خواهد شد.

آن شخص به پادشاه گفت: امر فرمائید تا یک نفر کور مادرزاد را که اصلاً قدرت بینائی ندارد را حاضر کنند. چون آورند به آن دو نفر گفت: از خدای خود بخواهید تا این شخص را بینا کند.



آن دو به نماز برخاسته و دعا نمودند ناگاه به قدرت پروردگار چشمهای کور روشن و بینا گردید و به سوی آسمان نگاه می کرد.  
مرد گفت: کور دیگری بیاورند.

چون آوردند گفت: ای پادشاه دستور بده که برای بینایی این کور هم دعا کنند هر دو به سجده افتاده مشغول دعا شدند که ناگاه او نیز بینا گردید. آن مرد گفت: ای پادشاه امر کنید شخص زمین گیر و افلیجی را بیاورند. چون حاضر کردند به آن دو نفر گفت: دستور پادشاه این است که از خدای خود بخواهید سلامتی این شخص را به او برگردانید. آن دو نفر نماز خوانده و دست به دعا برداشتند که ناگاه شخص فلج برخاسته و به راه رفتن پرداخت. باز گفت: ای پادشاه امر کنید زمین گیر دیگری را بیاورند وقتی که آوردند و آن دو دعا کردند مانند زمین گیر اولی بهبودی و شفا یافته و با قدم های استوار شروع به راه رفتن نمود.

آن مرد به پادشاه گفت: این دو نفر از عهده دو آزمایش مهم بر آمده و حجت قاطعی برای ما آوردند اکنون یک آزمایش دیگر باقی است که اگر آن را نیز انجام دهند من پیرو عقاید این دو نفر شده و دین آنها را می پذیرم، سپس گفت: ای پادشاه آن طور که شنیده ام شما پسری داشته اید که در عنفوان جوانی وفات کرده، من از این دو نفر می خواهم که دعا نمایند و او را زنده کنند و اگر پسر شما را زنده نمایند من داخل دین آنها خواهم شد.

پادشاه گفت: من نیز در صورت وقوع چنین امری خدای این دو نفر را پرستش کرده و یکتا پرستی را قبول می نمایم.

آن مرد گفت: اینک یک امر دیگر باقی مانده است، پسر پادشاه مرده است خدایتان را بخوانید تا او را زنده کند.

آن دو سر به سجده نهاده و به مدت طولانی در حال سجده باقی ماندند سپس سر از سجده برداشته و به پادشاه گفتند: ای پادشاه کسانی را بفرستید تا فرزندان را از گورستان بیاورند که از قبر بیرون آمده است

جمعیت زیادی به سوی قبرستان رفته و با کمال تعجب دیدند که پسر پادشاه از قبر بیرون آمده و مشغول پاک کردن خاکهای سر و صورت خود می باشد، او را خدمت پادشاه آوردند که پادشاه با دیدش او را شناخت گفت: ای فرزندم حالت چگونه است؟

گفت: ای پدر مرده بودم که دو نفر را دیدم که در مقابل پروردگارم به سجده افتاده و از او زنده شدن مرا درخواست می نمایند.

پادشاه گفت: اگر آن دو نفر را ببینی می شناسی؟

پسر گفت: بله!

پادشاه دستور داد که مردم در شهر جمع شوند و از برابر او عبور کنند پس از آنکه جمعیت زیادی عبور کردند و کسی را نشناخت یکی از آن دو نفر را عبور دادند فوراً شاهزاده او را نشان داده و گفت: این شخص یکی از آن دو می باشد؛ باز مردم زیادی را از مقابل عبور دادند که کسی را نشناخت و در آخر از همه نفر دوم را عبور دادند که او را شناخته و گفت این هم نفر دوم است.

آن مرد فوراً به دو نفر نزدیک شده و گفت: اما من به خدای شما ایمان آورده و تصدیق می کنم که خدای شما بر حق است و آنچه شما آورده اید از طرف حق می باشد.

پادشاه نیز گفت: من هم به خدای آن دو ایمان می آورم. و به پیروی از

پادشاه تمام مردم نیز ایمان آوردند.<sup>۱</sup>

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ  
أَلِيمٌ (۱۸)

۱۸ - گفتند: همانا ما شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از ادعای خود) دست  
برندارید سنگسار تان می‌کنیم و از ماهه شما عذاب دردناکی می‌رسد  
﴿إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ﴾ یعنی اسماء شما را به فال بد گرفته‌ایم.

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْمَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (۲۰)  
اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ (۲۱)  
وَمَا لِيَ لَا أُعْبُدَ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۲)  
أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنْهُمْ شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً  
وَلَا يَقْدِرُونَ (۲۳)

إِنِّي إِذَا لَنَسِي ضَلَالِي مُبِينٍ (۲۴)  
إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْتَمِعُونِ (۲۵)  
قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (۲۶)  
بِمَا غَفَر لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (۲۷)  
۲۰ - و مردی شتابان از دورترین نقطه شهر ار راه رسید و گفت ای قوم من،  
از فرستادگان (الهی) پیروی کنید.

۲۱ - از کسانی پیروی کنید که هیچ اجر و پاداشی از شما نمی‌خواهد و خود  
از هدایت یافتگان هستند.

۲۲- و چرا باید کسی را عادت کم که مرا آورده و همه ما به سوی و برمی گردیم.

۲۳- آیا معبودی به غیر از او را بگیرم که اگر خداوند رحمان بخوهد به من ضرری برساند شفاعت آنها کمترین اثری به حال من ندارد و نمی تواند بر نجات بدهند.

۲۴- در این هنگام من در گمراهی آشکاری حوالم بود

۲۵- همانا من به پروردگار شما ایمان آوردم پس به سبحانه گوش فرا دهید.

۲۶- گفته شد وارد بهشت شوید، گفت ای کاش قوم من می دانستند (که خداوند چه پاداشی به من نداد است)

۲۷- که پروردگار مرا آمرزید و مرا از گمراهی شانگان قرار داد

﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ - تا -

وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ این آیات درباره حبیب نهار نازل شده است

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَبِيحَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (۲۹)

۲۹- (عداشان) فقط یک صبحه آسمانی بود که ناگاه همه هلاک شدند.

﴿إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَبِيحَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ﴾ که «خامدون» به معنای

«میتون» یعنی همه مرنند، است.

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَرْوَاحَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا تُعْلَمُونَ (۳۱)

و آیه لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ (۳۷)

۳۶- پای و مره است خدایی که همه را جفت آفرید، چه چیزهایی که

می‌رویند و چه از خودشان (انسان‌ها را که روح آفرید)، و آنچه که  
 نمی‌دانند

۳۷- و شب برای آنها شانهای است، که ما روز را از آن بر می‌گیریم که بها  
 ناگهان در تاریکی فرو می‌روند.

﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾

حلبی گوید امام صادق (علیه السلام) فرمودند: همانا نطفه از آسمان به سوی زمین  
 بر روی نبات و خرما و درخت واقع می‌شود و در آنها جاری می‌شود و مردم  
 و چهارپایان از آن می‌خورند.

﴿وَأَيَّةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ﴾ یعنی روز را از آن خارج  
 می‌کنیم و شب پدیدار می‌گردند.

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸)

وَالْقَمَرَ قَدْرَ مَنَازِلٍ حَتَّىٰ غَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۹)

۳۸- و خورشید به سوی قرارگاه خودش در حال حرکت است، که بی‌ار  
 تقدیر خداوند عزیز و داناست.

۳۹- و برای ماه منازلی مقدر کردیم تا مانند شاخهٔ درخت خرما و به رنگ  
 زرد در می‌آید.

**داستان ابوسعید با امام رضا (علیه السلام)**

﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ - تا - كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾ مراد از «عرجون» بیرون آمدن درخت خرما است که از نخل پدید

می آید و در هنگام بیرون آمدنش به شکل هلال است.

داود بن محمد قهدی گوید: ابوسعید مکاری بر امام رضا علیه السلام وارد شد و گفت: تو مانند پدرت ادعا می کنی آنچه را که پدرت مدعی بود یعنی تو نیز می گویی من فرزندی پیغمبرم؟

حضرت فرمود: تو را چه شده که خداوند نورت را خاموش و فقر و مسکنت را به خانه ات داخل کند آیا نمی دانی که خداوند به عمران وحی فرستاد که به تو پسری عطا خواهم کرد اما مریم را به او داد و از مریم عیسی به وجود آمد پس عیسی از مریم و مریم هم از عیسی است و هر دو در حکم واحد می باشند، من از پدرم و پدرم از من است و ما نور واحدیم.

آن گاه ابو سعید گفت: سوالی دارم.

امام علیه السلام فرمود: بپرس گرچه اطمینان دارم هرگز تو کسی نیستی که به امامت و ولایت من معتقد شوی.

گفت: چه می فرمائید درباره کسی که موقع مرگ وصیت می نماید پس از فوت من آنچه بنده قدیمی دارم در راه خدا آزاد کنید بنده های قدیمی این شخص شامل کدام یک از غلامان و بنده هایش می شود؟

فرمود: هر بنده ای که از شش ماه قبل مالک بوده باید آزاد شود زیرا خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَالْقَمَرَ قَدْرُ نَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾<sup>۱</sup> پس هر کدام که شش ماه باشند پس او قدیم بوده و آزاد است.

می فرماید: ابوسعید از نزد امام علیه السلام بیرون رفت، به فقر مبتلا گشت، بینایش را از دست داد و سپس مُرد که لعنت الهی بر او باد.<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۸۱ و ج ۵۵ ص ۱۶۶ و ج ۱۰۰، ص ۲۰۸. عیون احبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۸؛ معانی الاحبار، ص ۲۱۸؛ کافی، ج ۶، ص ۱۹۵؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۸۶.

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۴۰)

۴۰- نه برای خورشید سراوار است که ماه را درک کند، و نه برای شب که بر

روز سبقت بگیرد، و هر کدام آنها در مسیر خود در حرکت هستند.

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام درباره آیه ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ فرمودند: خورشید سلطان روز و ماه سلطان شب است، که برای خورشید سزاوار نیست که بر نور ماه بتابد و شب نیز بر روز پیشی نمی‌گیرد. شب از بین نمی‌رود تا اینکه روز را درک کند.

﴿وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ می‌فرماید: و همه در مدار فلک می‌چرخند

وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ (۴۱)

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (۴۲)

۴۱- و نشانه‌ای (دیگر) برای آنها این است که ما فرزندان آنها را در

کشتی‌هایی پربار حمل کردیم.

۴۲- و برای آنها مرکب‌هایی (مانند کشتی) آفریدیم

﴿وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ﴾ برای آنان نشانه‌ای دیگر

از قدرت و رحمت ما این است که فرزندان‌شان را در کشتی‌هایی پربار اجناس و وسایل و کالا حمل کردیم.

﴿وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ﴾ یعنی چهارپایان و حیوانات را برای

سوار شدن آنها آفریدیم.<sup>۱</sup>

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (۴۹)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (۵۰)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (۵۱)

۴۸- و می‌گویند این وعده (قیامت) چه وقت می‌آید اگر راست می‌گویند؟

۴۹- (اینها) حرایب انتظار نمی‌کشند که یک صیحه (آسمانی) فرود آید و آنها

را فرا گیرد، در حالی که (در کارهای دنیوی) به بحث و جدل مشغول

هستند

۵۰- پس (در این هنگام) قادر نیستند که وصیتی بکنند و بیر نمی‌توانند به

سوی خانواده‌هایشان برگردند

۵۱- و چون (برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود به ناگاه همه از قبرها

شتابان به سوی پروردگارشان می‌روند.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ \* مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ﴾ این صیحه در آخر الزمان خواهد بود، مردم در آن

روزگار گرفتار یک صیحه می‌شوند، در حالی که مردم در بازارها مشغول

مخاصمه هستند، ناگهان گرفتار این صیحه گشته و همه به یکباره می‌میرند.

و احدی نیست که به خانه خود برگردد، و یا وصیتی به کسی بکند، و همین

است معنای آیه ﴿فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ﴾ پس در این

هنگام عذاب قادر نیستند که وصیتی بکنند و نیز نمی‌توانند به سوی

خانواده‌هایشان برگردند.<sup>۱</sup>

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ از قبرها بیرون



آمده و به سوی پروردگارشان به سرعت حرکت می کنند.<sup>۱</sup>

قَالُوا يَا وَلَدُنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ  
الْمُرْسَلُونَ (۵۲)

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۵۳)

۵۲- گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این

همان وعده خداوند مهربان است و فرستادگان او همگی راست گفتند

۵۳- و آن یک صیحه‌ای بیش نیست، که همه آنها به ناگاه در پیشگاه ما

حاضر می شوند.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر (ع) در تفسیر آیه ﴿يَا وَلَدُنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا﴾ فرمودند: مردم در قبرها هنگامی که از آن برخواستند گمان می کنند که در خواب بوده اند و می گویند: ای وای بر ما چه کسی ما را از جایگاهمان بیرون آورده است؟

مالئکه در پاسخشان می گویند: این همان وعده‌ای است که خدای رحمان می داد، و فرستادگان خدا راست می گفتند.<sup>۲</sup>

سپس نفخه دوم را زکر کرده و می فرماید: ﴿إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾ و آن یک صیحه‌ای بیش نیست، که همه آنها به ناگاه در پیشگاه ما حاضر می شوند.

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِهُونَ (۵۵)

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۹۸

۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۳؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۳۹۸

۵۵- همانا اهل بهشت امروز در نعمت‌های الهی مشغول هستند.

﴿إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكِيهُونَ﴾ یعنی اهل بهشت با زنان و حوریان ملاعبه و بازی می‌کنند.<sup>۱</sup>

مَنْ رَأَوْا جَهَنَّمَ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكُونَ (۵۶)

۵۶- آنها و همسرانشان در سایه درختان بر تخت‌های (بهشتی) تکیه کرده‌اند

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر (ع) در تفسیر آیه ﴿فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكُونَ﴾ فرمودند: کلمه ﴿ارائک﴾ تخت‌هایی است که روی آن حجله‌ها می‌باشد.<sup>۲</sup>

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ (۵۸)

وَأَمَّا نَارُ الْيَوْمِ أَتَيْهَا الْمَجْرُمُونَ (۵۹)

۵۸- بر آنها سلام (الهی) باد، که این گفتاری از جانب پروردگار مهربان است.

۵۹- و (نه گم‌کاران گفته شود) ای مجرمان امروز شما جدا شوید.

﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾ سلام از ناحیه خدا همان امن و امان است. ﴿وَأَمَّا نَارُ الْيَوْمِ أَتَيْهَا الْمَجْرُمُونَ﴾ چون خدا خلق را در روز قیامت جمع کند، همه برپا خواهند ماند به حدی که عرق ایشان را فرا می‌گیرد، پس ندا می‌کنند: پروردگارا به حساب ما رسیدگی کن هر چند که جهنمی باشیم. آن‌گاه فرمود خدای تعالی یادهایی می‌فرستد تا در بین آنان بوزد، و منادی ندا می‌کند ای

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۹۹، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۶۰

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۲۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۶۱

مجرمین امروز از بهشتیان جدا شوید. پس از یکیگر جدا می شوند، محرمین در آتش می افتند، و کسی که در قلبش ایمان باشد به سوی بهشت می رود<sup>۱</sup>

وَلَقَدْ أَضَلُّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَفْقَهُونَ (۶۲)

۶۲- و به تحقیق گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا وقت آن نرسیده که

اندیشه کنید؟

﴿وَلَقَدْ أَضَلُّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا﴾ یعنی خلق زیادی که هلاک شدند.

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَعْيُنُهُمْ وَنُشْهِدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۶۵)

۶۵- امروز بر دهان آنها مهر می زنیم (که نمی توانند سخن بگویند)، و

دستهایشان با ما سخن می گویند، و پاهایشان به آنچه که انجام می دادند

شهادت می دهند.

﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ - تا - يَكْسِبُونَ﴾ هنگامی که خداوند در

روز قیامت همه را در یک جا جمع کرد نامه هر کسی را به او می دهد پس آنها

بر آن نامه نگریسته و اعمالی را که در آن نوشته شده را منکر می شوند، پس

ملائکه شهادت داده و می گویند: پروردگارا ملائکه تو برایت شهادت می دهند،

سپس آنها سوگند می خورند که ما این اعمال را انجام نداده ایم و آن قول الهی

است که می فرماید: ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخْلِفُونَ لَهُ كُلًّا يَخْلِفُونَ لَكُمْ﴾<sup>۲</sup> پس

زمانی که چنین کنند خداوند بر زبان های آنها مهر می زند و اعضای بدنشان

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۰۳

۲. مجادله، آیه ۱۸؛ (بیاد بیاور) روزی که خداوند همه آنها را بر می انگیزد، آنها برای خداوند

سوگند (دروغ) می خورند همچنانکه برای شما می خوردند

سخن می‌گویند ﴿يَمَّا كَانُوا أَنْكُسِبُونَ﴾ به آنچه که انجام می‌دادند.

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ (۶۶)

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ (۶۷)

۶۶- و اگر بخواهیم چشم‌هایشان را محو می‌کنیم، پس چوب برای عبور

راه مسقط می‌گیرد اما چگونه می‌بینند؟

۶۷- و اگر بخواهیم آنها را در جای خودشان مسح می‌کنیم، پس در این

صورت نمی‌تواند به راه خود ادامه دهند و یا برگردند

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ﴾ یعنی

چگونه می‌بینند.

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ﴾ یعنی در دنیا.

﴿فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ﴾ پس در این صورت نمی‌توانند به راه

خود ادامه دهند و یا برگردند.

وَمَنْ نَعْمَرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (۶۸)

۶۸- و به هر کس عمر طولانی دهیم در آفرینش او دگرگوش می‌کنیم. پس

چرا اندیشه نمی‌کنند.

﴿وَمَنْ نَعْمَرُهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾

این آیه رد زنادقه است که توحید را باطل دانسته و می‌گویند. هنگامی که

مردی با زنی در آمیخت و نطفه مرد در رحم زن قرار گرفت و بر اثر استعداد

آن نطفه و خوردن غذاها و چرخش فلک و گذشت شب و روز انسانی به دنیا

می‌آید؛ و خداوند سخنان آنها را با یک جمله باطل نموده و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ

نُعْمَرُهُ نُنَكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ به هر کسی که ما عمر بیشتری دهیم از خلقت و قدرت جسمانی او می‌کاهیم آیا اندیشه نمی‌کنید؟

اگر اینطور بود که می‌گویند مادامی که شب و روز برپاست و فلک می‌چرخد سزاوار است که انسان از زمان تولد رو به زیادی کند، پس چگونه رو به کاستی می‌کند، وقتی که از دوران طفولیت رو به بزرگی می‌کند قدرت شنوایی و بینائی، نیروی جسمانی، علم و سخن گفتن رو به ضعف می‌رود، لکن همه آنها از جانب خداوند عزیز و علیم بوده و در تقدیر اوست.<sup>۱</sup>

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (۶۹)

۶۹- و ما به او (پیامبر) شعر نیاموختیم و (شاعری هم) برای او سزاوار

نیست، بلکه این (کتاب آسمانی) ذکر (اللهی) و قرآن مبین است

﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ﴾

قریش می‌گفتند: آنچه محمد می‌گوید شعر است، خدای سبحان در همین آیه سخن ایشان را رد نموده و فرمود: ﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ﴾ ما به او شعر نیاموخته‌ایم، و او سزاوار شعرگویی نیست، و آنچه آورده به جز ذکر و قرآن مبین نمی‌باشد.

و بدون شک رسول خدا ﷺ در تمامی طول عمر شریفش حتی یک بار هم شعر نگفت.

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَجْعَلَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰)

۷۰- تا افرادی را که زنده هستند انذار کند، و برای کافران (به عنوان اتمام

حجت) دستور عذاب حتمی شود.

﴿لِيُذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا﴾ یعنی مؤمن را که قلبش زنده است انداز کند.

﴿وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ یعنی عذاب برای کافران مسلم گردد.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِنَّا غَمَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (۷۱)

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (۷۲)

۷۱- آیا ندیدند که برای آنها به دست قدرت خود چهارپایانی آفریدیم تا

مالک آنها شوند؟

۷۲- و آنها را برایشان رام کردیم که هم بر آنها سوار می‌شوند و هم از

گوشت آنها می‌خورند.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِنَّا غَمَامًا﴾ یعنی آن چهارپایان را به

قدرت خود آفریدیم.

﴿وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ﴾ یعنی شتر با آن همه قدرت و بزرگی، طفلی آن را می‌راند و

به هر کجا که خواست می‌برد.

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

۷۳- و برای آنها در آن (چهارپایان) منافع و آشامیدنی‌هایی هست، آیا

شکرگزاری نمی‌کنند؟

﴿وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ یعنی آنچه که به وسیله آن

چهارپایان کسب می‌کنند و آنچه که بر آنها سوار می‌شوند.

﴿وَمَشَارِبُ﴾ یعنی از شیر آنها استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ (۷۴)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُنْخَضَرُونَ (۷۵)

فَلَا يَخْزُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّآ نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ (۷۶)

أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْقَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ (۷۷)

۷۴- و به جای خداوند بگانه معبودانی را برگزیدند شاید که یاری شوند

۷۵- آنها هرگز توانایی یاری آنها را ندارند، و اینها لشکری برای آنهاست که

همگی در آتش جهنم حاضر می شوند

۷۶- پس سخنان آنها تو را محزون نکند، همانا ما آنچه را که پنهان می کند و

آشکار می نمایند را می دانیم.

۷۷- آیا انسان نمی داند که ما او را از نطفه آوردیم؟ آن گاه او دشمن آشکار

ما شد.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در آیه «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ» \* لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُنْخَضَرُونَ» فرمودند: خدایان مشرکین توانایی یاری مشرکین را ندارند، و مشرکین قشونی هستند برای خدایانی که روزی احضار می شوند.<sup>۱</sup>

سپس خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: «فَلَا يَخْزُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّآ نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ» پس سخنان آنها تو را محزون نکند، همانا ما آنچه را که پنهان می کنند و آشکار می نمایند را می دانیم.

«فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» یعنی زبان گویا دارد و عالم و سخنور است.

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُعْطِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (۷۹)

۷۸- و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد، گفت چه کسی بر

استخوانها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده‌اند؟

۷۹- بگو آن کسی او را زنده می‌کند که اول بار او را ایجاد کرد، و او به هر

آفریده‌ای داناست

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُعْطِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾ و برای ما

مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد، گفت: چه کسی این استخوانها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده‌اند؟

خداوند متعال می‌فرماید، ای محمد بگو: ﴿يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ

بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾ آن کسی او را زنده می‌کند که اول بار آنها را ایجاد کرد، و او به هر آفریده‌ای داناست.

اگر انسان بر آفرینش خویش تفکری می‌کرد همان او را به سوی

پروردگارش راهنمایی می‌نمود، زیرا هر انسانی می‌داند که قدیم نیست چون

خود و دیگر مخلوقات را می‌بیند که حادث هستند و نیز می‌داند که خود

خودش را هم خلق نکرده است، زیرا هر خالقی قبل از مخلوقش هست و اگر

خودش را خلق کرده بود پس باید آفات و دردها و مرض‌ها و مرگ را باید از

خود دور می‌کرد پس در این هنگام ثابت می‌شود که خالقی مدبر دارد که همان

خداوند یکتا و قهار است.<sup>۱</sup>

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ (۸۰)



أُولَئِكَ الَّذِينَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ يَقَادِرُ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ تَلَىٰ وَهُوَ  
الْخَلَّاقُ الْغَنِيمُ (۸۱)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۸۲)  
فَسُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۳)

۸۰- همانا خدایی که از درخت سر برای شما آتشی قرار داد که شما به  
وسیله آن آتش می‌افروزید.

۸۱- آیا آن کسی که آسمانها و زمین را آفریده قادر نیست که همانند آن را  
بیافریند؟ بلی (می‌تواند) که او آفریده و داناست.

۸۲- همانا امر او چنین است که هر وقت اراده چیرگی را کرد می‌گوید:  
«موجود باش» آن چیر هم فوراً موجود می‌شود.

۸۳- پس پاک و منزّه است خدایی که ملکوت هر چیزی به دست اوست و  
نازگشت شما همه به سوی او می‌باشند.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ﴾ که مراد از  
درخت، درخت مزخ و غفار است که در سرزمین غرب می‌باشد پس هنگامی  
که می‌خواهند آتشی روشن کنند از چوب آن دو درخت بر می‌دارند و به هم  
می‌مالند و آتش از آن دو بوجود می‌آید سپس خداوند عز و جل می‌فرماید:  
﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ يَقَادِرُ﴾ تا - كُنْ فَيَكُونُ ﴿ خزائن الهی  
در کاف و نون (که همان کُن است) می‌باشد ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ  
شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ پس پاک و منزّه است خدایی که ملکوت هر چیزی به  
دست اوست و بازگشت شما همه به سوی او می‌باشد.<sup>۱</sup>

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

# تفسیر سورة صافات

۳۷ - سورة صافات در مکه

نازل شده و دارای ۱۸۲ آیه

است.

مركز تحقيق و پژوهش اسلامي

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّافَاتِ صَفًا (۱)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (۲)

۱- سوگند به (فرشته‌های) صاف/زده.

۲- (و) سوگند به نهی کنندگان.

﴿وَالصَّافَاتِ صَفًا﴾ مراد ملائکه و انبیاء هستند که برای عبادت خدا صاف

کشیده‌اند.

﴿فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا﴾ آنهایی که مردم را از گناه باز می‌دارند.

فَاللَّائِيَاتِ ذِكْرًا (۳)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (۴)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَشَارِقِ (۵)

إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِرَبِّهِ الْكَوَكِبِ (۶)

۳- سوگند به تلاوت کنندگان ذکر (آیات الهی).

۴- همانا که خداوند شما بگانه است.

۵- پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه که در میان آن دو است، و پروردگار

مشرق‌ها.

۶- همانا ما آسمان دنیا را با ستارگان آراستیم.

﴿فَاللَّيَالِيَّاتُ ذُكْرًا﴾ آیهایی که قرآن را قرائت می‌کنند؛ این قسم است و جوابش ﴿إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿إِنَّا رَبُّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾ می‌باشد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت علی علیه السلام فرمودند: این ستارگان که در آسمان است، شهرهایی است مانند شهرهایی که در زمین می‌باشد که هر کدام به وسیله عمودی از نور به همدیگر مربوط است که طول آن عمود در آسمان دویست و پنجاه سال است.<sup>۲</sup>

وَجُفُظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ (۷)

لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الثَّلَاثِ الْأَعْلَىٰ وَيَقْدِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (۸)

دُخُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹)

إِلَّا مَنْ خَطِيفَ الْخَطِيفَةِ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰)

۷- تا آن (آسمان) را از شر هر شیطان حیثی محفوظ نمایم.

۸- که نتوانند از سخنان فرشتگان عالم بالا چیزی بشنوند، و از هر جایی رانده می‌شوند.

۹- آنها به قهر رانده می‌شوند، و برای آنها عتابی دائمی است.

۱۰- مگر آنهایی که برای مدتی کوتاه برای شنیدن اخبار آسمانی نزدیک می‌شوند که شهاب ثاقب (فروران) آنها را عقیب می‌کند.

۱. تفسیر برهان، ج ۵، ص ۴۰۹؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۰۰

۲. بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۹۱

﴿وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ﴾ مراد یعنی خبیث.  
 ﴿لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْأَعْلَىٰ وَ يُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ﴾ دُحُوراً یعنی  
 ستارگانی که به سوی شیاطین پرتاب می‌شوند.

﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ﴾ که واصل به معنای واجب است  
 ﴿إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ﴾ یعنی کلمه را می‌شنوند و آن را حفظ می‌کنند  
 ﴿فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ﴾ شهاب هائی که پرتاب شده و شیاطین را  
 می‌سوزانند.<sup>۱</sup>

ابن‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿عَذَابٌ وَاصِبٌ﴾  
 فرمود: یعنی عذاب دائم و دردناک که بر قلوب آنها می‌رسد.  
 ﴿شِهَابٌ ثَاقِبٌ﴾ یعنی ستارگان نورانی که هر گاه به آنها اصابت می‌کند  
 دورشان می‌گرداند.<sup>۲</sup>

فَأَسْتَفْتِيهِمْ أَهْمُ أَنْشُدُ خَلْقًا أَمْ مِنْ خَلْقِنَا إِذَا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ (۱۱)

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (۱۲)

وَإِذَا دُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (۱۳)

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخَرُونَ (۱۴)

۱۱- پس از آنها بپرسم، آیا آفرینش آنها سعت‌تر است یا آفرینش موجوداتی

که آفریده‌ایم؟ ما آنها را از گل چسبیده آفریدیم.

۱۲- بلکه تو (از انکار آنها) تعجب می‌کنی و آنها نیز تمسخر می‌کنند.

۱۳- و هنگامی که به آنها تذکر داده شود هرگز متذکر نمی‌شوند.

۱- تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۰۹

۲- تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۰۹

۱۴- و هنگامی که شانهای را سینک (دیگران را سیر) به تمسحر و

می‌دارد.

﴿فَاسْتَنْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ﴾ یعنی یکی

که به دست می‌چسبید.<sup>۱</sup>

﴿بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ﴾ و إِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿و إِذَا رَأَوْا آيَةً﴾

يَسْتَسْخَرُونَ ﴿ یعنی قریش هنگامی که نشانه‌ای را ببینند.

أَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَ إِنَّا لَتَبْعُوْنَ (۱۶)

أَوْ آبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۱۷)

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ (۱۸)

۱۶- آبا هنگامی که مُردیم و به خاک و استخوان پوسیده میل شدیم بار

دوباره زنده شده و برانگیخته می‌شویم؟

۱۷- یا پدران گذشته ما (زنده می‌شوند)؟

۱۸- بگو آری، همه شما (و پدرانتان) رنده می‌شوید، در حالی که حواری

دلیل هستید.

خداوند قول دهریون از قریش را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿أَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا

تُرَابًا وَعِظَامًا - تا - دَاخِرُونَ﴾ یعنی در آتش جهنم انداخته می‌شوند.<sup>۲</sup>

اخْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (۲۲)

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ (۲۳)

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۱۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۷۷

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۱۰



وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (۲۴)

۲۲- (و به فرشتگان خطاب شود) ستمکاران را با همسرانشان

(همکارانشان) و آنچه را که می پرستیدند را حاضر کنید،

۲۳- که نه غیر از خدا را می پرستیدند، آنها راه راه دورح هدایتشان نمایند

۲۴- و آنها را نگه دارید که مورد سؤال واقع شوند.

«أَخْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَاهُمْ» محشور کنید آنهائی که در حق آل

محمد ﷺ ظلم و ستم کردند.

«وَأَرْوَاهُمْ» یعنی کسانی که در ظلم و ستم شبیه به آنها بودند.<sup>۱</sup>

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیّه السلام در ذیل آیه «فَأَهْدُوهُمْ إِلَىٰ

صِرَاطِ الْجَعِيمِ» فرمودند: آنها را به سوی مسیر دوزخ می خوانند.<sup>۲</sup>

«وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» یعنی از ولایت علی علیّه السلام بازخواست می شوند.

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُشْتَلِمُونَ (۲۶)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۷)

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ نَاثِقِينَ (۲۸)

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۲۹)

۲۶- بلکه آنها امروز مشتلم (قدرت خداوند) هستند.

۲۷- و در آن هنگام از یکدیگر سؤال می کنند.

۲۸- گروهی گویند: شما بودید که از سعت راست ما می آمدید

۲۹- (آنها در جواب) گویند. بلکه شما خودتان ایمان نیاوردید

۱. نورالثقیف، ج ۴، ص ۴۰۱

۲. نورالثقیف، ج ۴، ص ۴۰۱

﴿يَلْهُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ﴾ یعنی برای عذاب همگی تسلیم می‌شوند  
 سپس خداوند قول آنها را نقل کرده و می‌فرماید: ﴿وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ  
 يَتَسَاءَلُونَ﴾ ﴿قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ﴾ یعنی فلانی و فلانی (اولی و  
 دومی).

﴿قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ آنها در جواب می‌گویند، بلکه شما خودتان  
 ایمان می‌آوردید.

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَانِقُونَ (۳۱)

فَاغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ (۳۲)

۳۱- پس امروز فرمان پروردگار ما بر ما حتمی است، همانا ما عذاب‌آور

خواهیم چشید.

۳۲- ما شما را گمراه کردیم که خودمان در گمراهی بودیم.

﴿فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَانِقُونَ﴾ یعنی وعده پروردگار به ما محقق گشته  
 و حال باید عذاب الهی را بچشیم.

﴿فَاغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ﴾ ما شما را گمراه کردیم که خودمان در گمراهی  
 بودیم.

فَبَهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۳)

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۳۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۳۵)

۳۳- پس همانا آنها در آن روز در عذاب الهی مشترک هستند.

۳۴- که با مجرمین اینچنین برخورد می‌کنیم.

۳۵- همانا آنها بودند هنگامی که گفته می شد هیچ معبودی جز خدای

یکانه نیست، سرکشی می کردند

﴿فَأَنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ - تَا حَسِبْتُمْ كِبْرُؤُنَا﴾ این آیات از محکمت

است.

وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا آلِهَتَنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ (۳۶)

تَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ (۳۷)

۳۶- و می گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه ای حجابان خود را ترک کنیم؟

۳۷- (چنین نیست که آنها پنداشتند) بلکه (پیامبر) با حق آمد و پیامبران

پیشین را سیر تصدیق می کند.

﴿وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا آلِهَتَنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ﴾ یعنی رسول خدا ﷺ.

پس خداوند آنها را رد کرده و می فرماید ﴿بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ

الْمُرْسَلِينَ﴾ بلکه پیامبر ﷺ به حق آمده همچنانکه قبل از او پیامبرانی به حق آمده بودند.

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ (۴۱)

۴۱- برای آنها روزی معینی است.

خداوند آنچه را که برای مومنین آماده کرده را بیان می کند: ﴿أُولَئِكَ لَهُمْ

رِزْقٌ مَّعْلُومٌ﴾ یعنی در بهشت.<sup>۱</sup>

لَا فِيهَا عِوَالٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ (۴۷)

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ (۴۸)

كَانَهُنَّ يَتَنَبَّهْنَ مَكَتُونٌ (۴۹)

۴۷ - شرابی که نه مایه تباهی عقل می‌شود و نه به وسیله آن مست می‌گردد.

۴۸ - و در برد آنها حوریان زیبا چشمی است که فقط به شوهران خود عشق می‌ورزند.

۴۹ - که گویی (آن حوریان در سعیدی و لطافت) همانند تخم مرغ‌هایی هستند (که ریز پر و بال مرغ) پنهان مانده‌اند (تا گرد و عاری بر روی آنها نشیند).

«لَا فِيهَا غَوْلٌ» یعنی در بهشت هیچ قسادی نیست.

«وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ» یعنی در آن مست و لایعقل نمی‌شوند.

«وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ» یعنی حور العین که نگاه کردن به آنها

آدمی را از مشغول شدن به دیگری باز می‌دارد.

«كَانَهُنَّ يَتَنَبَّهْنَ مَكَتُونٌ» که مکنون به معنای مخزون و پنهان است.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۵۰)

قَالَ فَايِلَ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (۵۱)

يَقُولُ أَأَيْتَكَ لِعَنِ الْمُصَلِّينَ (۵۲)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ (۵۳)

قَالَ هَلْ أَنتُمْ مَطْلُوعُونَ (۵۴)

فَاطْلُوعَ قَرَأَهُ فِي سَوَاءٍ الْجَحِيمِ (۵۵)

قَالَ تَاللَّهِ إِنِّي كَذْتُ لَكَ زِدِينِ (۵۶)

وَلَوْ لَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ (۵۷)

أَفَمَا نَحْنُ بِمُعْبَدِينَ (۵۸)

إِلَّا مَوْتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعْلَبِينَ (۵۹)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقُوَىٰ الْعَظِيمُ (۶۰)

۵۰- (در بهشت که عرق نعمت های الهی هست) از همدیگر می پرسند.

۵۱- یکی از آنها می گوید برای من (در دنیا) همنشینی بود.

۵۲- که نه من می گفتم: آیا تو این سخنان را باور می کنی (که بهشت و قیامت و جهنمی هست)؟

۵۳- آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان پوسیده شدیم دوباره زنده شده، پاداش و کفیری می بینیم؟

۵۴- (و آن گاه) می گوید آیا می توانید از حال او خبری بگیرید؟

۵۵- پس نگاهی می کند و او را در میان دورج می بیند.

۵۶- (مومن به آن کافر) می گوید: نه خلا سوگند نزدیک بود که مرا نیز به هلاکت بکشانی.

۵۷- و اگر نعمت پروردگارم نبود من نیز از حاضر شدگان (به دورج) بودم.

۵۸- (و سپس از خوشحالی می گوید): آیا ما هرگز نمی میریم؟

۵۹- مگر همان مرگ اول (که در دنیا مُردیم) و ما دیگر هرگز عذاب نمی شویم.

۶۰- این همان رستگاری برگ است

﴿فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾ \* قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ \* يَقُولُ أَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُصْذِقِينَ﴾ یعنی آنچه را برای تو می گوید آن را تصدیق کن زیرا هنگامی که مُردی زنده می شوی پس به همنشینش می گوید: ﴿هَلْ أَنتُمْ

مُطْلَعُونَ؟ آیا می‌توانید از حال او خبری بگیرید؟

«فَاطَّلَعَ فَرَأَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ» پس نگاهی می‌کند و او را در میان دوزخ می‌بیند.

به همنشینش می‌گوید: «تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لِتَرْدِينِ» و لَوْ لَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ» به خدا سوگند نزدیک بود که مرا نیز به هلاکت بکشانی. و اگر نعمت پروردگارم نبود من نیز از حاضر شدگان (به دوزخ) بودم<sup>۱</sup>  
ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه «فَاطَّلَعَ فَرَأَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ» فرمودند: یعنی در وسط جهنم.

سپس در بهشت می‌گویند: «أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّينَ» إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ» إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» و سپس از خوشحالی می‌گوید: آیا ما هرگز نمی‌میریم؟ مگر همان مرگ اول (که در دنیا مُردیم) و ما دیگر هرگز عذاب نمی‌شویم. این همان رستگاری بزرگ است.

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود وقتی اهل بهشت داخل بهشت می‌شوند، و اهل جهنم به آتش در می‌آیند، مرگ را به صورت گوسفندی می‌آورند و بین بهشت و دوزخ سر می‌برند و می‌گویند دیگر برای احدی مرگ نیست و هر کس تا ابد در جای خود هست، در این هنگام اهل بهشت می‌گویند: آیا دیگر ما نمی‌میریم، مرگ ما همان مرگ اول بود؟ و آیا ما عذاب نمی‌شویم؟ راستی این چه رستگاری عظیمی است و برای چنین مقامی شایسته است که تلاشگران تلاش کنند.

أَذَلِكَ خَيْرٌ نَزَلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّوْمِ (۲۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ (۶۲)

۶۲- آیا ایس (بعضی های بهشتی) بهر است یا درخت رقوم جهنم؟

۶۳- همانا ما آن را عذاب مستکاران قرار دادیم.

﴿أَذَلِكَ خَيْرٌ نُزْلاً أَمْ شَجَرَةُ الرُّقُومِ﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ \* که مراد از

فتنه در اینجا عذاب است.

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْباً مِنْ حَمِيمٍ (۶۷)

۶۷- پس برای آنها بعد از خوردن رقوم دوزخ، آب داغ متعفی هست (که

می نوشند).

﴿ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْباً مِنْ حَمِيمٍ﴾ یعنی عذاب بر روی عذاب.

فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ (۷۰)

۷۰- پس ایها به دنبال آثار آنها (پدرانشان) گشایند می شوند.

﴿فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ﴾ یعنی آنها به دنبال آثار پدران خود می روند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّتَرَجِّينَ (۷۲)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَرَجِّينَ (۷۳)

۷۲- و به تحقیق ما در میان آنها انداز کمدگانی فرستادیم.

۷۳- پس بگر که عاقبت انداز شومدگان (تکذیب کنندگان و کافران) چگونه

بود

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّتَرَجِّينَ﴾ یعنی انبیاء را فرستادیم.

﴿فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَرَجِّينَ﴾ یعنی بر عاقبت امت های هلاک شده نگاه کن.

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (۷۵)

۷۵ و به تحقیر نوح ما را خواند و ما چه سکو احابت کننده ای هستیم

خداوند عز و جل نداء انبیاء (خواندن آنها خدا) را ذکر کرده و می فرماید:  
 ﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ﴾ و به تحقیق نوح ما را خواند و ما چه نیکو  
 اجابت کننده ای هستیم.

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (۷۷)

۷۷ و ما فرزندان او را بار ماندگان زمین قرار دادیم

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ  
 الْبَاقِينَ﴾ فرمودند: به حق نبوت و کتاب و ایمان را در اعقاب فرزندان نوح قرار  
 داد و تمام فرزندان آدم در روی زمین از نسل نوح نمی باشند که خداوند در  
 قرآن می فرماید: ﴿أَخْلَصَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زوجٍ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ  
 الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾<sup>۱</sup> از هر جفتی از حیوانات یک زوج را در  
 آن کشتی حمل کن، همچنین خاندانت را بر آن سوار کن، مگر آنهایی که قبلاً  
 وعده هلاک آنها داده شده است، و نیز مومنان را سوار کن، اما جز عده کمی به  
 او ایمان نیاوردند.

و همچنین می فرماید: ﴿ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ﴾<sup>۲</sup> از فرزندانش کسانی که  
 با نوح حمل کردیم.<sup>۳</sup>

وَإِنْ مِنْ شَيْعَةٍ لَآيْرَاهِمُ (۸۳)

۱ هود، آیه ۴۰

۲ اسراء، آیه ۳

۳ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۴۱۰، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۸۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۱۸



إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۴)

۸۳- و همانا از پیروان او (نوح) ابراهیم بود.

۸۴- هنگامی که با قلب سلیم (پاک) به سوی پروردگارش آمد.

### اسم شیعه در قرآن

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: بزودی اسم شما را مورد اهانت قرار می‌دهند.

عرض کردم: فدایت کردم آن کدام اسم است؟

فرمود: اسم شیعه، گفته شده همانا مردم ما را بر آن اسم عیب و ایراد می‌گیرند، آیا فرمایش الهی را نشنیده‌ای؟ «وَإِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمُ» و همانا از پیروان او (نوح) ابراهیم بود.<sup>۱</sup>

و اینکه می‌فرماید: «فَاسْتَفَانَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ»<sup>۲</sup> که اسم شما را مورد اهانت قرار می‌دهند.<sup>۳</sup>

«إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» می‌فرماید: قلب سلیم به دور از شک است؛<sup>۴</sup> که خبرش را در سورة انبیاء نوشته‌ایم.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَٰ بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَٰ أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲)  
فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ (۱۰۳)

۱. بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۹

۲. قصص، آیه ۱۵؛ آن که از پیروانش بود در برابر دشمنش از او درخواست کمک کرد

۳. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۱۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۸۸؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۰۵

۴. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۳۹

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (۱۰۴)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَبُكَ نَجْرِي الْمُحْسِنِينَ (۱۰۵)

إِنْ هَذَا إِلَّا هُوَ التَّلَاءُ الْمُسِيءُ (۱۰۶)

۱۰۲ - پس هنگامی که داوود به مقام سعی رسید، (ابراهیم) گفت ای فرزندانم، در جواب دیدم که تو را دبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ گفت ای پدر، بدانچه که مأمور شده‌ای عمل کن، بروی مرا به حواست جداودار صبر کنندگان خواهی یافت.

۱۰۳ - پس هنگامی که هر دو تسلیم شدند، (ابراهیم) حسین او را بر روی خاک گذاشت،

۱۰۴ - و ما او را ندانیم که ای ابراهیم،

۱۰۵ - به تحقیق روایت از انجام نادی؛ این چنین ما بیکوکاران را پاداش می‌دهیم

۱۰۶ - همانا این امتحان روشنی بود.

### بجا آوردن ابراهیم مناسک حج را

﴿يَا بَنِيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود هنگام زوال خورشید در روز ترویبه جبرئیل نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمد و گفت: ای ابراهیم به مقدار کافی از برای خود و خانواده‌ات اب بردار که ما بین مکه و عرفات آبی نیست.

به خاطر همین هشتم ذی‌الحجه را روز ترویبه می‌گویند، ابراهیم حرکت

کرد تا اینکه به منی رسید، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا و صبح را در آنجا خواند تا اینکه اقتاب زد، از منی به سوی عرفات حرکت نمود و در نمره که وسط عرفات است وارد شد، چون ظهر شد غسل کرده و نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه بجا آورد و در مسجدی که در عرفات است و با سنگهای سفید مرمت شده بود نماز خواند سپس به سوی موقف رفت، جبرئیل گفت: ای ابراهیم به گماھانت اعتراف کن و اعمال حج را بشناس، که برای همین عرفه نامیده شده است. ابراهیم در موقف ماند تا خورشید غروب کرد، جبرئیل گفت: ای ابراهیم به مشعر نزدیک شو که به آن مزدلفه می‌گویند و او را به مشعرالحرام آورد که با یک اذان و دو اقامه نماز مغرب و عشا را خواند و سپس تا صبح در آنجا ماند و بعد از خواندن نماز صبح به منی رفت و جبرئیل او را به رمی جمره عقبه دستور داد که ابلیس ملعون در پشت آن جمره عقبه قرار داشت.

### ذبح اسحاق

سپس، داود به ابراهیم امر نمود که قربانی کند ابراهیم هنگامی که خواست از عرفات برگردد در مشعرالحرام ماند در خواب دید که فرزندش اسحاق را قربانی می‌کند که او نیز با مادرش ساره حج را به جا می‌آورد، هنگامی که به منی برای رمی جمره رسید، زنفش را به خانه فرستاد و فرزندش را در نزد خود نگه داشت، چون به جمره وسطی رسید یا او مشورت کرد و گفت: ﴿يَا بَنِيَّ إِنِّي أُرِي فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ﴾ ای مرزدم در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم نظرت چیست؟

او گفت: ﴿يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ فَلَمَّا

اَسْلَمْنَا؟ ای پدر بدانچه امر شده‌ای آن را بجا بیاور که ان شاء الله بزودی مرا از صابرین خواهی یافت. و تسلیم امر الهی شد.

پیرمردی جلو آمد و گفت: ای ابراهیم از این بچه چه می‌خواهی؟  
فرمود: می‌خواهم او را قربانی کنم.

گفت: سبحان الله آیا می‌خواهی بچه‌ای را قربانی کنی که یک لحظه هم خدا را معصیت نکرده است؟

ابراهیم علیه السلام فرمود: خداوند مرا بدان امر نموده است.

گفت: پروردگارت تو را از آن نهی می‌کند، همانا این شیطان است که تو را به آن امر کرده است.

ابراهیم به او فرمود: وای بر تو این خداوند است که مرا بدان امر کرده است و گفتار او در گوشم طنین انداز گردیده است.

گفت: بخدا سوگند این شیطان است که تو را بدان امر کرده است.

ابراهیم فرمود: بخدا سوگند دیگر با تو سخنی نمی‌گویم، سپس ابراهیم علیه السلام عزم بر ذبح نمود.

شیطان گفت: ای ابراهیم تو پیشوائی هستی که مردم به تو اقتداء می‌کنند و اگر تو فرزندان را ذبح کنی مردم نیز فرزندانشان را ذبح خواهند کرد.

ولی ابراهیم علیه السلام با او سخنی نگفت، رو به فرزندش کرد و درباره ذبح با او مشورت نمود، چون تسلیم امر الهی شدند، فرزند گفت: ای پدر صورتت را بهوشان و آن را محکم ببند.

ابراهیم فرمود: ای فرزندم دست و پایت را نمی‌بندم پس مفرشی را که در روی الاغ بود روی زمین پهن کرد و چاقو را بر حلقوم او گذاشت و سرش را به سوی آسمان بلند کرد و چاقو را کشید که در آن هنگام جبرئیل چاقو را به

پشت برگرداند و گوسفندی از کوه شیر بیرون آمد که جبرئیل فرزند را از زیر دست ابراهیم بیرون آورده و آن گوسفند را در زیر دست او خواباند و از مسجد خیف ندا داد: ﴿أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ \* قَدْ صَدَّقَتِ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾ و ما او را ندا دادیم که ای ابراهیم، به تحقیق رویانت را انجام دادی؛ این چنین ما نیکوکاران را پاداش می دهیم. همانا این امتحان روشنی بود.

ابلیس خودش را به مادر آن جوان رساند که در وسط بیابان به کعبه نگاه می کرد گفت: پیرمرد کیست؟  
گفت: شوهرم است.

گفت: آن نوجوانی که با اوست چه کسی است؟  
گفت: فرزندم است.

ابلیس گفت: آن پیرمرد را دیدم که او را خوابانده و چاقو در دست می خواهد او را ذبحش بکند.

زن گفت: دروغ می گوئی، ابراهیم مهربان ترین مردم است چگونه فرزندش را ذبح می کند؟

ابلیس گفت: به خدای آسمان و زمین و این خانه سوگند او را دیدم که چاقو در دست می خواست فرزندش را سر ببرد  
زن گفت: برای چه؟

ابلیس گفت: گمان می کند که پروردگارش او را بدان امر کرده است.

گفت: پس حق با اوست که مطیع پروردگارش است، در نفسش خطور کرد که مبدا امری از جانب خداوند برای فرزندش نازل شده است، چون اعمال حج را به جا آورد در حالی که دستانش را بر روی سرش گذاشته بود خودش

را به بیابانی که به سوی منی می‌رفت رساند و می‌گفت پروردگارا مرا به  
خاطر آن رفتاری که یا مادر اسماعیل کرده‌ام مواخذه مکن  
راوی گوید: عرض کردم: ابراهیم در کجا اراده نمود که فرزندش را ذبح  
کند؟

فرمود: در حمرة وُسطی. گوسفند از کوهی که در سمت راست مسجد منی  
است از آسمان نازل شد که در تاریکی می‌چرید و در تاریکی راه می‌رفت.  
راوی گوید: عرض کردم: آن گوسفند به چه رنگی بود؟  
فرمود: ابلق خاکستری بود.<sup>۱</sup>

ابن سنان گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردیم که چه کسی صاحب ذبح  
بود؟  
فرمود: اسماعیل.<sup>۲</sup>

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: من فرزند دو ذبیح هستم یعنی  
اسماعیل و عبدالله بن عبدالمطلب.<sup>۳</sup> این دو خبر از خاصه است  
درباره ذبیح اختلاف است که اسحاق بوده یا اسماعیل و عبدالله، که عامه  
دو خبر مختلف درباره اسحاق و اسماعیل نقل می‌کنند  
پس خداوند عزوجل او را ندا داد و فرمود: «قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا» به تحقیق  
رواینت انجام دادی.

هنگامی که ابراهیم تصمیم بر ذبح فرزندش گرفت و تسلیم امر الهی شد،  
خداوند فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»<sup>۴</sup> همانا من تو را امام و پیشوای

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۵؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۲۶

۲. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۷

۳. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۲۷

۴. بقره، آیه ۱۲۴

مردم قرار دادیم.

ابراهیم عرض کرد: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾<sup>۱</sup> و از فرزندان من.

خداوند فرمود: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾<sup>۲</sup> یعنی امام ظالم و ستمکاری به

عهد من نمی رسد.<sup>۳</sup>

وَلَقَدْ مَتَّعْنَا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (۱۱۴)

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۱۱۵)

وَنَصَرْنَاهُمْ مَكَانُواهُمْ الْعَالِينَ (۱۱۶)

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُنِيرَ (۱۱۷)

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۱۸)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ (۱۱۹)

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ (۱۲۰)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۲۱)

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۲۲)

وَإِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ مُرْسِلٍ (۱۲۳)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

أَتَدْعُونَ بَنِيَّ وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (۱۲۵)

۱۱۴- و به تحقیق بر موسی و هارون منت گذاشتیم.

۱۱۵- و آن دو را قومشان را از اندوه بزرگی نجات دادیم.

۱۱۶- و آن دو را یاری کردیم تا بر دشمنانشان پیروز شدند.

۱ بقره، آیه ۱۲۴

۲ بقره، آیه ۱۲۴؛ عهد من به ستمکاران نمی رسد.

۳. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۴۰

۱۱۷- و به آن دو کتاب روشن گر (هدایتگر) عطا کردیم.

۱۱۸- و آن دو را به راه راست هدایت کردیم.

۱۱۹- و ما بیک آن دو را در میان آیندگان باقی گذاشتیم.

۱۲۰- سلام بر موسی و هارون.

۱۲۱- ما اینچنین بیکوکاران را پاداش می دهیم.

۱۲۲- همانا آن دو از بندگان مومن ما بودند.

۱۲۳- و همانا الیاس از رسولان بود.

۱۲۴- هنگامی که به قومش گفت آیا از خداوند می ترسید؟

۱۲۵- آیات «بعل» را می خوانید و بهترین آمرینده را ترک می کنید؟

خداوند عز و جل منتش را بر موسی و هارون نقل کرده و می فرماید:

﴿وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ وَنَجَّيْنَاهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ - تَا - أ

تَدْعُونَ بَعْلًا﴾ برای آنها بتی بود که به آن بعل می گفتند که مردی از شخصی

عرب بادیه نشین از شتری که ایستاده بود سوال کرد که مال چه کسی است؟

گفت: من بعل آن هستم و آن رب بعل نامیده شد.<sup>۱</sup>

و تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۱۲۹)

سَلَامٌ عَلَى الْيَاسِينَ (۱۳۰)

۱۲۹- و ما ما بیک او را در میان آیندگان باقی گذاشتیم.

۱۳۰- سلام بر آل یاسین.

خداوند آل محمد ﷺ را ذکر کرده و می فرماید: ﴿و تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسٍّ﴾ که مراد از «یس» محمد و آل محمد از ائمه ﷺ

۱- تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۴۷، نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۳۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۱۹۹



می باشند.

وَإِنْ لُّوطًا لِّمَنِ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۳)

۱۳۳- و همانا لوط از رسولان بود.

خداوند عز و جل لوط را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَإِنْ لُّوطًا لِّمَنِ الْمُرْسَلِينَ﴾ که خبرش را ذکر کردیم.

وَإِنْ يُوسُفَ لِمَنِ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۹)

إِذْ أَتَىٰ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۴۰)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (۱۴۱)

فَالْتَمَمَهُ الْغُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (۱۴۲)

۱۳۹- و همانا یونس از رسولان بود.

۱۴۰- هنگامی که به سوی کشتی (هر جمعیت و بار) فرار کرد.

۱۴۱- پس با آنها قرعه انداخت و مغلوب شد (قرعه به نامش افتاد).

۱۴۲- و ماهی بزرگی او را بلعید که او سراوار سرزنش بود.

خداوند داستان یونس را ذکر کرده و می فرماید: ﴿وَإِنْ يُوسُفَ لِمَنِ الْمُرْسَلِينَ﴾

الْمُرْسَلِينَ إِذْ أَتَىٰ﴾ ابق یعنی هرب، فرار کرد.

﴿إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ فَسَاهَمَ﴾ یعنی قرعه انداختند.

﴿فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ﴾ یعنی او را در دریا انداختند.

﴿فَالْتَمَمَهُ الْغُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ﴾ که خبرش را در سورة یونس نوشتیم.

وَآتَيْنَاهُ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ (۱۴۶)

۱۴۶- و برای او بونه کدورتی رو نماندیم

﴿وَأَتَيْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ﴾ یقطین به معنای کدو است.

فَاسْتَفْتَيْهِمْ الْإِزْنَكَ التَّاتُ وَلَهُمُ التَّنُونُ (۱۴۹)

أَمْ حَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ (۱۵۰)

أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِبْكَيْهِمْ لَيَقُولُونَ (۱۵۱)

وَلَذَ اللَّهُ وَابْنُهُمْ لَكَادِيُونَ (۱۵۲)

أَسْطَقَى الْبَنَاتُ عَلَى السَّيْنِ (۱۵۳)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَخْكُمُونَ (۱۵۴)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۵۵)

أَمْ لَكُمْ مُلْطَانٌ مُبِينٌ (۱۵۶)

۱۴۹- پس از آنها سوال کن آیا برای پروردگارت دخترانی هست و برای آنها

پسران؟

۱۵۰- یا ما فرشتگان را موث آفریدیم و آنها نیز شاهد بودند؟

۱۵۱- آگاه باشید آنها با این تهمت برگشتان می گویند

۱۵۲- خداوند فرزند دارد؛ همانا آنها دروغ می گویند

۱۵۳- (آیا خداوند) دختران را بر پسران برگزید؟

۱۵۴- شما را چه شده است؟ چگونه حکم می کنید؟

۱۵۵- آیا متذکر می شوید؟

۱۵۶- آنا برای شما دلیل روشنی است؟

خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ﴿فَاسْتَفْتَيْهِمُ الْإِزْنَكُ

الْبَنَاتُ وَلَهُمُ التَّنُونُ﴾ قریش می گفتند که ملائکه دختران الهی هستند.

خداوند آن را رد کرده و می فرماید: ﴿فَاسْتَفْتِهِمْ﴾ تا - سُلْطَانُ مُبِينٌ \* یعنی بر آنچه که گمان می کنید برایش حجتی قوی بیاورید.

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَبِيًّا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۵۸)

۱۵۸ - و آنها میان او (خداوند) و جن بست و خویشی قاتل شدند، و به تحقیق جنیان می دانند که اینها (مشرکان) در پیشگاه الهی حاصر خواهند شد.

﴿وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَبِيًّا﴾ یعنی آنها می گفتند که جنیان دختران

خداوند هستند.

﴿وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ﴾ یعنی بدرستی که آنها در آتش جهنم

هستند.

وَمَا بِنَا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ (۱۶۴)

۱۶۴ - هیچ کسی از ما نیست مگر آنکه برای او مقام معلومی است

یحیی بن مسلم گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که در تفسیر آیه ﴿وَمَا بِنَا

إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ﴾ فرمودند: این آیه درباره ائمه و اوصیاء از آل محمد (علیهم السلام) نازل شده است.<sup>۱</sup>

شهاب بن عبد ربّه گوید شنیدم که امام صادق (علیه السلام) می فرمود ای شهاب ما

شجره نبوت و معدن رسالت و محل رفت و آمد ملائکه هستیم و عهد و پیمان خدائیم، ما ودیعه های خدا و حجت اوییم، ما صفوف نورانی در اطراف عرش بودیم و خدا را تسبیح می کردیم و اهل آسمان از تسبیح ما تسبیح می گفتند تا

اینکه به سوی زمین آمدم، تسبیح گفتیم و اهل زمین نیز با تسبیح ما تسبیح می‌گفتند، ما صافون و مسبحون هستیم. هر کس به عهد و پیمان ما وفا کند به عهد و پیمان خداوند وفا کرده است و هر کس با ما پیمان شکنی کند با خدا پیمان شکنی کرده است.<sup>۱</sup>

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ (۱۶۵)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (۱۶۶)

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ (۱۶۷)

لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ (۱۶۸)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۶۹)

فَكْفُرُوا بِهِ فَتُوفَّيْكُمْ بِهِ (۱۷۰)

۱۶۵- و ما همه به صفت ایستادیم.

۱۶۶- و ما همگی تسبیح‌گوی هستیم.

۱۶۷- و آنها می‌گفتند.

۱۶۸- اگر نزد ما کتابی از پیشینان بود.

۱۶۹- ما هم از مخلص خدا می‌بودیم.

۱۷۰- و (دروغ می‌گفتند، هنگامی که این کتاب بزرگ برایشان آمد) به آن

کافر شدند و به زودی (کیمر خود را) خواهند دانست

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه ﴿وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ

\* لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ \* لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ﴾ فرمود: آنها کفار

قریش بودند که می‌گفتند که خداوند یهود و نصاری را بکشد که چگونه بر

پیامبرانشان دروغ نیستند، بخدا سوگند اگر در نزد ما نگیری از اولین بود از بنده‌های مخلص خداوند می‌شدیم، خداوند می‌فرماید: هنگامی که محمد ﷺ به سوی آنها آمد به او کافر شدند که می‌فرماید: ﴿فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ و به زودی (کیفر خود را) خواهند دانست.

جبرئیل گفت: ای محمد ﴿إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ﴾ و ما همه به صف ایستاده‌ایم و ما همگی تسبیح گوی هستیم.

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ (۱۷۷)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حَبِيبٍ (۱۷۸)

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۹)

شَبَّانَ وَبِكَ رَبِّ الْعِرَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰)

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۲)

۱۷۷- پس هنگامی که عذاب در جلوی خانه‌هایشان فرود آید، پس انداز کنندگان چه صبح بدی خواهند داشت.

۱۷۸- و از آنها تا وقتی معین روی بگرداند.

۱۷۹- و (نمی‌تواند) اعمالشان را) سگر، که آنها بر به رودی (سجده اعمال تو را) خواهند دید.

۱۸۰- پاک و سره است پروردگار تو، پروردگار عزّت، از آنچه که توصیف می‌کند.

۱۸۱- و سلام بر رسولان

۱۸۲- که حمد و سپاس برای پروردگار عالمیان است.

﴿فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ﴾ یعنی هنگامی که عذاب در آخرالزمان بر بنی امیه و پیروان آنها نازل شود.

﴿وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى جِئَ \* وَابْصُرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ﴾ هنگامی که عذاب بر آنها نازل شود به خود می ایستد که در این هنگام هیچ نفی به حالشان ندارد، این از برای اهل شبهات و گمراهان از اهل قبله است<sup>۱</sup>

﴿فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ﴾ یعنی زمانی که عذاب در مکان و جایگاه آنها نازل شود ﴿فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ﴾ تا «وَالْحَقُّ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

## تفسیر سورة ص

۳۸ - سورة ص در مکه نازل

شده و دارای ۸۸ آیه است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (۱)

بَلِ الدِّينِ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقِي (۲)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلَا تَحِثْ مَنَاصِرَ (۳)

۱- ص ، سوگند به قرآن که صاحب ذکر است.

۲- بلکه کافران در مقام غرور و سرکشی هستند

۳- ما چه بسیار اقوامی که پیش از اینها هلاکت کردیم و در آن هنگام فریاد

می زدند (و در خواست کمک می کردند) اما موقع نجاتشان گذشته بود.

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿ این آیه قسم است و جوابش این آیه است ﴿بَلِ

الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقِي﴾ یعنی در کفر.

﴿كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلَا تَحِثْ مَنَاصِرَ﴾ یعنی در آن وقت

فراری نیست.

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذَرٌ مِنْهُمْ وَفَالِ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاجِرُ كَذَابٍ (۴)

أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ (۵)

وَاطْلُقِ الْمَلَأَ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (۶)  
ما سمعنا بهذا فی البله الآخره ان هذا الا اختلاق (۷)

۴- و آنها تعجب کردند که انداز کسده ای از میان خودشان آمد کاهراں گفتند  
او ساحری دروغگوست.

۵- آیا او این همه حدایان را یک حدای قرار داده است؟ همانا این چیز  
اصحاب آوری است.

۶- و بزرگان آنها را راه افتاده و گفتند بروید و حدایان را محکم بگیرید،  
همانا این چیزی است حواستند (شما را از حدایان جدا کند).

۷- ما این را در انبیا ملت آحرین ندیده ایم، این فقط یک انبیا دروغبانی  
بیش نیست.

﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ﴾

وقتی رسول خدا ﷺ دعوت خود را ظاهر ساخت، قریش نزد ابو طالب  
جمع شده، گفتند: ای ابو طالب برادرزاده ات عقاید ما را سفیهانه خواند، به  
خدایان ما ناسزا گفت و جوانان ما را فاسد نمود و جمعیت ما را متفرق کرد،  
اگر داعی او بر این کار این است که می خواهد از ناداری نجات یابد، ما برای او  
آن قدر مال جمع می کنیم که از همه ما ثروتمندتر شود، و حتی او را پادشاه  
خود می کنیم.

ابو طالب حریان را به رسول خدا ﷺ خبر داد، حضرت فرمود: اگر  
خورشید را به دست راست من بگذارند، و ماه را به دست چپم، نمی پذیرم، و  
لیکن یک کلمه به من بدهند تا (هم مرا راضی کرده باشند، و هم) به وسیله آن  
سرور عرب گشته و غیر عرب هم به دین ایشان بگروند و نیز خود آنان  
پادشاهانی در بهشت باشند.

ابو طالب پاسخ آن جناب را به اطلاع ایشان رسانید.

ایشان گفتند: یک کلمه چیزی نیست ده کلمه از ما بخواهد، رسول خدا ﷺ فرمود شهادت دهند به اینکه «لا اله الا الله و انی رسول الله».

مشرکین گفتند: شکفتا! آیا سیصد و شصت خدا را رها کنیم، و یک خدا را بگیریم؟

پس خدای سبحان این آیه را فرستاد: ﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ - تَا - إِلَّا اخْتِلَاقٌ﴾ یعنی به هم مخلوط شده اند<sup>۱</sup>

أُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ تَبَيَّنَ لَهُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَنَا بَدُوءُ  
عَذَابٍ (۸)

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ (۹)

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَشْبَابِ (۱۰)

جَعَدْنَاكَ مَهْزُومًا مِنَ الْأَحْزَابِ (۱۱)

كُنْتُ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲)

۸- آیا در میان همه ما قرآن فقط بر او بارل شده است؟ بلکه آنها (کافران) در

قرآن من شک و تردید دارند، بلکه آنها هنوز عذاب مرا نچشیده اند.

۹- یا ترد آنها خزائن رحمت پروردگارت که توانا و محشده است می باشد؟

۱۰- یا حاکمیت آسمانها و زمین و هر آنچه که در میان آن دو است برای

آنهاست، پس نه هر سبب (که می توانند از آسمانها) بالا بروند (تا جلوی

نازل شدن وحی را بگیرند).

۱۱- اینها لشکر شکست خورده ای از احزاب می باشند.

۱۲- قل از آنها قوم نوح و عاد و مرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را)

تکذیب کردند

﴿أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي - تَا - مِنْ الْأَحْزَابِ﴾

یعنی آنهایی که در روز احزاب (خندق) جمعیت تشکیل دادند.

سپس خداوند هلاک امت‌ها را ذکر می‌کند که در سوره هود خبرش را نقل

کردیم ﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ﴾ قبل از آنها قوم نوح

و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند.

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَأْلَاهَا مِنْ فَوَاقٍ (۱۵)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَنَا قِطْعًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۱۶)

۱۵- و اینها (با این اعمالشان) انتظار جز یک صیحه آسمانی انتظار دیگری

را نمی‌کنند، و دیگر هیچ نارگشتی برای آنها نیست

۱۶- و گفتند: ای پروردگار ما، هر چه رود تو بهره ما را قبل از روز حساب به

ما بده.

﴿وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَأْلَاهَا مِنْ فَوَاقٍ﴾ یعنی از عذاب رهایی

نمی‌یابند.

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْ لَنَا قِطْعًا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ﴾ یعنی نصیب و سهم ما را از

عذاب به ما بده.<sup>۱</sup>

اضْمِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَنَّا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۱۷)

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (۱۸)

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوْبَاتٌ (۱۹)

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلْنَا الْجَنَابَ (۲۰)

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخُسْفِ إِذْ تُسَوِّرُوا الْعُرَابَ (۲۱)

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصِمَانِ يَتَى نَعَصْنَا عَلَى

بَعْضٍ فَاخْلُكُم بَيْنَنَا بَالِحًا وَلَا تَتَّبِعُوا هَذَا سَبِيلَ (۲۲)

إِنْ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعِجَةً وَلِيَ نَعِجَةٌ وَاحِدَةٌ قَالُوا كُفِّلْنَاهَا وَعَزَّي

فِي الْجَنَابِ (۲۳)

قَالَ لَقَدْ طَلَمْتُكَ بِسُؤَالِ نَعِجَتِكَ إِلَيَّ نَعِجَةٍ وَإِنْ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي

نَعَصُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ

دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۲۴)

فَعَفَّيْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنْ لَهُ عَبْدُنَا لَوْلَايَ وَحُسْنُ مَآبٍ (۲۵)

۱۷- سر آنچه که می‌گريد صبر کن، و بده ما داود صاحب قدرت را ياد کن،

که دائما در حال توبه و انابه بود.

۱۸- ما کردها را برای او مسح کردیم که شب و روز با او تسبیح می‌گفتند.

۱۹- و پرندگان را بر همگی مسح او کردیم، که همه آنها به سویش بار

گشت می‌کنند.

۲۰- و ملک و حکومتش را بیرومند ساختیم، و به او حکمت و داوری

عطاء کردیم.

۲۱- و آیا حکایت آن دو شاکی که از محراب بالا رفتند را شنیده‌ای؟

۲۲- هنگامی که بر داود وارد شدند، که از دین آنها ترسید، گفند مرس.

ما دو شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری شتم کرده است، پس میان ما به

حق داوری کن، و با عادلانه فصاحت کن، و ما را به راه راست هدایت نما

۲۳- همانا این برادر من است که نبود و نه میش دارد و من فقط یک میش دارم، اما می گوید که این یکی را بپزم و بدهم، و در سخن بپز بر من عهه کرده است.

۲۴- (داود) گفت به تحقیق او را نخواستن از یک میش که می خواهد بر میشان خودش اضافه کند بر تو ستم کرده، و همانا بسیاری از شریکان در حق همدیگر ستم می کنند مگر کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند که آنها نیز بسیار کم هستند و داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده ایم، پس در آن حال از پروردگارش طلب آمرزش کرد و به سجده افتاد و توبه نمود.

۲۵- پس ما بپز او را آمرزیدیم، و همانا برای او در برد ما مقامی والا و عاقبتی نیکو می باشد.

### داستان خطیئة داود علیہ السلام

خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ که او اب یعنی دعا ﴿إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعُشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾ یعنی هنگامی که خورشید طلوع می کند.

﴿وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ - تَا - إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ﴾ یعنی از محراب پائین آمد.

﴿إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ - تَا - وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾

هشام از امام صادق علیہ السلام روایت کرده هنگامی که خداوند عزوجل

داود عليه السلام را در روی زمین خلیفه قرار داد و زبور را بر او نازل فرمود به کوه‌ها و پرندگان وحی نمود که با او تسبیح بگویند و علتش آن بود که هر وقت با بنی اسرائیل نماز می‌خواند، بعد از نماز و زیرش بلند می‌شد خداوند را حمد و تسبیح و تکبیر و تهلیل می‌گفت و سپس پیامبران را یک به یک مدح و ستایش می‌کرد و فضایل و صبری که انبیا در بلاها و در امتحانات کرده بودند را ذکر می‌کرد و از داود عليه السلام یادی نمی‌کرد در این وقت داود با پروردگار خود مناجات کرد و گفت: ای پروردگار من، انبیاء گذشته را مورد ستایش قرار داده‌ای ولی هیچ مدحی از من نشده است.

خداوند وحی نمود ما رسولان خود را به انواع بلاها مبتلا کردیم و آنها در طریق اخلاص پایداری و استقامت ورزیده و شایسته ثنا و درود من شده‌اند. داود عرض کرد: پروردگارا مرا هم مبتلا کن تا صبور و بردبار بوده و شکیبام باشم.

خطاب رسید: ای داود اینکه که خود بلا را بر عافیت انتخاب و اختیار می‌کنی ما نیز تو را مبتلا خواهیم نمود، من هنگام رسیدن بلا را به انبیاء گذشته بیان نمی‌کردم ولی به تو می‌گویم که در فلان سال و فلان ماه و روز به بلائی گرفتار می‌شوی.

داود آماده نزول بلا و ابتلا گردید و پیوسته در محراب عبادت به راز و نیاز با پروردگار مشغول بود و در میان بنی اسرائیل نیز به قصاوت می‌پرداخت تا اینکه روز موعود رسید و داود برای رسیدن به آرزوی خود از خلائق دوری نموده و پنهان از مردم به نماز مشغول شد، ناگاه پرنده‌ای عجیب و زیبا بال‌زنان پیش روی او قرار گرفت، بالهای آن پرنده زیبا از زبرجد سبز و پاهایش از یاقوت سرخ و منقارش از لؤلؤ بود. داود چنان فریفته زیبائی آن

پرنده شد که مقام خود را فراموش نمود و از محراب عبادت به قصد گرفتن آن برخاست. پرنده زیبا پرواز نمود و بر بالای دیوار اوریا بن حنان نشست، داود به بام خانه رفت تا پرنده را از روی دیوار بگیرد ناگاه چشمش به منزل اوریا افتاد و زن اوریا را که لخت و مشغول استحمام بود دید و از جمال خیره کننده آن زن تعجب نمود و شیفته و فریفته او شد، زن اوریا سایه داود را دید فوراً با گیسوان انبوه خود خویشتن را پوشانید و داود شرمزده و خجل به محل خود بازگشت و به محراب عبادت پناه برد و در آنچه که در آن بود را فراموش کرد، نامه ای را به سردار لشگری که اوریا همراه او بود نوشت که باید در روز جنگ چنان کنی که اوریا مقدم بر تابوت سکینه باشد نه تابوت مقدم بر اوریا، خداوند درباره تابوت بنی اسرائیل می فرماید: <sup>۶</sup> فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ <sup>۷</sup> که بعد از موسی علیه السلام که بنی اسرائیل مرتکب معاصی شدند آن تابوت به سوی آسمان رفت، و چون جالوت بر بنی اسرائیل مسلط شده و آنها را مغلوب نمود بنی اسرائیل از پیغمبر آن زمان درخواست کردند که از خداوند درخواست کند پادشاهی بر آنها بفرستد تا آنها با آن پادشاه در راه خدا جهاد کنند، خداوند طالوت را به سوی آنان فرستاد و تابوت را نازل و در اختیار طالوت گذاشت، هر وقت تابوت را میان بنی اسرائیل و دشمنان آنها می گذاشتند اگر کسی از تابوت می گذشت کشته می شد.

داود دستوری به رفیق خود نوشت که تابوت را بین خودش و اوریا بن حنان قرار دهد و چون اوریا مقدم بر تابوت شد او را کشتند و چون اوریا

۱. بقره، آیه ۲۴۸: تابوتی که در آن سکینه خدا و الواح بازمانده از خانواده موسی و هارون است و فرشتگان آن را به دوش می کشند برای شما می آید که در آن برای شما حجتی روشن است اگر اهل ایمان باشید.



کشته شد آن دو فرشته بر داود وارد شده و او را حکم خود قرار دادند و هنوز داود با زن اوریا ازدواج نکرده بود چون در عده بود، که دو فرشته از سقف خانه آمده و در مقابل او نشستند. داود از دیدن آنها ترسید، گفتند: ﴿لَا تَخَفْ خَصْنَانِ يَتَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَأَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ﴾ مترس، ما دو شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است، پس میان ما به حق داوری کن، و ناعادلانه قضاوت مکن، و ما را به راه راست هدایت نما.

که داود در این زمان ۹۹ زن دائمی و کنیز داشت که یکی از آنها به داود گفت: ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَلِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ﴾ یعنی به من ظلم و ستم کرده است.

داود گفت: ﴿لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَى تَغَاجِهِ - تَا - وَخَرُّ رَاكِعاً وَأَنَابَ﴾ به تحقیق او با خواستن آن یک میش که می خواهد بر میشان خودش اضافه کند بر تو ستم کرده، و همانا بسیاری از شریکان در حق همدیگر ستم می کنند مگر کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند که آنها نیز بسیار کم هستند. و داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده ایم، پس در آن حال از پروردگار طلب آمرزش کرد و به سجده افتاد و توبه نمود

آن فرشته ای که خود را مظلوم معرفی کرده بود خندید، داود گفت: معصیت کردی و می خندی می خواستم که دندانهای تو را بشکنم.

فرشته مدعی علیه در حین عروج به آسمان گفت: اگر داود به حقیقت حال مطلع می بود هر آینه می دانست که او اولی و احق بود از من به شکستن دندانش.

### دیدار داود علیه السلام با حزقیل

داود بعد از این متوجه اعمال خود شد و چهل روز در سجده افتاد، و شب و روز گریه و زاری می کرد و به غیر از آنکه برای نماز برخیزد دیگر بر نمی خاست تا آنکه پیشانی او زخم برداشت و خون از چشمهای او جاری گردید و بعد از چهل روز که به این حال گذرانید، ندا به او رسید، ای داود تو را چه شده است؟ اگر گرسنه ای بگو تا تو را سیر گردانیم و اگر تشنه ای بگو تا سیراب سازیم و اگر مرده ای بدن تو را بپوشانیم و اگر ترسانی تو را ایمن گردانیم؟

داود گفت: ای پروردگار من، روزگارم به خوف و هراس می گذرد و چگونه خایف نیاشم که به تحقیق می دانم آنچه را که من عمل کرده ام و تو حاکم عادل که اصلاً از ظلم طالم نمی گذاری.

در این وقت وحی به داود آمد. توبه کن

داود گفت: چه نوع توبه کنم؟

ندا آمد، بر سر قبر اوریابن حیان برو تا من او را زنده گردانم و از او درخواست مغفرت و آمرزش کن، اگر او تو را بیمارزد من نیز تو را بیمارزم.

داود گفت: اگر نیامرزد چه کنم؟

ندا آمد: من چنان خواهم کرد که او تو را به طیب خاطر بیمارزد.

پس داود پیاده بر سر قبر اوریابن حیان روانه شد و در راه زیور می خواند و هر سنگ و درخت و کلوخ و کوه و پرندگان و درندگان که آواز داود را می شنیدند با او بخواندن زیور مشغول می شدند تا آنکه در میان راه به کوهی رسید و در آن کوه پیغمبری عابد جا داشت که نام او حزقیل بود و چون حزقیل آواز کوه و صدای درندگان را شنید دانست که داود از این راه می گذرد، گفت: این آن

پیغمبر خطاکننده است. داود آواز داد: ای حزقیل اجازه می‌دهی که پیش تو بیایم؟

حزقیل گفت: نه زیرا که تو گناه‌کاری.

داود به گریه افتاد، حق تعالی وحی به حزقیل فرستاد که به گناه داود او را سرزنش مکن و در عوض آن از من عافیت بطلب.

پس حزقیل از بالای کوه پائین آمد و دست داود را گرفته بالای کوه برد. داود به او گفت: که هرگز اراده گناهی کرده‌ای؟

حزقیل گفت: نه.

داود گفت: این همه عبادت که می‌کنی هیچ وقت در مقام عجب و تکبر برآمدی؟

گفت: نه.

داود گفت: هرگز میل به دنیا کرده و دوست داشتی که از لذات و شهوات دنیا برخوردار شوی؟

گفت: آری.

داود گفت: در دفع آن چه چاره می‌کنی؟

گفت: داخل این غار که می‌بینی می‌شوم و از آن عبرت می‌گیرم و از خواهمش دنیا و لذات آن می‌گذرم.

پس داود وارد غار گردید و در آنجا تحتی از آهن دید که بر بالای آن کلاه آدمی و استخوان پوشیده بود و لوحی از آهن نیز در آنجا دید و در آن لوح نوشته شده بود که اسم من «اروی بن سلمه» است، هزار سال سلطنت دنیا کردم، و هزار شهر بنا کردم، و هزار دختر صاحب جمال را از آله بیکارت کردم و آخر کار من این است که خاک فرش من و سنگ بالش من است، ماران و

کرم‌ها همنشین من، پس هر که مرا ببیند به دنیا و لذات آن مغرور گردد  
داود از آنجا گذشت تا آنکه بر سر قبر اوریا رسید و ندا کرد، جوابی نشنید  
تا سه مرتبه، و در مرتبه سوم اوریا جواب داد که چیست تو را ای پیغمبر خدا  
که مرا از سرور خود انداختی؟

داود گفت: می‌خواهم که غفران تو شامل حال من گردد و گناه مرا عفو کنی.  
وحی به داود آمد: آنچه کرده‌ای بتفصیل بیان کن تا اوریا بشنود.  
پس داود مانند گذشته سه مرتبه ندا کرد و در مرتبه سوم گفت: که ای اوریا  
در حق تو چنین و چنین کرده‌ام.

اوریا گفت: آیا انبیا مثل این اعمال را بجا می‌آورند که تو بجا آوردی؟  
بعد از این چند مرتبه از اوریا طلب عفو خواست و جوابی نشنید و داود  
گریان بر روی زمین افتاد تا آنکه حق سبحانه به صاحب فردوس وحی کرد  
که درهای فردوس را بگشا، صاحب فردوس به حکم الهی درهای آن را گشود  
و چون اوریا آن را دید از صاحب فردوس پرسید: این از برای چه کسی آماده  
شده است؟

صاحب فردوس گفت: از برای کسی که گناه داود را بخشید.  
اوریا گفت: ای پروردگار من از گناه داود درگذشتم.  
پس داود اکتفاء به همین نموده به طرف بنی اسرائیل برگشت و بعد از این  
واقعه چون از نماز فارغ می‌شد و وزیر او مدح و ثناء انبیاء گذشته را می‌نمود  
و می‌گفت: فضل داود پیش از بجا آوردن خطیئه چنان و چنین است. داود از  
این غمگین شد.

خداوند متعال وحی فرستاد: ای داود من نیز از گناه تو درگذشتم و عار  
گناه تو را بر بنی اسرائیل لازم گردانیدم.

داود گفت: ای پروردگار من چگونه می شود که عار گناه شخصی را کسی دیگر متحمل گردد ما آنکه تو حاکمی که در حکم تو اصلاً ظلم نمی رود؟  
حق تعالی فرمود: که وجه الزام این است که بنی اسرائیل چرا در دفع این خطیئه از تو تعجیل نکردند.

بعد از این داود زن اوریا را به عقد خود درآورد و از او سلیمان متولد گردید.

آن گاه پروردگار فرمود: ﴿فَعَزَّزْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ﴾<sup>۱</sup>  
ما از تقصیر او در گذشتیم و او را عفو نمودیم چه داود نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است.<sup>۱</sup>

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: ﴿وَظَنَّ دَاوُدُ﴾ یعنی داود دانست. ﴿وَأَنَابَ﴾ یعنی توبه کرد. و داود به رفیقش نوشت که اجازه ندهد اوریا در جلوی تابوت برود و او نیز اوریا را به خانه برگرداند که بعد از هشت روز فوت کرد.<sup>۲</sup>

أَمْ تَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ  
الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (۲۸)

کتاب آنرئناه إِلَيْكَ مَبَازَكُ لِيَدْبُرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (۲۹)  
۲۸ - آیا کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند آنها را مانند  
مفسدان روی زمین قرار می دهیم؟ یا افراد با تقوا و پرهیزگار را مانند  
فاسقان و فاجران؟ (هرگز چنین نمی کنیم).

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۶۹؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۲۷

۲. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۳؛ نورالثقلین، ص ۴۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۶۹

۲۹- اس کتابی است که مبارک و پیر برکت بر تو بارل کردم، تا در یاتش تادیر

کنند و صاحبان عقل متاخر شوند

عبد الرحمن بن کثیر گوید از امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» سوال کردم، فرمودند مراد امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش می باشند.

«كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ» مراد خبث و زُرِيق<sup>۱</sup> و پیروان آن دو.

«أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ» مراد امیرالمؤمنین علیه السلام و پیروانش می باشند.

«كَالْفَجَّارِ» که مراد خبث و دلام و پیروان آن دو می باشند.<sup>۲</sup>

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» که مراد امیرالمؤمنین و ائمه

صلوات الله علیه و علیهم اجمعین می باشند.

«وَلِيَنْذَرُ لَكُمُ الْاَلْكَابَ» تا خداوندان عقلهای سالم پند پذیر شوند

امیرالمؤمنین علیه السلام به این آیه افتخار می کرد و می فرمود. آنچه که به من

اعطا شده به احدی قبل از من و بعد از من اعطا نشده است.<sup>۳</sup>

وَفَتَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ بَعْمَ الْغَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۳۰)

إِذْ عَرَّضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِيَاتِ الْجِبَادِ (۳۱)

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (۳۲)

رَدُّهَا عَلَيَّ فَطْفِقَ فَمَشَا بِالشُّرُقِ وَالْأَغْنَقِ (۳۳)

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَآلَقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ (۳۴)

۱. خبث به معنی رویه و زُرِيق به معنی کور دل است

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۷۶

۳. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۳۶، نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۵۳، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۷۷

تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۸

قَالَ رَبِّ اعْمُرْ لِيْ وَهَبْ لِيْ مُلْكًا لَا يَنْشَعِيْ لِأَحَدٍ مِّنْ عِبَادِيْ إِنَّكَ أَنْتَ  
الْوَهَّابُ (۳۵)

فَتَحَرَّوْا لَهُ الزَّبِيْحَ نَحْرِيْ بِأَمْرِهِ رُحَاءَ حَيْثُ أَضَابَ (۳۶)

وَالشَّيَاطِيْنَ كُلَّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ (۳۷)

وَأَخْرَجَ مِنْ مَّقْرَنَيْنِ مِنَ الْأَضْفَادِ (۳۸)

۳۰- و به داور سلیمان را عطا کردیم، چه بیکو سده ای بود، چرا که بسیار به درگاه خدا دعا می کرد.

۳۱- (بیاد بیاور) هنگامی که وقت عصر اسبهای بسیار تندرو و بیکو را بر او عرضه کردند،

۳۲- گفت: همانا من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم (که نمار مستحب پایان روز است) برگزیدم، (ریز می خواهم از آنها در جهاد با دشمن استفاده کنم و همواره به آنها نظر می کرد) تا (حورثید) پشت پرده افق پنهان شد  
۳۳- (اسبها چنان توجه او را جلب کرده بودند که گفت) آنها را به من مارگردانید، پس (برای نوازش آنها) به دست کشیدن به ساقها و گردنهای آنها پرداخت.

۳۴- و همانا ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی را انداختیم، سپس او به سوی خداوند توبه کرد.

۳۵- عرصه کرد پروردگارا، مرا بیامرز، و به من ملک و سلطنتی عطا فرما که بعد از من سراوار هیچ کسی نباشد، همانا تو بسیار بخشنده ای.

۳۶- پس ما هم باد را مسحر ساختیم تا به فرمان او به آرامی حرکت کرده و به هر کجا که او بخواهد برود.

۳۷- و شیاطین را (مسحر او کردیم) و هر بنا و عواصی از آنها را

۳۸- و گروهی دیگر از شیاطین را در عل و رحیر (تحت فرمان او) قرار

دادیم

### داستان حضرت سلیمان علیهِ السلام

﴿وَهَبْنَا لِذَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ - تا - ﴿حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾<sup>۱</sup>  
 سلیمان اسب‌ها را دوست می‌داشت. روزی آنها را بر او عرضه داشتند و  
 سلیمان مشغول آنها شد تا خورشید غروب کرد و نماز عصرش قضا گردید،  
 سلیمان از آن به شدت غمگین شد و از خداوند خواست که خورشید را برای او  
 برگرداند تا نماز عصرش را بخواند و خداوند نیز خورشید را برای او تا وقت  
 نماز عصر برگرداند تا او نمازش را بجا آورد و سپس با همه شمشیر اسب‌ها  
 را کشت که خداوند می‌فرماید: ﴿رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ  
 وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ﴾ - تا - ﴿إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾<sup>۲</sup>  
 چون سلیمان با یمانیه ازدواج نمود از او فرزندی متولد شد که سلیمان علاقه  
 شدیدی به او داشت، روزی عزرائیل بر سلیمان نازل شد و چون عزرائیل زیاد  
 نزد سلیمان می‌آمد اهمیت چندانی نداد این مرتبه متوجه شد که عزرائیل نگاه  
 تندى به سوى پسرش نمود، سلیمان از نگاه عزرائیل غمگین و ناراحت شده به  
 مادر طفل گفت: عزرائیل نگاه مخصوصی به فرزندم نمود می‌ترسم که مأمور  
 قبض روح او باشد بچنیان و شیاطین که حضورش بودند گفت: آیا شما  
 می‌توانید فرزند مرا به محلی ببرید که از چنگال مرگ نجات یابد.  
 یکی از آنها گفت: من او را به مشرق می‌برم.  
 سلیمان گفت: عزرائیل از میان مشرق و مغرب بیرون می‌آید.  
 دیگری گفت: من او را در طبقه هفتم زمین می‌گذارم.



گفت: عزرائیل آنجا هم می‌رود.

یکی دیگر گفت: من او را به هوا برده و بر روی ابرها می‌گذارم. و همین کار را کرد او را برده و بر روی ابرها گذاشت.

عزرائیل او را در هوا قبض روح نمود جسد بی‌جانش از هوا بر روی تخت سلیمان افتاد، متوجه شد که خطا کرده است چنانکه می‌فرماید: ﴿وَالْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهٖ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۚ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَخِيذٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۚ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ۚ﴾ یعنی نرم و سهل بود.

﴿وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ﴾ یعنی در دریا.  
 ﴿وَأَخْرَيْنَ مُفْرَّجِينَ فِي الْأَصْفَادِ﴾ یعنی آنها را گرفته و به همدیگر بست و آنها جنیانی بودند که به سلیمان عصیان ورزیدند و خاتم او را به حیل بدست آورده مدتی در ملک سلیمان ملکرانی کردند.

### داستان از دست رفتن حکومت سلیمان علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند متعال ملک و سلطنت سلیمان را در انگشتر او قرار داده بود و هرگاه آن انگشتری را در انگشت می‌کرد تمام جن و انس و شیاطین و پرندگان و وحوش در نزد او حاضر شده و از او اطاعت می‌کردند و چون بر کرسی سلطنت نشسته قصد جایی می‌کرد، حق تعالی باد را می‌فرستاد که آن کرسی را با هر که در آنجا باشد از جن و پرنده و انس و چهارپا و اسب در میان هوا بردارد و به هر موضعی که سلیمان خواهد به آنجا برساند چنانچه سلیمان نماز صبح را در شام می‌خواند و نماز ظهر را در فارس بجای می‌آورد. شیاطین را می‌فرمود که سنگ از فارس بردارند و در شام

بفروشدند و چون سلیمان اسبان را به شمشیر گردن زد و پی کرد این معنی مقبول درگاه احدیت واقع نشد، سلب ملک و سلطنت از او نمود عادت سلیمان چنین بود که هر گاه به بیت الخلا می‌رفت انگشتر را به خادمی می‌سپرد شیطان فرصت یافته آن انگشتر را از دست خادم با مکر و حیله گرفت و در انگشت خود کرد، پس جمیع شیاطین و انس و جن و طیر و وحوش در برابر او به سجده افتادند و در مقام اطاعت برآمدند. چون سلیمان از بیت الخلا بیرون آمد و انگشتر را طلب کرد آن را نیافت از غایت خجالت به طرف دریا گریخت و بنی اسرائیل انکار آن شیطان که به صورت سلیمان برآمده بود کردند و دانستند که این سلیمان نیست پس به خدمت مادر سلیمان رفته و به او گفتند: که در این ایام از سلیمان امری که لایق به حال او نباشد دیدید؟

مادر سلیمان گفت: او قبل از این نیکوکارترین مردم بر من بود اما در این روزها بر من خشم کرده است.

بعد از این بنی اسرائیل پیش زنان و کنیزان سلیمان رفته و گفتند: آیا از سلیمان امر قبیحی در این روزها مشاهده کرده‌اید؟

ایشان گفتند: که سلیمان هرگز وقت حیض نزد ما نمی‌آمد و این زمان می‌آید پس از این گفتگوها شیطان ترسید که مبادا مقدمه من فاش گردد لذا از ترس آن انگشتر را در دریا انداخته و فرار کرد و حق تعالی ماهی را فرستاد که انگشتر سلیمان را فرو برد و از آن محافظت نماید. بنی اسرائیل بعد از این چهل روز در طلب سلیمان در اطراف و اکفاف شهر می‌گشتند و سلیمان در ساحل دریا می‌رفت و گریه می‌کرد و به توبه و انابه متوجه درگاه کردگار عالم بود و بعد از چهل روز سلیمان صیادی را که ماهی می‌گرفت ملاقات کرد و به او گفت: من در صید ماهی به تو کمک می‌کنم مشروط به آنکه اجرت آن را ماهی

به من بدهی.

صیاد قبول نمود، در این وقت ماهی ای بدام صیاد افتاد و آن را به سلیمان داد چون شکم آن را شکافت انگشترش را در شکم آن ماهی یافت و همان ساعت در انگشت کرد و جمیع مخلوقات زمینی از شیاطین و جن و انس و طیر و وحش در برابر سلیمان به سجده افتادند. پس سلیمان آن شیطان را که به مکر و حيله انگشتر را به دست آورده بود با لشکر او حبس نمود و در قید آورد و به برکت اسماء حسنی الهی بعضی را در میان آب محبوس ساخت و برخی را در میان سنگ و تا روز قیامت آنها مقید و محبوس خواهند بود.

هنگامی که سلیمان به مملکت و سلطنت خود برگشت به آصف بن برخیا که داندۀ اسم اعظم بود گفت: من جاهلان را معذور می دارم که تبعیت شیطان کردند اما تو که عالمی چه نوع تو را معذور دارم؟

آصف گفت: من عذری ندارم که بیاورم چون از همان اول شناختم که او شیطان است و انگشتر تو را برداشته است. چنانچه روزی به من گفت که فلاں مطلب را بنویس در جواب او گفتم که قلم من هرگز به جور و ظلم جاری نشده است. به من گفت: بشین و چیزی ننویس و من هم نشستم و چیزی ننوشتم. از سلیمان پرسید که شما به چه سبب همد را که بدبوترین مرغان و زبون ترین پرنده است از حیثیت مکان دوست می دارید؟

سلیمان فرمود: که چون قوت بینایی همد به مرتبه ایست که در زیر سنگ آب را می بیند.

آصف گفت: چگونه همد آب را در زیر سنگ می بیند چرا دامی را که صیادی به یک کف خاک مخفی می سازد آن را نمی بیند و به دام بلا می افتد؟  
سلیمان فرمود: «قف یا واقف انه اذا جاء القدر حال دون البصر» یعنی توقف

کن در این سؤال ای توقف کننده در تحقیق امور که دام امتدادن همداد از مقدرات قادر کن فیکور است و هرگاه امری مقدر شود آن امر مقدر چشم را از دیدن حایل و مانع می‌گردد.<sup>۱</sup>

### کیفیت سلطنت سلیمان علیه السلام

اصبغ بن نباته روایت می‌کند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: سلیمان بن داود از بیت المقدس بیرون آمد که در سمت راست او سیصد هزار کرسی از انسان‌ها و در سمت چپ او سیصد هزار کرسی از جنیان قرار گرفته بودند و به پرندگان امر نمود که بر آنها سایه بیندازند و به باد دستور داد که آنها را حمل کند تا اینکه به ایوان کسری در مدائن وارد شد، سپس برگشته و شب را خوابید و فردایش به شهر ترکاوان<sup>۲</sup> [برکاوان] رفت سپس به باد امر نمود که آنها را حمل کند و باد آنها را حمل کرد و برد بطوری که نزدیک بود پاهایشان به آب بخورد و سلیمان بر عودی تکیه داده بود که یکی از همراهان به دیگری گفت: آیا سلطنتی بزرگتر از این دیده‌اید؟

گفتند: ما همانند آن را نه دیده‌ایم و نه شنیده‌ایم پس ملکی از آسمان ندا داد ثواب یک تسبیح گفتن در نزد خداوند بزرگتر است از آنچه که دیدید.<sup>۳</sup>

ابو خالد قضاط روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: بنی اسرائیل از حضرت سلیمان درخواست نمودند که پسرش را جانشین خود سازد، سلیمان به آنها فرمود: فرزندانم لیاقت جانشینی مرا ندارد و فاقد صلاحیت

۱ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۹۸، فصل الانبیاء جزائری، ص ۲۷۲، نورالتعلیل، ج ۴، ص ۴۵۵ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۸۰

۲ ترکاوان، ناحیه‌ای در فارس است، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۹۹

۳ فصل الانبیاء جزائری، ص ۳۶۱، فصل الانبیاء راوندی، ص ۲۰۸، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۷۲، نورالتعلیل، ج ۴، ص ۴۵۹، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۴۸۳

می باشد بنی اسرائیل اصرار ورزیدند. فرمود: من او را مورد آزمایش قرار داده و مصائلی چند از او می پرسم اگر پاسخ کافی و صحیح داد او را جانشین خود تعیین می نمایم و اگر نتوانست و از عهده برنیامد معذور خواهم بود. از فرزندش پرسید: بگو بدانم طعم و مزه آب چیست؟ نان چه مزه ای دارد؟ صدای انسان به چه علت قوی و برای چه ضعیف می شود؟ منبع و محل عقل آدمی کجاست؟ احزاء بدن از چه عناصری تشکیل شده است؟ قساوت و رقت چگونه ایجاد می شود؟ رنجوری بدن از چه حاصل می گردد؟ نیروی بدن چگونه کم و زیاد می شود؟ در برابر تمام این پرسش ها خاموش ماند و هیچیک از آنها را نتوانست جواب بدهد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: طعم آب مایه زندگانی و حیات است، طعم نان قوت است، ضعف و قوت صدا از پیه کلیتین است، محل عقل از دماغ و بینی است بطوری که اگر کسی عقلش کم باشد می گویند فلانی سبک مغز است، قساوت و رقت از قلب و دل است چنانکه خداوند در قرآن می فرماید: ﴿قَوْلٌ لِّلنَّاسِیَّةِ قُلُوبُهُمْ مِّنْ ذِکْرِ اللّٰهِ﴾<sup>۱</sup> و رنجوری بدن از قدم است چه هر وقت پای شخص بر اثر زیاد راه رفتن کوفته شود و آسیب بیند بدن به رحمت بیافتد، محل کسب کردن نیروی بدن از دست است و محرومیت آن نیز از دست پدید آید زیرا هر وقت دستها به فعالیت و کار مشغول شود برای بدن کسب نیرو کند و چون کاری نکند علاوه بر آنکه کسب قدرت نمی شود از میزان نیروی بدن کاسته خواهد شد.<sup>۲</sup>

۱ رمر، آیه ۲۲؛ پس وای بر آنها که قلبهایی قساوت گرفته از ذکر خداوند دارند

۲ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۱۴۱؛ قصص الانبیاء جبرائلی، ص ۳۸۵؛ تفسیر سرهان، ج ۶، ص ۴۸۲؛ نورالتلخیص، ج ۴، ص ۴۶۳

وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ يَنْصُبْ وَعَذَابِ (۴۱)

از کُفر بر جلیکِ هذا مُعْتَسِلَ نَارِدَ و شَرَاتِ (۴۲)

و وَهَنَالَهُ أَهْلَهُ وَ يَمْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرِي لِأُولَى الْأَلْبِ (۴۳)

وَ خُذْ بِيَدِكَ صِغْتًا فَأَضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَخَفْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ

أَوَّابٌ (۴۴)

وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا إِزْهَاهِمُ وَ إِسْحَاقُ وَ يَعْقُوبُ أُولَى الْأَيْدِي وَ الْأَنْصَارِ (۴۵)

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ (۴۶)

۴۱- و یاد کن بنده ما ایوب را هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرص

کرد: پروردگارا) شیطان مرا به رنج و عذاب انداخته است.

۴۲- (به او گفتیم) پایت را به زمین بزن، (چشمهای بیرون آمد، گفتیم) این

آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است.

۴۳- و ما جانوادماش را به او برگردانیدیم، و همانند آنها را به او عطا کردیم،

تا رحمتی از جانب ما باشد و تذکری برای صاحبان عقل و اندیشمندان

۴۴- و (به او گفتیم) ستغای از چوبهای مارک را بگیر و ما آن (بر همسرت)

برن و سوگندت را مشک، که ما او را شکلیا یافتیم، چه بیکو بدهای و اهل

دعا بود.

۴۵- و نیز یاد کن از سنگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب که صاحب اقتدار

و مینا بود.

۴۶- ما آنها را حالمس و پاک برای تذکر سرای آخرت گردانیدیم.

### مبتلا گشتن ایوب علیهِ السلام

﴿وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ يَنْصُبْ وَعَذَابِ﴾

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که ایوب در دنیا به چه گناه و علتی گرفتار گشت؟

فرمود: به خاطر آن نعمتهائی که خداوند به او عنایت کرده بود، و او شکر آنها را بجای آورد. در آن زمان ابلیس از آسمانها ممنوع نگشته بود و تا زیر عرش بالا می رفت. روزی شکر نعمتهای ایوب را دید و به آن حضرت حسد ورزید و گفت: خداوند! شکر کردن ایوب به خاطر آن نعمتهائی است که در دنیا به او ارزانی داشته ای و اگر نعمتهای دنیا را از او برگیری اصلاً شکر نعمتی را بجا نمی آورد، پس مرا بر دنیای او مسلط گردان تا دنیایش را از او بگیرم آنگاه متوجه شوی که اصلاً شکر نعمتی را بر زبان جاری نمی کند.

به ابلیس خطاب شد: که من تو را بر مال و فرزندان او مسلط گردانیدم. پس ابلیس بر ایوب علیه السلام مسلط گشت و تمام مال و فرزندان او را از بین برد. نه تنها ایوب از شکر کردن زبان خویش را فرو نبست بلکه از زمان قبل نیز بیشتر به حمد و سپاس الهی پرداخت.

ابلیس گفت: مرا بر زراعتهای او مسلط گردان.

خطاب رسید: مسلط گردانیدم.

ابلیس با یاران خود به سوی زراعت ایوب علیه السلام رفته و بر آنها دمیدند پس همه زراعتها سوخته و از بین رفت. باز ایوب علیه السلام بر حمد و سپاس خویش افزود.

ابلیس گفت: مرا بر گوسفندان او مسلط گردان.

خطاب رسید: مسلط گردانیدیم.

ابلیس پس از مسلط شدن همه گوسفندان را از بین برد باز ایوب علیه السلام بر شکر خویش افزود.

ابلیس گفت: خداوند! مرا بر بدن او مسلط گردان.

خداوند نیز او را بر بدن ایوب علیه السلام به غیر از عقل و چشمش مسلط گردانید. ابلیس بر بدن آن حضرت دمید و سراپای آن حضرت را زخم و جراحت فرا گرفت و مدت طولانی با آن حالات زخم و جراحات باقی ماند و حمد و سپاس خداوند را می گفت و شکرش را بجا می آورد تا اینکه بدش کرم گذاشت و هرگاه کرمی از روی زخمهای بدنش بر زمین می افتاد آن را برمی داشت و دوباره بر روی زخم می گذاشت و می فرمود: به جایت برگرد که خداوند تو را در آنجا آفریده است، بدنش بدبو گشت به حدی که اهل شهر او را از شهر بیرون کرده و در خرابه ای انداختند. زنش از آن خرابه بیرون آمد و از مردم طلب صدقه می کرد و برای ایوب علیه السلام می آورد. هنگامی که بلاء ایوب طولانی شد و ابلیس صبوری ایوب را مشاهده کرد به سوی اصحاب ایوب که در کوه به گوشه نشینی پرداخته بودند آمد و گفت: بیائید به نزد بنده مبتلا شده رفته و از او سؤال کنیم که به چه علت به آن همه بلا گرفتار گشته است؟

پس بر قاطرانی سفید سوار شده به نزد ایوب رفتند، هنگامی که به نزدیک او رسیدند قاطران از بوی بد بدن ایوب رم کردند. پس پیاده شده و قاطران را بسته و با پای پیاده به نزد ایوب رفتند و در بین آنها جوانی نورس نیز بود. همگی در نزد آن حضرت نشستند و گفتند: ای ایوب! کاش ما را از گناه خویش آگاه می کردی که به چه علت به آن مبتلا گشته ای و ما می ترسیم که از خداوند برای تو عافیت درخواست نمائیم که ما را نیز هلاک گرداند! و ما گمان می کنیم توبه این بلاء مبتلا گشته ای که احدی به آن مبتلا نگشته به خاطر گناهی است که آن را از ما پنهان داشته ای؟

ایوب علیه السلام فرمود: به عزت پروردگارم سوگند که او می داند من هیچ غذایی



نخورده‌ام مگر اینکه یتیمی و یا مهمانی با من سر سفره بوده است، و دو امر برای من پیش نیامد که هر دو اطاعت الهی بوده است مگر آنکه سخت‌ترین آن را برگزیدم.

آن جوان رو به بقیه کرد و گفت: وای بر شعایه نزد پیامبر الهی آمده و او را سرزنش می‌کنید تا اینکه عبادت الهی را که انجام داده برایتان ظاهر نماید.

ایوب علیه السلام به مناجات پرداخت و گفت: پروردگارا! اگر روزی در محکمه عدل تو برای پاسخگویی بنشینیم که برای خودم دعوی حجت نمایم در آن وقت همه حرفهایم را در پیشگاه حضرتت خواهم گفت.

پس خداوند ابری را بر بالای سر او فرستاد و خطاب آمد ای ایوب! اکنون تو در محکمه عدل من هستی و هر حجتی که داری بیان کن که من از همه چیز بر تو نزدیکترم.

ایوب علیه السلام عرضه داشت: پروردگارا! تو آگاهی که دو امر که هر دو اطاعت تو بود برای من پیش نیامد مگر آنکه سخت‌ترین آنها را برای خود انتخاب کردم. آیا حمدت را بر زبان جاری نکردم؟ آیا شکرت را نگفتم؟ آیا تسبیح تو را بجا نیاوردم؟ که حال چنین گرفتار شده‌ام؟

پس به ده هزار زبان از ابر صدائی برخواست که ای ایوب چه کسی به تو توفیق داد که به عبادت خداوند پیردازی در حالی که مردم از آن غافل بودند؟ و چه کسی توفیق داد که به حمد و تسبیح و تکبیر الهی پیردازی در حالی که مردم از آن غفلت می‌ورزیدند؟ آیا بر چیزی منت می‌گذاری که خداوند در آن چیز بر تو منت دارد؟

ایوب علیه السلام در این هنگام مشتی خاک برداشت و بر دهان خود ریخت و عرضه داشت: پروردگارا! همه منتها از آن توست و تو بودی که آن همه نعمت

را به من اعطاء فرمودی.

پس خداوند ملکی را فرستاد که با پاهایش بر زمین زد و ابی از آنجا جوشید و میرون آمد، ایوب علیه السلام در آن آب غسل کرد و نیکوتر از اول شد و تمام زخم و جراحتهای بدنش برطرف گشت و خداوند در اطرافش باغ سبزی رویانید و تمام اهل، فرزندان، مال و زراعتش را به او برگردانید و ملکی با او نشست و مشغول صحبت گردید در این هنگام زنبش در حالی که به دستش نان خشکی بود برگشت، چون به آن موضع رسید آسحا را دگرگون دید و مشاهده نمود که دو مرد شسته و با هم گفتگو می کنند پس ناله سرداد و گفت: ای ایوب چه بر سرت آمده است؟

ایوب او را به نزد خود فرا خواند، چون او را دید، شناخت و دید که خداوند بدن و نعمتش را به او برگردانده است سحده شکر الهی را بجا آورد. در حال سجده بود که نظر ایوب به گیسوان بریده زنبش افتاد و جریان از این قرار بود در این مدت به نزد مردم می رفت و از آنها نان و غذائی طلب می کرد و چون گیسوان زیبایی داشت به او گفتند: تو موی سرت را بریده به ما بده تا ما نیز به تو غذا دهیم. آن زن از روی ناچاری و گرفتاری گیسوان خویش را بریده و در عوض آن طعامی برای همسرش ایوب گرفت تا گرسنه نماند.

ایوب علیه السلام با مشاهده گیسوان بریده زنبش خشمگین شد و سوگند خورد که صد تازیانه به او بزند. ایوب علیه السلام بعد از شنیدن قضیه از سوگند خود پشیمان شد پس خداوند عزوجل وحی فرستاد ﴿وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَأْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ یک بسته شاخه صد تائی بگیر و با آن یک بار بر بدن زنت بزن تا سوگند خود را نشکسته باشی.

او نیز یک مشت صدتائی چوب برداشت و یک ضربه بر زنبش زد و از

سوگند خویش بیرون آمد و سپس خداوند فرزندان او را که قبل از بلاء و در هنگام بلاء مرده بودند را زنده کرد و با هم زندگی نمودند.

بعد از آنکه خداوند حضرت ایوب علیه السلام را از سلا عافیت داد از او سؤال کردند: در هنگام بلا چه چیزی بر تو خیلی سخت گذشت؟  
فرمود: شغافت دشمنان.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند در خانه ایوب بارانی از طلا به خانه اش ریخت و آنها را جمع کرد، وقتی باد چیزی از آنها را می برد بدنبال آن می دوید جبرئیل گفت: ای ایوب آیا سیر نمی شوی؟

گفت: چه کسی از رزق پروردگارش سیر می شود.<sup>۱</sup>  
﴿وَأَذْكُرُ - اِي مُحَمَّد - عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ﴾ یعنی دارای قوت و نیرو بود.

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: ﴿أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ﴾ دارای نیرومندی در عبادت و ابصار داشتن بصیرت در عبادت است.<sup>۲</sup>

﴿إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ﴾ همانا خداوند آنها را به ذکر آخرت برگزیده و آنها را اختصاص به آن داده است.<sup>۳</sup>

هَذَا ذِكْرٌ وَإِلَی الْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّآبٍ (۴۹)

جَنَّاتٍ عَذْنٍ مِّنْ مَّثَحَةٍ لَهُمْ الْأَبْوَابُ (۵۰)

۱ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۴۲؛ قصص الانبیاء، جرثری، ص ۱۹۹، نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۶۳

۲ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۲۸۶

۳ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۷

۴ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۰

مُسْكِبِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِكَاكِبَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ (۵۱)

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَثَرَابٍ (۵۲)

هَذَا مَا تَوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (۵۳)

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ (۵۴)

۴۹- این تذکری است، و برای پرهیزگاران عاقبت بکونی است

۵۰- درهای باغهای بهشت همیشگی به روی آنها باز است

۵۱- در حالی که در آنجا بر تختها تکیه رده اند، میوه های بسیار و پوشیدنیها می طلبند.

۵۲- و نزد آنها همسرانی است که چشم به شوهرانشان دوخته اند، جوان و هم سال هستند. ﴿

۵۳- این همان وعده ای است که به شما برای روز حساب داده شده است

۵۴- این همان رزق ماست که پایان پذیر نیست.

خداوند متقین و آنچه که در نزد پروردگار دارند را ذکر کرده و می فرماید: ﴿هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّيِّينَ لَحُسْنَ مَآبٍ﴾ تا - قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَثَرَابٍ﴾ یعنی حورالعین که به خاطر نورانی بودنشان چشمها عاجز از نگاه کردن به آنهاست.

خداوند گفتار اهل بهشت را نقل می کند: ﴿إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ﴾ یعنی پایان پذیر نیست و فانی نمی شود.

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاعِينَ لَشَرَّ مَآبٍ (۵۵)

جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا فَنَشَىٰ الْجِهَادُ (۵۶)

هَذَا فَلْيَذوقُوا حَمِيمٌ وَعَشَاقٌ (۵۷)

۵۵- این (پاداش نیکوکاران است)، و همانا برای طغیان‌گران بدترین جایگاه است.

۵۶- (جایگاهشان) جهنم است، که به آن وارد می‌شوند، و چه بد جایگاهی است.

۵۷- این است حمیم (آب جوشان) و غساق (روداد چرکین گدآلود) که باید از آن بچشتند.

﴿هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ شَرًّا مَّآبٍ ۖ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَيَنْسِفُهَا إِلَيْهِمْ ۖ هَذَا فَلْيَذُقُوا حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ﴾

غساق وادی در جهنم است که در آن سیصد و سی قصر است که در هر قصری سیصد خانه است و هر خانه‌ای چهل گوشه دارد و در هر گوشه‌ای ماری بزرگ و ترسناک، و با هر ماری سیصد و سی عقرب، و در هر سر هر عقربی سیصد و سی نیش گزنده سرشار از زهر، که اگر یکی از آن عقربها زهرش را بر اهل دوزخ بریزد تمام آنها را مسموم می‌کند.

﴿هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ شَرًّا مَّآبٍ﴾ که آنها زُرِيق و خَبَر و بنی امیه هستند.

وَ آخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجُ (۵۸)

هَذَا قَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَايَهُمْ إِيَّاهُمْ ضَالُّوا السَّبِيلَ (۵۹)

۵۸- و به عبر از این، عذابهای گوناگون دیگری نیز دارد

۵۹- (به آنها گفته می‌شود): ایها گروهی هستید که با شما وارد دوزخ

می‌شوید، بر آنها خوش آمد مباد همه آنها در عذاب آنش خواهد بود

خداوند کسانی را که بعد از آنها که حق آل محمد ﷺ را غصب نموده‌اند

را ذکر کرده و می‌فرماید: ﴿وَ آخِرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ هَذَا قَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ﴾

یعنی آنها بنی السباع<sup>۱</sup> هستند و می گویند بنی امیه می باشند  
 ﴿لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ ضَالُّوا النَّارِ﴾ می گویند مراد بنی فلان است.

قَالُوا مَلِ أُنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ شَتَمْتُمُوهُ لَأَقْبَسَ الْقُرُزُ (۶۰)

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرْدُهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (۶۱)

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعْتَدُهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ (۶۲)

أَتَخَذُوا هُمْ سِحْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ (۶۳)

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (۶۴)

۶۰- (ایها به برزگان خود) می گویند بلکه خوش آمد بر شما مباد، چونکه  
 این (عذاب را) شما برای ما پیش فرستادید (باعث آن شما شدید)، که  
 بسیار جایگاه بدی است.

۶۱- (سپس به درگاه الهی) عرض می کند: پروردگارا، هر کس اس (عذاب)

را برای ما پیش فرستاده، عذابش را در آتش جهنم چندین برابر بفر

۶۲- و می گوید چه شده که ما مرداسی را که از اشرار می شمردیم

می بینیم؟

۶۳- آبا ما آنها را مسخره می کردیم؟ یا چشمان ما آنها را نمی بیند؟

۶۴- این یک واقعی است که اهل آتش یا هم مناره می کشد

﴿بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ شَتَمْتُمُوهُ لَنَا﴾ یعنی شروع به ظلم به آل

محمد ﷺ کردید. ﴿قَبَسَ الْقُرُزُ﴾ که بسیار جایگاه بدی است

سپس بنی امیه می گوید ﴿رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرْدُهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ﴾

۱ به الله جراتی در باور حق تصحیح تفسیر قمی می گویند بنی السباع مغلوب بنی العباس است

که مراد اولی و دومی است.

سپس دشمنان ال محمد در آتش جهنم به یکدیگر می گویند: \* مَا أَتَى لَنَا رِجَالًا كَذَّبْنَا عَنْهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ \* در دنیا و آنها شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) هستند \* أَتَّخَذْنَا هُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ \* آیا ما آنها را مسخره می کردیم؟ یا چشمان ما آنها را نمی بینند؟

\* إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَافُ أَهْلَ النَّارِ \* آنچه که در میان آنهاست

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: به خدا سوگند شماها در بهشت شاد و مسرور هستید ولی دشمنان شما را در جهنم طلب می کنند.<sup>۱</sup>

قُلْ هُوَ نَأْظَمُ (۶۷)

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸)

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۶۹)

إِنْ يُوحَى إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مُثَبِّتٌ (۷۰)

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِ إِنَّي خَالِقُ بَشَرٍ مِنْ طِينٍ (۷۱)

۶۷- بگو: این خبری بزرگ است.

۶۸- که شما از (شنیدن آن) رویگردانید.

۶۹- من از عالم بالا (فرشتگان آسمان) که با هم (دور از آفرینش آدم) محاصره می کردند آگاه نیستم.

۷۰- به من وحی می رسد به اینکه من انداز کساده آشکاری هستم.

۷۱- (بیاد بیاور) هنگامی که پروردگار به فرشتگان فرمود من بشری از

۱. بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۱۵۳ و ج ۶۵، ص ۱۲: نورالتعلین، ج ۴، ص ۴۶۷: تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۰

کُلَّ خواهم آفرید

### خلافت امیرالمومنین علیه السلام در شب معراج

خداوند عز و جل فرمود: ای محمد بگو: ﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ﴾ که  
امیرالمومنین علیه السلام نبأ عظیم است.

﴿أَنْتُمْ عَنْهُ مُفْرِضُونَ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى - تا - مُبَيِّنٌ﴾

اسماعیل جعفری گوید در مسجد الحرام نشسته بودم و حضرت ابی  
جعفر علیه السلام نیز در گوشه‌ای نشسته بود، سر بلند کرده نگاهی به آسمان و  
نگاهی به کعبه کرد و فرمود: ﴿سَيَحْضُرُ الَّذِي اسْرَى بَعْدَهُ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ  
إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ سه بار این آیه را تکرار کرد، آنگاه متوجه من شد و  
فرمود: اهل عراق درباره این آیه چه می‌گویند؟  
عرض کردم: می‌گویند خداوند رسول خود را از مسجد الحرام به  
بیت المقدس برد.

فرمود: اینطور نیست که آنان می‌گویند لیکن از اینجا به اینجا سیرش  
دادند<sup>۱</sup> و بادست اشاره به آسمان کرد و فرمود: ما بین آن دو حرم است. آنگاه  
فرمود: به سدره المنتهی رسید جبرئیل از همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله باز  
ایستاد.

پرسید: آیا در چنین جائی مرا تنها می‌گذاری؟

گفت: تو پیش برو که به خدا سوگند به جایی رسیده‌ای که هیچ خلقی از  
خلأئق بدانجا نرسیده و نخواهد رسید؛ اینجا بود که پروردگار خود را دید<sup>۲</sup> و

۱ علامه طباطبائی می‌گوید مقصود از اینجا به اینجا سیرش دادند یعنی آنجا را از کعبه  
به بیت المعمور سیر دادند. المیزان، ج ۱۲، ص ۲۴  
۲ و آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اینجا بود که پروردگار خود را دیدم» معنایش دیدن به چشم



تنها سبحه میان او و خداوند فاصله بود.<sup>۱</sup>

پرسیدم: فدایت شوم سبحه چیست؟

حضرت با صورت خود اشاره به زمین و با دست خود اشاره به آسمان

کرد و سه بار گفت: «جلال ربی جلال ربی».

آنگاه خطاب شد: که ای محمد!

گفت: لایک یا رب.

خطاب رسید: ساکنان آسمان در چه چیز مشاخره می کنند؟

پیامبر گفت: خداوند تو منزهی، من علمی ندارم جز آنچه که تو به من

آموختی.

رسول خدا سپس فرمود: پس خدای تعالی دست در میان دو سینه ام

گذاشت<sup>۲</sup> و من برودت و خنکی آن را در میان دو کتفم احساس کردم، آنگاه

هیچ چیز از گذشته و آینده از من نپرسید مگر آنکه پاسخ آن را دانستم، در

پایان پرسید: ای محمد! ساکنان آسمانها در چه چیز مفاصمه و نزاع دارند؟

گفتم: در درجات، کفارات و حسنات.

فرمود: ای محمد نبوت به پایان رسید، و خوردنت تمام شد، چه کسی را

برای جانشینی خود در نظر گرفته ای؟

عرض کردم: پروردگارا من همه خلقت را آزمایش کرده ام کسی را مطیع تر

از علی برای خود نیافتم.

فرمود: ای محمد! همچنین مطیع تر از همه خلق نسبت به دستورات من است.

قلب است نه به چشم سر. همان، ص ۲۵

۱ و اینکه فرمود: «تنها سبحه میان پیامبر و خدا فاصله بود» معنایش این است که در نزدیکی

به خدا به جایی رسید که میان خدا و پیامبر جز جلال او فاصله ای مانند همان

۲ و اینکه فرمود: «خدای تعالی دست در میان سینه ام گذاشت» کنایه از رحمت الهی است، و

حاصل معنایش این است که علمی از ناحیه او به قلبم وارد شد که هر شک و ریبی را از میان برد

عرض کردم: پروردگارا همه خلقت را آزمودم کسی را نسبت بحودم  
علاقه مندتر از علی نیافتم.

فرمود: و همچنین نسبت به من، پس ای محمد<sup>۱</sup> او را بشارت بده به اینکه  
آیات هدایت و پیشوای اولیای من و نور برای فرمانبران من و کلمه باقیه ایست  
که من متقین را ملزم به پذیرفتن آن کرده‌ام. هر کس او را دوست بدارد مرا  
دوست داشته و هر کس او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته، علاوه بر این، من  
او را به خصائص اختصاص داده‌ام که احدی را به آن اختصاص نداده‌ام.  
عرض کردم: پروردگارا آخر او برادر من و صاحب و وزیر و وارث من  
است.

فرمود: این امری است که قضایش مقدر شده که او باید مبتلا شود و مردم  
هم به وسیله او امتحان شوند، علاوه بر این من او را ارث داده‌ام و ارث داده‌ام  
و ارث داده‌ام و ارث داده‌ام، چهار چیز را که گره آنها به دست اوست و او  
هرگز فاش نمی‌کند.<sup>۱</sup>

سپس خداوند خبر ابلیس را حکایت کرده و فرمود: ﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ  
إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ ۖ﴾ که ما داستان آدم و ابلیس را در محل خودش  
نوشته‌ایم.<sup>۲</sup>

فَالِ يَا ابْلِيسُ مَا مَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدِي أَتَنْكَرُتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ  
الْعَالِينَ (۷۵)

فَالِ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۷۶)

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۷۲

۲. نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۶۹؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۴

قَالَ فَاصْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۷۷)

وَإِنْ عَلَنِكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۷۸)

قَالَ رَبِّ فَلْتُظَرَّنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ (۷۹)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (۸۰)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۸۱)

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (۸۳)

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ (۸۴)

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۵)

۷۵- (خداوند) فرمود: ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد برای آن موحودی

که با دست خود آفریدم سجده نکنی؟ آیا تکبر و زبیدی یا از بزرگان بودی؟

۷۶- (ابلیس) گفت: من از او بهترم، مرا از آتش و او را از گل آفریده‌ای.

۷۷- (خداوند) فرمود: از جایگاهت (آسمان‌ها) بیرون شو که تو از رانده

شدگان هستی.

۷۸- و همانا لعنت من تا روز قیامت بر تو باد.

۷۹- گفته: پروردگارا، پس به من تا روز قیامت مهلت بده (برده مانم).

۸۰- فرمود: تو از مهلت یافتگانی.

۸۱- تا روز معین و زمان مشخص.

۸۲- گفت: به عزت و جلال تو سوگند که همه آنها (انسان‌ها) را گمراه

خواهم کرد.

۸۳- مگر بندگان خالص تو را از آنها.

۸۴- فرمود: به حق سوگند که حق می‌گویم.

۸۵- که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی کرده اند پُر خواهم کرد.

ابوبصیر روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند همه آفریده‌هایش را به دست خویش آفرید، به آدم محتاج نشد در حالی که آدم را نیز به دست خودش آفریده است و می‌فرماید: ﴿مَا صَنَعَكَ أَنْ تَشْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيدَيَّ﴾ آیا نمی‌بینی که خداوند همه اشیاء را به دست خویش مبعوث می‌کند. <sup>۱</sup>  
﴿خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾

اسحاق بن حریر گوید امام صادق علیه السلام فرمود: اصحاب شما درباره گفتار شیطان که گفت مرا از آتش و آدم را از گل آفریدی چه عقیده دارند؟  
گفتم: فدایت گردم می‌گویند که او از آتش خلق شده همانطور که از مضمون آیه استنباط می‌شود.

فرمودند: بلی ملعون دروغ گفته، ای اسحاق خداوند او را از گل آفریده است آن‌گاه گفت: خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاراً فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ﴾ <sup>۲</sup> بدین طریق که او را از آتشی که از درخت سبز اقتباس شده بود آفرید و اصل درخت نیز از گل است. <sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿فَانْظُرْ نِي إِلَى يَوْمِ يَمُوتُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَعْدِ الْمَعْلُومِ﴾ فرمود: مراد از ﴿يَوْمِ الْوَعْدِ الْمَعْلُومِ﴾ روزی

۱ بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۱، ج ۱۱، ص ۱۵۳، نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۷۲، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۵

۲ پس به ۸۰، همانا حدایی که از درخت سر برای شما آتشی قرار داد که شما به وسیله آن آتش می‌افروزید.

۳ قصص الانبیاء حرثری، ص ۳۷، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۵۴، وح ۶۰، ص ۲۴۴، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۱۹، نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۷۲

است که رسول خدا ﷺ او را بر روی صخره‌ای در بیت المقدس ذبح می‌کند.<sup>۱</sup>  
 سپس ابلیس گفت: ﴿فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ  
 الْمُخْلِصِينَ﴾ به عزت و جلال تو سوگند که همه آنها (انسان‌ها) را گمراه خواهم  
 کرد، مگر بندگان خالص تو از آنها  
 پس خداوند فرمود: ﴿فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ \* لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ  
 مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ به حق سوگند، که حق می‌گویم، که جهنم را از تو و از همه  
 کسانی که از تو پیروی کرده‌اند پُر خواهم کرد.<sup>۲</sup>

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (۸۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۸۷)

وَلِتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (۸۸)

۸۶- (ای پیامبر) بگو، من از شما به خاطر دعوت نبوتم هیچ اجری  
 نمی‌خواهم، و من از متکلفین نیستم. (سخنان بی‌پایه و بدون برهان  
 نمی‌گویم).

۸۷- این قرآن نیست مگر اندازی از برای عالمیان.

۸۸- و شما خبر آن را بعد از زمانی خواهید شنید.

ابن عباس در تفسیر این آیه گوید: ای محمد بگو: ﴿مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ﴾  
 یعنی بر آنچه که شما را دعوت می‌کنم هیچ مالی نمی‌خواهم  
 ﴿وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ یعنی آنچه را که می‌گویم از خودم نیست.  
 ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ﴾ که اراده موعظه می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۴، قصص الانبیاء جزاثری، ص ۲۷، نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۷۲

۲. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۵۴

﴿لِلْعَالَمِينَ﴾ که اراده همه خلق را می کند.

﴿وَلَتَعْلَمَنَّ﴾ ای گروه مشرکین.

﴿نَبَأُ بَعْدَ جِینَ﴾ یعنی هنگام مرگ و بعد از مرگ که روز قیامت باشد.<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة زمر

۳۹ - سورة زمر در مکه نازل

شده و دارای ۷۵ آیه است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)  
 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِيكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ (۲)  
 أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا  
 إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ  
 كَاذِبٌ كَفَّارٌ (۳)

- ۱- این کتابی است که از جانب خداوند قادر و حکیم نازل شده است
- ۲- همانا ما این کتاب را بر تو به حق نازل کردیم، پس خداوند را عبادت کن و دینت را برای او خالص گردان.
- ۳- آگاه باشید که دین خالص از برای خداست، و کسانی که غیر خدا را اولیاء خود گرفتند، (دلیل می آورند که:) ما اینها (شان) را نمی پرستیم مگر برای اینکه ما را به پیشگاه الهی نزدیک کنند. همانا خداوند درباره آنچه که اختلاف داشتند میانشان داوری می کند، خداوند کسی را که دروغگو و کفران کننده است را هدایت نمی کند.

«تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» این کتابی است که از جانب خداوند قادر و حکیم نازل شده است. سپس خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار

داده و فرمود: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾ «آیا  
 لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيَحْبِرُوا إِلَى اللَّهِ  
 رُفَعِيَ» که این آیات لفظش خبر و معنایش حکایت می باشد و آن اینکه قریش  
 می گفتند ما برای تقرب به خداوند و نزدیکی به او بت ها را عبادت می کنیم چرا  
 که ما نمی توانیم مستقیماً حق عبادت خداوند را به جا آوریم که خداوند گفته  
 آنها را بر لفظ خبر حکایت کرده ولی معنایش حکایت حال آنهاست پس  
 خداوند فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ «همانا خداوند  
 درباره آنچه که اختلاف داشتند میانشان داوری می کند»<sup>۱</sup>

لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِنَّا يَحْيَىٰ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ  
 الْقَهَّارُ (۴)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكُوِّرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى  
 اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ  
 الْغَفَّارُ (۵)

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا رُؤُوسَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ  
 أَزْوَاجٍ يَخْلُقَكُمْ فِي مَطْوِنٍ أَمْهَانِكُمْ خُلُقًا مِنْ تَعْدٍ خَلْقٍ فِي طُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ  
 ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَتَنَىٰ تُصْرَفُونَ (۶)

۴- اگر خداوند می خواست فرزندی اختیار کند، آنچه را که می خواست در  
 میان مخلوقاتش برمیگزید، پاک و مرده است، او خداوند یگانه و قهار  
 است.

۵- آسمانها و زمین را به حق آفرید، شب را با روز و روز را با شب

می پوشاند، و حورشید و ماه را مسح کرده است، هر کدام تا وقت معینی در حرکت هستند، آگاه باشید که او قادر و امرزده است

۶- او شما را از یک نفس (آدم) آفرید، سپس از آن همسرش (حوّا) را قرار داد، و برای (استعاده) شما از چهار پایان هشت روح را ایجاد کرد، و شما را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر در میان تاریکی های سه گانه (مشیمه و رحم و طبل) آفرید، این است خداوند، پروردگار شما که حکومت از برای اوست، هیچ معبودی جز او نیست، پس چرا از راه راست منحرف می شوید.

خداوند کسانی را که گفتند، خداوند برای خود بهای گرفته است را رد کرده و فرمود: ﴿لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ - تا - يَكُوِّرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُوِّرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ﴾<sup>۱</sup> یعنی شب را با روز و روز را با شب می پوشاند.

سپس خداوند خلق را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ یعنی آدم و همسرش حواء ﴿وَأَنْزَلَ لَكُمْ﴾ یعنی برای شما آفرید.

﴿مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ﴾ این آیه را در سورة انعام تفسیر کرده ایم.<sup>۱</sup> ﴿يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظِلْمَاتٍ ثَلَاثٍ﴾ مراد از ظلمات سه گانه شکم و رحم و تخمدان است.<sup>۲</sup>

﴿ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تُصْرَفُونَ﴾ این است خداوند، پروردگار شما که حکومت از برای اوست، هیچ معبودی جز او نیست، پس

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۲۳

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۵۶؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۲۴

چرا از راه راست منحرف می‌شوید.

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ  
لَكُمْ وَلَا تَرَوْا وَازِرَةً وَرَزْ أُنْخَرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنْصِتُ لِمَا كُنْتُمْ  
تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذُنُوبِ الصُّدُورِ (۷)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْ رَبِّهِ مَا كَانَ  
يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُحْصَلَ عَنْ سَبِيلِهِ قُلٌّ تَمَنَّعَ بِكَفْرِكَ قَلِيلًا  
إِنَّكَ مِنَ الْأَصْحَابِ النَّارِ (۸)

۷- اگر کفران کنید، همانا خداوند از شما بی‌نیاز است، و برای بدگانش کفر را نمی‌پسندد، و اگر شکرش را به جای آورید آن را برای شما می‌پسندد، هیچ گناهکاری باز گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد، سپس باز گشت شما به سوی پروردگارتان است، پس شما را بدانچه که عمل می‌کردید آگاه می‌کند، چرا که او به آنچه که در سینه‌هاست آگاه است

۸- و هنگامی که به انسان رنج می‌رسد پروردگارش را می‌خواند و به سریش بر می‌گردد، سپس هنگامی که نعمتی به او روی می‌آورد آنچه را که قبلاً خداوند را به خاطر آن می‌خواند را فراموش می‌کند، و برای خداوند محتایانی قرار می‌دهد تا (مردم را) از راه خدا گمراه سازد، بگو چند روزی به خاطر کثرت بهرهای بردار، همانا که تو از اهل دوزخ جهنم هستی

﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ﴾ این ناسپاسی نعمت‌هاست.

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ - تا - وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾ یعنی

برای خدا شریک قرار می‌دهد.

﴿قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾ این آیه دربارهٔ ابی فلان

نازل شده است.

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ  
 هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ (۹)  
 ۹- (آیا کسی که همیشه در حال عبادت است بهتر می باشد) یا کسی که  
 ساعات شب را به اطاعت خداوند در حال سجود و قیام است، از عذاب  
 آخرت می ترسد، و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟ بگو، آیا کسانی  
 که می دانند با کسانی که نمی دانند مساوی هستند؟ همانا فقط صاحبان عقل  
 و اندیشه متذکر می شوند.

﴿أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ﴾ این آیه دربارهٔ  
 امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است.  
 ﴿وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ﴾ ای محمد - هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ  
 لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ یعنی صاحبان عقل ها و اندیشه ها.<sup>۱</sup>

فَاعْبُدُوا مَا بَيْنَكُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ  
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۵)

۱۵- پس شما هر چه را که می خواهید به غیر از او (خداوند) را پرستید  
 بگو، همانا زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت خودشان و بستگانشان  
 در حیران و زیان هست، آگاه باشید که این زبان آشکاری است

ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه فرمودند: ﴿قُلْ إِنَّ

الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ ۖ يَعْنِي فِي نَفْسِ خُودِ وَاهْلُشَانِ مَغْبُورِ شَدَنَدِ  
 ﴿وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ بستگانشان در خسرا و  
 زیان هستند، آگاه باشید که این زیان آشکاری است.

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظِلٌّ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظِلٌّ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا  
 عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶)

۱۶ - برای آنها از بالا سایه‌هایی از آتش، و از زیر پاهایشان هم سایه‌هایی از  
 آتش می‌باشد، این چیزی است که خداوند به وسیله آن بندگان را  
 می‌ترساند، ای بندگان من از (عذاب من) بترسید

﴿لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظِلٌّ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظِلٌّ﴾ یعنی آتش از بالای  
 سرشان و از زیر پاهایشان سایه می‌اندازد.<sup>۱</sup>

لَكَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا لَهُمْ عُرْفٌ مِنْ فَوْقِهَا عُرْفٌ مِثْلَهُ تُخْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
 الْأَنْهَارَ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلُقُ اللَّهُ الْفِعَادَ (۲۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعُ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ  
 زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهيجُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ  
 لَذِكْرٍ لِبُلوِي الْأَكْبَابِ (۲۱)

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْبَاقِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ  
 ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲۲)

۲۰ - لکن کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، برای آنها عرقه‌هایی در  
 بهشت است که بر بالای آن عرقه‌ها، عرقه‌های دیگری سا شده و از زیر آنها

بهرها جاری است. این وعده الهی است، خداوند در وعده خود تحلف نمی‌کند.

۲۱- آیا مدیدی که خداوند از آسمان آب باران کرد و آن را در روی زمین به صورت چشمه‌هایی قرار داد، سپس به وسیله آن رراعتی یا رنگ‌های گوناگون خارج می‌سازد، سپس آن گیاهان را می‌خشکاند که آن را در رنگ می‌بسی، سپس آن را به صورت چوب خشکی شکسته در می‌آورد، همانا در اینها برای صاحبان عقل و اندیشه تذکری است.

۲۲- آیا کسی که خداوند سببش را به وسیله اسلام گشاده است، که او بر نوری از پروردگارش می‌باشد (یا اشخاص کافر بی نور و رنگ سببه یکسان است)؟ پس وای بر کسانی که غلبه‌هایشان در برابر ذکر الهی سحت شده است، همانا آنها در کمرهای آشکاری هستند.

### آنچه که خداوند در بهشت بر ولی‌اش عطا می‌کند

﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ - تَا - الْوُحُوشِ﴾

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه سؤال کرد: ای پیامبر خدا! این غرفه‌ها را با چه چیز و برای چه کسانی ساخته‌اند؟

فرمود: ای علی این غرفه‌هایی است که خدا آنها را برای اولیاء خود با در و یاقوت و زبرجد ساخته است، سقفهایش از طلاست، و با نقره محکم شده و به هم پیوسته، هر غرفه‌ای را هزار در زمین است و بر هر دری فرشته‌ای گماشته است، و در آن فرشهای گرانبها بر روی یکدیگر، از ابریشم و دیبا به رنگهای گوناگون، درون آنها انباشته از مشک و عنبر و کافور، و این گفته خداست.

﴿وَفُرُشٍ مَّرْقُوعَةٍ﴾<sup>۱</sup> و فرشهای گرانیها.

چون مؤمن در بهشت به منزلهای خود وارد شود بر سر او تاج ملک و بزرگواری نهند و آرایه‌های زر و سیم و یاقوت و درّ به رشته کشیده شده در نیم تاجی زیر تاج بر او بیاویزند و هفتاد جامه حریر به رنگهای گوناگون، بافته شده از زر و سیم و دانه‌نشان به مروارید و یاقوت سرخ بر او بپوشانند، و این گفته اوست: ﴿يُحَلُّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾<sup>۲</sup> در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته شوند و لباسشان از حریر باشد.

چون مؤمن بر تخت خود نشیند تختش از شادی به جیش درآید، و چون دوستدار خدا در منازل خود در بهشت استقرار یابد، فرشته گماشته بر باغ بهشتی او را به بزرگداشتی از جانب خدا شادباش گوید و خدمتگزاران و کنیزان مؤمن به او خوش آمد گویند و دوستدار خدا بر تخت خود تکیه زند و همسر حوریّه زیبایش نزد او رود و چندان برای دوستدار خدا درنگ کند تا او از کار خود فارغ شود.

امام علیه السلام فرمود: همسر حوریّه‌اش از خیمه بیرون می‌آید و با مهربانی به استقبال او می‌رود که به هفتاد حله از یاقوت و لولو و زبرجد آراسته شده و به مُشک و عنبر عطر آگین شده و بر سرش تاج کرامت و کفش‌هایی از طلا بر پاهایش پوشیده که با یاقوت و لولو زینت داده شده و بند آن کفش‌ها از یاقوت احمر می‌باشد. چون با شوق و علاقه نزدیک ولی خدا می‌رسد به او می‌گوید: ای ولی خدا این روز روزِ تعب و سختی و رنج نیست، من برای تو و تو برای

۱. واقعه، آیه ۳۴

۲. طاهر، آیه ۳۳



من هستی و همدیگر را به مدت پانصد سال از سال‌های دنیا با عشق و علاقه در آغوش می‌گیرند و دست در گردن هم می‌اندازند.

امام علیه السلام فرمود: پس آن ولی خدا در گردن آن حوریه گردنبندی از تارهای نازک از یاقوت احمر می‌بندد که در وسط آن نوشته شده، تو ای ولی خدا حبیب من هستی و من حوریه نیز حبیب تو می‌باشم، نفسم را به تو هبه کرده‌ام و تو نیز نفست را به من هبه کن.

سپس خداوند هزار ملک مبعوث می‌کند که تا ورود او را به بهشت تهنیت گویند و حوریه را به ازدواج او در آورند. چون آنها به اول در بهشت می‌رسند و به ملک موکل درهای بهشت می‌گویند: به ما اجازه دهید که به نزد ولی خدا برویم که خداوند ما را برای تهنیت گفتن به او فرستاده است.

آن ملک می‌گوید: به حاجب بگویم و جایگاه شما را به او بگویم.

پس آن ملک به نزد حاجب که بین او و حاجب فاصله سه بهشت است می‌رود تا اینکه به در اول می‌رسد و به حاجب می‌گوید: در باب بهشت هزار ملک است که خداوند آنها را فرستاده است، آمده‌اند ولی خدا را تهنیت بگویند و درخواست دارند که به آنها اجازه ورود داده شود.

حاجب می‌گوید: مقام او بزرگتر از این است که به کسی اجازه دهم نزد او برود و او با همسرش است.

امام علیه السلام فرمود: بین حاجب و ولی خدا دو بهشت فاصله است، حاجب به نزد قیم می‌رود و به او می‌گوید: در باب غرفه هزار ملک است که خداوند عالمین آنها را فرستاده تا بر ولی خدا تهنیت بگویند، اجازه ورود به آنها بده.

قیم به نزد خادمان ولی خدا می‌رود و به آنها می‌گوید: فرستاده‌های خداوند جبار در باب غرفه است که هزار ملک می‌باشند تا بر ولی خدا تهنیت

بگویند. جایگاه او را به آنها نشان بده.

خادمان به ملائکه اجازه می‌دهند و آنها وارد بر ولی خدا می‌شوند که در غرفه‌ای است که دارای هزار در و هر دری دارای ملک موکلی می‌باشد، چون به ملائکه اذن ورود بر ولی خدا می‌دهند هر ملکی در مخصوص به خودش که موکل بر آن است را باز می‌کند که هر ملکی از یکی از آن درها وارد می‌شود و پیام خداوند جبار را به او می‌رسانند، و آن فرمایش خداوند است که می‌فرماید: ﴿وَالْعَلَّاکَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ﴾<sup>۱</sup> یعنی از درهای غرفه ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾<sup>۲</sup> و به آنان گویند: سلام بر شما به پاس استقامت و صبرتان در برابر عبادت، معصیت و مصیبت، پس نیکوست فرجام این سرای.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلُكًا كَبِيرًا﴾<sup>۳</sup> و چون آن جایگاه نیکو را مشاهده کنی عالمی پر نعمت و کشوری بی‌نهایت بزرگ خواهی دید.

یعنی هر چه که از کرامت و نعمت‌ها و ملک عظیم که در آن می‌بینی همه برای ولی خداست. همانا ملائکه فرستاده شده از جانب خداوند جبار اجازه ورود بر او را می‌گیرند زیرا کسی بدون اجازه آن ولی خدا نمی‌تواند بر او وارد شود که در آن ملک عظیم است که در زیرش نهرها جاری می‌باشد.<sup>۴</sup>

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ﴾ درباره

۱ رعد، آیه ۲۳ و فرشتگان از هر دری بر آنان درآیند.

۲ رعد، آیه ۲۴

۳ انسان، آیه ۲۰

۴ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۲۸؛ تاویل الآيات الظاهرة، ص ۱۷۲؛ نور الثقلين، ج ۴، ص ۴۸۲.

تفسیر پرهان، ج ۶، ص ۵۲۴

امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.<sup>۱</sup>

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ﴾ که مراد از «ینابیع» یعنی آب چشمه‌ها و چاه‌هاست از آن چیزهایی که خداوند از آسمان نازل فرموده و در دل زمین جای گرفته است.

﴿ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ﴾ یعنی خشک شده تا اینکه زرد می‌شوند.

﴿ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَاماً﴾ «حطام» یعنی زمانی که خشک شد و ریزه ریزه گردید.

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۹)

۲۹ - خداوند مثلی رده است مردی که شریکانش دارد و دائماً با هم در حال مشجره هستند با مردی که تسلیم امر یک نفر است، آیا این دو با هم یکسان هستند؟ حمد و سپاس از برای خداست، بلکه بیشتر مردم نمی‌دانند.

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ﴾ این مثلی است که خداوند برای امیرالمؤمنین علیه السلام و کسانی که به آن حضرت ظلم کرده و حقش را غصب نموده‌اند زده است.

﴿مُتَشَاكِسُونَ﴾ یعنی کسانی که در ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام اختلاف کرده و او را دشمن می‌داشتند.

﴿وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام که تسلیم و خالص از برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، سپس فرمود: ﴿هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ

لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾ آیا این دو با هم یکسان هستند؟ حمد و سپاس از برای خداست. بلکه بیشتر مردم نمی دانند.

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ (۳۰)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ (۳۱)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّهِ  
مُتَوَاتِرَةً لِلْكَافِرِينَ (۳۲)

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۳۳)

۳۰- همانا تو می میری و آنها نیز خواهند مُرد.

۳۱- پس شما روز قیامت نزد پروردگارتان محاسبه (دادخواهی) می کنید.

۳۲- پس چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خداوند دروغ بسته و سخن راست را هنگامی که به نزد او آمد را دروغ خواند؟ آیا در جهنم جایگاهی از برای کافران نیست؟

۳۳- و آن کسی که سخن راست آورد و کسی که آن را تصدیق کرد، از پرهیزگاران هستند.

خداوند پیامبرش را تعزیت گفته و فرمود: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ﴾ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و کسی که حق او را غصب نمود.

سپس خداوند دشمنان آل محمد علیهم السلام و کسی که بر خدا و رسولش دروغ بست و ادعای آن چیزی را کرد که برای او نبود را ذکر کرده و فرمود: ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ﴾ یعنی به آنچه که از حق و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد.

سپس رسول خدا ﷺ و امیر المؤمنین علی را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ﴾ یعنی امیر المؤمنین علی ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ آنها از پرهیزگاران هستند.

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۶)

۳۶ - آیا خداوند برای بدهاش کفایت نمی‌کند؟ و آنها تو را از غیر او می‌ترسانند، و کسی را که خداوند گمراه کند برای او هدایت کننده‌ای نیست

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾ یعنی جمعی از منافقان امت تو می‌گویند: قبول ولایت علی را از ما مخواه و ما را از طلب این معنی معاف دار و می‌ترسانند تو را که اگر ما را در این باب معاف نداری از دین تو گذشته ملحق به کفار خواهیم شد.<sup>۱</sup>

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَازِلِهَا فِيمَنْ ثَبَّتُهَا اللَّهُ يَتَوَفَّى الْمَوْتِ وَ يُرْسِلُ الْأَخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّعِزِّ الْمُتَفَكَّرُونَ (۴۲)

۴۲ - خداوند هنگام مرگ ارواح را می‌گیرد و ارواحی که نمرده‌اند را در هنگام خواب می‌گیرد، پس ارواح کسانی را که مرگشان فرا رسیده را بگه می‌دارد و بقیه (ارواحی که مرگشان فرا نرسیده) را (به مدتها) در می‌گرداند تا وقت معین آنها، همانا در این نشانهای است برای کسانی که تفکر می‌کنند

﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا﴾

امام جواد علیه السلام می فرماید: روزی امیر المؤمنین علیه السلام با حضرت امام حسن علیه السلام نشستند بودند و آن حضرت بر دست سلمان فارسی تکیه داده بودند که شخص نیکو منظر و پاکیزه لباسی وارد شد و سلام کرد، امیر المؤمنین علیه السلام پاسخ او را داد، او نشست و عرض کرد ای امیر المؤمنین علیه السلام سه سوال از حضرتت می نمایم چنانچه جواب آن را بفرمائید یقین دارم که بر شما ظلم شده و این مردم خلافت و حقوق شما را غصب نموده اند، و از دین خارج شده اند در دنیا جز مومنین شمرده نمی شوند و در آخرت هم بهره ای ندارند.

فرمود: هر چه می خواهی سؤال کن.

گفت: شخصی که در خواب است روح او کجا می رود؟

امیر المؤمنین علیه السلام به حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: ای ابامحمد جواب سؤال این مرد را بده.

آن حضرت در جواب سؤال او چنین فرمود: چون شخص به خواب می رود روح او متعلق به باد است و آن باد هم تعلق در هوا گیرد تا وقتی که صاحبش حرکت کند اگر پروردگار اذن و اجازه به برگشتن آن روح بفرماید باد هوا را جذب نموده و آن روح در بدن صاحبش آرام و قرار می گیرد و چنانچه به برگشتن روح اجازه نفرماید هوا باد را و باد روح را جذب و خارج می کند و به بدن صاحبش بر نمی گردد تا وقتی که برانگیخته شود. که این سوالات سه گانه گذشت.<sup>۱</sup>

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَتَخَبَّطُونَ شَيْئًا  
وَلَا يَمُوتُونَ (۴۳)

قُلْ لِلَّهِ الشُّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۴)  
وَإِذَا ذُكِّرَ اللَّهُ وَخَذَهُ اشْمَازَتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِّرَ  
الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۵)

۴۳ - آیا آنها (مشرکان) به غیر از خداوند شفعایی برای خود گرفته‌اند؟ (به آنها) بگو. اگر چه مالک چیزی نباشد و هیچ عقل و شعوری برای آنها نباشد (باز آنها را شفیع خود قرار می‌دهید؟).

۴۴ - بگو: شفاعت همه از برای خداست، که حکومت آسمانها و زمین را برای اوست، سپس همگی به سوی او باز گردانده می‌شوید.

۴۵ - و هنگامی که خداوند (در نزد آنها) به یگانگی یاد می‌شود قلب‌های کسانی که به آخرت ایمان نیاورده‌اند (از آن) متنفر می‌گردند، و هنگامی که غیر از خداوند (در برد آنها) یاد می‌شود خوشحال می‌گردند.

﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ﴾ یعنی بت‌ها را شفعیان خود گرفته‌اند تا روز قیامت از آنها شفاعت کند و گفتند که فلانی و فلانی روز قیامت در پیشگاه خداوند از ما شفاعت می‌کنند.<sup>۱</sup>

﴿قُلْ لِلَّهِ الشُّفَاعَةُ جَمِيعًا﴾ هیچ کسی بدون اذن خداوند شفاعت نمی‌کند.<sup>۲</sup>  
﴿وَإِذَا ذُكِّرَ اللَّهُ وَخَذَهُ اشْمَازَتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ - تا - إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ این آیه درباره فلانی و فلانی و فلانی نازل شده است.

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۴۴

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۴۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۳

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَزَّى  
الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵۳)

۵۳- بگو ای بندگان من که بر خویشش اسراف نموده‌اید از رحمت الهی ناامید نباشید، که خداوند همه گناهان را می‌آمرد، زیرا که او آمرزنده و مهربان است.

﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ  
الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ این آیه مخصوص درباره شیعیان  
امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.<sup>۱</sup>

ابوحمره گوید امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند در روز قیامت عذر کسی را که  
بگوید: ای پروردگار من، ندانستم که والی امر مردم فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام  
است را نمی‌پذیرد و او را به عذاب ابد مبتلا می‌گرداند، و درباره شیعیان  
بچه‌های فاطمه علیها السلام این آیه مخصوص نازل شده است: ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ  
أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ﴾ ای بندگان من که بر خویشش  
اسراف نموده‌اید از رحمت الهی ناامید نباشید.<sup>۲</sup>

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا  
تَضُرُّوهُ (۵۴)

وَأَنِيبُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ نَعْتَةً وَآتَاكُمْ  
لَا تَشْعُرُونَ (۵۵)

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتْنِي عَلَىٰ مَا قَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ

۱. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۴۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۶

۲. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۴۶



الشَّاحِرِينَ (۵۶)

أَوْ تَقُولُ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۵۷)

أَوْ تَقُولُ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

بَلَىٰ قَدْ جَاءَ تَكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۵۹)

۵۴- و به سوی پروردگارتان باز گردید، و در برابرش تسلیم شوید، قبل از اینکه عذاب الهی به سوی شما بیاید، که در آن هنگام هیچ یابوری نداشته باشید.

۵۵- و از بهترین دستورهایی که از جانب پروردگارتان به سوی شما مازل شده پیروی کنید، قبل از اینکه عذاب الهی ناگهان شما را دربر بگیرد، و شما از آن خبر ندارید.

۵۶- (تا اینکه روز قیامت) کسی بگوید: وَا حَسْرَتَا که من از فرمان الهی کوتاهی کردم و از مستحراه گشتگان بودم.

۵۷- یا اینکه بگوید: اگر خداوند مرا هدایت می فرمود، من سیر از پرهیزگاران می بودم.

۵۸- یا هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: ای کاش اگر مار دیگر (به دنیا) باز می گشتم از سیکوکاران می شدم.

۵۹- آری! به تحقیق آیات من به سورت آمد، پس تو آن را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از کافران بودی.

﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ﴾ یعنی به سوی پروردگارتان توبه کنید.

﴿وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا

أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ یعنی از قرآن و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آنچه (بر او) پیروی کنید.

و دلیل بر آن این آیه است: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ﴾ مراد از «جنب الله» امام است زیرا امام صادق علیه السلام فرمود: ما «جنب الله» هستیم

سپس فرمود: ﴿أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ یا هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: ای کاش اگر بار دیگر (به دنیا) باز می گشتم از نیکوکاران می شدم.

پس خداوند آنها را رد کرده و فرمود: ﴿بَلَىٰ قَدْ جَاءَ تَكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا﴾ که مراد از آیات ائمه علیهم السلام می باشند.

﴿وَأَسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ یعنی به خداوند تکبر ورزیدی

و يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (۶۰)

۶۰- و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ می بستند را می بینی که صورت هایشان سیاه است، آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟

﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ﴾

ابوالمعزی گوید امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ادعای امام بکند و امام نباشد، روز قیامت می بینی که بر خداوند دروغ بسته اند و صورت هایشان سیاه است.

راوی گوید: عرض کردم: اگر چه آن شخص از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام باشد؟

امام علیه السلام فرمود: اگر چه علوی و از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام

باشد.<sup>۱</sup>

﴿أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ؟﴾

عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: در جهنم وادی برای متکبرین است که به آن سفر می گویند که از شدت گرما به خداوند شکایت کرد و خواست که نفسی بکشد، چون نفس کشید جهنم از نفس او روشن گردیده و شعله ور شد.<sup>۲</sup>

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ  
الْخَاسِرُونَ (۶۳)

قُلْ أَفَغَيَّرُ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴)  
وَلَقَدْ أَوْحِيَ إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ  
وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶۵)

۶۳- کلیدهای آسمانها و زمین برای اوست، و کسانی که به آیات الهی کفر شدند، آنها از زیانکاران می باشند.

۶۴- بگو: ای جاهلان! آیا به من دستور می دهید که غیر خدا را بپرستم؟  
۶۵- و به تحقیق به تو و انبیا که قبل از تو بوده اند وحی شده که اگر مشرک شوی تمام اعمالت بایرد می گردد، و از زیانکاران خواهی بود.

﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ یعنی کلیدهای آسمان ها و زمین.  
سپس خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿وَلَقَدْ أَوْحِيَ  
إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ

۱ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۵۴؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۹۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۹  
۲ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۴؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۵۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۹؛  
نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۹۶

الْخَاسِرِينَ ﴿۱﴾ خطاب این آیه پیامبر ﷺ است و مراد از امت، آن حضرت می باشد.

ابو حمزه گوید از امام باقر علیه السلام درباره این آیه خداوند بر پیامبرش ﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ سؤال کردم.

فرمود، تفسیر آیه این است که اگر بعد از خودت با ولایت علی به ولایت دیگری نیز دستور دهی عمل تو از بین می رود و از زیانکاران خواهی شد<sup>۱</sup>

بِإِلَهِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۶)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ

مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۷)

۶۶- بلکه فقط خدا را عبادت کن و از شکرگزاران باش

۶۷- و آنها آنطور که شایسته خداوند است او را ششاستند، و روز قیامت

تمام زمین در قبضه قدرت اوست، و آسمانها پیچیده در دستش می باشد،

پاک و مژه و برتر است از آنچه که برای او شریک قرار می دهند.

امام صادق علیه السلام می فرماید، خداوند متعال پیغمبر خود را به روش «بخترم

به تو می گویم عروسم تو بشنو» مبعوث فرموده است. و دلیل بر آن این آیه

است: ﴿بِإِلَهِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾

پیامبر ﷺ خداوند را عبادت می کند و شکر می نماید و لکن خداوند هم

پیامبرش را به دعا به سوی خویش فرا می خواند تا امتش تادیب شوند.<sup>۲</sup>

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾ درباره خوار نازل شده است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۸۴

۲. نور الثعلین، ج ۴، ص ۲۹۸

﴿وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ ۗ﴾ یعنی در قدرت اوست<sup>۱</sup>

وَتُفْحَفُ فِي الصُّورِ فَصَيِّقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يُفْحَفُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ (۶۸)

۶۸- و در صور دمیده می شود، پس کسانی که در آسمان ها و زمین هستند همه می میرند مگر کسانی را که نخواهد، سپس برای بار دیگر در آن دمیده می شود، پس ناگهان همه حلاق بر می خیزند و نظاره گر (حساب و جزا) می شوند.

### چگونگی نفخ صور

﴿وَتُفْحَفُ فِي الصُّورِ فَصَيِّقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يُفْحَفُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾

ثویر بن ابی فاخته از علی بن الحسین (ع) روایت کرده که شخصی از آن جناب از فاصله بین دو نفخه پرسید که چقدر است؟  
فرمود: هر قدر که خدا بخواهد.

عرض شد ای فرزند رسول خدا به من خبر بده چگونه در صور دمیده می شود؟

فرمود: اما دمیدن اول چنین است که خدای تعالی به اسرافیل امر می کند که به زمین بیاید، در حالی که صور همراه اوست، صور یک سر و دو طرف دارد، فاصله بین سر و هر طرف تا طرف دیگر همانند ما بین آسمان و زمین است،

پس وقتی ملائکه دیدند اسرافیل با صور به دنیا می آید می گویند. خداوند اذن داده که اهل زمین و آسمان بمیرند.

امام سجاد علیه السلام فرمود: پس اسرافیل به حظیره بیت المقدس هیوط می کند در حالی که او روبه روی کعبه است، وقتی اهل زمین او را ببینند می گویند. خداوند به مرگ اهل زمین اجازه داده، پس اسرافیل یک بار در صور می دمد، صدا از طرفی بیرون می آید که روبه زمین است، پس در زمین صاحب روحی باقی نمی ماند مگر آن که صیحه کشیده و می میرند، بار دیگر صدا از طرفی بیرون می آید که رو به آسمان است، پس در آسمان ها صاحب روحی نمی ماند مگر آن که صیحه کشیده و می میرند، فقط اسرافیل زنده می ماند.

امام سجاد علیه السلام ادامه داد: پس خداوند به اسرافیل می فرماید: ای اسرافیل بمیر، پس اسرافیل می میرد. همه در همین حالت مرگ به مقداری که خدا بخواهد می مانند، سپس خداوند به آسمانها امر می کند که به جریان بیافتند، به کوهها امر می کند که حرکت کنند، این است معنای قول خدا که فرمود: <sup>۹</sup> «يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا»<sup>۱</sup> یعنی زمین گسترش پیدا می کند و تبدیل به زمینی غیر از این زمین می شود، یعنی زمینی می شود که بر روی آن گناه نشده است، کوه و گیاه در آن نیست، همانطور که زمین را بار اول گسترش داد، عرش خود را بر آب برمی گرداند همانطور که بار اول چنان بود در حالی که خدای تعالی مستقل به عظمت و قدرت خویش است.

امام سجاد علیه السلام فرمود: در این هنگام جبار تبارک و تعالی با صدای بلندی از جانب خودش ندا می کند به طوری که همه اقطار آسمانها و زمینها

می شنوند: ﴿لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ﴾<sup>۱</sup> امروز ملک و پادشاهی از آن کیست؟

پس هیچ کس جواب نمی دهد، در این هنگام جبار عزّ و جلّ به خودش جواب می دهد و می گوید: ﴿لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾<sup>۲</sup> و من بر همهٔ خلائق غالب هستم و همه را من میراندم، به درستی که من خدا هستم و جز من هیچ پرستیده و خدایی نیست، من دارای شریک و وزیر نیستم، خلقم را با دست خود آفریدم، آنان را با مشیت خود میراندم، آنان را با قدرت خود زنده می کنم.

امام سجّاد علیه السلام فرمود: پس جبار تبارک و تعالی بار دیگر در صور می دمد، از آن طرف که رو به آسمان هاست صدایی بیرون می آید، پس در آسمانها کسی نمی ماند جز این که زنده شده و می ایستند همانطور که پیش از آن بوده است، حاملین عرش بر می گردند، بهشت و جهنّم حاضر می شود، خلائق برای حساب فراهم می آیند. راوی می گوید: در آن هنگام امام سجّاد علیه السلام گریه شدیدی کردند.<sup>۳</sup>

جمیل بن دراج گوید امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامیکه پروردگار اراده می فرماید که خلائق را زنده کند چهل روز باران می بارد و بر اثر آن استخوانهای پوسیده بهم اتصال پیدا می نماید و گوشتها روئیده می شود آن گاه فرمود: روزی جبرئیل نازل شد پیغمبر را بطرف بقیع برد، به گوری رسیدند، جبرئیل صاحب آن را صدا زد و گفت: به اذن خدا به پا خیز.

ناگاه مرد سفید موئی از قبر بیرون آمد خاکها را از سر و صورت خود پاک می کرد و می گفت: «الحمد لله والله اکبر».

۱. غافر، آیه ۱۶

۲. غافر، آیه ۱۶

۳ بحارالانوار، ج ۶ ص ۳۲۳؛ نورالقلوب، ج ۴، ص ۵۰۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۰

جبرئیل به او گفت: برگرد به جایگاه خود و او هم برگشت از اسبان حضرت را بر سر قبر دیگری برد صدا زد: ای صاحب قبر به ادس پروردگار بپا خیز. مرد سیاه منظری از قبر خارج شد و می گفت: «واحسرتا و اویلا»  
جبرئیل به او نیر گفت: به محل خود برگرد. پس از آن گفت: ای محمد ﷺ روز قیامت به این کیفیت مردم از قبر بیرون می آیند مؤمنان می گویند «الحمد لله و الله اکبر»، فاسقان و کفار ناله و فریاد و احسرتای آنها بلند می شود<sup>۱</sup>

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالشَّيْئِينَ وَالشَّهَدَاءِ  
وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۹)

۶۹- و زمین به نور پروردگار روشن می شود، و ساهه های اعمال در پیشگاه گذاشته می شود، و انبیاء و شهداء (گواهان) را حاضر می کنند، و بین آنها به حق داوری می شود، و به آنها ستم نخواهد شد.

### زمین با نور امام علی علیه السلام نورانی می شود

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾

مفصل بن عمر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره آیه ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ فرمود پروردگار زمین یعنی امام و پیشوای زمین عرض کردم: آن گاه که خروج کند چه می شود؟ فرمود: آن وقت مردم از نور آفتاب و نور ماه بی نیاز می شوند، به نور امام اکتفا می کنند.<sup>۲</sup>

﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالشَّيْئِينَ وَالشَّهَدَاءِ﴾ مراد از شهداء ائمه علیهم السلام

۱ بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۹، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۳، نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۳، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۱

۲ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۴، نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۳، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۵



هستند و دلیل بر آن این آیه سورة حج ﴿لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شَهِيداً عَلَىٰ نَفْسِكُمْ﴾<sup>۱</sup> می باشد.

وَسَبَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (۷۳)  
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَكُونُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنُغْنِمُ أَجْرَ الْعَامِلِينَ (۷۴)

۷۳- و کسانی که پرهیزگار بوده اند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند، تا اینکه به بهشت می رسند و همه درهای بهشت (به رویشان) باز می شود، و نگهبانان (بهشتی) به آنها می گویند: سلام بر شما، این نعمت ها بر شما گوارا باد، داخل شوید و در آن همیشگی بمانید

۷۴- و آنها می گویند: حمد و سپاس خداوندی که وعده اش به ما راست بود (و بدان وفا کرد)، و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد تا هر کجا که بخواهیم سرگاه خویش قرار دهیم، پس اجر عمل کنندگان چه بیکوست

﴿وَسَبَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا﴾ یعنی جماعت.  
﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ﴾ یعنی موالید شما پاک است زیرا کسانی وارد بهشت می شوند که ولادتش پاک باشد  
﴿فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: فلانی و فلانی حق ما را غصب کردند و به وسیله آن کنیزان را خریدند و با زنان ازدواج نمودند، آگاه باشید که ما شیعیانمان را در حلال قرار دادیم تا ولادتشان پاک باشد.<sup>۲</sup>

۱ حج، آیه ۷۸

۲، تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۸

۳ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۳۰۳، معارج الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۷ و ج ۹۳، ص ۱۸۶، نواب

ابی الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در تیل آیه **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَ وَعْدُهُ وَأَوْثَرَنَا الْأَرْضَ تَبَوَّأَ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ** فرمودند: یعنی زمین بهشت.<sup>۱</sup>

اسماعیل بن همام گوید که امام ابو الحسن علیه السلام فرمود: هنگامی که وفات علی بن الحسین علیه السلام فرا رسید سه بار بیهوش شد، در مرتبه آخر گفت: همه ستایش‌ها و ویژه‌هاست که درباره ما به وعده‌اش وفا کرد، و زمین [بهشت] را به ما میراث داد که هر جای از بهشت را بخواهیم، جای خود قرار می‌دهیم و پاداش عمل کنندگان چه نیکوست! آن‌گاه وفات کرد.<sup>۲</sup>

و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَقُولُ  
يَنْتَهُم بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۷۵)

۷۵- و (در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که هر گرد عرش (الهی) حمد رده و با ستایش پروردگارشان به تسبیح مشغولند، و در میان سنگان (هن بهشت و دورج) به حق داوری می‌شود، و می‌گویند حمد و سپاس را بر سر پروردگار عالمیان است

**و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ** یعنی در اطراف عرش حلقه زده‌اند. **يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَقُولُ يَنْتَهُم بِالْحَقِّ** که کنایه از بهشت و جهنم است و این لفظش ماضی (گذشته) و معنایش مستقبل (آینده) می‌باشد **و قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** و می‌گویند: حمد و سپاس از برای پروردگار عالمیان است.<sup>۳</sup>

الآيات الطاهرة، ص ۵۱۲؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۰۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۸

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۷؛ تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۸

۲. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۴۷

۳. تفسیر برهان، ج ۶، ص ۵۶۸

# تفسیر سورة مؤمن

٤٠ - سورة مؤمن (غافر) در

مکه نازل شده و دارای ٨٥

آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۲)

غَافِرِ الذُّنُوبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ

الْمَصِيرُ (۳)

۱- حم.

۲- این کتاب از جانب خداوند قادر و دانا نازل شده است.

۳- (خداوندی که) آمرزنده گناه، و پدیده توبه، و به شدت مجازات کننده

و صاحب نعمت فراوان است، هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست.

بارگشت همه به سوی اوست.

﴿حم﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿ غَافِرِ الذُّنُوبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ ﴾ که

مخصوص برای شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

﴿ذِي الطُّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ و صاحب نعمت فراوان است، هیچ

معبودی جز خدای یگانه نیست، بازگشت همه به سوی اوست.

مَا يُخَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَنْفَرُكَ تَعْنِيهِمْ فِي لُبَادٍ (۴)

كَذَّبَتْ قُلُوبُهُمْ قَوْمَ نوحٍ وَالْأَخْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالبَّاطِلِ لِيُذْخِرُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵)

۴- و کسی در امانات ما مجادله نمی کند مگر اینهایی که کافر شدند، پس رفت و آمد آنها در شهرها تو را غریب ندهد.

۵- قل از آنها قوم نوح و گروه های بعد از آنها بپرسید (که پیامبران را) تکذیب کردند، و هر امتی همتش بر آن بود که پیامبرش را بگیرد، و برای از بین بردن حق با گفتاری باطل مجادله کند، پس آنها را (به کیفر کفرشان) گرفتیم، و (ببین که) چگونه آنها را عذاب کردم!

﴿مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ﴾ که مراد از ﴿آيَاتِ اللَّهِ﴾ ائمه علیهم السلام می باشد  
 ﴿إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُزُكَ تَقْلُوبُهُمْ فِي الْبِلَادِ﴾ کَذَّبَتْ قُلُوبُهُمْ قَوْمَ نُوحٍ  
 وَالْأَخْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ یعنی بعد از آنها نیز قوم پیامبران بر علیه آنها اجتماع می کردند و توطئه چینی می نمودند  
 ﴿وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ﴾ یعنی می خواستند پیامبر خودشان را بکشند.

﴿وَجَادَلُوا بِالبَّاطِلِ﴾ یعنی با او دشمنی می کردند  
 ﴿لِيُذْخِرُوا بِهِ الْحَقَّ﴾ یعنی برهان حق او را به زعم خودشان باطل می کردند و آن را دفع می نمودند.  
 ﴿فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾ پس آنها را (به کیفر کفرشان) گرفتیم، و (بین که) چگونه آنها را عذاب کردم!

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (٦)  
 الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْأَلُونَ عَنْ شَيْءٍ وَرَبُّهُمُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (٧)  
 وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٨)  
 وَفِيهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِيَ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (٩)

۶- و اینچنین وعده پروردگارت بر کسانی که کافر شدید محقق گردید.  
 همانا که آنها اهل دوزخ هستند.

۷- مرشدگانی که عرش را حمل می‌کند، و آنهایی که در اطراف آن تسبیح و ستایش پروردگارش را می‌گویند، و به او ایمان آورده‌اند، و برای کسانی که ایمان آورده‌اند استغفار می‌کند، (و می‌گویند) پروردگارا که علم و رحمت بی‌متهایت همه چیز را فراگرفته است، (گاهان) کسانی که توبه کرده و از راه تو پیروی می‌کنند را بیاور، و آنها را از عذاب دوزخ حفظ نما.

۸- پروردگارا، آنها را بهشت همیشگی وارد کن که به آنها وعده فرمودی، و بر پدران (و مادران) و همسران و فرزندان هر کدام که صالح بودند، همانا که تو قادر و حکیم هستی.

۹- و آنها را از بدی‌ها نکه دار، و هر کسی را که در آن روز از بدی‌ها نکه‌داری به تحقیق او را مورد رحمت خود قرار داده‌ای، و ای همان رستگاری بزرگ است.

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ - تَا - وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

حماد روایت می‌کند که از امام صادق علیه السلام سؤال شد آیا تعداد ملائکه زیاد است یا تعداد فرزندان آدم؟

امام علیه السلام فرمودند: به حق آن خدائی که جانم بدست قدرت اوست فرشتگان خدا از عدد ذرات خاک زمین بیشتر هستند، در آسمان جائی نیست مگر آنکه ملکی در آنجا بوده و خداوند را تسبیح و تقدیس می‌کند و در روی زمین هیچ درخت و گلی نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکل است و هر روز عمل آنها را به پیشگاه مقدس پروردگار عرضه می‌دارند و خدا به آنها دانایتر است.

و فرشته‌ای از فرشتگان نیست مگر آنکه برای دوستان ما اهل بیت و کسانی که به ولایت ما رو می‌کنند استغفار نماید و دشمنان ما را لعنت کند و از خداوند درخواست نماید که به سوی دشمنان ما اهل بیت عذاب بفرستد<sup>۱</sup>

جابر گوید امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ﴾ فرمودند: مراد از «أَصْحَابُ النَّارِ» بنی‌امیه هستند.

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الصَّلَاحَ﴾ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و اوصیاء آن حضرت که علم الهی را حمل می‌کنند.

﴿وَمَنْ حَوْلَهُ﴾ یعنی ملائکه.

﴿يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی شیعه آل محمد صلی الله علیه و آله.

﴿رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا﴾ یعنی از ولایت فلانی و فلانی و بنی‌امیه.



﴿وَاتَّبِعُوا سَبِيلَكَ﴾ یعنی ولایت علی ولی خدا.

﴿وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ یعنی کسی که علی علیه السلام را دوست بدارد که آن به صلاح آنهاست.

﴿وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ﴾ یعنی روز قیامت.  
﴿وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ یعنی کسی که خداوند او را از ولایت فلانی و فلانی نجات داد.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لِلَّهِ أَكْثَرُ مِنْ مَفْئِدِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ (۱۰)

۱۰- کسانی که کافر شدند روز قیامت به آنها خطاب شود که چشم و دشنی خداوند سبب به شما از چشم و دشنی شما بر خودتان بیشتر است، زیرا به سوی ایمان دعوت می شدید ولی کفر ورزیدید.

﴿وَإِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ یعنی بنی امیه.  
﴿يُنَادُونَ لِلَّهِ أَكْثَرُ مِنْ مَفْئِدِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ﴾ یعنی به سوی ولایت علی علیه السلام دعوت می شدید ﴿فَتَكْفُرُونَ﴾ ولی کفر ورزیدید.

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَلَيْسَ فِي عَهْدِنَا السَّكِينَ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ (۱۱)

دلبکم بانه إذا دُعِيَ اللَّهُ وَخَذَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا وَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۱۲)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ

## بُیْئَ (۱۳)

۱۱- آنها (کافران) می‌گویند: پروردگارا، تو ما را دو بار مبعودتی و دوباره رده کردی. پس به گناهان خویش اعدای می‌کنیم، اما راه خروجی برای ما (از آتش جهنم) هست؟

۱۲- (به آنها گفته می‌شود) این به خاطر آن است هنگامی که به سوی خداوند نگاه خوانده می‌شدید، کعبه ورزیدید و اگر سستی و سربستی می‌گرفتید ایمان می‌آوردید، پس اکنون دآوری برای خداوند سست و مرتبه و برگی است

۱۳- اوست هدایتی که آپایش را به شما نشان می‌دهد، و برای شما از آسمان رزق‌تان را نازل می‌کند، و از این واقعیت متذکر می‌شوند مگر آنهایی که به سوی هدایت بارگشته‌اند.

﴿رَبَّنَا اٰمَنَّا اِثْنَيْنِ وَاَعْيَيْنَا اِثْنَيْنِ - تَا - مِنْ سَبِيلٍ ۝﴾

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه درباره رجعت است.<sup>۱</sup>

﴿ذٰلِكُمْ بِاَنَّهُ اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَخَدَّهٖ كَفَرْتُمْ ۝﴾ یعنی انکار کردید.

﴿وَ اِنْ يُشْرَكْ بِهٖ تُؤْمِنُوْا ۝﴾ کفر در اینجا به معنای انکار کردن است

هنگامی که گفته می‌شود خداوند یکی است کفر می‌ورزید و زمانی که برای خداوند شریکی قرار داده می‌شود ایمان می‌آوردید.<sup>۲</sup>

محمد بن حمدان گوید امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ﴿اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَخَدَّهٗ كَفَرْتُمْ وَ اِنْ يُشْرَكْ بِهٖ تُؤْمِنُوْا فَالْحُكْمُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيْرِ ۝﴾ فرمود: اگر ذکر کرده می‌شد خدای تعالی یگانه و یکتا با ولایت کسی که خدای تعالی امر به ولایت او

۱ تفسیر برهان، ج ۷، ۱۴: تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۹۵، نورالعلی، ج ۴، ص ۵۱۳

۲ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵

کرده آن را انکار می‌کردید و اگر برای خدا شریکی قرار داده می‌شد در حکم کسی که نیست او را ولایتی از جانب خدای تعالی ایمان می‌آوردید به اینکه او را ولایت از جانب الله هست.<sup>۱</sup>

﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ﴾ یعنی ائمه‌ای که خداوند آن را بر رسولش خبر داده است.

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ  
يُنْذِرُ يَوْمَ التَّلَاقِ (۱۵)

۱۵- او دارای درجات رفیع و صاحب عرش است، روح را به فرمانش بر

هر کدام از بندگان که بخواهد القاء می‌کند تا از روز ملاقات بفرماید

﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾

روح القدس مخصوص برای رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام می‌باشد.<sup>۲</sup>

﴿يُنْذِرُ يَوْمَ التَّلَاقِ﴾ یعنی روزی که اهل آسمان و زمین با هم تلاقی بکنند.<sup>۳</sup>

و روز تناد روزی است که اهل آتش اهل بهشت را ندا می‌دهند از آن آب و یا

چیزی که خداوند بر شما روزی کرده به ما هم بدهید؛ و روز تغابن روزی

است که اهل بهشت اهل جهنم را سرزنش می‌کنند؛ و روز حسرت روزی است

که مرگ را آورده و آن را نبع می‌کنند.<sup>۴</sup>

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّلْمَلِكِ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۵۶ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵، نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۱۳.

تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۹۵.

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵.

۳. نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۱۳، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۹۶.

۴. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۶.

## الْقَهَّارُ (۱۶)

۱۶- روزی که همه آنها پدیدار می‌شوند، و چیری از آنها بر خداوند پنهان

نمی‌ماند، امروز حکومت از برای کیست؟ برای خداوند یگانه قهار است

## چگونگی مُردن اهل آسمان و زمین

﴿لَمَّا الشُّكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾

عبید بن زرارہ گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: چون خداوند اهل زمین را بمیراند دو برابر مدتی که آنها را خلق نموده درنگ فرماید و پس از آن اهل آسمان دوم را بمیراند بار به اندازه‌ای که اهل دنیا و آسمان دنیا را خلق فرموده درنگ نماید، آنگاه اهل آسمان سوم را بمیراند بهمین ترتیب دو برابر درنگ هر آسمان صبر می‌کند و اهل آسمان بعدی را قبض می‌فرماید پس میکائیل را بمیراند و مدتی صبر کند تا جبرائیل را بمیراند باز دو برابر درنگ می‌نماید سپس عزرائیل را بمیراند آن وقت می‌فرماید امروز ملک و مملکت از برای کیست؟ خودش جواب خویش را می‌فرماید از برای خدای قادر و تواناست، پس بفرماید ستمکاران و جبارانی که غیر از من خدایان دیگری را می‌پرستیدند کجا هستند؟ کجا هستند مردمان متکبر و گردنکش و مانند آنها سپس بحشر خلائق امر فرموده و همه را زنده کند.

عبید بن زرارہ گفت از حضرت پرسیدم: آیا واقع می‌شود؟

فرمود: آنچه که بوده آیا تو آن را دیده و یا علم به آنها پیدا کرده‌ای؟

عرض کردم: نه!

فرمود: همانطوریکه چیزهایی بوده و هست که تو نمی‌دانی البته قیامت هم

بیا خواهد شد اگر چه تو ندانی.<sup>۱</sup>

وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْخَنَاجِرِ كَاطْعِينَ مَا لَيْسَ أَلَمِينَ مِنْ خَمِيمٍ وَلَا تَسْمِعُ يَطَاعٍ (۱۸)

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (۱۹)

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۲۰)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَحَدَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (۲۱)

۱۸- و آنها را از روز نزدیک (قیامت) ترسان، از آن هنگام که دل‌ها از شدت وحشت به گلو می‌رسد و خودشان را حرق و آندوه در بر می‌گیرد، و برای شتمکاران هیچ دوستی نیست و نه شفاعت کننده‌ای که شفاعتش مورد پذیرش واقع شود.

۱۹- و او چشم‌های خیانت‌نگر و آنچه که در سینه‌ها پنهان است را می‌داند.

۲۰- و خداوند به حق داور می‌کند، و معبودانی که به غیر او را می‌خواند هیچ داور می‌تواند نکند، همانا خداوند شوا و بیناست.

۲۱- آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا عاقبت کسانی که قبل از آنها بوده‌اند را ببینند، که آنها را ایها قوی‌تر و آثارشان در روی زمین بیشتر بود، سرانجام خداوند آنها را به خاطر گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب الهی مانعی نداشتند.

وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ \* یعنی روز قیامت.

«إِذَا الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِینٍ \* غمگین و گرفتار

«مَا لِلطَّالِمِینَ مِنْ حَمِیمٍ وَلَا شَفِیعٍ یُطَاعُ \* یعنی دوست شفاعت کننده‌ای که

شفاعتش در نزد خداوند مورد قبول باشد برای او نیست

سپس خداوند از خودش نام برده و فرمود: «یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعِیْنِ وَمَا تُخْفِی

الصُّدُورُ \* وَاللَّهُ یَقْضِی بِالْحَقِّ \* و او چشم‌های خیانت‌نگر و آنچه که در

سینه‌ها پنهان است را می‌داند و خداوند به حق داوری می‌کند

سپس فرمود: «أَوَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فِیَنْظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الذِّینَ کَانُوا

مِنْ قَبْلِهِمْ کَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً \* تا - مِنْ وَاقٍ \* که «واق» به معنای دفاع کننده

است.<sup>۱</sup>

و قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَكْتُمُ إِیمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ یَقُولَ رَبِّی

اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَیِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ یَكُ كَذِبًا فَعَلَّیْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ یَكُ

صَادِقًا یُصِیْبُكُمْ بِنَفْسِ الَّذِی یَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ

كَذَّابٌ (۲۸)

۲۸ - و مرد ما ایمانی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت گفت آیا

مردی را می‌خواهند بکشند به خاطر اینکه می‌گوید پروردگار من

حداست، و در صورتی که ما دلائلی روشن از جانب پروردگارتان برای شما

آمده است؟! اگر او دروغ‌گوست دروغش بر خود اوست، و اگر راستگو

باشد بعضی از وعده‌های (علاش) به شما خواهد رسید، همانا خداوند

اسراف کننده دروغ‌گور را هدایت نمی‌کند.

سپس از موسی ذکر کرده که داستانش را نوشته‌ایم.

﴿وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ﴾ مومن آل فرعون شناسد سال ایمانش را پنهان کرد، و بر اثر جذام انگشتانش افتاده بود و با همان دست قطع شده خود به مردم اشاره می‌کرد و می‌گفت: ﴿يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾<sup>۱</sup> ای قوم از من پیروی کنید که شما را به راه راست و صحیح هدایت می‌کنم.<sup>۲</sup>

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَ خَافَ بآلِ فِرْعَوْنَ سُوءَ الْعَذَابِ (۴۵)

۴۵- پس خداوند او را از شر و مکر (نقشه‌های) بد آنها نگه داشت، و

عذاب سخت بر آل فرعون (وارد) شد.

﴿فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا﴾ یعنی مومن آل فرعون.

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که هر آینه به تحقیق مومن آل فرعون را فرعونیان پاره پاره کردند، لکن وقایه (نگه داشتن) خداوند متعال درباره او این بود که دین او را از مکاید قبطیان نگاه داشت.<sup>۳</sup>

النَّازِ يُفْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يُؤْمِ تَغْرَمُ الشَّاعَةُ أَذْجَلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ (۴۶)

۴۶- هر صبح و شام آتش دوزخ بر آنها عرصه می‌شود، و روزی که قیامت بر ما می‌شود (حطاب آید) آل فرعون را به سخت‌ترین عذاب (جهنم) وارد کنید

۱ عامر، آیه ۲۸

۲ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱

۳ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۰۸، نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۱

﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا﴾ آن در دنیا قبل از قیامت است، زیرا در قیامت شب و روزی نیست، چونکه شب و روز به خاطر وجود خورشید و ماه می باشد و در بهشت دائمی روشنائی خورشید و ماهی نیست<sup>۱</sup>

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: درباره ﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا﴾ چه می فرمائید؟

امام علیه السلام فرمودند: مردم درباره آن چه می گویند؟

گفت: می گویند که این عذاب در آتش دائمی است و آنها در بین آن عذاب نمی شوند.

امام علیه السلام فرمود: پس آنها از سعادت‌مندان هستند که تا روز قیامت از عذاب خداوند راحت می باشند.

سوال شد: فدایت گردم! پس معنای آیه چیست؟

فرمود: در واقع این (عذاب) در دنیا است، اما درباره آتش جاودان خداوند می فرماید: ﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ و روزی که قیامت بر پا می شود (خطاب آید): آل فرعون را به سخت‌ترین عذاب (جهنم) وارد کنید.<sup>۲</sup>

وَإِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ قِيْلَ الصُّفْءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ شَعَفَةً  
أَنْتُمْ مُقْتَنُونَ عَنَّا نَصَبًا مِنَ النَّارِ (۴۷)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (۴۸)  
وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِحَزَنَتِهِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنْ

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱۰

۲. بحر الانوار، ج ۶، ص ۲۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱۰

بور الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۲



## العذاب (۴۹)

قَالُوا أَوَلَمْ تَكُنْ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا نَعْنَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۵۰)

۴۷- و (بیاد بیاور) هنگامی که در آتش دوزخ با هم مجادله می کنند، پس ضعیفان به مستکبران می گویند: ما (در دنیا) از شما پیروی کردیم آیا شما امروز می توانید سهمی از آتش عذاب ما را بر عهده بگیرید؟

۴۸- مستکبران می گویند: همه ما در آتش دوزخ هستیم، همانا خداوند در میان بندگانش داورى کرده است

۴۹- و کسانی که در آتش جهنم هستند به مأموران دوزخ می گویند: از پروردگارتان بخواهید که یک روز عذاب را از ما بردارد.

۵۰- (آنها) می گویند: آیا پیامبران شما با دلایلی روشن برای (هدایت) شما پیامدند؟ (دوزخیان) می گویند: آری! آمدند؛ آنها می گویند: پس (خدا را) بخواهید، که دعای کافران جز بر گمراهی آنها می افزاید

خداوند گفتار اهل آتش را نقل کرده و می فرماید: ﴿وَإِذْ يَتَخَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا - تَا - مِنْ النَّارِ﴾ و (بیاد بیاور) هنگامی که در آتش دوزخ با هم مجادله می کنند، پس ضعیفان به مستکبران می گویند: ما (در دنیا) از شما پیروی کردیم آیا شما امروز می توانید سهمی از آتش عذاب ما را بر عهده بگیرید؟

پس آنها را رد کرده و می گویند: ﴿إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ - تَا - وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ﴾ یعنی دعای کافران در بطلان است.<sup>۱</sup>

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ (۵۱)

۵۱- همانا ما رسولان خود و کسانی که ایمان آورده اند را در زندگی دنیا و

روزی که گواهان برای شهادت به پا می خیزند را یاری می کنیم

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ و آن در رجعت است

زمانی که رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام بر می گردند.<sup>۱</sup>

جمیل گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ سوال کردم.

فرمود: به خدا سوگند این نصرت و یاری در رجعت است، آیا نمی دانی که

بیشتر انبیا در دنیا یاری نشدند و کشته شدند و ائمه و اوصیا بعد از آنها نیز

کشته شدند و کسی آنها را یاری نکرد و آن نصرت در هنگام رجعت است<sup>۲</sup>

﴿وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ یعنی ائمه علیهم السلام.<sup>۳</sup>

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ

مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶)

۵۶- همانا کسانی که بدون دلیلی درباره آیاتی که برای آنها آمده مجادله

می کنند، در شبهه هایشان چیزی جز تکبر و غرور نیست، که به حواسته های

خود نیز نمی رسد، پس به خداوند پناه ببر، همانا که او شنوا و بیناست

﴿الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ﴾ یعنی بدون حجت و دلیلی

مخاصمه می کنند.

﴿إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ﴾ - تا - السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰

۲. محاررات، ج ۶۴، ص ۲۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰؛ نورالتقلید، ج ۲، ص ۵۲۶

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱۰

منصور بن یونس گوید امام صادق علیه السلام فرمود: در آتش جهنم آتشی است که بعضی از آنها یکدیگر را می‌خورند و آن آتش‌ها را نیافریده مگر برای متکبرین ستمکار و کسانی که به روز قیامت ایمان ندارند و برای ناصیین و دشمنان ما آل محمد علیهم السلام.

فرمود: در روز قیامت سبکترین مردمان از نظر عذاب مردی است که بر پای او دو بعلین با بندی از آتش بسته باشند و شعله آتش و جوشش آن مانند جوشیدن دیگ بر سر آتش از پائین به بالا صعود می‌کند تا به بینی او می‌رسد و آن شخص تصور می‌کند که عذاب و آتشی سفت‌تر از آن نیست و حال آنکه عذاب او سبکتر و کمتر از دیگران است.<sup>۱</sup>

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي  
سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَاخِرِينَ (۶۰)

۶۰- و پروردگار شما فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، همانا کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند برودی با دلت و خواری وارد جهنم می‌شوند

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَاخِرِينَ﴾

ابن عبینه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: خداوند متعال در روز قیامت بر بنده مومن منت می‌گذارد و به او می‌فرماید که نزدیک رحمتش شود، و آن بنده نزدیک رحمت الهی می‌شود و می‌شناسد که خداوند چه نعمتی بر او عنایت فرموده است و خداوند به او می‌فرماید: آیا در فلان روز

مرا نحوادی و فلان درخواست را از من نداشتی و من دعایت را اجابت نکردم؟ آیا در فلان روز از من نخواستی و من آن را برآورده نکردم؟ آیا در فلان روز از گرفتاری به من پناه نیاوردی و آن را از تو برطرف ننمودم؟ آیا در فلان روز از من نخواستی که سختی‌ها را از تو دور نمایم و من سختی‌هایت را از روی تو برداشتم و بر مال‌ات رحم نکردم؟ آیا از من مالی درخواست نکردی که آن را به تو دادم؟ آیا به من خدمت نکردی که من نیز آن را جبران ننمودم؟ آیا از من نخواستی که فلانی را به ازدواج تو در آورم که پاک دامن است و من او را به ازدواج تو در آوردم؟

پس آن عبد می‌گوید: ای پروردگار من! بله هر چه که از تو خواستم به من اعطا کردی و من بهشت را از تو درخواست می‌کنم.

خداوند به او می‌فرماید: من آن را نه تو می‌دهم آیا راضی می‌شوی؟ مومن می‌گوید: ای پروردگار من! بله من از تو راضی هستم آیا شما هم از من راضی هستید؟

خداوند به او می‌فرماید: بنده من، از اعمال تو راضی بودم و همانا برای تو بهترین جزا و پاداش را پسندیدم و بهترین جزا این است که تو را در بهشت جای دهم و آن قول خداوند است که می‌فرماید: ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...﴾<sup>۱</sup>

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ (۶۵)

۶۵ او رنده همیشگی است، هست خدایی جز او، پس تنها او را بخوانید و دستان را برای او خالص کنید، که حمد و سپاس برای خداوندی است که

۱ بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۸۹، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۳۳، نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۶

پروردگار عالمیان است.

﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَادِرٌ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ لَّهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

داود بن رفعه روایت کرده که مردی حضور امام زین العابدین علیه السلام آمده و مسائلی از آن حضرت پرسید و رفت، بار دیگر شرفیاب شد تا سؤالاتی مانند مسائل پیش بنماید، حضرت علیه السلام فرمودند: در انجیل نوشته شده در پی علمی که به آن عمل نمی‌کنید نروید و چرا به آنچه می‌دانید عمل نمی‌کنید، زیرا اگر عالم به آنچه می‌داند عمل نکند خداوند علمش را زیاد نمی‌نماید و از خدا دور می‌شود<sup>۱</sup> و سپس فرمود: بر شما باد به عمل کردن به قرآن، زیرا خداوند به دست قدرتش با خشتی از طلا و خشتی از نقره قصری بنا و خلق فرمود و ملاط آن را از مشک و خاکش را از زعفران و سنگهایش را از لؤلؤ و درجرات آن را به قدر آیات قرآن قرار داد، پس هر کس قرآن قرائت کند به او خطاب نموده و می‌فرماید با رقت و تأنی قرائت کن زیرا چون قاری قرآن داخل بهشت شود کسی به بلندی رتبه او نمی‌رسد مگر پیغمبران و صدیقین.<sup>۲</sup>

آن مرد سؤال کرد: زهد چیست؟

فرمود: زهد راده برجه است و پائین‌ترین درجه آن رضاست و در یک آیه از قرآن زهد بیان شده و آن این است که می‌فرماید ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾<sup>۳</sup> این به خاطر آن است که برای آنچه که از دست داده‌اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده شده دل نبسته و خوشحال نشوید.<sup>۴</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۸

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۳

۳. حدید، آیه ۲۳

۴. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۱۱

پس آن مرد گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

امام زین العابدین علیه السلام نیز فرمودند: من نیز می گویم: «لا اله الا الله» پس هرگاه یکی از شما گفت «لا اله الا الله» بعد از آن بگوید «الحمد لله رب العالمین» خداوند می فرماید: «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَادِعُوهُ مُحْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» او زنده همیشگی است، نیست خدایی جز او، پس تنها او را بخوانید و دینتان را برای او خالص کنید، که حمد و سپاس برای خداوندی است که پروردگار عالمیان است.<sup>۱</sup>

الدِّينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَمِنَ الْأَرْسَالِ بِهِ رُسُلًا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۷۰)

إِذِ الْأَعْلَالُ فِي أَغْصَانِهِمُ وَالشَّلَاسِلُ يُشْعَبُونَ (۷۱)

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (۷۲)

ثُمَّ قَبْلَ لَهُمْ آيُنَ مَا كُنتُمْ تَشْرِكُونَ (۷۳)

مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا اصْلُوا عَنَّا نَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَصِلُ اللَّهُ  
الْكَافِرِينَ (۷۴)

ذَلِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ (۷۵)

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبَشِّرْهُمُ النَّارَ الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۶)

فَاضْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيْكَ فَإِلَيْنا  
يُرْجَعُونَ (۷۷)

۷۰- کسانی که کتاب و رسولانی که فرستادیم را تکذیب کردند، به رودی  
(نتیجه اعمالشان را) می دانند.

۷۱- هنگامی که در گردن های آنها غل و زنجیر بسته و آنها را می کشند،

۱ دعوات راوندی، ص ۱۶۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۱۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۴

۷۲- و در آب جوشان و متعفن (وارد می‌کند)، سپس در آتش دوزخ

افروخته می‌شود.

۷۳- سپس به آنها گفته می‌شود. کجا رفتید آنچه را که شریک خداوند قرار

داده بودید

۷۴- و به غیر از خداوند (آنها را) می‌پرستیدید؟ (آن مشرکان) می‌گویند. از

نظر ما گمراه (محو و نابود) شدیم، بلکه ما از قتل چیری را بر سرشتن

نمی‌کردیم) نمی‌خواندیم اینچنین خداوند کافران را گمراه می‌کند.

۷۵- این عذاب به خاطر آن است که شما در روی زمین به ناحق خوشحالی

می‌کردید، و به غرور و مستی خود شادمانی می‌مودید.

۷۶- از درهای جهنم وارد شوید که در آن همیشگی هستند، پس چه

جایگاه بدی است جایگاه مشکوران.

۷۷- پس صبر کن، همانا که وعده الهی حقیق است، پس اگر بعضی از

وعده‌های عذابی که به آنها دادیم در زمان حیات تو نباشد دهیم، یا (قبل

از آن) تو را بمرانیم، که همه آنها به سوی ما بازگشت می‌کند.

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام در ذیل آیه **«الَّذِينَ كَذَّبُوا**

**بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا - تَا - كَذَّبَكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ»** فرمود: به

تحقیق خداوند کافران را مشرک نامیده چون قرآن را تکذیب کردند، خداوند

پیامبرش را با کتاب و علم تاویل به آن فرستاده است، پس هر کس قرآن یا به

آنچه که خداوند به وسیله رسولش از تاویل کتاب فرستاده را تکذیب کند پس

او مشرک کافر است.<sup>۱</sup>

### هر کس بمیرد و امامش را نشناسد

﴿ذَلِكَ مِمَّا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ﴾ یعنی فرح

و شادی ظاهری

ضریس کنانی گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم مسلمانانی که اقرار به نبوت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نموده و قبل از درک امام مرده و ضمناً گناهکار هم بوده‌اند چه حالی خواهند داشت زیرا آنها امامی نشناخته و ولایت شما را نداشته‌اند؟

فرمودند: این قبیل مسلمین را چون در قبر گذارند از آن بیرون نمی‌کنند پس کسی که عمل صالحی داشته باشد و دشمنی‌اش را اظهار نکرده باشد بهشتی که خداوند در مغرب زمین آفریده است دری به قبرش می‌گشایند و تا روز قیامت روحانیت آن بهشت در قبر او خواهد بود و در قیامت او را برای حساب حاضر نموده و حسنات و سیئاتش را می‌سنجند آن‌گاه یا به سوی بهشت می‌رود و یا جهنم، و اینها برای امر خداوند تا روز قیامت متوقف خواهند بود و همینطور است حال ضعیفان و ابلهان و اطفال و اولاد مسلمین که پیش از بلوغ بمیرند، اما ناصبین از اهل قبله را چون داخل قبر کنند از جهنمی که خداوند در مشرق زمین آفریده است شکافی و دری به قبر او باز شود و شعله و دودی به قبر او داخل گردیده تا روز قیامت به حسابش رسیدگی شده و با ذلت و خواری وارد جهنم خواهد شد ﴿فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ﴾ \* ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ \* مِنْ دُونِ اللَّهِ \* یعنی آن امامی که به غیر از امامی که خداوند برای مردم قرار داده بود را به عنوان امام برگزیدید کجاست؟



پس از آن پروردگار پیغمبرش را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ  
إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّيكَ بِعُصَّ الَّذِي نَعِدُهُمْ﴾ یعنی از عذاب ﴿أَوْ نَتَوَقَّعُكَ  
فَأَلَيْنَا يُزْجَعُونَ﴾ یا (قبل از آن) تو را بعیرانیم، که همه آنها به سوی ما باز گشت  
می‌کنند.<sup>۱</sup>

ابی‌الجارود روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود: همانا فرح (هوای  
نفس)، و مرج (خوش برخوردی فریبناک)، و خیلاء (خود پسند و گردنکش)  
همه در شرک هستند چون عمل به آنها در روی زمین معصیت است.<sup>۲</sup>

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱)  
أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ  
مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْشِبُونَ (۸۲)  
۸۱- و او آیاتش را به شما نشان می‌دهد، پس کدام یک از آیات الهی را منکر  
می‌شوید؟

۸۲- آیا در روی زمین گردش نکردند تا عاقبت کسانی که قبل از آنها بوده‌اند  
را ببینند، که تعدادشان از اینها بیشتر، و نیرومندتر و آثارشان در زمین فراوان  
بود، اما آنچه را که به دست می‌آوردند نتوانست آنها را بی‌باز کلاه (از آنها  
حفاظت نماید)<sup>۳</sup>

﴿وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ﴾ یعنی در روی زمین عمارت‌ها داشتند.  
﴿وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ﴾ یعنی امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام را در هنگام رجعت  
می‌بینید.<sup>۴</sup>

۱. نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۳۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۸

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۲۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۸؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۳۶

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۸

فَلَمَّا رَأَوْا تَأْسِياً قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (۸۴)  
 وَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا تَأْسِياً سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ  
 خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (۸۵)

۸۴ پس هنگامی که عذاب ما را دیدند گفند به خدای یگانه ایمان آوردیم  
 و به معبودانی که شریک او قرار داده بودیم کافر شدیم.

۸۵ - اما هنگامی که عذاب ما را دیدند ایمانشان هیچ نفعی به حال آنها  
 نبخشید، این سنت خداوند در میان بندگان حکمفرما بوده، و آنجا کافران  
 زیانکار شدند.

﴿قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ﴾ یعنی منکر شدیم به آنچه  
 که ما بدان مشرک شده بودیم.  
 ﴿فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا تَأْسِياً سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ  
 وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ﴾ اما هنگامی که عذاب ما را دیدند ایمانشان هیچ نفعی  
 به حال آنها نمی بخشید، این سنت خداوند در میان بندگان حکمفرما بوده، و  
 آنجا کافران زیانکار شدند.

# تفسیر سورة حم سجده

٤١ - سورة حم سجده

(فصلت) در مکه نازل شده و

دارای ٥٤ آیه است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۲)

كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳)

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۴)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا نَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ

حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ (۵)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَغِيثُوا إِلَيْهِ

وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ (۶)

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۷)

إِنَّ الدِّينَ أَمْرٌ أَوْفُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۸)

قُلْ أَتَبْكُم لَكُمْفَرُونَ بِاللَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَتْدَادًا ذَلِكَ

رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹)

۱- حم

۲- این کتابی است که از جانب خداوند رحمان و رحیم بارل شده است

۳- کتابی است که آیاتش هر مطلبی را به تفصیل بیان می کند، قرآنی که به

را از عربی فصیح است برای گروهی که می‌دانند (عالم هستند).

۴- که شارب دهنده و انداز کننده است، اما بیشتر آنها روی گردان شده، پس نمی‌شوند.

۵- و گفتند دل‌های ما سست به آنچه که ما را دعوت می‌کند در پرده واقع شده و در گوش‌های ما سنگینی است، و میان ما و تو هم حجابی است، پس تو (به دین خود) عمل کن، ما نیز (به انبیا خود) عمل می‌کنیم.

۶- بگو همانا من نیز مانند شما بشری هستم، به من وحی می‌شود که معبود شما خدای یگانه است، پس به سوی راه مستقیم او بروید، و او را طلب آمرزش کنید، و برای او حال مشرکان.

۷- کسانی که رکاب نمی‌پردازند، آنها سست به آخرت کافر هستند.

۸- کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، برای آنها پاداشی دائمی است.

۹- بگو آیا شما به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید کافر می‌شوید، و برای او شریکایی قرار می‌دهید؟ او پروردگار عالمیان است.

«حَمَّ \* تَنْزِيلُ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \*» که آیه «تَنْزِيلُ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مبتدا و جمله «فُصِّلَتْ آيَاتُهُ» خبرش می‌باشد، یعنی قرآن را خداوندی که رحمان و رحیم است فرستاده است.

«فُصِّلَتْ آيَاتُهُ» یعنی بیان کننده حلال و حرام و احکام و سنتهاست «بَشِيرًا وَ نَذِيرًا» یعنی به مومنین بشارت می‌دهد و ظالمین را انداز می‌کند «فَعَرَّضَ أَكْثَرَهُمْ» یعنی بیشترشان از قرآن روی گردانیدند «فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ \* وَ قَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ \*» که «اکنه» به معنای غشاوه یعنی قلب‌های ما از شنیدن سخنان حق در پرده است.

﴿مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنَكَ حِجَابٌ فَاغْمَلْ إِنَّا  
عَامِلُونَ﴾ یعنی ما را به سوی چیزی دعوت می کند که نه ان را می فهمیم و نه  
عقل ما بدان می رسد، پس خداوند فرمود: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ  
يُوحِي إِلَيَّ - تا - فَاسْتَكْبِرُوا إِلَيْهِ» یعنی او را اجابت کنید.<sup>۱</sup>

﴿وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ﴾ که مراد از مشرکین کسانی هستند که اقرار به اسلام  
و مسلمانی کرده ولی در عمل شرک ورزیدند و آن مطابق با این آیه است که  
خداوند می فرماید: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾<sup>۲</sup> یعنی به وسیله  
اعمال، زیرا هنگامی که به چیزی امر می شدند به خلاف آنچه خداوند فرموده  
عمل می کردند پس خداوند آنها را مشرک نامید و سپس فرمود: ﴿الَّذِينَ  
لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ یعنی کسی که زکات ندهد او کافر  
است.<sup>۳</sup>

ابان بن تغلب گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابان آیا دیده ای که  
خداوند عز و جل از مشرکین زکات اموالشان را طلب کند با آنکه ایشان در  
شرک خود باقی باشند؟ آنجا که می فرماید: ﴿وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ \* الَّذِينَ  
لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾

عرض کردم: فدایت کردم آن چگونه است برابم تفسیر فرما؟

فرمود: وای بر حال مشرکان آنهایی که بر امام اول مشرک و بر انما دیگر  
کافر گشتند؛ ای ابان همانا خداوند بندگان را به سوی ایمان دعوت می کند پس  
چون به خدا و رسولش ایمان آوردند واجبات بر آنها واجب می شود.<sup>۴</sup>

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۲۵

۲. یوسف، آیه ۱۰۶؛ و بیشتر آنهایی که ادعای ایمان به خداوند دارند مشرک هستند.

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۳

۴. مدار الانوار، ج ۹، ص ۲۲۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۳؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۵۳۸؛ تفسیر

صافی، ج ۶، ص ۳۲۶

سپس خداوند مومنین را نکر کرده و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ یعنی پاداشی که خداوند بدون منت به آنها می‌دهد.

سپس خداوند پیامبرش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ای محمد به آنها بگو: ﴿أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ﴾ که معنی «یومین» یعنی دو وقت که یکی ابتداء خلقت و دیگری انقضاء آن است.

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لَيْلٍ (۱۰)

۱۰ - (خداوند) در روی زمین کوههایی قرار داد، و برکتی در آب آفرید، طعام و ارزاق را به مدت چهار روز مقدر فرمود، که برای درحیوست کدگان مساوی بود

﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا﴾ یعنی از بین نمی‌رود و باقی می‌ماند.

﴿فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلنَّاسِ لَيْلٍ﴾ یعنی چهار فصل است که در آن فصول ارزاق اهل عالم از انسان و حیوان و پرندگان و حشرات چه در خشکی‌ها و زمین و چه در دریا و قعر اقیانوس‌ها بالاخره معاش تمام جنبندگان را فراهم می‌سازد و آن چهار فصل بهار و تابستان و پاییز و زمستان است که خداوند بادهای باران و رعد و برق را در زمستان به زمین می‌فرستد تا زمین سیراب گردد و آن فصل گرماست، بعد از آن بهار می‌رسد که فصل معتدل گرم و سرد است و در آن نباتات و درختان به سیر طبیعی شروع به رشد و نمو می‌نمایند، سپس تابستان می‌شود که فصل گرماست و درختان و میوه‌ها و



دانه‌ها محکم شده و قوت تمام مردم و حیوانات می‌گردند، سپس پاییز فرا می‌رسد که میوه‌ها و غلات را از فساد مانع گشته و آنها را پاکیزه می‌سازد و اگر تمام دوران سال یکنواخت بود مثلاً بهار پیش نمی‌آمد نباتات از زمین نمی‌روید و درختان سبز و بارور و با ثمر نمی‌شد و میوه و سایر حبوبات و غلات بدست نمی‌آمد و یا اگر همیشه تابستان بود تمام رویدنی‌ها می‌سوخت و معاش انسان و حیوان مختل می‌گردید و چنانچه همواره پاییز بود، درختان و نباتات نیرو نمی‌گرفتند و نتیجه مفید عاید نمی‌شد، لذا خداوند این اوقات چهارگانه و فصول گوناگون را برای تأمین آسایش عموم خلق کرد و قوام و هستی عالمیان را بر آن مقرر داشت و این اوقات را ﴿سَوَاءٌ لِّلشَّائِلِينَ﴾<sup>۱</sup> نامید یعنی بر قرار فرمود برای محتاجان زیرا، هر محتاجی سائل است و در عالم مخلوقاتی وجود دارد که توانایی سؤال ندارند و سؤال نمی‌کنند اما محتاجند مانند بیشتر حیوانات که برای ادامه زندگی محتاج به قوت می‌باشند ولی قدرت سؤال ندارند و خداوند روزی و قوت آنها را در این دنیا مهیا و آماده فرمود است.<sup>۱</sup>

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا فَاْتَاَتِيَا طَائِعِينَ (۱۱)

فَقَضَاهُنَّ سَنَْعَ سَنَآوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ رَزَقْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَضَازِيحَ وَ حِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۱۲)

۱۱ - سپس به امرش آسمان پر راحات که به صورت دودی بود، پس به

آسمان و زمین فرمود: از روی رعیت یا از روی کراهت به وجود آید از دو



۱۳- پس اگر اعراض کنند به آنها بگو من شما را از صاعقه‌ای ماسد صاعقه عادی و نمود ترسانیدم.

۱۴- هنگامی که رسولان از هر جانب به سوی آنها آمدند (و به آنها گفتند) حر خداوند را بپرسید: (آنها در جواب) گفتند اگر پروردگار ما می‌خواست فرشتگان را باران می‌کرد، (چون فرستاده) پس ما به آنچه که شما به آن فرستاده شده‌اید کافر هستیم.

﴿فَإِنْ أَعْرَضُوا لَا يَخْلُقْ إِلَهُ إِلَّا اللَّهُ﴾<sup>۱</sup> که مراد قریش است و آن عطف بر آیه ﴿فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾<sup>۲</sup> می‌باشد.

﴿إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ﴾ یعنی نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و پیامبران علیهم‌السلام می‌باشد.

﴿وَمِنْ خَلْفِهِمْ﴾ تو، پس گفتند: ﴿لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً﴾ یعنی بشری مثل ما را مبعوث نمی‌کرد.

﴿فَأَنَّا إِنَّا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ پس ما به آنچه که شما به آن فرستاده شده‌اید کافر هستیم<sup>۱</sup>

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا هِيَ أَتَانِمُ نَحْشَاتٍ لِيَذَّبَهُمْ غُذَاتِ الْحَزِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِالْآخِرَةِ أُخْرَى وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ (۱۶)

۱۶- پس ما بر آنها تند نادی شدید و وحشت‌انگیز و سرد در روزهایی محسوس و شوم بر آنها فرستادیم تا عذاب دلت و خواری را در دنیا به آنها بچشانیم، در حالی که عذاب آخرت از آن خوار کننده‌تر است، و آنها یاری

می‌شود.

ابی‌الجارود از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که درباره ایه ذیل فرمودند: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا» صرصر یعنی باد سرد «فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ» یعنی روزهای شوم.<sup>۱</sup>

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۷)

۱۷- و اما (قوم) ثمود را هدایت کردیم، لکن آنها کوری را بر هدایت ترجیح دادند، پس آنها را صاعقه عذاب حواری کسده به خاطر آنچه که عمل می‌کردند فراگرفت.

«وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ» و خداوند نهرمود «فَاسْتَحَبَّ اللَّهُ» چنانچه جبریون خیال می‌کنند که کارهای ما را خداوند برای ما بوجود می‌آورد.

«فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» یعنی آنچه انجام دادند.

وَيَوْمَ يُخْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۸)

۱۸- و روزی که دشمنان خدا در آتش جهنم محسور می‌شوند و در آنجا نگهشان می‌دارد.

«وَيَوْمَ يُخْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» یعنی از هر گوشه و

۱ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۵۲؛ نورالقلوب، ج ۲، ص ۵۴۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۳۱.  
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۶.

ناحیه ای می آیند.

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤَهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ (۲۰)

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا مَا لَمْ نَنطِقْهُ اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ  
خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَالْإِلَهَ تُرْجَعُونَ (۲۱)

وَمَا كُنْتُمْ تَشْعُرُونَ أَنَّ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَ  
لَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ (۲۲)

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَزْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

۲۰- هنگامی که نه آنها می‌دیدند، گوش و چشمها و پوست بدنشان بر  
آنچه که انجام می‌دادند گواهی می‌دهند.

۲۱- و آنها به پوست‌های بدنشان می‌گویند چرا بر علیه ما شهادت دادید؟  
آن اعصاب می‌گویند خداوندی که همه موجودات را به سخن گسی و  
می‌دارد ما را به سخن آورد، و او شما را اولی بار آفرید و به سوی و  
مازگشت می‌کنید.

۲۲- و شما که گناهان را پنهان می‌کردید نه به خاطر این بود که گوش و  
چشمها و پوست بدنشان شهادت می‌دهند، و لکن پیداشدید که خداوند  
بیشتر آنچه که انجام می‌دهید را نمی‌داند.

۲۳- و این گمان بادی بود که نه پروردگارتان داشتید که باعث هلاکت شما  
شد و از زیانکاران شدید.

### شهادت دادن اعضاء بدن در روز قیامت

﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤَهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

این آیه درباره گروهی نازل شده است که در روز قیامت اعمال بدشان بر آنها عرضه می شود و آنها منکر آن شده و می گویند ما این کارها را احسام نداده ایم، پس ملائکه ای که اعمال آنها را نوشته اند شهادت بر آن می دهند

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: به خداوند می گویند: پروردگارا اینها ملائکه تو هستند که شهادت بر ما می دهند سپس سوگند می خورند که ما این اعمال را انجام نداده ایم که خداوند در این باره می فرماید: ﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخَلِّفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ﴾<sup>۱</sup> و آنها کسانی هستند که حق امیرالمومنین (علیه السلام) را غصب کرده اند که در آن هنگام خداوند بر زبان های آنها مهر می زند و اعضای بدنشان به سخن در می آید پس گوش بر آنچه از محرمات را شنیده بر آن شهادت می دهد و چشم بر آنچه که خداوند حرام کرده بود و آن نگاه کرده شهادت می دهد و دست ها بر آن کارهای حرامی که کرده و پاها به جاهای حرامی که رفته و آلت به کار حرامی که انجام داده شهادت می دهند سپس خداوند زبان را به سخن در می آورد، و آنها گفتند: ﴿لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾<sup>۲</sup> و ما کنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ یعنی از خداوند است.

﴿أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ﴾ منظور از جلود آلت تناسلی و ران آدمی است.

۱ مجادله، آیه ۱۸: روزی که خداوند همه آنها را بر می انگیزد و آنها برای خداوند بیر سوگند دروغ می خورند همچنانکه برای شما می خوردند.

﴿وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ ۖ وَذِكْرُكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْذَاكُمْ فَلْيُصْبِحْخُتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

عبدالرحمن بن حجاج گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردم حدیثی روایت می کنند که در آن ذکر شده تمام مردم باید به سوی آتش جهنم بروند فرمود: اینطور که مردم می گویند نیست رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آخر مردی را که امر می شود که او را به سوی آتش ببرند به سوی خداوند رو می کند، خداوند امر می فرماید او را برگردانید، و چون برمی گردانند از او می پرسد: برای چه به من متوجه شدی؟

در جواب می گوید: من چنین گمانی به پروردگار خود نداشتم. سؤال می شود تو چه گمانی به پروردگار داشتی؟ جواب می دهد من تصور می کردم که گناهان مرا به عظمت عفو خود بیاموزی و در بهشت منزل دهی! خداوند به فرشتگان می فرماید: به عزت و جلال و بزرگی و نعمت ها و جایگاه خودم سوگند این شخص جز در این لحظه گمان خیر به من نبرده و اگر پیش از این ساعت چنین حسن ظنی به من برده بود امر نمی کردم که او را به آتش ببرد اینک دروغ او را راست فرض کنید و او را به بهشت ببرید، سپس رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نیست بنده ای که گمان خیر به خدا پیدا کند مگر آنکه بر طبق گمان او با او رفتار کنند چنانچه خداوند در این آیه بیان فرموده است ﴿وَذِكْرُكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْذَاكُمْ فَلْيُصْبِحْخُتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ و این گمان بدی بود که به پروردگارتان داشتید که باعث هلاکت شما شد و از زیانکاران شدید.<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار ج ۷، ص ۳۱۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۳۲؛ نور الثمین، ج ۲، ص ۵۴۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۸  
۲ بحار الانوار ج ۶۷، ص ۳۸۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۳۴؛ نور الثمین، ج ۴، ص ۵۴۳

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعِثُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْثِينَ (۲۴)

۲۴- پس اگر صبر کنند آتش جهنم جایگاه آنهاست، و اگر عفو و بخشش بخواهند مورد عفو و بخشش قرار نمی گیرند.

﴿فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ یعنی هلاک می شوند و از رحمت الهی دور

می گردند

﴿وَإِنْ يَسْتَعِثُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْثِينَ﴾ یعنی اگر طلب رضا و خشنودی کنند

هیچ اعتنایی به آن طلبشان نمی شود

وَقَيْضًا لَهُمْ قُرْآنًا فَرِئُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

فِي أُنْفُسِهِمْ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا حَاسِرِينَ (۲۵)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْعَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ (۲۶)

۲۵- و ما برای آنها همنشایی فرار دادیم که از روبرو و از پشت سر رشنه‌هاشان را در نظرشان جلوه دادند، و وعده الهی بر آنها محقق شد و به سر نوشت امت‌هایی که قبل از آنها بوده‌اند ارجس و انس گرفتار شدند. همانا که آنها از زبان دیگ‌ها بودند.

۲۶- و کافران گفتند: گوش به این قرآن ندهید، و در هنگام شنیدنش هیا هو

نمانید شاید که عبله پیدا کنید

﴿وَقَيْضًا لَهُمْ قُرْآنًا﴾ یعنی شیاطینی از جن و انس یاوران او خواهند بود.

﴿فَرِئُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ﴾ یعنی آنچه که انجام داده بودند آن را شیاطین

برای آنها زینت دادند.

﴿وَمَا خَلْفَهُمْ﴾ یعنی به آنها گفتند که عقب شما همه دروغ و باطل است.

﴿وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ﴾ یعنی عذاب الهی بر آنها محقق شد.



﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْتَغْفِرُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْقَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup> یعنی قرآن را به سُخره و مسخره بگیرید.<sup>۱</sup>

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا ثُحَّتْ أَقْدَامُنَا لِيَكُونُوا مِنَ الْأَسْفَلِينَ (۲۹)

۲۹- و کافران گفتند پروردگارا، آنهایی که ارجس و انس ما را گمراه کردند بر

ما نشان بده، که زیر پایمان قرار دهیم، تا از پست‌ترین مردم باشند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ﴾<sup>\*</sup> امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: مراد از جن ابلیس است که در دارالندوه مشرکی را ترغیب بر کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله نمود و مردم را با معاصی گمراه کرد و بعد از وفات آن حضرت نیز به نزد فلانی آمد و با او بیعت کرد و مراد از انس هم دومی می‌باشد ﴿نَجْعَلُهُمَا ثُحَّتْ أَقْدَامُنَا لِيَكُونُوا مِنَ الْأَسْفَلِينَ﴾ که زیر پایمان قرار دهیم، تا از پست‌ترین مردم باشند.<sup>۲</sup>

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَوْا نَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ أَلَّا تُخَافُوا وَلَا تُخْزَنُوا وَأَنْتُمْ بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (۳۰)  
نَحْنُ أَوْلَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ (۳۱)  
نُزُلًا مِنْ غُورٍ رَحِيمٍ (۳۲)

۳۰- کسانی که گفتند پروردگار ما حلای بختاست، سپس استقامت

۱- تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۳۴

۲- بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۱۵۵

ورزیدند. هر شگال (در هنگام مرگ) بر آنها بارل می‌شود که سترسند و اندوهگین باشند و شما را بشارت بر بهشتی باد که به ر وعده داده شده بودید

۳۱- ما در دنیا و احزاب از اولیاء شما هستیم، و برای شما در بهشت هر چه که بخواهید آماده است، و در اینجا هر چه که بخواهید به شما داده می‌شود  
 ۳۲- (که این نعمت‌های الهی) از سوی خداوند آمرزنده و مهربان است

### حضور معصومین (علیهم السلام) در هنگام مرگ

خداوند مؤمنین از شیعیان امیرالمومنین (علیه السلام) را ذکر کرده و فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا \* بِرِوَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ (ع) \*  
 ﴿تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ \* هُنَاكَ \*﴾ هنگام مرگ.  
 ﴿أَلَا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ \* نَحْنُ أَوْلَىٰ بِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ ما شما را از شر شیاطین نگره می‌داریم.  
 ﴿وَفِي الْآخِرَةِ﴾ یعنی هنگام مرگ.  
 ﴿وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ﴾ یعنی در بهشت.  
 ﴿نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ﴾ (که این نعمت‌های الهی) از سوی خداوند آمرزنده و مهربان است.

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا الشَّيْئَةُ اذْفَعْ بِالَّذِي هِيَ أَخَسُّ فَإِذَا الَّذِي يَنْتَكُ وَبَيْتُهُ  
 عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (۳۴)

وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ ضَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو خَطِّ عَظِيمٍ (۳۵)  
 وَإِنَّمَا يَرْغَبُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۶)

۳۴- و هرگز یکی و بدی یکسان نیست، همیشه بدی را با نیکی ارس سر، پس هنگامی که میان تو و او دشمنی بود (یک دعوه صوحه می شوی که میانتان) دوستی و صمیمیت برقرار است

۳۵- و لکن حز صابران کسی به این مقام نمی رسد، و جر کسانی که صاحب حظ و بهره بزرگی هستند به آن نایل نمی شوند.

۳۶- و هرگاه از جانب شیطان گرفتار و سوسه ای شدی، به خداوند پناه ببر، که او شنوا داناست

این سنن روایت می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: کسی از دوستان ما که دشمنان ما را دشمن داشته باشد نمی میرد مگر آنکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در بالین و بستر مرگ او حاضر می شوند و او را بشارت دهند و اگر آن شخص از دوستان ما نباشد او را به وضع بدی هجر می دهند.

و دلیل بر آن فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام به حارث همدانی است که فرمود: ای حارث هر کس چه مومن باشد و چه منافق در هنگام مرگ مرا می بیند.<sup>۱</sup> سپس خداوند پیامبرش را تادیب نموده و فرمود: ﴿وَلَا تَشْتَرِ الْحَسَنَةَ وَلَا السَّيِّئَةَ أَذْفَعُ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ هر کسی به تو بدی نمود، تو با نیکی کردن جوابش را بده تا در نتیجه، آن کسی که بین تو و او دشمنی است به دوستی مهربان مبدل شود. سپس فرمود: ﴿وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾<sup>۲</sup>

﴿وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ﴾ یعنی اگر شیطان بر قلب تو و سوسه ای

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۸۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۲

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۷

کرد

\* فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ \* که خطاب به پیامبر ﷺ است ولی معنایش مردم

می باشند.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ  
الَّذِينَ أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَمْ يَلْقَى فِي النَّارِ خَيْرًا مِمَّنْ  
يَأْتِيهِمْ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابًا عَزِيزٌ (۴۱)  
لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَرْجُلٌ مِنْ حَكِيمٍ خَمِيدٍ (۴۲)

مَا يَقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ زَنْجِكَ لَدُوٌّ مُغْتَبِرٌ وَذُو عِقَابٍ  
أَلِيمٌ (۴۳)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَفَعْجَبِيٌّ وَعَزِيٌّ قُلْ هُوَ  
بِلَذِّبِ أَمْتُوا هُدًى وَبِشَفَاءٍ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آدَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ  
عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴)

۳۹- و آیات او این است که زمین را خاشع (خشک و بی روح) می بیند،  
پس هنگامی که بر آن باران بارل کسم به حرکت در آمده و رشد و نمو  
می کند، همانا آن کسی که آن (زمین) را رنده کرد مُردگان را سیر رنده  
می کند، که او بر هر چیزی قادر است.

۴۰- کسانی که آیات ما را تحریف می کنند بر ما پوشیده نیست، آیا کسی که  
در آتش دوزخ افکنده شود بهتر است یا آن کسی که درور قیامت با امیب به  
محشر وارد می شود؟ هر کاری که می توانید انجام دهید، که او به آنچه که

انجام می‌دهید بیناست.

۴۱- کسانی که نه ذکر (قرآن) هنگامی که به سرشان آمد کافر شدند. (بار و

ما محصی نمی‌ماند)، که این کتابی عربی است

۴۲- که هرگز باطل از پیش رو و از پشت سر به آن راه نمی‌یابد، زیرا که از

جانب خداوند حکیم و مورد ستایش نازل شده است

۴۳- آنچه که دربارهٔ او می‌گویند همان است که دربارهٔ رسولان قبل از تو نیز

می‌گفتند، همانا که پروردگارت دارای امرش و صاحب عدلی در دایک

ست

۴۴- و اگر ما قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم، می‌گفتند جبراً آیاتش

مفصل و روشن نیست؟ (قرآن) محصی (از پیامبری) عربی؟ بگو این قرآن

برای کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت و شفقت، و اما کسانی که ایمان

نمی‌آورند در گوشه‌هایشان سگی است و مانند این است که بایا هوسد و

نمی‌بیدد، آنها کسانی هستند که گویی از جایی دور صدا رده می‌شوند

خداوند با دهریون احتجاج کرده و فرمود: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ

خَاشِعَةً﴾ یعنی زمین را خشک و بی‌زراعت می‌بینی.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا﴾ یعنی آنهایی که آیات ما را منکر می‌شوند.

﴿لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا﴾ بر ما پوشیده نمی‌ماند.

سپس خداوند بنابر مجاز استفهام کرده و فرمود: ﴿أَفَنْتَ تُلْقِي فِي النَّارِ

خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ آیا کسی

که در آتش دوزخ افکنده شود بهتر است یا آن کسی که روز قیامت با امنیت به

محشر وارد می‌شود؟ هر کاری که می‌توانید انجام دهید، که او به آنچه که

انجام می‌دهید بیناست.

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالدُّكْرِ» یعنی کسانی که به قرآن کافر شدند.  
 سپس فرمود: «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَبِيَّا لَقَالُوا لَوْ لَا فَصَّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَبِي  
 وَعَرَبِيٌّ» یعنی اگر این قرآن بر زبان اعجمی نازل می شد می گفتند اگر قرآن  
 عربی نازل می شد ایمان می آوردیم. پس خداوند فرمود: «قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا  
 هُدًى وَشِفَاءٌ» یعنی آشکار و روشن گر است.

«وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْ» یعنی گوش هایشان سنگین است.  
 ابی الجارود روایت می کند که امام باقر علیه السلام درباره آیه دیل فرمود: «إِنَّ  
 الَّذِينَ كَفَرُوا بِالدُّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ» یعنی قرآن آنچنانی که «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ  
 يَدَيْهِ» نه تورات و انجیل و زبور آن را باطل دانسته اند و نه بعد از آن کتابی  
 خواهد آمد که آن را باطل نماید.

«لَوْ لَا فَصَّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَبِيٌّ وَعَرَبِيٌّ» اگر قرآن بر زبان اعجمی نازل  
 می شد می گفتند ما چگونه آن را یاد بگیریم که زبان ما عربی است و پیامبر  
 قرآن را اعجمی برای ما آورده است پس خداوند دوست داشت که قرآن را به  
 زبان آنها نازل فرماید به تحقیق که خداوند فرمود: «وَمَا أَرْسَلْتُ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا  
 بِلِسَانٍ قَوْمِهِ»<sup>۱</sup> ما هیچ رسولی نفرستادیم مگر به زبان قومش.<sup>۲</sup>

إِلَيْهِ يَرْدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْثَامِهَا وَمَا تَعْمَلُ مِنْ ثَمَرٍ  
 وَلَا تَنْصَعُ إِلَّا يَعْلَمُوهُ وَبِئْسَ مَا يَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ شُرَكَائِي قَالُوا أَذْنَاكَ مَا بَسًا مِنْ  
 شَهِيدٍ (۴۷)

وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَلُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ (۴۸)

۱. ابراهیم، آیه ۴

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۰۹: تفسیر برهان، ج ۷، ص ۵۹

لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ (۴۹)

۴۷. خداوند علم به قیامت دارد و هیچ ميوهای از عسجه خود بیرون نمی آید، و هیچ مادهای باردار نمی شود و وضع حمل نمی کند، مگر به علم او و روری که آنها را بنا می دهد (او می گوید) کجا هوسد شریکائی که برای من می پنداشتند؟ می گویند (بار الها) ما عرصه داشتیم که هیچ گواهی نداریم.

۴۸. و همه معبودان باطلی که از قبل می خواندند محو و نابود می شوند، (در آن هنگام) می دانند که هیچ راه فراری ندارند.

۴۹. انسان هرگز از نیکی حواسش حسته نمی گردد، و اگر شری به او برسد، مأیوس و ناامید می گردد.

﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ﴾ یعنی آنهایی که به غیر از خداوند را می پرستیدند.

﴿قَالُوا أَذُنَاكَ﴾ یعنی تو را آگاه کردیم.

﴿مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ - تَا - وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِنْ

مَحِيصٍ﴾ یعنی دانستند که برای آنها هیچ راه گریز و پناهگاه و فراری نیست ﴿لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ﴾ یعنی از اینکه برای خودش درخواست خیر و نیکی کند هیچ ملول و خسته نمی شود.

﴿وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ﴾ یعنی راحتی از جانب خداوند و فرج و

گشایش مأیوس و ناامید می گردد.

وَإِذَا أُنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَغْرَضَ وَتَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَدُو دُعَاءِ

عَرَبِيٍّ (۵۱)

۵۱- و هر گاه به اسان بعضی عطا کنیم روی می گردانند و با حال غرور

شکر الهی (دوری می جویند و هر گاه به شزو غلابی مسلا می گردد همیشه

ربان به دعا می کشاید

﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ﴾ یعنی با کبر و غرور راه

می رود و افراد پایین تر از خودش را تحقیر می کند.

﴿وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ﴾ یعنی فقر و مرض و شدت و سختی

﴿فَدُّوْ دُعَاءِ عَرِيضٍ﴾ یعنی زیاد دعا می کند.<sup>۱</sup>

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكُنْ

بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵۳)

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ (۵۴)

۵۳- به رودی آیات ما را در اطراف جهان و در اندویشان به آنها نشان

می دهیم، تا برای آنها روشن گردد که او حق است، آیا برای پروردگار

کفایت نمی کند که بر هر چیزی گواه باشد؟

۵۴- آگاه باشید که آنها در لقاء پروردگانشان در شک و تردید هستند، آگاه

باشید که او به همه چیز احاطه دارد

﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾ پس معنی

﴿فِي الْآفَاقِ﴾ کسوف و زلزله و آنچه از آیات در آسمان اتفاق می افتد، و

معنای ﴿فِي أَنْفُسِهِمْ﴾ این است که یک بار گرسنه است و بار دیگر سیر

می گردد و یک بار تشنه است و بار دیگر سیراب می شود، یک بار مریض است

و یک بار در صحت و سلامتی، یک بار در آسایش و غناست و یک بار در فقر،



یک بار راضی است و یک بار خشمگین، یک بار می‌ترسد و یک بار نیز در امنیت می‌باشد پس این از بزرگترین دلایل بر توحید خداوند است. که شاعر می‌گوید:

و فی کل شیء له آیه      تدل علی أنه واحد

یعنی: در هر چیزی برای او آیت و نشانه‌ای است، دلالت می‌کند که او واحد و یکتاست.

سپس بندگان را با لطف عظمتش ترسانید و فرمود: ﴿أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ ای محمد آیا برای پروردگارت کفایت نمی‌کند که او بر همه چیز شاهد و گواه است؟

سپس فرمود: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ﴾ یعنی آنها در شک و تردید هستند. ﴿مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ﴾ کنایه از خداوند است.

﴿بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ﴾ که خداوند به همه چیز احاطه کامل دارد.<sup>۱</sup>



# تفسیر سورة شوری

۴۲ - سورة شوری در مکه

نازل شده و دارای ۵۳ آیه

است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

عسق (۲)

كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

۱- حم

۲- عسق.

۳- اینچنین خداوند هر روز و حکیم بر نو و سیر پیامبرانی که قبل از تو بوده اند

وحی می‌کند.

﴿حم • عسق﴾ این حروف مقطعه از اسم اعظم خداوند است که رسول

خدا ﷺ یا امام علی (ع) آنها را با هم ترکیب می‌کند. که هر وقت خداوند را با آن

اسم اعظم بخوانند اجابت می‌کند.<sup>۱</sup>

﴿كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

یحیی بن مسیره [ میسره ] ختعمی گوید از امام باقر (ع) شنیدم که

فرمود: ﴿حم عسق﴾ عدد سالهای حضرت قائم (ع) می‌باشد و قاف کوهی از

رمرد سبز است که احاطه بر دنیا دارد و سبزی آسمان انعکاس از سبزی آن

۱- تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۶۴؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۵۳؛ نورالقلوب، ج ۴، ص ۵۵۷

کوه است و هر چیزی در «عشق» است.<sup>۱</sup>

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْقَطِرْنَ مِنْ قَوْقِبِهِمْ وَالْخَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَقِيقٌ عَلَيْهِمْ وَأَمَّا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ (۶)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ

الْجَمْعِ لَا رَبَّ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (۷)

۵- نزدیک است که آسمانها از بالا متلاشی گردند، و فرشتگان به حمد و

تسبیح پروردگارشان مشغول هستند، و برای اهل زمین طلب معفرت و

آمرزش می‌کند، آگاه باشید که خداوند آمرزنده و مهربان است

۶- و کسانی که غیر خدا را ولی خود گرفته‌اند، خداوند نگهبان (مراقب

اعمال) آنهاست، و تو وکیل (احمال) آنها هستی

۷- و این چنین قرآن را بر تو عربی (مصحح) وحی نمودیم تا (مردمان)

امّ القری (شهر مکه) و هر کسی که در اطراف آن است را اداوار کسی و آنها را

از آن روزی که همه جمع می‌شوند (روز قیامت) که هیچ شک و تردیدی در

آن نیست برسانی، که گروهی از آنها در بهشت و گروهی در آتش سوزان

می‌باشند.

﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْقَطِرْنَ مِنْ قَوْقِبِهِمْ وَالْخَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ﴾ یعنی ملائکه از برای مؤمنین از شیعیان خاص

توبه می‌کنند، که لفظ آیه عام و معنایش خاص می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۷۶، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۵۳، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۶۴

۲ بر التفسیر، ج ۴، ص ۵۵۷، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۵۴، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۶۵

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ مراد از «أُمَّ الْقُرَى» مکه است بدین خاطر به مکه، ام القری می گویند چون اول بقعه ای بود که خداوند در زمین آفرید که می فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا﴾<sup>۱</sup> همانا اول خانه ای برای مردم بنا گذاشته شد همان است که در سرزمین مکه است که پربرکت می باشد.<sup>۲</sup>

ابی الجارود گوید امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ذیل فرمود: ﴿يَسْقُطُ رَيْنٌ مِنْ فَوْقِهِنَّ﴾ یعنی پاره پاره می شوند.<sup>۳</sup>  
 ﴿لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ﴾ یعنی مکه.  
 ﴿وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ یعنی سایر زمین.<sup>۴</sup>

﴿وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾ و آنها را از آن روزی که همه جمع می شوند (روز قیامت) که هیچ شک و تردیدی در آن نیست بترسانی، که گروهی از آنها در بهشت و گروهی در آتش سوزان می باشند.

### امام حسن علیه السلام و یزید ملعون در نزد پادشاه روم

عبد الملک بن هارون از امام صادق علیه السلام که از پدران گرامی اش روایت می کند که فرمودند: چون به امیرالمومنین علیه السلام خبر رسید که معاویه با صد هزار سپاهی برای جنگ می آید، فرمود: همراهان او از چه قومی هستند؟ عرض کردند: از اهل شام می باشند.

۱. آل عمران، آیه ۹۶

۲. نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۶۵

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۶۵؛ نورالتقلین، ج ۲، ص ۵۵۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۵۴

۴. نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۵۷

فرمود: نگویند از اهل شام بلکه بگویند از مردمان شوم از نسل مضرند که به زمان داود پیغمبر لعن و نفرین شدند و به غضب خداوند مبتلا و به صورت بوزینه و خنزیر مسخ گردیدند؛ سپس امیرالمؤمنین علیه السلام نامه‌ای نوشته و برای معاویه ارسال داشتند که چرا بی سبب باعث کشتار جمعی مردم بی گناه می شوی، اگر تو با من سر پیکار داری شخصا به میدان نبرد حاضر شو تا من و تو با یکدیگر به قتال پردازیم چنانچه تو بدست من کشته شوی به جهنم واصل شوی و مردم از شر گمراهی تو رهائی می یابند و اگر من کشته شوم به بهشت می روم و از شمشیرهایی که برای رفع مکر و حیل‌های تو باید به زخم آسوده خواهم شد، من کسی هستم که خداوند نام مرا در تورات و انجیل به مساوات و برادری با رسول اکرم صلی الله علیه و آله یاد فرموده و من همان شخصی هستم که در زیر درخت به طوری که خداوند در قرآن بیان فرموده: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ»<sup>۱</sup> با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت نموده‌ام.

معاویه چون نامه حضرت را دریافت کرد و قرائت نمود عده‌ای که پیرامونش بودند گفتند ای معاویه به خدا قسم علی علیه السلام با تو از در انصاف در آمده است.

معاویه گفت: هرگز راه انصاف نیپیموده زیرا من هم مبارز با علی نیستم چونکه خودم از رسول خدا شنیدم که می گفت یا علی! اگر اهل مشرق و مغرب با تو مبارزه کنند از عهده همگی شصتبار می آیی و همه را به قتل می رسانی. مردی گفت: پس چه چیز باعث شد که تو با او به مخالفت و ستیز

۱ فتح، آیه ۱۸ به تحقیق خداوند از مومنین راضی شد هنگامی که در زیر درخت با تو بیعت کردند.



برخاسته‌ای و با صد هزار مرد به پیکار او می‌روی زیرا هر کس با علی جنگ و پیکار کند از دین خدا و رسولش خارج و به ضلالت و گمراهی داخل خواهد شد.

معاویه گفت: خدا و رسولش خبر داده‌اند که هر که با علی جنگ کند از دین حق بیرون و از طریق هدایت و تجات منحرف و خارج است، به خدا قسم من و پیروانم نمی‌توانیم این ضلالت را از خود دور کنیم زیرا در علم خدا گذشته است که ما از گمراهان و مضلین باشیم.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خبر جنگ معاویه با امیر المؤمنین علیه السلام به امپراطور روم رسید و به او گفتند: برای امر خلافت مسلمین بین دو نفر از مدعیان پیکار سختی در گرفته است.

پرسید: این دو نفر از چه محل هستند؟

جواب دادند: یکی از شام و دیگری از کوفه قیام نموده است.

پرسید: هم اکنون رماز امور مسلمین در دست کیست؟

گفتند: بدست علی علیه السلام که در کوفه است.

به وزیر خود دستور داد تحقیق و تجسس به عمل آورد تا از مردم شام و عراق کسی در روم ساکن هست یا خیر. بر اثر تحقیق دو نفر تاجر یکی از تحار عراق و دیگری از شام بدست آورده حضور پادشاه آوردند او از هر دو نفر پرسشهایی بعمل آورد و آنها شمه‌ای از اوصاف امیر المؤمنین علی علیه السلام و معاویه را به او گفتند، سپس دستور داد که از خزائن دربار مجسمه‌هایی حاصر نمودند و پس از مشاهده و دقت نظر در آنها پادشاه روم گفت: شامی گمراه و باطل و کوفی هادی و برحق است؛ آن‌گاه نامه‌ای به معاویه نوشت که داناترین فرد خانواده‌ات را به نزد من بفرست و به علی علیه السلام نیز نوشت که

برای من مشکلی روی داده خواهم دارم داناترین افراد خانواده و اهلیت خود را به نزد من بفرست تا مسائلی چند طرح کنم و سخنان و پاسح او را بشنوم و با مندرجات انجیل تطبیق کرده و حق را تشخیص دهم.

معاویه یزید و علی علیه السلام حضرت امام حسن علیه السلام را به روم فرستادند یزید چون به دربار امپراطور روم وارد شد دست پادشاه را بوسه داده و سر او را نیز بوسید، اما همینکه امام حسن علیه السلام داخل محفل پادشاه شد با صدایی رسا و بلند فرمود: خدایی را سپاس و ستایش می‌کنم که مرا نه یهودی و نه نصرانی و نه مجوس و آفتاب و ماه پرست و نه مشرک و نه گاوپرست نفرموده بلکه مرا به نور هدایت اسلام رهبری کرد و مسلمان و پاک و پاکیزه قرار داد، ستایش و تکریم و عظمت شایسته پروردگار بزرگ و صاحب عرش اعظم است. پس جلوس فرمودند و آنکه به اطراف خود نظری افکند و سر مبارک را به زیر انداخت پادشاه دستور داد امام حسن را به محلی ببرند و یزید را در حضور خویش نگاه داشت و دستور داد از خزانه سیصد و سیزده صندوق که محتوی تمثال و تصویر انبیاء و اوصیاء بود حاضر نموده و یکایک آنها را به یزید ارائه داد و نام صاحب آنها را پرسید، یزید هیچ یک از آنها را نشناخت و پاسخ مثبت نداد سپس پرسید اوراق خلاق چگونه به آنها می‌رسد و ارواح مؤمنین و کفار بعد از مرگ در کجا جمع می‌شوند یزید اظهار بی‌اطلاعی نمود.

پادشاه حضرت امام حسن علیه السلام را خواست و به او گفت: قبل از تو آنچه می‌خواستم از یزید فرستاده معاویه سؤال کردم تا اینکه بر خودش ثابت شود چیزی نمی‌داند، تو آنچه او نمی‌داند را می‌دانی همانطوری که پدرش آنچه پدرت می‌داند نمی‌داند من وقتی که اوصاف پدر تو و پدر او را شنیدم و

با مراجعه به انجیل و آثاری که در دست داشتیم دانستم که محمد ﷺ رسول خدا و پدرت علی وزیر و وصی و جانشین محمد ﷺ است.

حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: ای پادشاه هر چه می خواهی از من سؤال کن خواه از مندرجات تورات و انجیل و یا آنچه که در قرآن کتاب آسمانی ماست و بخواست خداوند جواب شایسته و کافی بشنوی.

پادشاه شروع به ارائه مجسمه ها و تمثال ها و تصاویر انبیاء و اوصیا نمود اول صورت آدم ابوالبشر و سپس تمثال حوا مادر بشر را ارائه داد. حضرت امام حسن آنها را شناخته و نام هر یک را گفت بعد تصویر شیث پسر آدم و بعد صورت نوح نبی را ارائه داد و حضرت امام حسن علیه السلام فرمود این صورت شیث است که عمرش یکهزار و چهل سال بود و این تصویر از نوح پیغمبر صاحب کشتی است عمر او دو هزار و چهار صد سال بود و مدت نهصد و پنجاه سال با سمت پیغمبری به ارشاد قوم خود پرداخت

پادشاه تمثال دیگری را نشان داد فرمود این تصویر خلیل الرحمن حضرت ابراهیم است که سینه اش پهن و پیشانی اش گشاد بود پس صورت دیگری را ارائه نمود که فرمود این تصویر موسی بن عمران است که دویست و چهل سال عمر کرد و فاصله بین او و حضرت ابراهیم پانصد سال بود پس صورت دیگری را نشان داد که حضرت فرمود این تصویر اسرائیل الله یعقوب است بعد تصاویر اسماعیل و یوسف را آوردند بعد تمثال داود نبی صاحب محراب و شعیب و زکریا و یحیی را آوردند که آن جناب یکی یکی را معرفی فرمود انگاه صورتی آوردند که حضرت امام حسن علیه السلام فرمود این تصویر عیسی بن مریم روح الله و کلمه الله است که عمرش در دنیا سی و سه سال بود و خداوند بنا به مشیت ازلی او را به آسمان برد و در آخر زمان به شهر دمشق

فرود آید و بجال را می کشد.

همچنین پادشاه یکایک تمثال‌ها و صورت‌ها را ارائه داده و حضرت امام حسن علیه السلام نام صاحبان صورت‌ها را به اسم وصی و وزیر آنها می فرمود پادشاه دستور داد تصاویر دیگری از خزانه آورند و نشان دادند حضرت فرمود این صورت‌ها مربوط به انبیاء و اوصیاء و اولیاء نیست و در زبور و تورات و انجیل نامی از ایشان برده نشده و یقیناً تصویر سلاطین و پادشاهان گذشته است.

پادشاه گفت: شهادت می دهم که شما خاندان محمد صلی الله علیه و آله و ارثان علم آن پیغمبر محترم هستید و خداوند علوم اولین و آخرین را به شما اعطا فرموده و شما زبور و تورات و انجیل را از صاحبان آن ادیان بهتر می دانید

آن‌گاه پادشاه روم صورت دیگری را خواسته و ارائه نمود چون امام حسن علیه السلام تصویر را دید گریه بر او مستولی گردید و در پاسخ پرسش پادشاه فرمود این شمایل جدم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که نیکو منظر و بدیع شمایل و نیکو کلام و فصیح زبان و همواره معطر و خوشبو بود عمر شریفش شصت و سه سال بود و در پیشرفت امر دین خدا از هیچ فداکاری دریغ نکرد و پیوسته امر بمعروف و نهی از منکر می فرمود و چون از این جهان رخت مر بست مالی به جا نگذاشت مگر انگشتری که بر او کلمه طیبه «لا اله الا الله محمد رسول الله» نقش شده بود و آن را در دست راست خود می کرد و شمشیر ذوالفقار و جبه و عبائی.

پادشاه گفت: از اخبار و آیات انجیل چنین دریافته ایم که آن بزرگوار املاک خود را در زمان زندگانی به یگانه دختر خود بخشیده است آیا چنین بوده است؟

حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: بله چنین بوده است.  
 پادشاه گفت: آیا آن املاک برای شما باقی مانده است؟  
 فرمود: نه!

پادشاه گفت: بطوری که من می دانم ظاهراً اول فتنه ای که در اسلام و امت  
 جدت حادث گشته همان است که دو نفر به نام ابوبکر و عمر بر پدرت ستم  
 نموده آن املاک را که پیغمبر به شما عطا کرده بود غصب و پدرت را  
 خانه نشین کردند و خلافت امت را هم غاصبانه بدست می گیرند در صورتیکه  
 حق رهبری و پیشوایی امت بعد از جدت به دست دریه و اهل بیت او باید داده  
 می شد؟ که قیام کننده به حق و امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر از  
 شما خاندان است.

### سوالات پادشاه روم از امام حسن علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: سپس پادشاه از آن حضرت پرسید آن هفت  
 موجودی که بدون قرار گرفتن در رحم بوجود آمده اند کدامند؟  
 حضرت فرمود: اول: آدم؛

دوم: حوا؛

سوم: گوسفندی که حبرئیل فدای اسماعیل و نزد حضرت ابراهیم حلیل  
 آورد؛

چهارم: ناقه صالح پیغمبر؛

پنجم: شیطان؛

ششم: مار؛

هفتم: کلاغی است که خداوند او را فرستاد تا نعش کلاغ دیگری را در زمین

دفن کرد و پسر آدم درباره دفن برادر مقتول خود از او تعلیم گرفت  
آن گاه پادشاه از ارزاق خلاق پرسید.

حضرت علیه السلام فرمود: ارزاق خلاق در آسمان چهارم است که بادازه و  
مقداری که خداوند مقرر و مقدر فرموده نازل و بین افراد بشر تقسیم  
می شود.

پادشاه پرسید: ارواح مومنین هنگامی که مُردند در کجا جمع می شوند؟  
فرمود: ارواح مؤمنین در صخره بیت المقدس در هر شب جمعه جمع  
می شوند که آن عرش کوچک خداست که خداوند از آنجا زمین را گسترش داد  
و ارواح مومنین از آن محل محشور می شوند و پروردگار ما بیت المقدس را  
به سوی آسمان راست گردانید.

پادشاه سپس از ارواح کافرین پرسید که در کجا جمع هستند؟  
حضرت علیه السلام فرمود: ولی ارواح کفار در وادی حضرموت که در پشت شهر  
یمن متمرکز گشته است سپس خداوند آتشی را از جانب مشرق و آتشی را نیز  
از جانب مغرب با بدترین بو می فرستد پس مردم از صخره بیت المقدس  
محشور می شوند و مؤمنین از طرف راست صخره بیت المقدس به سوی  
بهشت و کفار از جانب چپ به جهنم می روند و این است معنای آیه شریفه:  
﴿فَرِيقٌ فِي الْحَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾

چون گفتار پادشاه روم و حضرت امام حسن پایان پذیرفت پادشاه روم به  
یزید نموده و گفت: آیا فهمیدی که نمی دانی، ولی آنچه را که این شخص گفت  
نمی داند آنها را مگر پیغمبر یا وصی و وزیرش که خداوند او را گرامی فرموده  
و به خلعت خلافت و وصایت آراسته و به افتخار براندازی پیغمبر مفتخر گشته  
هر کس بر علیه او قیام نماید و دست به جدال و پیکار گشاید دنیا را بر آخرت

ترجیح داده و مغلوب هوای نفس گشته و در دنیا و آخرت مورد غضب خداوند و مستحق کیفر و عذاب است و او از ستمکاران می باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: یزید ساکت ماند و در کمال شرمندگی از حضور پادشاه خارج شد و پادشاه حضرت امام حسن علیه السلام را گرمی داشت و هدایا و تحفه های تقدیمش نموده از حضرتش تقاضا کرد تا درباره او دعا کند تا داخل دین اسلام گردد زیرا حب دنیا و مقام سلطنت مانع آن است که رسماً و علناً قبول اسلام نماید.

یزید به سوی معاویه برگشت. پادشاه روم نامه ای به معاویه نوشت و در طی آن تشریح کرد که بعد از پیغمبر اسلام هر کس بتواند بر طبق مندرجات و محتویات زبور و تورات حکم نموده و به علوم صحف آسمانی و اسجیل و قرآن آگاه باشد حق خلافت و ولایت و پیشوائی مسلمین را دارد و در نامه دیگری که به امیرالمؤمنین نوشت، تصدیق کرده بود که خلافت و ولایت امور مسلمین حق شماست و بعد از پیغمبر اسلام شما خاندان رسالت و وارثان آن پیغمبر حاتم هستید و باید ما هر کس که به جنگ تو آید جنگ کنی و ما از آثار پیشینیان خود چنین درک نموده ایم که هر کس در صدد پیکار و ستیزه با تو باشد خداوند او و یارانش را عذاب می فرماید و در جهنم مخلد در آتش مانده و به لعنت پروردگار و فرشتگان و تمام اهل زمین و آسمان تا روز قیامت گرفتار شود.<sup>۱</sup>

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَخَلَفْتُمْ أَهْلَهُ وَاجِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ  
وَالطَّالِبُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۸)

۸- و اگر خداوند می خواست آنها را (تمام مردم را) اتمت واحدی قرار می داد، و لکن هر کسی را که می خواهد در رحمت خودش وارد می کند، و برای ستمکاران هیچ ولی و یاروری نیست

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ اگر خداوند می خواست که همه آنها را

معصوم قرار دهد همانند ملائکه بدون غرائز شهوانی قادر بر آن بودند

﴿وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ﴾ یعنی طالعین در حق

آل محمد ﷺ

﴿مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ که برای آنها هیچ ولی و یاروری نیست.

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكِّمُهُ إِلَى اللَّهِ دَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۱۰)

فاطر السماوات و الأرض جعل لكم من أنفسكم أزواجاً و من الأنعام أزواجاً يذروكم فيه لئلا تبلى كبيله شيء و هو السميع البصير (۱۱)

۱۰- و درباره هر چیزی اختلاف کنید قصاصتس را خداوند است، این است

خداوند، پروردگار من، بر او توکل می کنم و به سوی او باز می گردم

۱۱- خداوندی که امریسده آسمانها و زمین است، از حسن نال برای شما

همسرانی قرار داد، و چهارپایان را بر رحمت امرید، و به این وسیله شمار

رماند می کند هیچ چیزی مانند او نیست، که او شوا و بیست

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ﴾ یعنی از مذاهب و برای خودتان دین هایی

برگردید که حکم همه آنها روز قیامت بر خداوند است

﴿جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً﴾ یعنی زنان را آفرید.



\* وَمِنْ الْأَنْعَامِ أَرْوَاجًا \* یعنی چهارپایان را نر و ماده قرار داد.

\* يَذُرُكُمْ فِيهِ \* یعنی نسلی که از مذکر و مؤنث می باشد.

سپس خداوند کسانی را که خدا را توصیف می کنند رد کرده و فرمود  
 \* لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ \* هیچ چیزی مانند او نیست، او شنوا و  
 بیناست.<sup>۱</sup>

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ  
 إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَثُرَ عَلَى  
 الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ  
 يُبِيبُ (۱۳)

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَلَاءُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ سُبْحَتٍ مِنْ  
 رَبِّكَ إِلَى أَحَدٍ مُسْمًى لَقَصَصْنَاهُمْ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ تَعْدِهِمْ  
 لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴)

فَلِذَلِكَ فَادَّعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا نَزَّلَ  
 اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْلِنَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالٌ وَلَكُمْ  
 أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵)

وَالَّذِينَ يُخَاجِرُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
 وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶)

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكُ لَعْلَ السَّاعَةِ  
 قَرِيبٌ (۱۷)

۱۳ - آنیسی را برای شما شریع نمود که به نوح توصیه کرده بود، و آنچه که بر

تو وحی کردیم آن چیزی است که به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم که دین را به پا دارید و در آن پراکنده نشوید، و بر مشرکین سنگی است آنچه که آنها را به سوی آن می خواند، خداوند هر کسی را که بخوهد برمی گرداند و هر کسی که به سوی او باز می گردد را هدایت می کند.

۱۴- و متفرق نشدند مگر بعد از آن که علم به سرافشان آمد، (که این تفرقه) به خاطر سعی و ستم پیشان اتفاق افتاد، و اگر کلمه (دستوری) ر پروردگارت سفت نگرفته بود تا وقت معینی در میانشان فصاحت می شد، و کسانی که بعد از آنها وارد کتاب شدند در شک و تردید می باشند.

۱۵- پس برای همین دعوت کن، و همچنان که مأمور شده ای استفاده کن، و از هوا و هوس آنها پیروی مکن، و بگو به هر کسانی که خداوند باری کرده ایمان آورده ام و مأمور شده ام که در میان شما به عدالت حکم کنم، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، (نتیجه) اعمال ما از برای ماست و (نتیجه) اعمال شما نیز از برای شماست، هیچ حجتی میان ما و شما نیست، خداوند همه ما و شما را در یک جا جمع می کند، و بازگشت همه به سوی اوست.

۱۶- و کسانی که درباره خداوند بعد از ایمان آوردن احتیاج می کنند، حجتشان نزد پروردگارشان لغو و باطل است، و حشم و عصب سرای آنهاست، و عذاب سختی دارند.

۱۷- خداوند آن کسی است که کتاب (آسمانی) و میزان را به حق باری کرد، و تو می دانی شاید که ساعت (روز قیامت) نزدیک باشد.

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ﴾ که خطاب به حضرت محمد ﷺ است.

﴿وَمَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ﴾ ای محمد - ﴿وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ﴾

وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ ﴿۱۰﴾ که مراد از «اقیموا الدین» یعنی دین را یاد بگیرید، یعنی توحید و به پا داشتن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و سنت‌ها و احکامی که در کتاب‌ها نوشته شده و اقرار به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را یاد بگیرید.

﴿وَلَا تَفَرَّقُوا فِيهِ﴾ یعنی و در آن اختلافی نداشته باشید.

﴿كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ﴾ یعنی از گفتن این شرایع.

سپس فرمود: ﴿اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ﴾ یعنی خدا هر کسی را که بخواهد برای این دین انتخاب می‌کند.

﴿وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُبِيبُ﴾ و آنها ائمه (علیهم السلام) هستند که خداوند آنها را برگزیده و انتخاب کرده است.

﴿وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيَا بَيْنَهُمْ﴾ اختلاف اهل نفاق به ولایت و امامت علی مرتضی از روی جهل و نادانی نبوده بلکه چون فضیلت آن حضرت را دانستند پس از روی تعجب و حسد انکار آن نمودند و اختیار آراء مختلف و مذاهب باطل کردند.

سپس خداوند عزوجل فرمود: ﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّي بَيْنَهُمْ﴾ اگر خداوند آن را از اول مقرر نکرده بود هنگامی که اختلاف انداختند در بینشان قضاوت کرده و هلاکشان می‌فرمود و لکن آن را تا مدت معین و تقدیر شده به تاخیر انداخته است.

﴿وَإِنَّ الَّذِينَ أُوْرُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَنَبِيُّ شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٌ﴾ کسانی است که امر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را نقض کردند.

سپس فرمود: ﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ﴾ یعنی برای این امور و دینی که زکرتش گذشت و دوستی امیرالمؤمنین (علیه السلام) ﴿وَاسْتَعِمْ كَفًّا لِمِزَّتِ﴾ همچنانکه مامور

شده‌ای استقامت بورز.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام درباره «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» فرمود: یعنی امام

«وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» کنایه از امیرالمومنین علیه السلام می‌باشد.

سپس فرمود «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» یعنی از امر ولایت

علی علیه السلام

«اللَّهُ يُجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ» کنایه از علی علیه السلام است «وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ

يُئِيبُ» هدایت می‌کند کسی که به سوی او باز گشت نماید

سپس فرمود: «فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَعِمْ كَمَا أَمَرْتُ» یعنی به سوی

امیرالمومنین.

«وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» یعنی درباره آن حضرت از هوا و هوس‌هایتان

پیروی نکن و بگو «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ

رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ - تَا - وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» به هر کتابی که خداوند نازل کرده ایمان

آورده‌ام و مامور شده‌ام که در میان شما به عدالت حکم کنم، خداوند

پروردگار من و پروردگار شماست، (نتیجه) اعمال ما از برای ماست و

(نتیجه) اعمال شما نیز از برای شماست، هیچ حجتی میان ما و شما نیست.

خداوند همه ما و شما را در در یک جا جمع می‌کند، و بازگشت همه به سوی

اوست.<sup>۲</sup>

سپس خداوند عز و جل فرمود: «الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ» یعنی بعد از آنکه

خداوند رسول و کتاب برای آنها فرستاد با خداوند احتجاج کرده و احکام خدا

را تغییر و تبدیل می‌دهند و سپس در روز قیامت بر خداوند احتجاج می‌کنند

۱. نورالثقین، ج ۴، ص ۵۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۷۴

۲. نورالثقین، ج ۴، ص ۵۶۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۷۵

که «وَحُجَّتُهُمْ دَاجِجَةً» یعنی احتجاجشان باطل است «عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» حجتشان نزد خدا لغو و باطل است، و حشم و غضب برای آنهاست، و عذاب سختی دارند.

سپس فرمود: «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ» مراد از «المیزان» امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و دلیل بر آن آیه هفت سورة رحمن می باشد «وَالسَّاعَةَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» که میزان یعنی امام

يَسْتَعِجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۱۸)

۱۸- کسانی که به قیامت ایمان ندارند درباره آن عجله می کنند، و کسانی که به آن ایمان دارند از آن می ترسند و می دانند که آن حق است آگاه باشید کسانی که درباره رور قیامت در شک و تردید هستند در گمراهی دور و صیقی گرفتار هستند.

«يَسْتَعِجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا» کنایه از قیامت است زیرا مشرکان به رسول خدا ﷺ می گفتند اگر راستگو هستی قیامت را برای ما بر پا نما و آن عذابی را که به ما وعده داده ای بیاور پس خداوند فرمود: «أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ» یعنی مخاصمه می کنند.<sup>۱</sup>

مَنْ كَانَ يُرِيدُ خَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي خَزَائِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ خَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (۲۰)

۲۰- کسی که رزاعت آخرت را بخواهد برکشت او می افراييم، و کسی که

رأعت دیا و اراده کند بهرهای از آن را به او می‌دهیم و برای او در آخرت

همچ بهره و نصیبی نیست

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾ یعنی ثواب آخرت.

﴿وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾

امام صادق (ع) فرمود: مال و فرزند کشتگاه دنیا هستند و عمل صالح

کشتگاه آخرت و به تحقیق خداوند آن دو را برای گروهی نیز با هم قرار داده

است.<sup>۱</sup>

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ

لَقَصِيَّ يَنْتَهُمَ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۱)

نَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَ هُوَ وَاَقَعَ بِهِمْ وَالدِّينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ فِي رَوْصَاتِ الْجَنَاتِ لَهُمْ مَا يَشَاؤْنَ عَذْرُوبُهُمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَصْلُ

الْكَبِيرُ (۲۲)

ذَلِكَ الَّذِي يَشُرُّ اللَّهُ عِبَادَةَ الدِّينِ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا سُنْئَلَكُمْ

عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْرَفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ بِهَا حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ

غَفُورٌ شَكُورٌ (۲۳)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَ يَمْشِ اللَّهُ

بِالْبَاطِلِ وَ يَجْعَلُ الْحَقَّ يَكْلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۴)

وَ هُوَ الَّذِي يَقْنَلُ الثَّوْنَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَغْفُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ يَعْلَمُ مَا

تَعْمَلُونَ (۲۵)

وَيَسْتَجِيبُ الدِّينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ يَرْبُدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ الْكَافِرُونَ

## لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۲۶)

۲۱- آنا برای آنها معبودانی است که برایشان بدون اذن خداوند ایسی درست کرده‌اند؟ و اگر کلمه فصل (مهلت مشخصی) بود میان آنها قصاصت می‌شد، و همانا برای ستمکاران عذاب دردناکی است.

۲۲- (در آن روز) ظالمان را می‌بینی که به خاطر اعمالی که انجام داده‌اند سخت هراسان هستند. ولی (عذاب) آنها را در بر می‌گیرد، و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند در باغ‌های بهشتی هستند، و برای آنها برد پروردگارشان هر چه که بخواهد مهیاست. این همان فصل بزرگ است

۲۳- این همان چیزی است که خداوند به بدگانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند بشارت می‌دهد بگو من هیچ اجری به خاطر رسالتم از شما نمی‌خواهم مگر درستی بخوشاوندانم، و هر کس کار یکی انجام دهد ما نیز بر بیکیش می‌افزایم، همانا که خداوند آمرزیده سپاس‌گزار است.

۲۴- یا می‌گویید او (پیامبر) بر خداوند دروغ بسته است، پس اگر خداوند بخواهد بر قلب تو مهر می‌ریزد، و خداوند باطل را محو می‌کند و حق را به فرمایشش ثابت می‌دارد، همانا او از دور سنه‌ها آگاه است

۲۵- و او کسی است که توبه بدگانش را می‌پذیرد و گناهان را می‌آمرزد، و هر آنچه که انجام می‌دهید را می‌داند.

۲۶ و دعای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند را اجابت می‌کند، و از فصل خود بر آنها می‌افزاید، و برای کافران عذاب سخت و شدیدی است.

﴿وَلَوْ لَا كَلِمَةُ الْفَضْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ﴾ مراد از کلمه امام است و دلیل بر آن آیه ذیل می باشد ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾<sup>۱</sup> یعنی امامت. ﴿وَإِنَّ الظَّالِمِينَ﴾ یعنی آنهایی که بر این کلمه (امام) ظلم کردند. ﴿لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ برای آنها عذاب دردناکی است. ﴿تَرَى الظَّالِمِينَ﴾ یعنی می بینی تو کسانی که بر حق آل محمد ﷺ ظلم کردند.

﴿مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا﴾ یعنی از آنچه مرتکب شده و انجام داده اند ترسان هستند.

﴿وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ﴾ یعنی از آنچه می ترسیدند واقع می شود. سپس خداوند کسانی را که بر کلمه (امام) ایمان آورده اند و از او پیروی کرده اند را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ﴾ تا - يَسْمُرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا - بشارت خداوند بر کسانی که به این کلمه ایمان آورده اند.

﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ یعنی این کلمه بدانچه امر نموده عمل می کنند.

### آیه مودت

سپس فرمود: ای محمد به آنها بگو ﴿لَا تَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾ یعنی بر نبوت و پیامبری خویش اجری نمی خواهم ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ مگر مودت و دوستی اهل بیت را.

محمد بن مسلم گوید از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود: منظور از قریبی در آیه ﴿قُلْ لَا تَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ اهل بیت رسول خداوند ﷺ



آن گاه می فرماید: انصار (مسلمانان اهل مدینه) نزد رسول خدا ﷺ رفته، و عرضه داشتند: ما شما را منزل دادیم و یاری کردیم، اینک مقداری از اموال ما را بگیر، و در رفع گرفتاریهایت مصرف کن، خدای تعالی در پاسخشان این آیه را فرستاد که: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» یعنی مودت و دوستی به اهل بیت.

و سپس می فرماید. مگر نمی بینی که ممکن است مردی دوستی داشته باشد که در عین دوستیش با وی در دل کینه‌ای نسبت به اهل بیت او داشته باشد، در نتیجه دل او سلامت نخواهد داشت. خدای تعالی در این آیه حواسته است در دل رسول خدا ﷺ چیزی علیه امتش نباشد، لا جرم مودت در قریب را بر امت واجب کرد، حال اگر به آن عمل کنند واجبی را انعام داده‌اند، و اگر ترکش کنند واجبی را ترک کرده‌اند.

سپس فرمود: انصار از حضور رسول خدا برگشتند در حالی که به یکدیگر می گفتند، ما اموال خود را در اختیار آن جناب گذاشتیم و او نپذیرفت، و دستور داد در دفاع از اهل بیتش یا دشمنانشان بجنگیم. و طایفه‌ای از ایشان گفتند: نه رسول خدا ﷺ چیزی نگفت. طایفه‌ای هم کلام آن جناب را تکذیب نموده و آن را افتراء بر خدا خواندند و خدا تکذیبشان را در جمله «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» حکایت کرده، و سپس فرموده: «فَإِنْ يَسْأَلِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ» یعنی: بگو اگر من بر خدا افتراء ببندم خدا مهر بر دلم می زند.

«وَيَمْنَعُ اللَّهُ الْبَاطِلَ» یعنی خدا باطل را هر چه هم صورت حق به جانبی داشته باشد باطل نشان می دهد، و حق را با کلماتش احقاق و اثبات می کند.

و منظور از «کلماته» ائمه و قائم آل محمد ﷺ هستند، «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» همانا خداوند آنچه که درون سینه‌هاست آگاه است

«وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ - تَا - وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ \*» یعنی کسانی که گفتند آنچه را که رسول خدا ﷺ فرموده بود سپس فرمود: «وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ \*» و برای کافران عذاب سخت و شدیدی است.

و همچنین فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى \*» اجر نبوت این بود که اهل بیت را اذیت و آزار و حق آنها را عصب نکید به آنها بیبوندید و عهد و پیمان با آنها را نقض نکید که خداوند فرمود: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ \*» انصار نزد رسول خدا ﷺ آمده و گفتند: همانا ما شما را یاری کردیم و هر چه از اموال هم می خواهی از ما مردار پس خداوند این آیه را نازل فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى \*» یعنی در اهل بیتش

سپس رسول خدا ﷺ بعد از آن فرمود: هر کس اجرت احیری را بپردازد لعنت خداوند و همه ملائکه و مردم بر او باد، و خداوند در روز قیامت از او هیچ مستحب و واجبی را قبول نمی کند و آن اجر محبت آل محمد ﷺ است. سپس فرمود: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ حَسَنَةً \*» و آن اقرار به امامت آنها و احسان و نیکی و پیوستن به آنهاست.

«تَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا \*» یعنی ما نیز با احسان بر او جبران می کنیم

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ (۲۷)

۱. رعد، آیه ۲۱ و آیهایی که پیوندهایی را که خداوند دستور به سرفروزی ن داده سرفراز می داند

۲۷- و اگر خداوند روزی بندگان را وسعت بخشد، در زمین طغیان و

سرکشی می‌کند، و لکن به اندازه‌ای که می‌خواهد مازل می‌کند، همان‌که به

حال بندگان آگاه و بیناست

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ﴾

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خدا رزق را بسط می‌داد مردم طغیان می‌کردند، و لیکن مردم را محتاج یکدیگر کرد تا یکی کارفرمای دیگری باشد، چون اگر همه را ثروتمند می‌کرد بغی و ستم می‌کردند، ﴿وَلَكِنْ يُرِلُّ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ﴾ و لیکن هر چه بخواهد نازل کند به اندازه نازل می‌کند، آن مقداری که می‌داند صلاح به حال ایشان، و به دین و دنیای ایشان است ﴿إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ چون او از حال بندگان خود با خبر و بصیر است.<sup>۱</sup>

وَهُوَ الَّذِي يُزِلُّ الْفَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قُتِلُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ  
الْحَمِيدُ (۲۸)

۲۸- و او آن کسی است که ساراز را پس از مایوس شدن می‌فرستد، و

رحمتش را می‌گستراند، و او ولی و پندیده است

﴿وَهُوَ الَّذِي يُزِلُّ الْفَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قُتِلُوا﴾ یعنی مایوس می‌شوند ﴿وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾

حارث اعور گوید از امیرالمؤمنین علیه السلام از ابر سوال شد که کجا می‌باشد؟

فرمود: بر بالای درختی کثیف در کنار ساحل دریا و خودش را در پناه آن قرار می‌دهد پس هنگامی که خداوند اراده می‌فرماید که ابر را بفرستد باد را مأمور می‌کند تا آن را به حرکت در بیاورد و ملائکه را به آن موکل می‌کند تا

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۸۸؛ نورالتعلیق، ج ۴، ص ۵۷۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۷۰

از ابر را با برق بزنند پس مالا می رود

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كُنْتُمْ تُدْبِكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ (۳۰)

۳۰ و هر مصیبتی که به شما می رسد به خاطر اعمالی است که انجام

داده اید و (حداوند) بسیاری را عفو می کند.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كُنْتُمْ تُدْبِكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ \*

اصبغ بس نباته از امیر المؤمنین علیه السلام گوید. از آن جناب شنیدم که می فرمود. من برایتان حدیثی می گویم که بر هر مسلمانی سزاوار است آن را حفظ کند.

آن گاه رو کرد به ما و فرمود. خدای تعالی هیچ بنده مؤمنی را در این دنیا عقاب نمی کند، مگر آنکه از عقوبتش در آخرت می گذرد، چون خدای تعالی حکیم تر و جوادتر و بزرگوارتر از آن است که در قیامت عقوبت دنیایی کسی را از سر بگیرد.

آن گاه فرمود گاه می شود که خدای عز و جل مؤمن را به بلایی در بدنش و یا مالش و یا فرزندانش و یا خانواده اش مبتلا می کند، آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كُنْتُمْ تُدْبِكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ و سپس با دستش سه بار خاک پاشید.

علی بن رثاب گوید از امام صادق علیه السلام درباره این آیه ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ...﴾ سوال نمودم چه می فرمائید درباره ابتلاات امیر المؤمنین و خاندان رسالت و عصمت و طهارت، آیا آنها هم معصیت و نافرمانی می نمودند و بر اثر آن به عقوبت و مؤاخذة مبتلا می شدند؟

فرمود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هر روز صد مرتبه توبه و استغفار می نمود بدون

داشتن گناهی، همانا خداوند اولیائش را به مصیبتی گرفتار می‌کند تا بدون هیچ گناهی اجر و ثواب ببرند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که حضرت زین العابدین علیه السلام به مجلس یزید وارد شد و یزید آن حضرت را دید گفت: ای علی بن الحسین هر مصیبت و رنجی که به شما می‌رسد نتیجه رفتار و کردار ناشایسته خود شما است!

امام سجاد علیه السلام فرمودند: حاشا! ما اهل بیت مصداق این آیه نیستیم و درباره ما نازل نشده بلکه آیه «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ \* لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَى مَافَاتِكُمْ وَلَا تَقْرَهُوا بِمَا آتَاكُمْ»<sup>۲</sup> در حق ما نازل شده است؛ و ما اشخاصی هستیم که هرگز بر آنچه از دست ما رفته و یا بر ما وارد شده تأسف نمی‌خوریم و به آنچه به ما عطا شده مغرور و فرحناک نشویم<sup>۳</sup> چون خداوند هیچ متکبر و خودخواهی را دوست ندارد.

امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس خشمش را بخورد در حالی که توان ابراز خشم خویش را دارد خداوند قلبش را در روز قیامت در امن و ایمان دارد. و باز فرمود: هر کس در هنگام رغبت و واهمه و خشم مالک نفسش شود

۱ کافى، ج ۲، ص ۴۵۰ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۰، معانی الاحبار، ص ۳۸۳  
 ۲ حدیث، بات ۲۲ و ۲۳، هیچ‌گردد و اسبی در رمس (چون در لوله، میل، توپان و فحطی) و در وجود خودن (چون بیماری، ریح، تعب و از دست رفتن مال و ثروت) روی نمی‌دهد مگر پیش از آنکه آن را به وجود آورده در کتابی (چون لوح محفوظ) ثبت است، بی‌تردید این (تقدیر خودت و فرمان قطعی به پدید آمدنش) بر خدا اسان است (تا نفس نه اینکه هرگز گردد و اسبی و هر عطا و سعی فقط به اراده خداست و شما را در آن احساری نیست) بر آنچه از دست شما رفته، تأسف بخورید، و بر آنچه به شما عطا کرده است، شادمان و دلخوش بشوید، و حد هیچ گردنکش خودستارا (که به نعمت‌ها مغرور شده است) دوست ندارد.  
 ۳ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۶۸ و ج ۷۸، ص ۱۸۰، نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸۱، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۹۱

خداوند مدفنش را بر آتش جهنم حرام می‌کند.<sup>۱</sup>

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸)

۳۸- و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، و سماع به پاداشند، و کارهایشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند، و از آنچه که به آنها روزی دادیم انفاق می‌کنند.

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ﴾ پروردگارتان را در اقامه امام اجابت کنید  
 ﴿وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾ یعنی هر چه امام بدان امر می‌کند  
 آن را قبول می‌کنند و در امور دینشان به هر چه احتیاج دارند با امام مشورت  
 می‌کنند همچنانکه خداوند فرمود: ﴿وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ﴾<sup>۲</sup> و اگر آن را به رسول و پیشوایانش برگردانند

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْغَصْبُ هُمْ يَتَّصِرُونَ (۳۹)  
 وَخَرَاءَ سِنَّةٍ سِنَّةٍ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِثُّ  
 الطَّالِعِينَ (۴۰)

۳۹- و کسانی که خون مستمی بر آنها می‌رسد ماری می‌طند  
 ۴۰- و کبیر بدی، محاراتی همانند آن است، پس کسی که ببخشد و اصلاح نماید پس اجرش بر خداوند است، همانا که خداوند ستمکاران دوست نمی‌دارد

۱- من لا یحضره الغیبه، ج ۴، ص ۲۰۰، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۱۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۹۲- بورالتقیس، ج ۴، ص ۵۸۳؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۳  
 ۲- سماء، آیه ۸۳

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾ یعنی هنگامی که بر آنها ستمی می‌شود انتقام می‌گیرند و این اجازه بر ستم دیده است که اختیار دارد اگر خواست انتقام بگیرد و اگر خواست ببخشد و اگر خواست بر آن جزا داده می‌شود چنانکه خداوند فرمود: ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾ یعنی بیش از حد ستمی که بر تو وارد شده انتقام بگیر؛ سپس فرمود: ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾ پس کسی که ببخشد و اصلاح نماید پس اجرش بر خداوند است.<sup>۱</sup>

وَلَمَنْ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ (۴۱)  
بِمَا السَّيْلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَسْتَفُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ  
أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۲)

وَلَمَنْ صَبَرَ وَ عَفَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۴۳)  
وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ نَعْدِهِ وَ تَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ  
يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ (۴۴)

وَ تَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَ قَالَ  
الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ خَبِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ  
الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ (۴۵)

وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَتَصَدَّقُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ  
سَبِيلٍ (۴۶)

۴۱- و کسی که بعد از مظلوم واقع شدن کمک مظلوم، هیچ گساهی بر او

نیست

۴۲- همانا گناه برای کسانی است که بر مردم ستم می‌کنند، و در روی زمین

به ناحق ستم روا می‌دارند. برای اینها عذاب دردناکی است.

۴۳- و کسی که صبر کند و بجشد، همانا این تصمیمی نجاست.

۴۴- و کسی را که خداوند گمراه کند بعد از خداوند و بی یآوری بری و

سب و ستمکاران را می‌سی هنگامی که عذاب را می‌پند. می‌گویند: با

راهی برای بازگشت (به دنیا) هست؟

۴۵- و آنها را می‌بینی که بر آتش جهنم عرصه می‌شوند و بر روی دلب و

حواری حانع هسل و زیر چشمی (بر آتش دورح) نگاه می‌کنند. و

کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: ریانکاران کسانی هستند که رور قیامت

خود و خانواده‌شان را در عذاب انداخته‌اند. آگاه باشید همان ستمکاران در

عذاب همیشگی گرفتار هستند.

۴۶- و آنها به غیر از خداوند یاوری ندارند که یاریشان نماید. و کسی را که

خداوند گمراه نماید هیچ راه بجانی برای او نمی‌باشد.

﴿وَتَرَى الظَّالِمِينَ سَتْمَكَارَانَ﴾ می‌بینی که بر حق آل محمد علیهم‌السلام ستم

کرده‌اند.

﴿لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ﴾ یعنی آیا راهی برای

برگشت به سوی دنیا هست.

ابو حمزه ثمالی گوید شنیدم که امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ﴿وَلَمَّا انْتَضَرَبَتْ

ظُلُمُهُ﴾ فرمود: مراد حضرت قائم علیه‌السلام و اصحاب آن حضرت می‌باشد.

﴿قُلْ لَّيْسَ مَا عَلَيْكُمْ مِّنْ سَبِيلٍ﴾ یعنی حضرت قائم زمانی که قیام کند از

بنی امیه و از دروغگویان و ناصیین و یاران آنها انتقام می‌گیرد و آن قول

خداوند است که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي



الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ لَوْلَيْكَ تَهْمٌ عَذَابُ أَلِيمٌ ﴿۱۸﴾ همانا گناه برای کسانی است که بر مردم ستم می‌کنند، و در روی زمین به ناحق ستم روا می‌دارند، برای اینها عذاب دردناکی است.<sup>۱</sup>

﴿تَرَى الظَّالِمِينَ﴾ آیا ستم‌کنندگان در حق آل محمد را می‌بینی  
﴿لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ﴾ یعنی هنگامی که علی علیه السلام که باعث عذاب آنهاست چون در دنیا از او پیروی نکردند می‌باشد  
﴿يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ﴾ یعنی آیا راهی وجود دارد که ما علی علیه السلام را دوست بداریم.

﴿وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ﴾ یعنی برای حضرت علی علیه السلام از جهت ذلت و خواری فروتن می‌باشند  
﴿يَنْظُرُونَ﴾ یعنی به علی علیه السلام نگاه می‌کنند.

﴿مِنْ طَرَفٍ خَفِيِّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی آل محمد و شیعیان آنها.  
﴿إِنَّ الْغَاسِقِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَعْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ﴾  
یعنی ستم‌کنندگان به حق آل محمد.

﴿فِي عَذَابٍ مُتِمِّمٍ﴾ به خدا سوگند یعنی ناصبین آنهایی که دشمنی با علی علیه السلام و ذریه آن حضرت را بر پا نمودند و دروغگویان در عذاب دائمی و جاودان هستند.

﴿وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَتَضَرَّوْنَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ﴾ و آنها به غیر از خداوند یاورى ندارند که یاریشان نمایند، و کسی را که خداوند گمراه نماید هیچ راه نجاتی برای او نمی‌باشد.<sup>۲</sup>

۱ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۸

۲ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۶؛ نورالتقلید، ج ۲، ص ۵۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۹۴

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ  
لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ (۴۹)

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاثًا وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۵۰)

۴۹ - مالکیت آسمانها و زمین را برای خداوند است، هر چه را بخواهد می‌آفریند، به هر کس که بخواهد فرزند دختر می‌بخشد و به هر کس که بخواهد فرزند پسر عطا می‌کند

۵۰ - یا (اگر بخواهد) دختر و پسر را (دو قلو) برای آنها قرار می‌دهد، و هر کس را که بخواهد عقیم می‌کند، همانا او دانا و قادر است

ابی‌الجارود گوید که امام باقر علیه السلام درباره آیه ذیل فرمود: «يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا» یعنی به هر کس بخواهد دختر می‌دهد بدون پسر «و يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ» یعنی به هر کس بخواهد پسر می‌دهد بدون دختر «أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاثًا» یا هر دو را اعم از پسر و دختر به یک زوج عنایت می‌دهند.

«لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ - تا - وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا» محمد بن سعید گوید یحیی بن اکثم از موسی بن محمد درباره مسائلی سوال کرد و گفت: درباره آیه «أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاثًا» بگو که آیا خداوند پسران را به بندگان تزویج می‌کند و حال اینکه قوم لوط را به خاطر همین عملشان عذاب و هلاک نمود؟

پس موسی از برادرش ابا الحسن العسکری علیه السلام سوال کرد و آن حضرت جواب داد: اما آیه «أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاثًا» این است که خداوند تبارک و تعالی برای پسران مطیع، زنانی از حور العین را به ازدواج آنها در می‌آورد و برای زنان مطیع خودش نیز مردان مومن را به ازدواج آنها در می‌آورد و معاذالله که خدای تعالی خواسته باشد آنچه را که تو تلبیس کرده‌ای بر نفس

خود از جهت طلب رخصت از ارتکاب این نوع حرامی، پس این آیه را خواندند که «مَنْ يَعْمَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا» اگر توبه نکند.<sup>۱</sup>

وَمَا كَانَ لِشَرِّ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَخْيًا أَوْ مِنْ وَزَائِرَ جَهَنَّمَ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذِنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۱)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۲)

صِرَاطُ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (۵۳)

۵۱- و برای هیچ شری سراوار نیست که خداوند با او سخن بگوید مگر از طریق وحی یا از پشت پرده‌ای یا اینکه رسولی می‌فرستد و آنچه را که می‌خواهد به او وحی می‌کند، همانا او بلند مرتبه و حکیم است.

۵۲- و اینچنین به تو نیز روحی را به فرمان خود وحی کردیم، پیش از این نمی‌دانستی که کتاب و ایمان چیست، و لکن آن را برای تو قرار دادیم و هر کسی از بندگانمان را که بخواهیم به وسیله آن هدایت می‌کنیم، و همانا تو به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کنی.

۵۳- راه خداوندی که آنچه در آسمان‌ها و زمین است از برای اوست، آگاه باش که بازگشت تمام کارها به سوی خداوند است.

۱ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۶ و ج ۱۰۱، ص ۱۳۵.  
نورالقلوب، ج ۴، ص ۵۸۶؛ تفسیر پرهان، ج ۷، ص ۹۵.

«وَمَا كَانَ لِشَيْءٍ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ» وحی مستقیم و مشافهه است و وحی الهام و وحی الهام آن است که در قلب واقع می شود یا از پشت پرده و حجابی است همچنانکه خداوند با پیامبرش محمد ﷺ و نیز با موسی ﷺ از آتش سخن گفت \* «أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ» وحی مشافهه یعنی به سوی مردم<sup>۱</sup>

سپس به پیامبرش ﷺ فرمود: \* وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ روح القدس، که امام صادق ﷺ درباره آیه \* وَيَسْتَلْذُنَّكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي<sup>۲</sup> فرمود، روح القدس ملکی بزرگتر از جبرئیل و میکائیل است که با رسول خدا ﷺ بوده و با ائمه ﷺ نیز هست.<sup>۳</sup>

سپس کنایه از امیرالمؤمنین ﷺ آورده و فرمود: \* وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا و دلیل بر اینکه مراد از نور حضرت امیرالمؤمنین ﷺ می باشد آیه \* وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ...<sup>۴</sup> می باشد ابو حمزه از امام باقر ﷺ درباره قول خداوند به پیامبرش ﷺ \* مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا فرمود: یعنی علی ﷺ که حضرت علی ﷺ همان نور است.

«نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا» یعنی حضرت علی ﷺ که مخلوقات به وسیله آن حضرت هدایت می یابند و خداوند به پیامبرش ﷺ فرمود: \* وَ

۱ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۷۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۰۰؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۸۷

۲ اسراء، آیه ۸۵؛ درباره روح از تو سؤال می کنند، بگو روح از امر پروردگار است

۳ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۵۲ و ج ۲۵، ص ۲۷؛ تائیل الآیات الظاهرة، ص ۵۵۰

۴ احزاب، آیه ۱۵۷؛ از توری که با او نازل شده پیروی کنید.

إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ \* یعنی بدرستی که تو امر به ولایت علی علیه السلام کرده و مردم را دعوت به سوی آن می کنی، که علی علیه السلام همان صراط مستقیم است.

﴿صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ یعنی خداوند علی علیه السلام را خازن آنچه در آسمان ها و زمین است قرار داده است و آن حضرت را امین بر آنها نموده است.

﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ آگاه باشید که بازگشت تمام کارها به سوی خداوند است.<sup>۱</sup>

﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ یعنی همیشه به سوی امامت دعوت بکن. سپس فرمود: ﴿صِرَاطِ اللَّهِ﴾ یعنی حجت خداوندی که آنچه در آسمان ها و زمین است برای اوست. ﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ آگاه باشید که بازگشت تمام کارها به سوی خداوند است.

صلت بن حره گوید بازید بن علی علیه السلام نشستند بودم که آیه ﴿وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ را تلاوت کرده و گفت: به خدای کعبه سوگند مردم به سوی علی علیه السلام هدایت یافتند، هر کس که همراه شد که شد و هر کس که هدایت یافت که یافت.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۸۰، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۰۳؛ نورالتقلید، ج ۲، ص ۵۹۰  
 ۲. بخار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۹، تفسیر فرائد کوفی، ص ۲۰۰، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۰۳

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

# تفسیر سورة زخرف

۴۳ - سورة زخرف در مکه

نازل شده و دارای ۸۹ آیه

است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

۱- حم

۲- سوگند به کتاب مبین

﴿حم﴾ و الْكِتَابِ الْمُبِينِ؟ که ﴿حم﴾ حرفی از اسم اعظم الهی است.  
﴿وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ یعنی قرآن واضح و روشن است.

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ (۴)

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّشْرِقِينَ (۵)

۴- و همانا آن در ام کتاب نزد ما بلند پایه و محکم است

۵- آیا این ذکر را از شما بگیریم چون قومی اسرافکار هستند؟

﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ﴾ یعنی امیرالمومنین علیه السلام در سوره حمد در آیه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ نوشته شده است که امام صادق علیه السلام می فرماید: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ همان امیرالمومنین علیه السلام است.<sup>۱</sup>

۱. نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۹۱: تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۰۶

«أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا» که استغهام است یعنی شما را بیهوده دعوت می‌کنیم و آیا شما را بدون هیچ پیامبری یا امامی و یا حجتی رها کنیم

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ (۶)

و ما یاتیهتم من نبی الا کاثرا به یشتهرون (۷)

فَاَهْلَكْنَاهُمْ اَشَدَّ مِنْهُمْ نَفْثًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ (۸)

۶- و چه بسیار پیامبرانی که در میان گذشتگان فرستادیم

۷- و هیچ پیامبری برای آنها نمی‌آمد مگر آنکه او را مسحره می‌کردند

۸- پس ما کسانی را که قوی‌تر از آنها بودند را هلاک کردیم، که داستان

پیشینیان گذشت.

«وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ - تا - أَشَدَّ مِنْهُمْ» یعنی

از قریش

«بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ» نیرومندتر از آنها بودند که داستان پیشینیان

گذشت.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُلاَلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰)

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ

نُخْرِجُونَ (۱۱)

۱۰- همان خدایی که زمین را برای شما محل آرامش قرار داد، و برای شما

در آن راههایی قرار داد، شاید که هدایت شوید.

۱۱- و همان خدایی که از آسمان آبی را به اندازه نازل کرد، پس به وسیله آن

زمین مُرده را زنده گردانیدیم. همین‌گونه نیز (از قسرها) بیرون آورده

می شوید.

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا» که مراد از «مهد» مستقر است.

«وَجَعَلَ لَكُمُ فِيهَا سُبُلًا» یعنی طرق، راه هائی است.

«لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» یعنی شاید که هدایت یابید.

سپس بر دهریون احتجاج کرده و فرمود: «وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» و همان خدایی که از آسمان آبی را به اندازه بارل کرد، پس به وسیله آن زمین مرده را زنده گردانیدیم، همین گونه (از قبرها) بیرون آورده می شوید.

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمُ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲)

لِئَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِبِينَ (۱۳)

۱۲- همان خدایی که همه موجودات را زوج آفرید، و برای شما از کشتیها و چهارپایان مرکب هائی قرار داد که بر آنها سوار می شوید

۱۳- تا بر پشت آنها سوار شوید، سپس هنگامی که بر آنها سوار شدید (و آرام گرفتید) نعمت پروردگارتان را متذکر شوید و بگوئید پاک و مزه است خدایی که اینها را مسخر ما ساخت، و گریه ما قادر بر مسح کردن آنها

نبودیم.

«وَجَعَلَ لَكُمُ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ» این آیه عطف بر آیه «وَالْأَنْعَامِ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ»<sup>۱</sup> می باشد.

۱ محل، آیه ۵ و چهارپایان را که برای شما در آنها (وسیله) گرمی و سودهاست آفرید و از

«لَتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»<sup>۱</sup>

اصبع بن نباته گوید: رکاب مرکب امیرالمؤمنین علیه السلام را گرفتم تا آن حضرت سوار شود، در هنگام سوار شدن سرش را بلند کرده و تسمی نمودند، به آن حضرت عرض کردم: ای امیرالمؤمنین دیدم که سرتان را بلند نموده و تبسم نمودید؟

فرمودند: بله! ای اصبع من نیز روزی رکاب مرکب رسول خدا را گرفته بودم همانطور که شما گرفتید که آن حضرت سرش را بلند کرده و تسمی نمودند، از علت تبسم آن بزرگوار سوال کردم همچنانکه شما سوال کردید، که آنچه پیامبر به من فرمودند الان به شما خواهم گفت، روزی مرکب آن حضرت را بگه داشته بودم تا سوار شود که هنگام سوار شدن سرش را به سوی آسمان بلند کرده و تسمی نمود.

عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله برای چه سرت را به سوی آسمان بلند کرده و تبسم نمودید؟

فرمودند ای علی! هر کس هنگام سوار شدن بر مرکب آیه الکرسی را بخواند و بعد از آن بگوید: «لَسْتَ غَفَرُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» خداوند کریم می فرماید: ای ملائکه من بنده من می داند که غیر از من کسی گناهان را نمی آمرزد، شاهد باشید که من گناهان او را آمرزیدم.<sup>۱</sup>

(محصولات لیبی و گروشتی) شان می جوید

۱ من لا یحضره الفقه، ج ۲، ص ۲۷۲، امالی شیخ صدوق، ص ۵۰۷، الامام، ص ۱۱۰، محاسن برقی، ج ۲، ص ۲۵۲؛ مکرم الاخلاق، ص ۲۴۸، نورالقلوب، ج ۴، ص ۵۹۴، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۱۰

### آیه‌ای برای سوار شدن بر چهارپایان و کشتی‌ها در یابان و دریا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾

علی بن اسباط گوید: کالایی را برای فروش به مدینه بردم که کسی آنها را نخرید و کلاً رو دست من ماند، به مدینه آمده نزد امام رضا علیه السلام رفتم و عرض کردم: فدایت گردم کالایی را برای فروش به مکه بردم که کسی آنها را نخرید، حال قصد مصر را کرده‌ام آیا از مسیر دریا بروم یا از مسیر خشکی؟

فرمود: مصر مرگبار است، چشم‌ها در آن اشک ریزان و عمرها کوتاه است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سرهایتان را با گل مصر نشوئید و از کوره‌های آن آب ننوشید چون که آن ذلت می‌آورد و غیرت را از بین می‌برد، سپس فرمود: برای تو زبانی ندارد اینکه به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بروی و دو رکعت نماز بخوانی و صد و یک بار از خداوند طلب خیر کنی و چون تصمیم بر حرکت گرفتی و خواستی سوار کشتی و یا مرکب شوی، بگو: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾ هر کس سوار مرکبی شود و این دعا را بخواند و از پشت آن مرکب بیفتد هیچ آسیبی به او نمی‌رسد.

و اگر سوار کشتی شدی در هنگام سوار شدن بگو: ﴿بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا﴾، هنگامی که دریا طوفانی شد و امواج زد، به سمت چپ کشتی رفته و با دستت به موج اشاره کرده و بگو: «اسكن بسكينة الله و اقر بقرار الله و لا حول و لا قوة الا بالله».

علی بن اسباط گوید سوار بر کشتی شدم چون دریا موج شد آنچه را که حضرت علیه السلام فرموده بود را گفتم موج آرام گرفت و هیچ گرفتاری به ما نرسید.

عرض کردم: فدایت کردم! سکینه چیست؟  
فرمود: بادی از بهشت است که صورتی طیب مانند صورت انسان دارد که  
با پیامبران بوده و با مومنین نیز می باشد.<sup>۱</sup>

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ (۱۵)

أَمْ اتَّخَذَ مِنَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ (۱۶)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ

كَظِيمٌ (۱۷)

۱۵- و برای خداوند از میان بندگانش جزئی قرار دادند، همانا انسان کفور  
کننده آشکاری است.

۱۶- آیا خداوند از میان آورده هایش دختران را برای خود برگزیده و  
پسران را برای شما برگزیده؟

۱۷- و هنگامی که به هر کدام آنها به آنچه که برای خداوند رحمان ناست  
می دهد بشارت می دادند، صورتش از فرط ناراحتی سیاه می شد و  
خشمگین می گردید.

﴿وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا﴾ قریش گفتند که ملائکه دختران خداوند  
هستند.

سپس خداوند در مقام سؤال می فرماید: ﴿أَمْ اتَّخَذَ مِنَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم  
بِالْبَنِينَ﴾ و إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا یعنی زمانی که برای آنها  
دخترانی به دنیا می آمد.

﴿ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ که این آیه عطف بر آیه ﴿وَيَجْعَلُونَ لِحَبِيبِهِ

الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ<sup>۱</sup> می باشد.

أَوْ مَنْ يَشْأُو فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (۱۸)  
وَجَعَلُوا الصَّالِكَةَ الَّتِي هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَانَا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَكَنَتْ  
شَهَادَتُهُمْ وَيُسْتَلَوْنَ (۱۹)  
وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَتَيْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا  
يَخْرُصُونَ (۲۰)

۱۸- آیا کسی را که با زیورات پرورش می یابد (بعضی دختران) و در هنگام

جدال (از گرفتن حقوق خود) عاجز است (را فرزند خداوند می خوانید؟)

۱۹- و مرشدگان را که بندگان خداوند رحمان هستند را دختر پداشته اند، آیا

شاهد آفرینش آنها بوده اند؟ که برودی شهادت آنها نوشته می شود و مورد

بازخواست قرار می گیرند.

۲۰- و آنها (مشرکان) گفتند اگر خداوند رحمان می خواست ما آنها را

بسی پرستیدیم. گفتار ایها از روی علم و دانش نیست، آنها حر دروغ چیر

دیگری نمی گویند

﴿أَوْ مَنْ يَشْأُو فِي الْحِلْيَةِ﴾ یعنی در طلا پرورده می شود.  
﴿وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ همانا خداوند به موسی عليه السلام قدرتی اعطا  
نمود که فرعون صورت و لباس های او را از طلا دید و گفت: ﴿أَوْ مَنْ يَشْأُو فِي  
الْحِلْيَةِ﴾ یعنی با طلا پرورده می شود.  
﴿وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ کلام آشکار نیست و از برای مردم نیز

۱ بحسب آیه ۵۷ و دختران را (به عوان فرزند) برای خدا قرار می دهند او سره (از نوالد و تناسل) است ولی برای خودشان آنچه را که (از پسران) حیل دارند (به عوان فرزند قرار می دهند).

روشن نمی‌شود و اگر پیامبر بود به خلاف مردم بود.

﴿وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَانَا﴾ عطف بر آن چیزی است که قریش گفتند ملائکه دختران خداوند هستند در آیه ﴿وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا﴾ که خداوند آن را رد کرده و فرمود: ﴿أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَ يُسْتَلُونَ﴾ آیا شاهد آفرینش آنها بوده‌اند؟ که بزودی شهادت آنها نوشته می‌شود و مورد باز خواست قرار می‌گیرند.

﴿إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ یعنی بدون علم محتاج هستند.

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ (۲۲)

۲۲- بلکه گفتند ما پدران خود را به آئیس یافتیم و ما بر بر پیروی آنها

هدایت یافتیم

﴿بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ﴾ یعنی بر مذهبی هستند که امت به

معنای مذهب است.

﴿وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ﴾ و ما نیز بر پیروی آنها هدایت یافتیم.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶)

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ (۲۷)

وَخَلَعَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۸)

۲۶- و (ساده‌سوار) هنگامی که ابراهیم به پدر و قومش گفت من از آنچه که

شما می‌پرستید بیزار هستم

۲۷- مگر کسی که مرا آفریده و مرا هدایت خواهد کرد

۲۸- کلمه باقیه (توحد) را در سبیل‌های بعد از خود قرار ده؛ شاید که به



سوی خداوند بار گردید

«وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ لَآبِيهِ وَ قَوْمِهِ اتَّبِعُوْنِیْ اِنِّیْۤ اَبْرَءٌ مِّمَّا تَعْبُدُوْنَ ؕ اِلَّا الَّذِیْ فَطَرْنِیْ ؕ

یعنی مرا خلق کرد که «فطرنی» به معنای «خلقنی» است.

«فَاِنَّهُ سَيَهْدِيْكَ ؕ» یعنی بزودی برای من روشن می شود.

سپس انمه عليه السلام را نکر کرده و فرمود: «وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِیْ عَقْبِهِ لَعْنَهُمْ

یَرْجِعُوْنَ ؕ» یعنی انمه عليه السلام به دنیا بر می گردند.<sup>۱</sup>

وَ قَالُوْا لَوْ لَا نَزَّلَ هٰذَا الْقُرْآنُ عَلٰی رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْنَتَيْنِ عَظِيْمٍ (۳۱)

اَهُمْ يَتُخَسُّوْنَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيْشَتُهُمْ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا

وَ زَقَفْنَا نَفْسَهُمْ فَوْقَ نَفْثٍ ذَرَّابٍ لِّسَجْدَةٍ تَقْضُهَا نَفْسُهُمْ بَعْضًا سُخْرٰی وَ رَحْمَتٍ

رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَحْتَفُوْنَ (۳۲)

۳۱- و گفتند چرا این قرآن بر مردی بزرگ از دو قریه (مکه و طائف) نازل

شده است؟

۳۲- آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ ما معیشت آنها را در

دو دهگانی دنیا تقسیم کرده ایم، و بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده ایم تا

بعضی از آنها بعضی دیگر را مسح کنند، و رحمت پروردگارت از آنچه که

آنها جمع می کنند بهتر است.

خداوند گفتار قریش را نقل کرده و فرمود: «وَ قَالُوْا لَوْ لَا نَزَّلَ هٰذَا الْقُرْآنُ ؕ»

یعنی چرا این قرآن نازل نشد.

«عَلٰی رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْنَتَيْنِ عَظِيْمٍ» بر مرد ثروتمند دو شهر مکه و طائف

عروه بن مسعود.

و مراد از «قریتین» مکه و طائف می باشد. عروه عرامت و حریمه ها را از مال خود پرداخت می کرد و عموی مغیره بن شعبه بود، پس خداوند قریش را رد کرده و فرمود: «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ» یعنی نبوت و قرآن.

همگامی که گفتند برای چه بر عروه من مسعود نازل نمی شود سپس خداوند فرمود: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيَّتَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» یعنی در مال و فرزندان.

«لِيُخْذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» این بزرگترین دلیل خداوند بر توحید است زیرا میان هیات و تشابهات و تصمیمات و خواسته هایشان اختلاف است تا همدیگر را یاری کند زیرا هیچ کسی نمی تواند روی پای خودش بایستد و پادشاهان و رهبران سی یاز از مردم نیستند و به خاطر همین دنیا می چرخد و مخلوقات هم مأمور هستند و هم بهی شده و هم مکلف به اموری و اگر هر انسانی خودش تمام کارها و خواسته هایش را انجام می داد و تمام حرفه ها را می دانست عالم یک چشم بر هم زدنی پایدار نمی ماند و لکن خداوند عزوجل بین آنها هیات گوناگون قرار داد که آن از بزرگترین دلالت بر توحید است.<sup>۱</sup>

وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا  
مِنْ فِصَّةٍ وَمَنَارِعَ عَلَيْهَا يَذْهَبُونَ (۳۳)  
وَلِيُوتِيَهُمُ أَتْرَابًا وَشُرَرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ (۳۴)  
وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ  
لِلمُتَّقِينَ (۳۵)

وَمَنْ يَنْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (۳۶)

۳۳- و اگر نه این بود که همه مردم یک آفت می شدند، برای کسانی که نه خداوند رحمان کافر شده اند سقف خانه هایشان را از نقره قرار می دادیم که با نردمانهایی از سقف آن بالا می رفتند.

۳۴- و برای خانه هایشان درها و محت هایی قرار می دادیم که بر آن تکیه می زدند.

۳۵- و ما انواع ریخته ها، و همه آبها بهره رندگان دیوی است، و حرث مزد پروردگارت برای پرهیزگاران است.

۳۶- و هر کس از یاد خداوند روی گردان شود، شیطان راه سریع او می فرستیم که همیشه همشین او باشد.

﴿وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ یعنی بر یک مذهب.

﴿لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ﴾ و نردبان هایشان را از نقره قرار می دادیم تا با آن نردبانهای نقره ای به بالای پشت بامها بروند.

﴿وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابٌ وَسُرُرٌ عَلَيْهَا يَتَكُونُونَ﴾ و زخرفا خانه ای که آراسته به طلا باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خداوند آن را انجام می داد احدی ایمان نمی آورد و لکن در میان مومنین ثروتمندان و در میان کافران فقراء قرار داد و نیز در میان کافران ثروتمندان و در میان مومنان فقراء قرار داد و سپس آنها را به وسیله امر و نهی و صبر و رضا امتحان نمود.

﴿وَمَنْ يَنْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ﴾ یعنی کسی که خود را از ذکر خداوند به

کور دلی بزند.

﴿نُقِضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾ شیطان را به سراع او می فرستیم که همیشه همشین او باشد<sup>۱</sup>

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَنِي وَتَيْتَكَ تَعَذَّلَ الْمُشْرِكِينَ فَنُفِثَ الْقَرِينُ (۳۸)

وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي الْقَدَابِ مُشْرِكُونَ (۳۹)

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۴۰)

فَإِنَّمَا نَذِيرُ بِكَ فَبِمَا مِنْهُمْ مُتَقَبِّحُونَ (۴۱)

أَوْ نُرِيكَ الْآلِهَةَ وَغَدَاةَهُمْ فَبِمَا عَلَيْهِمْ مُفْتَدِرُونَ (۴۲)

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴۳)

۳۸- تا هنگامی که نزد ما بیاید می گوید ای کاش میان من و تو فاصله ای به

اندازه مشرق و مغرب بود که چه بد همشینی بودی.

۳۹- و (این پشیمانی) هرگز امروز (روز قیامت) معنی به حال شما ندارد.

چرا که ستم کردید، (و امروز) در عذاب دورج شریک هستید.

۴۰- آیات تو می توانی سحفت به گوش کران برسانی یا کوران و کسالی که در

گمراهی آشکاری هستند را هدایت کنی.

۴۱- پس هنگامی که تو را از میان آنها ببریم از آنها انتقام می گیریم.

۴۲- یا آنچه را که بر آنها وعده دادیم به تو نشان می دهیم. که ما بر آنها

تسلط داریم.

۴۳- پس به آنچه که بر تو وحی می شود را محکم بگیر، همانا که تو در

صراط مستقیم هستی.

﴿فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾

ابی حمزه ثمالی روایت کند که امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه این چنین تارل شده است: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا» یعنی فلانی و فلانی که یکی از آنها به دیگری هنگامی که می بیند گوید: «يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَيَنْبَسُ الْقَرْيُنُ» ای کاش میان من و تو فاصله ای به اندازه مشرق و مغرب بود که چه بد همنشینی بودی. پس خداوند به پیامبرش فرمود: به فلانی و فلانی و پیروان آنها بگو: «لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ» یعنی کسانی که بر حق آل محمد ستم کردند «أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ» و امروز در عذاب دوزخ شریک هستید.

خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» فَمَا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ» یعنی از فلانی و فلانی. سپس خداوند به پیامبرش وحی نمود: «فَأَسْتَسِيكَ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ» در علی علیه السلام إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» یعنی بدرستی که تو بر ولایت علی هستی و علی همان صراط مستقیم است.

«فَمَا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ»

امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه «فَمَا نَذْهَبَنَّ بِكَ» فرمود: اگر تو را از مکه به مدینه هم ببریم، اراده کرده ایم که دوباره به مکه برگردانیم، و به وسیله علی بن ابی طالب علیه السلام از اهل مکه انتقام بگیریم.<sup>۱</sup>

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ (۴۴)

۴۴ - و همانا آن ذکر (یادآوری) برای تو و قومت است، و سرودی مورد

سؤال خواهد شد.

عبد الرحمن بن کثیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ

لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ\* سوال کردم، فرمود: ما یوم که خدای تعالی امر کرده  
 جمیع خلایق را که سؤال کنند از ما مسائل دینی خود را که ندانسته باشند

وَ سَأَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَ جَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً  
 يُعْبَدُونَ (۴۵)

۴۵- و از رسولانی که قبل از تو فرستادیم پرسش که آیا معبودایی به غیر از  
 خداوند رحمان برای پرستش قرار دادیم؟

### سوالات غلام آزاد شده عمر از امام باقر (ع)

«وَ سَأَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَ جَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً  
 يُعْبَدُونَ»

ابی ربیع گوید با امام باقر (ع) در سالی که هشام بن عبدالملک نیز در آن  
 سال به حج آمده بود حج بجا آوردم که با هشام، نافع بن ازرق غلام آزاد شده  
 عمر بن خطاب بود در مقام رکن کعبه نافع نظرش به امام باقر (ع) افتاد که  
 مردم اطراف آن حضرت را گرفته بودند و به هشام گفت ای امیرالمومنین این  
 مرد کیست که مردم اطراف او را گرفته اند؟

هشام از روی تمسخر گفت: او پیامبر اهل کوفه محمد بن علی بن حسین بن  
 علی بن ابیطالب (ع) است.

نافع گفت: الان می روم مسائلی چند از او سوال می کنم که پاسخ آنها را جز  
 پیغمبر و وصی او یا فرزند وصی اش کسی دیگر نمی تواند جواب بدهد

هشام گفت: برو سؤال کن شاید او را در میان مردم خجل و شرمنده نمایی.  
 نافع پیش رفت گفت: ای محمد بن علی (ع) من تورات و انجیل و زبور و

فرقان را خوانده و حلال و حرام آنها را شناخته‌ام از تو سوالاتی می‌کنم که جز پیغمبر و وصی او کسی دیگر نمی‌تواند جواب سوالات مرا بدهد.  
حضرت باقر علیه السلام سر مبارک را بلند نمود و فرمود: هر چه می‌خواهی سؤال کن.

عرض کرد: فاصله میان عیسی و محمد صلی الله علیه و آله چند سال بوده است؟  
فرمود: به اعتقاد خودم جواب بدهم یا به عقیده تو؟  
عرض کرد: به هر دو.

فرمود: به اعتقاد من پانصد سال و به عقیده تو ششصد سال.  
عرض کرد: بفرمایید معنای آیه ﴿وَسَلُّ مِنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ﴾ چیست؟ محمد صلی الله علیه و آله کدام یک از پیغمبران را مشاهده نمود تا از آنها سؤال و پرسش کند آیا فاصله میان عیسی و او که آخر پیغمبران است پانصد سال نبود پس چگونه پیغمبران را دیده تا بتواند از آنها سؤالی نماید؟

حضرت باقر علیه السلام در جواب او ابتدا آیه «سُبْحَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْأَيْتَانِ»<sup>۱</sup> را تلاوت نمود پس از آن فرمود از آیاتیکه پروردگار به پیغمبرش در شب معراج نشان داد آن بود که تمام پیغمبران را محشور و جمع نمود، جبرئیل آنها را صف‌بندی کرده سپس آنان و اقامه گفت هر فصلی دو مرتبه و «حی علی خیر العمل» را نیز گفت آن‌گاه محمد صلی الله علیه و آله را مقدم داشت تا بر تمام پیغمبران امامت کرد و نماز خواند چون از نماز فارغ شد آیه ﴿وَسَلُّ مِنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ

۱ اسراء، آیه ۱: سره و پاک است آن حدایی که شبی بندهاش (محمد صلی الله علیه و آله) و مسلم را از مسجد الحرام به مسجد اقصی که پیراموش را برکت دادم، میر (و حرکت) داد، ب (بخش) از نشانهای (عظمت و قدرت) خود را به او نشان دهم.

رُسُلِنَا أَجَعْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهَةً يُعْبَدُونَ؟ نازل شد، خطاب نموده پیغمبر و فرمود از جمیع پیغمبران که در عقب تو حضور دارند سؤال کن چه چیز را پرستش می‌کنید و بر چه کسی شهادت و گواهی می‌دهید، تمام آنها گفتند شهادت می‌دهیم که پروردگاری جز خدای یکتا و یگانه نیست و برای او شریک و مانندی نمی‌باشد و گواهی می‌دهیم بر تو ای محمد ﷺ که هر ستاده خداوند هستی، و اقرار و اعتراف داریم بر نبوت تو و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام، پروردگار از ما جمیع پیغمبران عهد و پیمان گرفته بر نبوت تو و بر ولایت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان گرامیش نافع گفت: راست فرمودید ای محمد بن علی علیه السلام سوگند به خدا شما ائمه اوصیاء پیغمبر اکرم ﷺ و خلفاء او هستید، در تورات و انجیل و زبور و فرقان اسامی شما نوشته شده است و شما سزاوارتر از غیر خودتان می‌باشید.<sup>۱</sup>

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاجِدُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُتَدُونَ (۴۹)  
فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ غُضَائِهِمْ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ (۵۰)  
وَبَدَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ  
تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۵۱)  
أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ (۵۲)  
فَلَوْلَا أَلْقَيْنَا عَلَيْهِ سُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقَرَّرِينَ (۵۳)  
فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۴)

۱ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۶۱؛ نورالقلوب، ج ۴، ص ۶۰۵؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۳۹۸؛ کافی، ج ۸، ص ۱۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۳۴



فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۵)

۴۹ و گهند ای ساحر، پروردگارت را به آن عهد که با تو کرده بحواه (تا عذاب را از ما برطرف نماید) که ما نیز هدایت می‌یابیم.

۵۰ پس هنگامی که عذاب را از آنها برداشتم عهد و پیمانشان را می‌شکستند.

۵۱ و فرعون در میان قوم خود بذا داد و گفت: ای قوم، آیا حکومت مصر را برای من نیست؟ و این رودها به فرمان من در جریان می‌یستند؟ آیا نمی‌بینید؟

۵۲ آیا من از این کسی که از خانواده فقیر و پستی است و زبان‌گویایی نیز ندارد برتر نیستم؟

۵۳ (و اگر راست‌گوست) چرا تسلیه‌هایی از طلا ندارد یا فرشتگان با او نیامده‌اند؟

۵۴ پس قومی را حواری و دلیل شمرد تا همه فرمانبردار او شدند، همانا که آنها قومی فاسق بودند.

۵۵ پس هنگامی که ما را به حشم آوردید، ما نیز از آنها انتقام کشیدیم و همه را هرق نمودیم.

خداوند گفته فرعون و اصحابش را به موسی عليه السلام نقل کرده و فرمود: «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ» یعنی ای عالم «إِذْعُنَا رَبِّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ» پروردگارت را به آن عهد که با تو کرده بخواه (تا عذاب را از ما برطرف نماید) که ما نیز هدایت می‌یابیم.

سپس فرعون گفت: «أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ» یعنی موسی، «وَلَا يَكَادُ بَيِّنٌ» یعنی کلامش را روشن آداء نمی‌کند.

سپس فرمود: ﴿فَلَوْلَا الَّذِي عَلَيْهِ أَسْرَةُ﴾ یعنی چرا دستبندهای طلا بر او اویزان نیست.

﴿مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِينَ﴾ یعنی یا ملائکه به همراه او نیستند.

﴿فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ﴾ پس هنگامی که آنها را فرا خواند.

﴿فَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ ﴿فَلَمَّا أَسْفُونَا﴾ یعنی ما را عصیان کردند.

﴿وَأَتَقَمَّتْ مِنْهُمْ﴾ ریرا خداوند عزوجل مانند مردم تاسف نمی خورد.

وَلَمَّا صَرَبَ ابْنُ مَرْثَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ (۵۷)

وَقَالُوا أَلَيْهَذَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا خِذْلًا تَلُمُ قَوْمَ خَصِمُونَ (۵۸)

إِنْ هُوَ إِلَّا عِبْدٌ اتَّعَيْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۵۹)

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ (۶۰)

وَإِنَّهُ لَعَلَّمُ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَهْتَرُونَ بِهَا وَاتَّبِعُونْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۶۱)

۵۷- و هنگامی که درباره فرزند مرثم مثلی زده شد قوم تو از آن به فریاد در آمدند

۵۸- و گفتند آیا خدايان ما بهترند يا او (عیسی بن مریم)؟ آنها این سخن را

به خاطر جلد به تو گفتند که آنها قومی کینه‌تور هستند

۵۹- او (عیسی) نبود مگر ندهای که به او معصیت دادیم. و او را برای

بنی اسرائیل الگو قرار دادیم.

۶۰- و اگر بخواهیم، در روی زمین به جای شما مرشکان را حاشین (نعم)،

می گردانیم

۶۱- و همانا او (عیسی) علم و شانه‌ای برای روز قیامت است، پس در آن

شک و تردید نکید، و از من پیروی کنید که این صراط مستقیم است

### علی بن ابی طالب شبیه عیسی بن مریم

﴿وَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ﴾

سلمان فارسی گوید روزی رسول خدا ﷺ در میان اصحابش نشست بودند که فرمودند: الان کسی بر شما وارد می‌شود که شبیه عیسی بن مریم است، پس افرادی که در نزد رسول خدا ﷺ نشست بودند از نزد آن حضرت بلند شده و بیرون رفتند تا دوباره وارد شوند که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد. شخصی گفت آیا محمد راضی می‌شود که علی را بر ما فضیلت بخشد به هدی که او را شبیه به عیسی بن مریم بکند، به خدا سوگند خدایانی که ما در دوران جاهلیت عبادت می‌کردیم افضل از اوست، پس خداوند در همان مجلس نازل فرمود. ﴿وَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ﴾ یعنی هنگامی که علی را شبیه عیسی کردی قوم تو از آن ناراحت شدند و تحریفش نمودند.

﴿وَقَالُوا آلَهِنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ﴾<sup>\*</sup> این علی را عبادت آنحضرت علیه و جعلناه مثلاً لبني إسرائيل<sup>\*</sup> که اسم حضرت علی علیه السلام را از این موضع پاک کردند.<sup>۱</sup>

سپس خداوند عظمت شأنش را در نزد خداوند متعال نکر کرده و فرمود

﴿هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام) <sup>۱</sup>.

وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۶۲)

۶۲- و شیطان شما را (از راه حق) باز ندارد، همانا که او دشمن سکر

سماس

﴿وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ﴾ یعنی فلاشی تو را از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) باز

ندارد.

﴿إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ که او دشمن آشکار شماست.

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (۶۷)

۶۷- دوستان در آن روز دشمن همدگر هستند مگر پرهیزگران

### گفتگوی اغنیاء و فقراء

﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ یعنی دوستان که با همدیگر

دشمنی می‌ورزند،

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آگاه باشید هر دوستی که در دنیا غیر الهی باشد

در روز قیامت به دشمنی تبدیل می‌شود. <sup>۲</sup>

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: فردا برای ستمگر گزیدن دو دستش کفایت

می‌کند، کوچ کردن نزدیک است و برای دوستان پشیمانی است جز برای

۱. نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۱۱، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۰۵، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۴۵.

بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۳۶ و ج ۳۵، ص ۳۱۹.

۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۷۷.

پرهیزگاران.<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام فرمودند: دوستی بر چند قسم است یکی دوستی دو مومن، و دیگر دوستی دو کافر، و دوستی مومن بی نیاز و مومن فقیر، و دوستی کافر بی نیاز و کافر فقیر، اما آن دو مؤمنی که در دنیا برای رضای خدا دوست باشند چون یکی از آنها پیش از رفیقش فوت نماید خداوند جایگاهش را در بهشت به او نشان می دهد و او برای دوست مؤمن خود شفاعت می کند و می گوید خدایا دوست من مرا به فرمانبرداری تو امر کرد و مرا از گناه و نافرمانی تو باز داشت او را هم به جایگاه من منزل بده تا اینکه او را ببینم همان جایگاه من در بهشت هستم. خداوند دعای او را مستجاب گرداند و هر دو با هم پروردگار را ملاقات کنند و به رفیقش می گوید خدا جرای خیر به تو بدهد تو بودی که مرا به اطاعت خداوند وادار نموده و از معصیت بازداشتی.

و اما آن دو کافر که هر دو به مخالفت با خداوند رفاقت نمودند هرگاه یکی از آنها پیش از رفیقش بمیرد منزل خود را در آتش جهنم مشاهده کند و گوید پروردگارا دوست من مرا به نافرمانی تو امر کرد و مرا از اطاعت تو باز داشت، خدایا او را نیز در آتش جهنم جای بده تا آنکه ببیند من در چه عذابی می باشم، پس ملاقات کنند همدیگر را حضور پروردگار و به رفیقش بگویند چنانچه مرا واداشتی به معصیت و بازداشتی از اطاعت خداوند اکنون از خدا می خواهم تو را به کیهر و مجازات برساند پس از آن امیرالمؤمنین علیه السلام آیه ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ﴾ را تلاوت فرمود.

پس از آن فرمود روز قیامت مؤمن غنی و ثروتمند را برای حساب حاضر کنند پروردگار به او بفرماید ای بنده من آیا تو را بینا و شنوا ننموده و مال

بسیاری بتو عطا کردم گوید، خطاب رسد چه چیز آماده کردی برای ملاقات ما؟

گوید: پروردگارا به تو ایمان آورده و پیغمبرت را تصدیق نمودم و در راه دین جهاد کردم.

به او خطاب می شود مالی که به تو عطا نمودم در چه راهی صرف نمودی جواب دهد در راه تو انفاق کردم خطاب شود چرا برای فرزندان به ارث گذاشتی گوید حدایا تو مرا خلق نموده و روزی دادی آنها را بیز تو خلق کرده و روزی دهنده ایشان نیز تو بودی و توانایی داری که آنها را روزی بدهی چنانکه مرا روزی دادی من ایشان را واگذار به تو نمودم از مصدر اعلی ندایی می رسد که ای بنده من تو راست می گویی و اکنون به سوی بهشت برو اگر می دانستی چه اجر و پاداشی نزد ما داری با خلوص بیشتری عبادت می کردی.

و چون مؤمن فقیر را بیاورید خطاب می رسد که ای بنده من در دنیا چه کاری کردی، می گوید حدایا مرا به سوی دین خود راهمائی نموده و نعمت ها عطا فرمودی و مرا از ثروت بی حساب بازداشتی و اگر مرحمت می نمودی ترسناک بودم که آن مال مرا از پرستش و عبادت محروم نماید زیرا که من آفریده شده ام برای آنکه عبادت ذات پاکت نمایم. خطاب پرسد راست گفت بنده من او را به بهشت برید.

سپس کافر غنی را می آورند به او گفته شود برای ذخیره ملاقات امروزت چه فراهم نموده ای معطل می ماند که چه جواب بدهد، به او بفرماید آن اموالی که بتو دادیم در چه راهی مصرف رسانیدی؟ گوید برای فرزندان خود به ارث گذاردم خطاب رسد چه کسی تو و ایشان را خلق نموده؟

عرض کند: پروردگارا ما همه مخلوق تو هستیم.

می فرماید، آیا من قادر نبودم که بفرزندانت بعد از تو روزی بدهم همچنانکه بخودت روزی دادم؟ اگر بگوید فراموش کردم یا نمی دانستم هلاک شود آن وقت خطاب رسد اگر می دانستی آنچه از کیفر و مجازات برای تو نزد ما فراهم شده همانا گریه بسیار می نمودی.

آنگاه فقیر کافر را حاضر کنند به او خطاب کنند ای پسر آدم چه بجا آوردی در آنچه به تو امر نمودیم؟ گوید پروردگارا مرا مبتلا به دنیا نمودی بطوری که از یاد تو غافل شدم و ابتلائات دنیا و فقر مرا از آنچه برای آن آفریده شدم بازداشت، به او خطاب رسد چرا مرا نخواندی و از من درخواست ننمودی تا بتو روزی بدهم؟ اگر گوید فراموش کردم و یا ندانستم هلاک شود آنگاه به او گفته شود اگر بدانی عذابی که برای تو مهیا نموده ایم چه اندازه است همانا گریه شدیدی می نمودی.<sup>۱</sup>

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ (۶۹)

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَآزْوَاجُكُمْ تُخْبَرُونَ (۷۰)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ

الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۷۱)

وَبِلَكَ الْجَنَّةِ النَّارِ أَوْرَثْنَاهَا بَيْنَاكُمْ تَتَمَلَّوْنَ (۷۲)

لَكُمْ فِيهَا مَا كُنْتُمْ يَشَاءُونَ (۷۳)

۶۹ کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم امر ما بودند

۷۰- (به آنها) جنات می شود، شما و همسرانتان را سرور و شادمانی وارد

بهشت شوید.

۷۱- که بر اطراف آنها ظرفها و جامهای طلائی (از عدا و پوشیدی پاک و ظهور) میگردانند و در آنها (بهشت) هر چه که دل بخواهد و چشمها را دیدش لذت میبرد موجود است و شماها (ایمان آورندگان) در آنها همیشگی خواهید بود.

۷۲- این بهشتی است که شما وارث آن می شوید به خاطر اعمال (یکدیگر) که انجام می دادید.

۷۳- برای شما در آنجا انواع میوه ها است که از آن می خورید.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا﴾ یعنی کسانی که به ائمه ایمان آوردند  
﴿وَكَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ اَدْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَآزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ﴾ یعنی گرامی می دارند.

﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ﴾ یعنی کاسه و همه نوع ظروف  
﴿وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ - تَا - مِنْهَا تَاكُلُونَ﴾ که این آیات از محکمت است.<sup>۱</sup>

ابن یسار از امام صادق (ع) روایت می کند که فرمود: همانا شخصی در بهشت به اندازه روزهای دنیا سر سفره بهشتی می نشیند و در هر خوردنی به اندازه آنچه در دنیا خورده غذا می خورد.<sup>۲</sup>

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ خَالِدُونَ (۷۴)  
لَا يُفْتَرُّ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۵)

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۰۷، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۲۷

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۸۲



۷۴- همانا مجرمین همیشه در عذاب جهنم هستند.

۷۵- و هرگز از عذاب آنها کاسته نمی‌شود و در اینجا از همه چیز (از باری و

نجات) ناامید و مایوس می‌باشند.

خداوند آنچه را که از برای دشمنان آل محمد آماده کرده را نکر نموده و فرمود: ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّهِينٍ خَالِدُونَ ۖ لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾ یعنی مایوس از خیر هستند.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: اهل معصیت در آتش دوزخ دائمی هستند و دستهای آنها را محکم به گردنشان بسته و لباسی از مس گداخته بر آنها بپوشانند و در عذابی باشند که حرارت آن بسیار شدید است؛ آتش ایشان را احاطه نموده و بادی بر آنها نوزد و عمشان برطرف نگردد. عذاب آنان پیوسته شدیدتر شده و هر دم تازه گردد، نه آن خانه ویران گردد و نه مرگ آنها را دریابد تا خلاص شوند.<sup>۷</sup>

وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ

لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۸)

أَمْ أُنْزِلُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُتَرَمِّضُونَ (۷۹)

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سُرُوحَهُمْ وَنَحْوَاهُمْ نَعْلَىٰ وَوَسَّلْنَا لَهُمُ يَكْتُمُونَ (۸۰)

قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَاذِينَ (۸۱)

۷۷- و آنها فریاد می‌رساند: ای مالک (دوزخ)، (ای کاش) پروردگارت ما را

می‌میراند (تا از عذاب جهنم نجات یابیم). جواب می‌دهند: شما (در این

عذاب) همیشه خواهید ماند.

۷۸- به تحقیق ما حق را برای شما آوردیم و لکن بشیر شما از حق که است داشتید.

۷۹- بلکه آنها (کافران) تصمیم محکمی برای کفر و عصبانیشان گرفته‌اند، و نیز تصمیم محکمی (برای انتقام آنها) داریم.

۸۰- ایا گمان می‌کنند که ما معنان سزای و درگوشی آنها را نمی‌شویم؟ آری، رسولان ما (فرستگان) پیش آنها همسند و (اعمال و رفتارشان را) می‌نویسد.

۸۱- بگو اگر برای خداوند رحمان فریبایی بود، من اول کسی بودم که و ر می‌پرستیدم.

خداوند نداء اهل آتش را حکایت کرده و فرمود: ﴿وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَيْكَ قَالَ﴾ یعنی بمیریم.

و مالک دورخ می‌گوید: ﴿إِنكُم مَّا كُتُوبٌ﴾ شما (در این عذاب) همیشه خواهید ماند.<sup>۱</sup>

سپس خداوند فرمود: ﴿لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ﴾ یعنی به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام).

﴿وَلَكِنْ أَكْثَرُكُمْ لِيَحِقَّ كَارُهُونَ﴾ و دلیل بر اینکه مراد از حق ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است این آیه می‌باشد: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ یعنی ولایت علی (علیه السلام). ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ سَعْمَ كُنُفْدَكَانَ﴾ به حق آل محمد - نارا<sup>۲</sup>.

سپس آثار این خبر را تکرار کرده به اینکه منافقان در کعبه عهد و پیمان

۱ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۲

۲. کعبه، آیه ۲۹

۳. مورتقلین، ج ۴، ص ۶۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۲۸

بستند که نگدارند خلافت به اهل بیت رسول خدا ﷺ برسد پس خداوند فرمود: ﴿أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ﴾ تا - لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ - بلکه آنان کار توطئه و نیرنگ بر ضد حق را محکم کردند، پس ما هم کار عذاب را بر آنان محکم می‌کنیم. آیا آنان گمان می‌کنند که ما رازشان و سخنان در گوشه‌ی آنان را نمی‌شنویم؟ چرا می‌شنویم و فرستادگان ما که فرشتگان نویسنده اعمال اند نزد آنان حاضرند و اعمالشان و رازهایشان را می‌نویسند.<sup>۱</sup>

﴿قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ﴾ یعنی در این صورت من اول کسی بودم که می‌گفتم از برای خداوند فرزندی است.<sup>۲</sup>

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۸۴)

۸۴- و اوست خدایی که در آسمان و زمین معبود (تمام موجودات) است،

و اوست حکیم و دانا

﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ﴾ او خدای آسمان‌ها و زمین

است.

ابی اسامه گوید از امام صادق علیه السلام درباره‌ی آیه ﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ﴾ سوال کردم، دیدم آن حضرت تواضع نموده و سر مبارک را فرو آورد و فرمود خدای عزوجل همان خدای من است و خدای آسمان‌ها و زمین همان خداوند عزوجل است.<sup>۳</sup>

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَنْعُونَ مِنْ دُونِ السَّمَاعَةِ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۲۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۱۰؛ بقره‌القلوب، ج ۲، ص ۶۱۵

۲. بقره‌القلوب، ج ۴، ص ۱۵۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵۱؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۱۰

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۵۲؛ بقره‌القلوب، ج ۴، ص ۶۱۷

يَعْلَمُونَ (۸۶)

وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مِنْ خَلْقِهِمْ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فَاتَى يُؤْمَكُونَ (۸۷)

وَقِيلَهُ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمُونَ (۸۸)

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۸۹)

۸۶- و کسانی که غیر از او (خداوند) را می‌خوانند قادر بر شفاعت کسی نیستند، مگر کسانی که شهادت به حق دادند، و آنها می‌دانند.

۸۷- و اگر از آنها بررسی چه کسی شما را آفرید می‌گیرید، خداوند، پس چرا! از عبادت او منحرف می‌شوید؟

۸۸- و رسولش که می‌گوید پروردگارا ایها فرمی هستند که ایمان نمی‌آورند.

۸۹- پس از آنها روی برگردان و بگو: سلام بر شما باد، پس بزودی می‌دانند.  
﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ﴾ مظلور کسانیست که مردمی در دنیا آنها را می‌پرستیدند و در قیامت نمی‌توانند پرستندگان خود را شفاعت کنند.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود: ﴿يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ پروردگارا اینها قومی هستند که ایمان نمی‌آورند.  
و خداوند فرمود: ﴿فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ پس از آنها روی برگردان و بگو: سلام بر شما باد، پس بزودی می‌دانند.<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة دخان

۴۴ - سورة دخان در مکه

نازل شده و دارای ۵۹ آیه

است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (۳)

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴)

أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۵)

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنُوزَ مَوْجِبِينَ (۷)

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۸)

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ (۹)

۱- حم

۲- سوگنده کتاب مبین

۳- همانا ما آن را در شبی مبارک (شب قدر) نازل کردیم، که ما از

انذارکنندگان هستیم.

۴- در آن شب هر امر حکمت‌داری جدا شده و مشخص می‌گردد

۵- امری از جانب ماست، همانا ما رسولان را فرستادیم.

۶- رحمتی از پروردگار توست که او شوا و دلناست

۷- پروردگار اسمانها و زمین و هر آنچه که میان آن دو است، اگر نمی دشته باشد.

۸- هدایی جز او نیست، او زنده می کند و می میراند، پروردگار شما و پروردگار پدران اولین شماست

۹- بلکه آنها در شک و ریب به بازی مشغولند

### شب قدر

﴿حَمْدٌ لِلَّهِ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ \* إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ یعنی قرآن

﴿فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ﴾ و آن لایله القدر است که خداوند در آن قرآن را یک دفعه به بیت المعمور نازل فرمود و سپس از بیت المعمور در مدت بیست و سه سال بر رسولش نازل کرد.

﴿فِيهَا يُفْرَقُ﴾ یعنی در لایله القدر.

﴿كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٌ﴾ یعنی در شب قدر هر امری از حق و باطل و هر چه در آن سال رخ دهد یا بدانی یا مشیتی و یا تقدیمی و تأخیری از اجلها و روزیها و بدلا و امراض و امراض که باید روی دهد و آنچه که باید کم و زیاد شود در آن شب مقدر می شود و به عرض رسول اکرم و بعد از آن حضرت به امیرالمؤمنین و بعد از آن جناب به ائمه طاهرین علیهم السلام می رسانند تا حضرت حجت علیه السلام و از برای آن بزرگواران مشیت و بدا و تقدیم و تأخیر را شرط می کنند.<sup>۱</sup>

ابو مهاجر گوید امام باقر علیه السلام فرمود: ای ابو مهاجر شب قدر بر ما پنهان و

۱- تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۱۵، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۶۱، نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۲۰



پوشیده نیست چون فرشتگان در آن شب به زمین آمده و در اطراف ما طواف می کنند.<sup>۱</sup>

﴿بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ﴾ یعنی در آنچه که درباره شب قدر گفتیم شک دارند.<sup>۲</sup>

فَازْتَقِمْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ (۱۰)

يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱)

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (۱۲)

أَتَى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ (۱۳)

ثُمَّ تَوَلَّوْا عُنَتَهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ (۱۴)

إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (۱۵)

۱۰- پس منتظر روزی باش که آسمان دودی آشکار پدید آورد.

۱۱- همه مردم را در بر می گیرد، این عذاب دردناکی است

۱۲- (می گویند) پروردگارا، این عذاب را از ما بر دار که ایمان می آوریم

۱۳- آنها کجا و چگونه متذکر می شوند- (و ایمان می آورند) در حالی که رسول ما با آیاتی آشکاره سویشان آمده.

۱۴- سپس از او اعراض کرده و گفتند او ناد گیرنده ای دیوانه است

۱۵- همانا ما مدت کمی عذاب را بر می داریم، باز به اعمال خود باز می گردیم.

﴿فَازْتَقِمْ﴾ یعنی صبر کن.

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۳؛ بصائر الدرجات، ص ۲۲۱

۲. نور الثقلین، ج ۲، ص ۶۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۶۱

«يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ» این زمانی است که اهل رحمت از قبرها بیرون بیایند.

«يَغْشَى النَّاسَ» در آن روز تمامی مردم در ظلمت فرو می‌روند، و می‌گویند: «هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ» این عذاب دردناکی است، پروردگارا این عذاب را از ما برطرف کن که ما دارای ایمانیم خداوند در رد آنها فرمود: «أَنِّي لَهُمُ الذِّكْرَى» در آن روز

«وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ» یعنی رسولی که برای آنها روشن‌گر است، «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ» هنگامی که بر رسول خدا ﷺ وحی نازل می‌شد و بیهوشی به آن حضرت دست می‌داد کافران گفتند او مجنون (جن زده) است.

«إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» یعنی تا روز قیامت، و اگر خداوند بگوید: «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ» در روز قیامت، نمی‌فرمود: «إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» چون بعد از آخرت برگشتی نیست و در قیامت است که بر می‌گردند.

يَوْمَ نَطْلُسُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ (۱۶)

وَلَقَدْ قَتَلْنَا قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (۱۷)

أَن أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۸)

۱۶- در آن روزی که آنها را با قدرت بگیریم، که ما انتقام گیرنده هستیم.

۱۷- و به تحقیق ما قبل از آنها قوم فرعون را آرمودیم، و رسولی برگزیده سوی آنها آمد.

۱۸- (او به آنها گفت) امور نندگان خدا را به من واگذارید، که من برای شما

رسولی امین هستیم

﴿يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ﴾ یعنی در قیامت.

﴿إِنَّا مُنْقِمُونَ﴾ که ما انتقام گیرنده هستیم.

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ﴾ یعنی آنها را امتحان کردیم.

﴿وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ﴾ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ﴾ یعنی آنچه خداوند از نماز

و زکات و روزه حج و سنت و احکام واجب نمود.

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ (۲۳)

وَأَتْرُكُ الْبَحْرَ رَهَوًا إِنَّهُمْ مَغْرُقُونَ (۲۴)

۲۳ - (خداوند به او فرمود) پدگان مرا شبانه بیرون ببر، که شما را تعقیب

می کنند.

۲۴ - و دریا را آرام و خشک بگذار و بگذر که آنها (فرعون و لشگریانش) از

غرق شدگان هستند.

خداوند به موسی وحی نمود. ﴿فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ﴾ یعنی

فرعون و لشگریانش شما را تعقیب می کنند.

﴿وَأَتْرُكُ الْبَحْرَ رَهَوًا﴾ یعنی از دریای پست و هموار بگذر

﴿إِنَّهُمْ جُنْدٌ مَغْرُقُونَ﴾ که آنها (فرعون و لشگریانش) از غرق شدگان هستند

وَزُجُوجٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۲۶)

وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ (۲۷)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۲۸)

۲۶ - و راحتها و منزلهای عالی و گران قیمت (را) دها کردند و رسید

۲۷- و نعمت‌های فراوان دیگری که در آن عرق بودند

۲۸- و استعجیل مایه‌ها را میراث قوم‌های دیگر قرار دادند

﴿وَمَقَامٌ كَرِيمٌ﴾ یعنی بیکو

﴿وَنِعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ﴾ نعمت در بدن‌ها.

﴿فَاكِهِينَ﴾ یعنی با رنجانِ مراح و ملاعبه می‌کردند.

﴿كَذَلِكَ وَوَرَّثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾ یعنی بنی اسرائیل

فَمَا تَكُنَّ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ (۲۹)

۲۹- پس نه آسمان بر آنها گریه کرد و نه زمین و نه آنها مهلتی داده شد

**گریه آسمان و زمین بر امام حسین (علیه السلام)**

﴿فَمَا تَكُنَّ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾

از امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت است آنگاه که دشمن خدا و رسولش از پیش

او گذشت فرمود: ﴿فَمَا تَكُنَّ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾ ایان

کسانی هستند که آسمان و زمین بر ایشان نگریستند و در عذاب مهلت داده نمی‌شوند.

سپس امام حسین (علیه السلام) فرزندش، بر او گذشت، فرمود: و لیکن او آن کسی

است که آسمان و زمین بر وی خواهند گریست.

علی (علیه السلام) فرمود: آسمان و زمین نگریست، مگر بر یحیی بن زکریا (علیه السلام) و بر

حسین بن علی (علیه السلام).<sup>۱</sup>

### نواب گریه بر امام حسین (علیه السلام)

محمد بن مسلم گوید امام باقر (علیه السلام) فرمودند: علی بن الحسین (علیه السلام) فرمودند هر مومنی به خاطر شهادت حسین (علیه السلام) از چشمش اشک بریزد بطوری که به صورتش جاری شود خداوند در بهشت خانه‌ای به او می‌دهد که در آن ساکن شود.

هر مومنی که به خاطر اذیت و آزار دشمنان در دنیا بر ما از چشمش اشک جاری شود تا بر گونه‌هایش بریزد خداوند متعال در بهشت جایگاه صدیقین را به او اعطاء می‌کند.

هر مومنی به خاطر ما اذیت و آزاری به او برسد و اشک بر صورتش جاری شود خداوند عزیز اذیت و آزار را از او برطرف می‌نماید و در روز قیامت او را از غضب و آتش جهنم در امان دارد.<sup>۱</sup>

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس ما را یاد کند یا در نزد او از مایه‌ای شود و از چشمانش اشکی به اندازه‌ی بال مگسی بیرون بیاید خداوند گناهان او را می‌آمرزد اگر چه به اندازه‌ی کف دریاها باشد.<sup>۲</sup>

وَلَقَدْ نَحْنُ بِنِ إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۳۰)

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱)

وَلَقَدْ اخْتَرْنَا لَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ (۳۲)

۳۰- و به تحقیق ما بی اسرائیل را از عذاب دلت و خواری بجات دادیم

۱ نواب الاعمال، ص ۸۳، کامل الزیارات، ص ۱۰۰، مشیرالاحرار، ص ۱۴، تفسیر سرهان، ج ۷، ص ۱۶۳

۲ نورالثقین، ج ۴، ص ۶۲۸، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۲، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲، نهج، ص ۱۰، کامل الزیارات، ص ۱۰۳

۳۱- از شر فرعون که شخصی مکیب و از اسرافکاران بود

۳۲- و ما آنها را به علم بر عالمان برگزیدیم و برتری دادیم

﴿وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَآئِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ۖ تَاۤءَلَى الْعَالَمِينَ﴾ که لفظ آیه عام و معنایش خاص است. یعنی موسی و بنی اسرائیل را برگزید و بر عالمان زمان خودشان فضیلت داد.<sup>۱</sup>

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۱)

إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَرِيرُ الرَّحِيمُ (۴۲)

إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ (۴۳)

طَعَامُ الْأَلِيمِ (۴۴)

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ (۴۵)

كَغَلْيِ الْحَمِيمِ (۴۶)

۴۱- روزی که هیچ دوستی دوست خود را یاری نمی‌کند، و از حاب هیچ کسی یاری نمی‌شوند.

۴۲- مگر کسی که خداوند به او رحم کند، که او قادر و مهربان است

۴۳- همانا درخت زقوم جهنم.

۴۴- غذای گناهکاران است

۴۵- که (از عدا) مانند مسی گداخته شده در شکم‌ها به عیان می‌آید.

۴۶- همچون آبی سوزان به جوشش می‌آید.

﴿يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا﴾ هر کس غیر از اولیاء الهی را دوست

بدارد نمی‌تواند همدیگر را از عذاب الهی نجات دهند، سپس استثنا کرده است

هر کس که ال محمد را دوست بدارد و فرمود: ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ مگر کسی که خداوند به او رحم کند، که او قادر و مهربان است.  
 ﴿إِنْ شَجَرَةَ الزُّقُومِ﴾ طغام الایمین این آیه درباره ابوحهل مازل شده است.  
 ﴿كَالْمُهْلِ﴾ یعنی مس ذوب شده  
 ﴿يَغْلِي فِي الْبُطُونِ﴾ کغلی العجیم یعنی مانند ابی که در نهایت درجه جوشش و غلیان است.

- خُدُوهُ فَاعْتَلَوْهُ إِلَىٰ سَوَاءٍ الْجَحِيمِ (۴۷)  
 ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابٍ الْجَحِيمِ (۴۸)  
 ذُقْ إِيَّكَ أَنَّ الْعَذِيبَ الْكَرِيمِ (۴۹)  
 إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ (۵۰)  
 إِنَّ الْمُتَقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ (۵۱)  
 فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۵۲)  
 يَتَنَبَّهْنَ مِنْ سُلسِی وَاِسْتَبْرِقٍ مُتَنَابِلِينَ (۵۳)  
 كَذَلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِخُورٍ عَیْنٍ (۵۴)  
 يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِينَ (۵۵)  
 لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا الْمَوْتُ إِلَّا الْمَوْتَةُ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۵۶)  
 فَضَلًا مِنْ رِزْقِكَ دَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ (۵۷)  
 فَإِنَّمَا نَسْنَأُهُ يُلَاسِيكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۸)  
 فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ (۵۹)

۴۷- (به مامور جهنم خطاب شود) این گنهکار را بگیرد و به میان دوزخ

۴۸- سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزد.

۴۹- (و نه او گممه شود) بچش (عذاب را) که تو (می پنداشتی) بسیار قدرتمند و گمراهی هستی.

۵۰- پس همان عذابی است که همواره است به آن در شک و تردید بودید.

۵۱- همانا پر هیزگاران در خانگامی ناامست هستند.

۵۲- در میان باغها و چشمه سارها (می باشند).

۵۳- لباس هایی از حریر نازک و صحریم می پوشید و روبه روی هم می نشینید.

۵۴- بهشتیان ایچچین هستند، و آنها را با حورالعین ترویج می کنیم.

۵۵- آنها در بهشت هر میوه ای که بخواهند در اختیارشان گذاشته می شود، و در امنیت کامل هستند.

۵۶- در بهشت هیچ مرگی به سراغ آنها نمی آید مگر همان مرگ ول (که در دنیا چشیده اند)، و خداوند آنها را از عذاب دورج محفوظ می دارد.

۵۷- این فصلی از حجاب پروردگارت است، که اس همان رستگاری بزرگ است.

۵۸- و ما آن (قرآن) را به زبان نو آسان ساختیم شاید که متذکر شوند.

۵۹- پس منتظر باش که آنها نیز منتظرند.

﴿خُذُوهُ فَاَعْتَٰلُوْهُ﴾ یعنی پس بقتلید او را از همه جانب مانند ضغطة قبر.

پس آنها را در میان جهنم بیندازید.

﴿اِلٰی مِزَٰءِ الْجَحِيْمِ﴾ سپس از آن حمیم بر روی آنها بریزید در آن هنگام به

او گفته می شود: ﴿ذُقْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ﴾ که لفظ ایه خبر و معنایش

حکایت از قول کسی است که به او ان را می گوید، ابوجهل می گوید: من عزیز و



کریم هستم، پس در جهنم او را با همین کلمه سرزنش می‌کنند.<sup>۱</sup>

سپس خداوند آنچه را که برای متقیان از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام آماده کرده را توصیف نموده و فرمود: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ - تَا - إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى﴾ یعنی در بهشت طعم سختی سرگ را که در دنیا چشیده‌اند را نمی‌چشند و به سختی و گرفتاری نمی‌افتند.

﴿وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ - تَا - فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ﴾ یعنی منتظر باش که آنها نیز در انتظار هستند.<sup>۲</sup>

ابن عباس درباره آیه ﴿فَإِنَّا يَسْرُرْنَا بِلِسَانِكَ﴾ گفت: خداوند به قولش اراده نموده آنچه را که از نعمت‌های بهشت و عذاب آتش جهنم را تا مردم پند و اندرز بگیرند.

ای محمد ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ اراده می‌کند که شاید مشرکین پند و اندرز بگیرند.

﴿فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ﴾ که تهدید و وعده از جانب خداوند است منتظر باش که آنها نیز در انتظار هستند.<sup>۳</sup>

۱ در النفل، ج ۲، ص ۶۳۰

۲ نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۷۲

۳ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۷۲

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

# تفسیر سورۃ جائیه

۴۵ - سورۃ جائیه در مکه

نازل شده و دارای ۳۷ آیه

است.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)  
إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ (۳)

۱- حم.

۲- این کتاب از جانب خداوند قادر و حکیم نازل شده است.

۳- همانا در آسمانها و زمین آیات و نشانه‌ای برای مومنین است

«حم \* تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ \* إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ» که در آسمان‌ها ستارگان و خورشید و ماه و در زمین آنچه که در آن می‌روید از انواع گیاهان و نباتات برای مردم و چهارپایان، آیات الهی هستند برای قومی که اندیشه می‌کنند.<sup>۱</sup>

وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَخْبَا بِهِ الْأَرْضَ  
بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَضَرُّعِ الرِّيحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۵)

۵- و بر در رفت و آمد شب و روز و رزق (بارانی) که خداوند از آسمان

نازل کرده و زمینی مرده را به وسیله آن زنده می‌کند، و بیز در ورش باده‌ها،

آیات و نشانه‌ای است برای قومی که اندیشه می‌کند.

﴿وَتَضْرِيفَ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ یعنی از هر طرف می‌آید گاهی بادهای گرم و گاهی نیز بادهای سرد که گاهی ابرها را به حرکت در می‌آورند و گاهی رزق را در روی زمین می‌گسترانند و گاهی نیز درختان را بارور می‌کنند.<sup>۱</sup>

وَيُلْ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۷)

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُكَلِّى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرُهُ يَدْعَابُ  
الْأَيْمِ (۸)

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹)

۷- وای بر هر دروغگوی گهکار.

۸- آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود، اما از روی تکبر بر مخالفت آن اصرار می‌ورزد، که گویی اصلاً آن را نشنیده است، چنین کسی را به عتابی دردناک بشارت ده.

۹- و هنگامی که از بعضی از آیات ما آگاه می‌گردد آن را به سمع می‌گیرد، که برای اینها عتاب ذلت‌باری است

﴿وَيُلْ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ﴾ اثیم یعنی دروغگو.

﴿يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُكَلِّى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا﴾ یعنی اصرار می‌کنند که

آیات الهی دروغ است و بر خودشان تکبر می‌ورزند.

﴿كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا﴾ گویی که اصلاً آن را نشنیده است.

﴿وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئاً اتَّخَذَهَا هُزُواً﴾ که ﴿اذا علم﴾ یعنی زمانی که بپید، که علم در اینجا به معنای دیدن است.

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ (۱۱)  
 اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِيَسْتَفْتُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ  
 لَعَنَكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ  
 لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكُرُونَ (۱۳)

۱۱- این قرآن مایه هدایت است، و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، برای آنها عذابی سخت و دردناک است

۱۲- خداوند است که دریا را برای شما مسخر گردانید تا کشتی ها به فرمان او در آن حرکت کنید و از فضلش بهره مند گردید، شاید که سپاس گزار باشید.

۱۳- و آنچه که در آسمانها و زمین است همه را از جانب خودش مسخر شما گردانید، همانا در این نشانه هایی است برای قومی که متعكر هستند

﴿هَذَا هُدًى﴾ یعنی قرآن که روشن گراست.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ﴾ سختی و بدی.  
 سپس فرمود: ﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ﴾ یعنی کشتی در دریا.

سپس فرمود: ﴿وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ﴾  
 یعنی آنچه در آسمان ها از خورشید و ماه و ستارگان و باران است.

﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ مراد یارانی است که در وقت خودش می آید و به کشتزارها و دیگر چیزها نفع می رساند.<sup>۱</sup>

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَخْرِي قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

۱۴ - به کسانی که ایمان آورده اند بگو کسانی را که به «ایام الله» (رور قیامت) امیدی ندارند را ببخش تا خداوند هر قومی را به خاطر اعمالی که انجام می دادند جزا بدهد.

﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾ به ائمه حق می گوید بر علیه ائمه جور و ستم نفرین نکند تا روزی که خداوند آنها را عقاب می کند.  
﴿لِيَخْرِي قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ تا خداوند هر قومی را به خاطر اعمالی که انجام می دادند جزا بدهد.

داود بن کثیر گوید: امام صادق (علیه السلام) درباره آیه ﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾ فرمود: به آن کسانی که با معرفت و شناخت در آنان منت گذاشتیم بگو آنان را که عمل نمی کنند بشناسند، پس آنگاه که آنان را شناختند مورد بخشش قرار داده و از ایشان در گذرند.<sup>۲</sup>

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۵)

۱۵ - هر کس عمل صالحی انجام بدهد برای خودش به جا آورده است، و هر کس عمل بدی انجام دهد به زیان خود اوست، سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می شوید.

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۷۸

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵ و ج ۲۲، ص ۳۸۳، نورالقلوب، ج ۵، ص ۳



ابن عباس درباره آیه ذیل گفت: \*مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ\* که خداوند اراده مؤمنین کرده است.

\*وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا\* اراده منافقین و مشرکین را نموده است.

\*ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ\* که اراده کسانی که به سوی او بر می گردند را کرده است<sup>۱</sup>

لَمْ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸)

إِنَّهُمْ لَن يَغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَغْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَغْضِ اللَّهِ وَلِلَّهِ الْفَتْحُ وَلِلَّهِ الْمُنْتَهَىٰ (۱۹)

۱۸ - سپس تو را بر شریعت و انبیا قرار دادیم، پس از آن پیروی کن، و از کسانی که چیزی نصیب از خدا بر رویه مکن.

۱۹ - همانا آنها هرگز نمی توانند تو را نسبت به چیزی از خداوند می یار کنند، که مستعکاران کمک کار یکدیگر هستند، و خداوند یاور پرهیزگاران است

\*ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا - تا - لَنْ يَغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا\* این آیه تأدیب رسول خدا ﷺ است و معنایش امت می باشد.<sup>۲</sup>

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَسْأَلُهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَضَعَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ عِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ تَحْتِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳)

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْبِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۲۴)

۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۲۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۷۸

۲. نور الثمین، ج ۵، ص ۳

وَإِذَا تَكَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا يَتَابِ مَا كَانَ حُجَّتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا شُؤَابَانَا إِن كُنْتُمْ ضَادِعِينَ (۲۵)

قُلِ اللَّهُ يُخَيِّكُم ثُمَّ يُمَيِّكُم ثُمَّ يُجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۶)

۲۳- آیا دیدی کسی را که معبودش را هوای نفس خودش فرار نداده بود و خداوند او را با آگاهی گمراه ساخته و سرگوش و قلشش مهر رده و سر چشمش پردمای افکنده است؟ پس آیا کسی می تواند بعد از خداوند او را هدایت کند؟ آیا متذکر نمی شوید؟

۲۴- و آنها گفتند زندگی ما جر همین دنیا چیر دیگری نیست، گروهی از ما می میرند و گروهی دیگر جای آنها را می گیرد، و حشر روزگار و طبیعت کسی ما را هلاک نمی کند، و این سخنان آنها از روی علم و آگاهی نیست بلکه آنها فقط گمانه می گیرند.

۲۵- و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود دلیلی در برابر آن ندارد مگر آنکه می گوید اگر راست می گوئید پدران ما را بیاورید (رنده کنید).

۲۶- بگو خداوند شما را رنده می کند سپس می میراند، سپس شما را در روز قیامت که هیچ شک و تردیدی در آن نیست جمع می کند، و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾ این آیه در باره قریش نازل شده که هر چه را دلشان می خواست می پرستیدند.

﴿وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾ خداوند عذاب می کند ایشان را به آنچه در حق امیرالمومنین علی علیه السلام مرتکب شدند. این آیه بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جاریست، در حق کسانی که به امیر المؤمنین و اهل بیت پیغمبر ظلم و ستم

نمودند به طوری که از روی هوای نفس هر چه خواستند کردند و برگردانیدند خلافت را از امیر المؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام بعد از آنکه به امر پروردگار چند مرتبه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آنها عهد و پیمان گرفت بر ولایت و خلافت وصی و جانشین خود امیر المؤمنین علیه السلام.

﴿اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾ درباره قریش نازل شده است و درباره اصحاب پیغمبر جاریست همانهایی که حق امیر المؤمنین علیه السلام را غصب کردند و امام منصوب از طرف خدا را رها کرده و به هوای نفس امام برای خود معین کردند و شاهد بر این معنا آیه ﴿وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ﴾ می باشد و هر کس گمان کند و بگوید من امام هستم غیر از آن امامی که خداوند معین کرده کیفر او آتش دوزخ است.

پس هر کس غیر علی علیه السلام امامی اختیار کند و او را بر علی مقدم بدارد مثل آن است که غیر خدا را به خدائی گرفته و به هوای نفس عمل کرده است پس از آن گفتار دهری و طبیعی مسلمانان را بیان می کند که گفتند بعد از مرگ زنده نمی شویم ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾ و این مقدم است و موخر این است که دهریون اعتقاد به نشور و بعث بعد از مُردن را ندارند و گفتند: زندگی می کنیم و می میریم.

﴿وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ - تَا - يَظُنُّونَ﴾ که ﴿ظَن﴾ در این آیه به معنای شک است و در حق دهریه نازل شده و درباره کسانی که به امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان او بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ظلم و ستم نمودند جاریست چون ایمان آنها اقرار به زبان و صورتی و بدون تصدیق قلبی، از جهت ترس شمشیر اسلام بود.

سپس خداوند گفتار دهریون را حکایت کرده و فرمود: ﴿وَإِذَا تَلَّيْ عَلَيْهِمْ

آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* یعنی بد رستی که شما بعد از مُردن مبعوث می شوید، پس خداوند فرمود: ﴿قُلِ اللَّهُ يُخَيِّبُكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ بگو: خداوند شما را زنده می کند سپس می میراند، سپس شما را در روز قیامت که هیچ شک و تردیدی در آن نیست جمع می کند، و لکن بیشتر مردم نمی دانند.

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُظْلِمُونَ (۲۷)

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

هَذَا كِتَابُنَا يُنْطَلِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنبِغُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹)

۲۷- و حاکمیت آسمانها و زمین همه از برای خداست، و در آن روزی که قیامت برپا می شود اهل باطل زیان می بینند.

۲۸- و (در آن روز) هر امتی را می بینی که به رانو در آمده است، هر امتی به سوی کتابش خوانده می شود، امروز حرای آنچه که انجام می دید به شما داده می شود.

۲۹- این کتاب ماست که به حق با شما سخن می گوید، که ما هر آنچه را که انجام می دادید را نوشته ایم.

﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمُظْلِمُونَ﴾ یعنی آنهایی که دین الهی را باطل کردند.

﴿وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً﴾ یعنی می بینی هر گروهی را که از غایت دهشت و هیبت آن روز بر زانوهای خود نشسته اند.

﴿كُلُّ أُمَّةٍ تَدْعِي إِلَى كِتَابِهَا﴾ هر امتی به سوی اعمالی که بر آنها واجب کرده بودیم فرا خوانده می شوند سپس فرمود: ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ﴾ این دو آیه از محکّمات هستند.<sup>۱</sup>

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ﴾ سوال کردم.

فرمود: قرآن حرف نمی زند لکن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت او ناطق به قرآن هستند؛ پروردگار می فرماید: این پیغمبر به کتاب ما برای شما براستی و درستی سخن می گوید، و نزول آیه چنین است: ﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ﴾

عرض کردم: ما اینطور قرائت نمی کنیم.

فرمود: بخدا قسم جبرئیل آیه را این طور بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است و از آیاتی است که نزول آن تحریف شده است.<sup>۲</sup>

وَقَبْلَ لَيْلٍ نَّسَاكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِفَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَ مَا وَ اَكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۳۴)

دَلِكُمْ بِأَنكُمُ اسْتَحَدْتُمُ آبَابَ اللَّهِ هُرُوًّا وَ عَزَّيْتُمْ الْحَبَاءَ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرِجُونَ مِنْهَا وَ لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۳۵)

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶)

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳۷)

۳۴- و به آنها گفته می شود امروز ما شما را فراموش می کنیم همچنان که شما دیدار این روز را فراموش کردید و جاگاهتان آتش جهنم است، و شما هیچ یار و یاورى ندارید.

۱ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۱

۲ بحارالانوار، ج ۸۹ ص ۴۸؛ کافی، ج ۸ ص ۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۱

۳۵- این به خاطر آن است که آیات خداوند را به معجزه گرفتید و ردگی  
دینا شما را فریب داد، پس امروز آنها را از آتش جهنم بیرون می آورند و  
هیچ گونه عذری از آنها پذیرفته نمی شود  
۳۶- پس حمد و سپاس برای خداوند است، پروردگار آسمانها، و  
پروردگار زمین و پروردگار عالمیان.

۳۷- و برای اوست کبریا و عظمت در آسمانها و زمین، و اوست عزیز و  
حکیم

﴿وَقِيلَ الْيَوْمَ تُنْشَأُكُمْ﴾ یعنی شما را ترک کردیم پس «نسیان» به معنای  
ترک است.

﴿كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ﴾ ذَلِكُمْ  
بِأَنكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا و آنها ائمه علیهم السلام هستند یعنی آنها را تکذیب  
کردید و استهزایشان نمودید.

﴿فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا﴾ یعنی از آتش جهنم  
﴿وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾ یعنی نه به آنها جواب داده می شود و نه عذرشان  
مورد قبول واقع می گردد.

﴿فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ وَلَهُ الْكِبَرُ  
یعنی قدرت.

﴿فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ در آسمانها و زمین، و  
اوست عزیز و حکیم.<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة احقاف

۴۶ - سورة احقاف در مکه

نازل شده و دارای ۳۵ آیه

است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم (۱)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ

كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ (۳)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ

شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَتُنَادِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ

صَادِقِينَ (۴)

۱- حم.

۲- این کتاب از جانب خداوند عزیز و حکیم نازل شده است.

۳- ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان آنهاست جز به حق برای مدت

معینی بیافریدیم، و کسانی که کافر شدند از آنچه که انداز می‌شود

روی گردان هستند.

۴- (به آنها) بگو. آن معبودان غیر خدایی را که می‌خوانند را به من نشان

دهید که چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا آنها شرکی در آفرینش

آسمان‌ها دارند؟ کتابی آسمانی قبل از این یا اثری علمی (برای انبیا)

دلیل مان برای من بیاورید اگر راستگو هستید.

\* حم \* تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ - تا - وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُذِرُوا مُعْرِضُونَ \* یعنی قریش هنگامی که رسول خدا ﷺ آنها را به سوی آن فرا می خواند و این آیه عطف به آیه \* فَإِنْ أَعْرَضُوا قُلْ أُنذِرْكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ \*<sup>۱</sup> است.

سپس خداوند با آنها احتجاج نموده و فرمود: ای محمد به آنها بگو: \* أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ \* یعنی بت هائی که می پرستید \* أَرَأَيْتُمْ مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَثْنُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا آنها شرکتی در آفرینش آسمان ها دارند؟ کتابی آسمانی قبل از این یا اثری علمی (برای اثبات دلیل تان) برای من بیاورید اگر راستگو هستید.<sup>۲</sup>

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَحِيتُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (۵)

وَإِذَا حُيِّرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءُ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (۶)

۴ - و چه کسی گمراه تر است از آن کسی که غیر خدا را می خواند که تا روز قیامت او را احاطت نمی کند، و اینها (بت ها و غیر خدا مان) در حواس آنها (مشرکان) بی خبر هستند (و چیزی نمی شنود)<sup>۳</sup>

۵ - و هنگامی که مردم محسور می شوند معبودانشان دشمنان آنها بوده و در عبادت آنها اظهار بیزار می کنند

۱. فصلت، آیه ۱۳؛ پس اگر اعراس کنند به آنها بگو. من شما را از صاعقه ای مانند صاعقه عاد و ثمود ترسانیدم

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۵

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - تَأْتِيهِمْ كَافِرِينَ ۚ كَسَىٰ كَخُورْشِيدٍ وَ مَاءٍ وَ سِتَارِكَانِ وَ چهارپایان و درخت و سنگ را می پرستند، هنگامی که مردم در روز قیامت محشور می شوند این پرستش شدگان با آنها دشمنی نموده و از آنها روی گردان می باشند.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفْعِلُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸)  
 قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَ مَا أَذْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَ لَا بِكُمْ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ وَ مَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۹)

۸- یا می گویند: این آیات را بر خدا دروغ بسته است، بگو اگر من این قرآن را بر خدا دروغ بسته بودم شما قدرت نجات من در برابر خداوند را ندارید او به کارهایی که وارد می شوید داناتر است، کفایت می کند که او شاهد میان من و شماست، و او آمرزنده و مهربان است.

۹- بگو، من از اولین رسولان هستم، و نمی دانم که عاقبت من با شما چه می شود؟ من از چیزی پیروی نمی کنم مگر آنچه که بر من وحی می شود، و من انذار کننده آشکاری هستم.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ﴾ ای محمد می گویند قرآن از افتراهای توست که به خدا نسبت می دهی، به آنها بگو: ﴿إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئاً﴾ اگر خداوند به من ثواب بدهد و یا عقاب نماید شما قادر به دفع آن نیستید.  
 ﴿هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفْعِلُونَ فِيهِ﴾ یعنی تکذیب می کنند.

﴿كَفَىٰ بِهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ کفایت می کند که او شاهد

میان من و شماست، و او آمرزنده و مهربان است.<sup>۱</sup>  
 ای محمد به آنها بگو: ﴿مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ﴾ فقط من یک پیامبر بیستم،  
 پیامبران زیادی نیز قبل از من بوده‌اند.<sup>۲</sup>

قُلْ أَزَأَنتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى  
 مِثْلِهِ قَامَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰)

۱۰- بگو اگر دیدید که این قرآن از جانب خداست و شما به آن کافر شدید،  
 و شاهی از میان بنی اسرائیل به (حق بودن) آن شهادت دهد و ایمان  
 بیاورد و شما استکبار بورزید (آن موقع چه می‌کنید؟) همانا که حق است و  
 گروه ستمکاران را هدایت می‌کنم.

﴿قُلْ أَزَأَنتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ - تَا - عَلَى مِثْلِهِ﴾ بگو: اگر قرآن از  
 جانب خداوند است،

﴿وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ قَامَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ﴾ منظور از شاهد  
 امیرالمومنین (علیه السلام) است و دلیل بر آن آیه ۱۷ سوره هود می‌باشد ﴿أَفَمَنْ كَانَ  
 عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ﴾<sup>۳</sup> یعنی امیرالمومنین (علیه السلام)<sup>۴</sup>

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۳)

۱۳- همانا کسانی که گفتند پروردگار ما الله است، سپس (بر سخن خود)  
 ثابت قدم ماندند، پس ترسی در آنها نیست و آنها نیز اندوهگین نمی‌شوند.

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۶

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۷

۳. هود، آیه ۱۷: آیا آن کسی که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن شاهی از  
 سوی او می‌باشد.

۴. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۸۷

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ یعنی  
بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام استقامت کنید.<sup>۱</sup>

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ  
وِفَضْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا نَلَعَ ثَدُّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي  
أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْتَمِلَ صَالِحًا نَرَاهُ  
وَأُضْلِخَ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُثِيبُ إِلَيْكَ وَابْنِي مِنَ الْمُتَّقِينَ (۱۵)

۱۵- و به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش احسان کند، مادرش او را  
با سختی و رحمت حمل نمود، و با درد و ناراحتی بر زمین گذاشت، و  
مدت حمل و شیردانش سی ماه شد، تا هنگامی که به حد بیرومندی و  
رشد رسید، و چهل ساله شد و گفت: پروردگارا، به من عنایت کن تا شکر  
نعمتی که به من و پدر و مادرم عطا فرمودی را بجا بیاورم و عمل صالحی  
انجام دهم که مورد رضای تو باشد، و فرزندانم را صالح بگردان، که من به  
درگاه تو باز می گردم و از تسلیم شدگان هستم.

### مدت حمل امام حسین علیه السلام

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا﴾ که مراد از احسان رسول خداست،  
﴿بِوَالِدَيْهِ﴾ یعنی حسن و حسین علیهما السلام سپس ثم عطف بر حسین علیه السلام کرده  
و فرمود: ﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾ خداوند وجود حسین علیه السلام را قبل از  
حمل آن بزرگوار به رسولش خبر داد به اینکه امامت تا روز قیامت در فرزندان  
آن حضرت است، سپس کشته شدن و مصیبت هائی که به آن حضرت و

بچه‌هایش می‌رسد را نیز خبر داد و عوض آن امامت را در سسل‌های او قرار داد. و به رسولش خبر داد که حسین کشته می‌شود و بعد در هنگام رجعت به دنیا بر می‌گردد و دشمنانش را می‌کشد و مالک زمین می‌گردد و آن قول الهی است که فرمود: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup> و ما اراده کردیم که بر آن مردم صعیف شده در روی زمین منت گذاریم.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۲</sup> و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که: زمین را بندگان شایسته ما به میراث می‌برند.

خداوند به پیامبرش بشارت داد که اهل بیت تو مالک زمین می‌گردند و به دنیا برگشته و دشمنان را می‌کشد. و رسول خدا ﷺ خبر حسین علیه السلام و چگونه کشته شدن او را برای حضرت فاطمه علیها السلام فرمود و آن حضرت از روی اکراه به حسین علیه السلام حمله گشت.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: آیا دیده‌اید که به کسی بشارت فرزند نکور داده شود و او از حمل آن کراهت داشته باشد.

یعنی حضرت فاطمه علیها السلام هنگامی که خبر کشته شدن حسین علیه السلام را شنید غمگین و ناراحت شد، و او را از روی کراهت به دنیا آورد. و فاصله میان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام یک طهر بود. حسین علیه السلام شش ماه در شکم مادر بود و بیست و چهار ماه نیز از شیر گرفتنش بود و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾<sup>۳</sup>.

۱ قصص، آیه ۵

۲ انبیاء، آیه ۱۰۵

۳ نورالتعلین، ج ۵ ص ۱۱

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ حَلَّ الْقُرُونُ مِنْ قَلْبِي  
وَهُمَا يَشْتَعِبَانِ اللَّهَ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْغَاثِينَ ﴿١٧﴾

۱۷ - و کسی که به پدر و مادرش بگوید: «اف بر شما، آیا به من وعده می دهید که زود قیامت از قبر بیرون می آیم، در صورتی که پیش از من گروه های زیادی بودند (که زنده شدند)؟ آن دو به درگاه خداوند استعانه می کنند: «ای بر تو، ایمان بیاور، همانا که وعده الهی حق است، پس می گوید: اینها چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست»

﴿وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ - تا - مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ فرمود: درباره عبدالرحمن بن ابی بکر نازل شده است.

جابر بن عبد الله گوید: سپس خداوند با ذم عبدالرحمن بن ابی بکر به مدح حسین علیه السلام پرداخت.

جابر بن یزید جعفی گوید: این حدیث را برای امام باقر علیه السلام نقل کردم، آن حضرت فرمود: ای جابر به خدا سوگند اگر دعای حضرت امام حسین سبقت می گرفت و اول مرتبه به زبان مبارک جاری می شد که: ﴿وَأَصْلِحْ لِي ذُرِّيَّتِي﴾ بدون کلمه ﴿فِي﴾ تمام ذریه آن حضرت از ائمه می بودند و لکن دعای آن حضرت اینچنین به زبان او پیشی گرفت که: ﴿أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي﴾

با کلمه ﴿فِي﴾ بنابراین معنی کلام اینست که و به اصلاح آور برای من در میان فرزندان من و بعضی از آنها، پس بعضی از ایشان یکی پس از دیگری امام شدند و خدای تعالی به سبب ایشان حجت خود را ثابت گردانیده است.<sup>۱</sup>

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ لَكُمْ طَبِيبٌ فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا  
وَأَسْتَمْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْرَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ  
بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ (۲۰)

۲۰- و روزی که کافران را سر آتش دوزخ عرصه می‌کند (به اسباب گفته می‌شود) شما طبیبان رندگانی دنیا را اریس بردید و از آن بهره بردید پس امروز کبر شما عذاب حوار کرده است به خاطر آنچه که در زمین به غیر حق استکبار می‌ورزیدید و به فسق و فجور می‌پرداختید.

﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ لَكُمْ طَبِيبٌ فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا  
وَأَسْتَمْتُمْ بِهَا﴾ یعنی در دنیا خوردید و نوشیدید و سواری کردید، و این آیه  
دوباره بنی فلان نازل شد.

و در باره جمله ﴿فَالْيَوْمَ تُجْرَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ﴾ فرمود: مقصود از آن عطش  
است

﴿بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ﴾ به خاطر  
آنچه که در زمین به غیر حق استکبار می‌ورزیدید و به فسق و فجور  
می‌پرداختید.<sup>۱</sup>

وَإِذْ كُنَّا نُخَافُ إِنْ تَذَرْتُمْ قَوْمَهُ بِالْأَخْفَابِ وَقَدْ خَلَّتِ الدُّرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ  
خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲۱)  
قَالُوا أَجِئْنَا لِنُؤْيِكَ عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا نَعْبُدُ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۲)  
قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا  
يَخْهَلُونَ (۲۳)



فَلَمَّا زَاوَاهُ عَارِصاً مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالَوا هَذَا عَارِصٌ مُنْطَرِفُنَا نَلْهُوَ مَا  
اشْتَغَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۴)

تَدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِيهُمُ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ  
الْمُجْرِمِينَ (۲۵)

وَلَقَدْ مَكَنَّاهُمْ فِيهَا إِنْ مَكَنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعاً وَأَبْصَاراً وَأَفْئِدَةً فَمَا  
أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ  
بِآيَاتِ اللَّهِ وَخَافُوا بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۲۶)

وَلَقَدْ أَهْنَكُنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرْيِ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۷)  
فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْنَاناً آلِهَةً نَلَّ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ  
إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْقَهُونَ (۲۸)

۲۱- و یاد کن برادر قوم عاد را که چون در سرزمین احقاف امنش را بیم داد  
در حالی که پیامبران ربادی قبل از او و بر دیک رمانش آمده بودند، (که  
گفت) جر حدای یگانه بپرستید، همانا من بر شما از عذاب روز سررگ  
می ترسم.

۲۲- آنها گفتند آیا آمده ای که ما را از عبادت حدایانمان باز داری؟ اگر  
راست می گویی عداپی را که به ما وعده می دهی را بیاور.

۲۳- گفت. علم آن مرد خلاست، به آنچه که فرستاده شده ام راه شما  
می رسانم، ولكن شما را گروه نادان می بینم.

۲۴- پس هنگامی که عذاب راه صورت ابری دیدند که به سوی دژه ها و  
رودخانه هایشان در حرکت هستند گفتند. اس ابری باران راست، (هود به  
آنها گفت چپین نیست) بلکه این آن چیزی است که برای آمدنش عجنه  
داشتید، تند مادی است که عذاب دردناکی دارد

۲۵- این نادی است که به فرمان پروردگارش همه چهر را دگرگون می‌کند پس صبح کردند در حالی که چهری در حاضراتشان دیده می‌شد، (ری) اینچنین گروه مجرمین را تفر می‌دهیم

۲۶- و به تحقیق به آنها قدرتی دادیم که آن را به شما ندادیم، و برای آنها گوش و چشم و قلب قرار دادیم (اما هنگام برول عذاب) گوش و چشم و دلتان هیچ سودی به حالشان نداشت، چنانکه آیات خدا را بیکدیگر می‌کردند، و طاقت آنچه را که استهزا می‌کردند دامگیر آنها شد

۲۷- و به تحقیق آبادی‌هایی را که در اطراف شما بودند را هلاک کردیم، و آیات خود را (برای عبرت مردم) به گونه‌های مختلف بیان نمودیم شاید که باز گردند.

۲۸- پس چرا معبودانی را که به غیر از خدا برگزیدند برای اینکه به خداوند نزدیکشان سازد یاریشان نکردند؟ بلکه از میانشان گم شدند؟ و ایس سود نتیجه درویشان و آنچه را که به خداوند دروغ می‌بستند.

### سرزمین احقاف

﴿وَأَذْكُرُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ﴾ احقاف از سرزمین عاد است که ابتدای آن از شُقوق (که منزلی در راه کوفه به مکه پس از واقعه می‌باشد) و انتهای آن تا اجفر (جایی میان فید و خزیمه) است و مجموع آن چهار منزل است.<sup>۱</sup>

روایت است که معتصم دستور داد که در بطنایه چاهی را حفر کنند سیصد قامت زمین را کنند، آبی از آن بیرون نیامد لذا از پیدا کردن آب ناامید

۱- تورات الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۷ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۱۹۶ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۵۶

شده و از آن چاه دست برداشتند و دیگر آن را نکندند. هنگامی که متوکل امور مملکت را بدست گرفت دستور داد آن چاه را دوباره بکنند تا به آب برسند، حفر کنندگان چاه در هر صد قامت تسمه قرقره‌ای قرار می‌دادند تا اینکه به صخره‌ای رسیدند، آن صخره را شکستند از آن باد سردی بیرون آمد که هر کسی در اطراف آن بود را هلاک نمود. جریان را به متوکل اطلاع دادند، ولی او علت آن را نفهمید؛ گفتند که درباره آن از امام هادی علیه السلام سؤال شود؛ و لذا جریان را برای امام علیه السلام نوشتند.

امام علیه السلام در جواب آنها فرمود: آنجا محل سکونت قوم عاد «احقاف» است که خداوند آنها را به وسیله باد «صرصر» یعنی گردبادی بسیار سرد و شتابنده هلاک نمود.<sup>۱</sup>

سپس خداوند حال قوم عاد را حکایت کرده و فرمود: «قَالُوا أَجِئْنَا لِنُلْفِكَنَا» یعنی با دروغ ما را از چیزهائی که پدرانمان پرستش می‌کردند دور کنی.

«قَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا» یعنی از عذاب.

«إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ» اگر از راستگویان هستی.

و هود علیه السلام پیامبر آنها بود و سرزمینی پربرکت داشتند پس خداوند در هنگام عذاب آنها هفت سال باران را بر آنها نفرستاد تا اینکه خشکسالی آن سر زمین را از بین برد و خیر برکت از آنجا رخت بر بست. هود علیه السلام به آنها فرمود: «اسْتَغْفِرُوا لَكُمْ ثُمَّ تُوْبُوا إِلَيْهِ - تَا - وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ»<sup>۲</sup> توبه کنید و به سوی

۱. نورالقلوب، ج ۵، ص ۱۷

۲. هود، آیه ۵۲؛ ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید و سپس به سوی او توبه کنید تا آسمان باران را پی در پی برایتان نازل کند و بیرونی بر نیروی شما بیفزاید، بنا بر این در حالی که گنه‌کارید، روی برگردانید

آنها برگردید.

ولی آنها ایمان نیاورده و طعیان‌گری نمودند، خداوند به هود علیه السلام وحی فرستاد که آنها در فلان وقت با عذاب دردناک باد هلاک خواهند شد.

در وقت موعود ابری در آسمان ظاهر گشت که به سوی آنها می‌آمد، با دیدن آن ابر خوشحال شدند و به همدیگر گفتند: «هَذَا غَارِضٌ مُنْطَرِنَا» این ابر برای ما باران می‌آورد.

هود علیه السلام به آنها فرمود: «بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ» آن ابر باران نیست بلکه عذاب الهی است که ظاهر گشته است.

«فَاتَيْنَا بِمَا بَعَدْنَا إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا» که «تدمر کل شیء» لفظش عام و معنایش خاص است زیرا که آن باد چیزهای زیادی را ترک کرده و آنها را از بین برده و فقط تمام اموال و اشیاء و خود اینها را نابود کرده و از بین برده است همچنانکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «فَلَصَّبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ» و همه این اخبار از هلاکت امت‌های گذشته جهت ترساندن و اخطار به امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.<sup>۱</sup>

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِينَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعاً وَ أَبْصَاراً وَ أَفْئِدَةً» یعنی به تحقیق ما به آنها اعطا کردیم و آنها کفران نمودند پس عذاب بر آنها نازل شد پس بر حذر باشید از آنچه که بر آنها نازل شده بر شما نیز نازل شود سپس خداوند قریش را مورد خطاب قرار داده و فرمود: «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مِثْلَهُمْ مِنَ الْآفَاقِ وَ صَرَّفْنَا الْآيَاتِ» یعنی چگونه هلاکت آنها را بیان نمودیم. و مراد از شهرهای اطراف سرزمین‌های قوم عاد و قوم صالح و قوم لوط می‌باشد.

سپس خداوند ما آنها احتجاج کرده و فرمود: ﴿قُلُوا لَا نَصْرَ لَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ﴾ یعنی باطل کردند. ﴿وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ﴾ یعنی دروغ آنها. ﴿وَمَا كَانُوا يَنْتَظِرُونَ﴾ و آنچه را که به خداوند دروغ می‌بستند.

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَصَرَوْهُ قَالُوا نَصَبُوا فَلَاحًا قُضِيَ وَلَوْ إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ (۲۹)  
 قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْخَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ (۳۰)  
 يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيَجْزِلَكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۳۱)  
 وَمَنْ لَا يُجِبِ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَولِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۳۲)  
 أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَغْيِ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُخَيِّجَ الْمُؤْمِنِينَ تَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۳)  
 وَيَوْمَ يُغْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا تِلْكَ زِينَتُنَا قَالُوا قَدْ وَفُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۴)

۲۹- و (ساد بیاور) هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه نمودیم تا آیات قرآن را بشنوند، پس هنگامی که حاصر شدید گفتند: ساکت باشید و گوش کنید، پس چون ملاوت تمام شده سوی قومشان رفتند و آنها را انکار نمودند.

۳۰- گفتند: ای قوم ما، همانا ما (آیات) کتابی را شنیدیم که بعد از موسی

نازل شده، تصدیق کنند کتاب‌های پیشین است، به سوی حق و راه راست هدایت می‌کند.

۳۱- ای قوم ما، دعوت کرده به سوی الهی را اجابت کنید و به او پناه نیاورید که خداوند گناهانتان را می‌آمرزد و از عذاب دردناک پناحتان می‌دهد.

۳۲- و کسی که دعوت کرده الهی را اجابت نکند پس نمی‌تواند در زمین از عذاب الهی فرار کند، و به غیر از خدا هیچ یابوری برای او نمی‌باشد، و چنین کسی در گمراهی آشکاری است.

۳۳- آبا آنها نمی‌دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها ناتوان شد، قادر است که مردگان را نیز زنده کند؟ آری او بر هر چیزی قادر و تواناست.

۳۴- و روزی که کافران را بر آتش جهنم عرضه کنند (به آنها گفته شود): آبا این حق نیست؟ می‌گویند بلی به پروردگارمان سوگند که حق است! (خداوند) می‌فرماید پس بچشد عذاب را به خاطر آنچه که کفر ورزیدید.

﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِنَ الْجِنَّ يَشْتَمِعُونَ﴾ - تا - ﴿لَوْلَيْكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾  
تمام آیات حکایت از جن است و سبب نزول این آیات این بود که رسول خدا ﷺ از مکه بیرون شد و به بازار عکاظ رفت، زید بن حارثه هم با آن جناب بود، و آن حضرت مردم را به اسلام دعوت می‌کرد، ولی حتی یک نفر هم دعوتش را اجابت نکرد، و احدی را نیافت که دین او را بپذیرد، ناچار به مکه برگشت.

همین که به محلی به نام «وادی مجنه» رسید عبادت شبانه خود را تلاوت قرآن قرار داد، چند نفر از طائفه جن از کنارش می‌گذشتند، همین که صدای

قرائت رسول خدا ﷺ را شنیدند گوش دادند، و چون قرآن او را شنیدند به یکدیگر گفتند: ساکت، بیسیم چه می خواند. همین که تلاوت قرآن حضرت تمام شد به سوی قوم خود برگشتند و به انذار آنان پرداخته، گفتند: \*وَلَوْ اِلَى قَوْمِهِمْ مُّذِرِينَ قَالُوا يَا قَوْمَنَا اِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا اُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسٰى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي اِلَى الْحَقِّ وَ اِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ يَا قَوْمَنَا اٰجِبُوْا دَاعِيَ اللّٰهِ وَ اٰمِنُوْا بِهِ - تا - اُولٰٓئِكَ فِى ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ۝ به سوی قومشان رفتند و آنها را انذار نمودند. گفتند: ای قوم ما، همانا ما (آیات) کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، تصدیق کننده کتاب های پیشین است، به سوی حق و راه راست هدایت می کند. ای قوم ما، دعوت کننده به سوی الهی را اجابت کنید و به او ایمان بیاورید که خداوند گناهانتان را می آمرزد و از عذاب دردناک پناهتان می دهد. و کسی که دعوت کننده الهی را اجابت نکند پس نمی تواند در زمین از عذاب الهی فرار کند، و به غیر از خدا هیچ یآوری برای او نمی باشد، و چنین کسی در گمراهی آشکاری است

آن گاه نزد رسول خدا ﷺ آمده اسلام و ایمان آوردند، و رسول خدا ﷺ معالم و شرایع اسلام را به ایشان تعلیم کرد. پس خدای تعالی این آیات را بر پیامبرش نازل فرمود: ﴿قُلْ اُوْحِيَ اِلَيَّ اَنْهُ اَسْتَمِعُ نَقْرًا مِنْ الْجِنِّ...﴾ تا آخر سوره و در آن، کلام جنیان را حکایت کرده است. رسول خدا ﷺ یک نفر از آنان را امیر ایشان کرد و همواره نزد آن جناب بر می گشتند و رسول خدا ﷺ امیرالمؤمنین را مامور کرد تا معالم دین را به ایشان بیاموزد، پس جنیان هم (مانند انسانها) مؤمن و کافر دارند، ناصبی و یهودی و نصاری و مجوسی دارند، و همانطور که انسانها فرزندان می دهند آنها هم فرزندان هستند.<sup>۱</sup>

از عالم الاول سوال شد آیا مؤمنین جنی هم داخل بهشت می‌شوند؟  
فرمود نه، لیکن برای خدای تعالی خطیره‌هایی بین بهشت و دوزخ هست  
که مؤمنین از جن و فساق از شیعه در آنجا قرار داده می‌شوند<sup>۱</sup>  
سپس خداوند با دهریون احتجاج کرده و فرمود: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَغَيِّ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُخَيِّبَ الْمُتَوْتِي بَلَى إِنَّهُ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» آیا آنها نمی‌دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده  
و از آفرینش آنها ناتوان نشد، قادر است که مردگان را بیز زنده کند؟ آری او  
بر هر چیزی قادر و تواناست.

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرْوُونَ مَا  
يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ فَبَلَّغْ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ  
الْفَاسِقُونَ (۳۵)

۳۵- پس صبر کن همچنانکه پیامبران اولوالعزم صبر کردند، و سراسر  
(عذاب) آنها عجله مکن، تا هنگامی که وعده‌هایی که به آنها داده می‌شود تا  
چشم خود ببیند (که در آن روز) گمان می‌کند که ساعتی از روز (در دنیا)  
درنگ کرده‌اند، پس ابلاغ و انعام حجتی برای همه است، پس آیا جر قوم  
فاسق هلاک می‌شوند؟

سپس خداوند پیامبرش را به صبر ادب نموده و فرمود: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ  
أُولُوا الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» که آنها عبارتند از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن  
مریم علیهم‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، و معنی اولوالعزم این است که در اقرار به وحدانیت  
خدا و به نبوت انبیای قبل و بعد از خود از دیگران پیشی گرفته، و تصمیم



گرفتند در برابر تکذیب و آزار قوم خود صبر کنند.<sup>۱</sup>

سپس فرمود: ﴿وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ﴾ یعنی شتاب مکن برای کفار قریش در

عذاب.

﴿كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبِتُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ﴾ در روز

قیامت می بینند که در دنیا جز ساعتی از روز درنگ نداشته اند.

﴿بَلَاغٌ﴾ یعنی آن را به آنها برسان ﴿فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ﴾ پس آیا

جز قوم فاسق هلاک می شوند؟<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۶۳

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۲



# تفسیر سورة محمد ﷺ

۴۷ - سورة محمد ﷺ در

مدینه نازل شده و دارای ۳۸

آیه است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلُّ أَعْمَالُهُمْ (۱)

۱- کسانی که کافر شده و از راه خدا باز می‌دارند، خداوند اعمال آنها را از

بین می‌برد.

«الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلُّ أَعْمَالُهُمْ» درباره کسانی که بعد از رسول خدا ﷺ مرتد شدند و حق اهل بیت آن حضرت را غصب نمودند و راه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ولایت ائمه (علیهم السلام) را بستند نازل شده است «أَضَلُّ أَعْمَالُهُمْ» یعنی آن اعمالی که با رسول خدا ﷺ داشتند از جهاد و یاری نمودن آن حضرت را باطل کردند.<sup>۱</sup>

حس بن عباس حریشی گوید امام باقر (علیه السلام) فرمودند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از وفات رسول خدا ﷺ که مردم در مسجد جمع شده بودند با صدای بلندی آیه «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلُّ أَعْمَالُهُمْ» را خواندند، ابن عباس به آن حضرت گفت: ای ابوالحسن برای چه این آیه را خواندی؟

فرمود: آیه‌ای از قرآن را خواندم.

گفت: به خاطر امری آن را خواندی؟

فرمود: بیه! همانا خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَفَ نَهَاكُم عَنْهُ فَأَنْتَهُوا﴾<sup>۱</sup> ایا شهادت می دهی که رسول خدا ﷺ فلانی را خلیفه خود قرار داد؟

ابن عباس گفت: من از رسول خدا ﷺ شنیدم کسی را خلیفه بعد از خود قرار دهد جز شما را.

فرمود: پس چرا با من بیعت نکردی؟

گفت: مردم با ابوبکر بیعت کردند و من هم از آنها پیروی کردم.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: همچنانکه مردم بعد از حضرت موسی در اطراف کوساله جمع شدند و آن را پرسیدند: که خداوند شما را اینجا آزمایش نمود و مثل شما ﴿كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ﴾<sup>۲</sup> صم بکم غشی فسم لا یرجعون<sup>۳</sup> همانند کسی هست که آتشی افروخته تا در بیابان تاریک راه خود را پیدا کند ولی هنگامی که آتش اطراف خود را روشن ساخت خداوند طوفانی می فرستد و آن را خاموش می کند، و در تاریکی وحشتناکی که چشم کار نمی کند آنها را رها می سازد؛ آنها کر، گنگ و کورند بنابراین از راه خطا بار نمی گردند!<sup>۴</sup>

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (۲)

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ

۱ حشر، آیه ۱۷؛ آنچه که رسول خدا برای شما آورده را بگیرید و از آنچه که بهی کرده خودداری نمایید.

۲ بقره، آیه ۱۷ و ۱۸

۳ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۶۷؛ سور النحلین، ج ۵، ص ۲۶.  
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۴

## كَذَلِكَ نَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (۳)

۲- و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و به آنچه که بر محمد ﷺ نازل شده ایمان آوردند، که آن حق از جانب پروردگارشان است که خداوند از گناهان آنها درگذشت و امورشان را اصلاح نمود

۳- این به خاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و کسانی که ایمان آوردند و از حقی که از جانب پروردگارشان بود پیروی نمودند، اینچنین خداوند برای مردم مثل‌هایی می‌زند.

اسحاق بن عمار روایت کند که امام صادق علیه السلام فرمود: آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ - فَيُحَقِّقْ - وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرُ عَنْهُمْ سُبْحَانَهُمْ وَأَصْلَحَ بِالْهَمِّ﴾ اینچنین نازل شده است.<sup>۱</sup>

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ این آیه درباره ابودر و سلمان و عمار و مقداد نازل شده است که عهد و پیمان‌شان را نقض نکردند.

﴿وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ﴾ یعنی بر ولایتی که خداوند آن را نازل فرمود ثابت قدم ماندند.

﴿وَهُوَ الْحَقُّ﴾ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام.

﴿مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرُ عَنْهُمْ سُبْحَانَهُمْ وَأَصْلَحَ بِالْهَمِّ﴾ یعنی حالشان را اصلاح نمود.

سپس اعمال آنها را ذکر کرده و فرمود: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ﴾ یعنی آنها کسانی هستند که از دشمنان رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام پیروی کردند ﴿وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ و کسانی که ایمان آوردند و از حقی که از جانب پروردگارشان بود پیروی

نمودند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: سوره محمد نصفش درباره ما و نصف دیگرش درباره دشمنان ماست و دلیل بر آن این آیه است ﴿كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ﴾ اینچنین خداوند برای مردم مثل‌هایی می‌زند.<sup>۲</sup>

فَإِذَا لَقِبْتُمْ الدِّينَ كَفَرُوا فَضْرَبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَتَحَسَّنُوهُمْ فَمَشَدُوا النُّوَّاقِ  
فَإِمَّا مَنَّا بَعْدَ وَ إِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ  
لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَا تَعَصَّيْكُمْ يَتَغْيِرَ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَنْ  
يُضِلُّ أَعْمَالَهُمْ (۴)

سَنَهْدِيهِمْ وَيُضْلِحُ بَالَهُمْ (۵)

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَصَرَّوْا اللَّهُ يَنْصُرَكُمْ وَيُبَيِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۷)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۸)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَاتَّخَذُوا أَعْمَالَهُمْ (۹)

۲- و هنگامی که با کافران (در میدان جنگ) روبه‌رو شدید کردن‌هایشان را  
بریدید، تا وقتی که دشمنان زیادی را از بین ببرید، پس او آن اسیران جنگ را  
محکم ببندید، بعد یا بر آنها مت بست بگذارید و (آرادشان کنید) یا هدیه  
بگیرید، تا جنگ سختیهای خود را فرو گذارد. برنامه این است، و اگر محلا  
می‌خواست خودش از کافران انتقام می‌گرفت و لکن می‌خواهد شما را به

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۶۸؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۲۷؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۵

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۶؛ نورالتقلید، ج ۵، ص ۲۷



وسيله بكدیگر امتحان كند، و كسانی كه در راه جدا كشته شدند، حدیث.

هرگز اعمالشان را صایع نمی گرداند

۵- بروی آنها راه سعادت هدایت کرده و امورشان را اصلاح می فرماید

۶- و آنها را در بهشتی كه به ایشان شتاسانده بود وارد می كند.

۷- ای کسانی كه ایمان آورده اید، اگر خدا را یاری كید خداوند بزر شما را

یاری می كند و قدم هایتان را ثابت و استوار می گرداند

۸- و کسانی كه كافر شدند، مرگ و هلاكت بر آنها و اعمالشان نابود باد

۹- پس به خاطر از است كه بدانچه خداوند بزرگوار کرده بود كرامت داشتند،

پس خداوند اعمالشان را نابود كرد.

﴿قَدْ أَفْلَحَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرَبَ الرَّقَابِ﴾ تا - لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ ﴿ پس این حكم

شمشیر از برای مشركان عجم از زنداقه و كسانی كه اهل كتاب نیستند و از

آتش پرستان و ستاره پرستان می باشند، جاری است.

﴿قَدْ أَفْلَحَ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرَبَ الرَّقَابِ﴾ خطاب به جماعتی است و معنایش

برای رسول خدا ﷺ و امام بعد از آن حضرت می باشد.

﴿وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالُهُمْ﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿ یعنی بهشت را برای آنها وعده داده و برایشان

نخیره نموده است.

﴿لَيَبْلُوَنَّ بَعْضَكُمْ بَعْضٍ﴾ یعنی شما را امتحان می كند.<sup>۱</sup>

سپس امیر المؤمنین (علیه السلام) را مورد خطاب قرار داده و فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ ای کسانی كه ایمان آورده اید،

اگر خدا را یاری كنید خداوند نیز شما را یاری می كند و قدم هایتان را ثابت و

استوار می گردانند.<sup>۱</sup>

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ -  
در باره علی (علیه السلام) فَأَخْبِطَ أَعْمَالَهُمْ﴾<sup>۲</sup>

امام باقر (علیه السلام) فرمود: جبرئیل با این آیه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ فِي  
علی (علیه السلام) كَشَطَ الْأَسْمَ فَأَخْبِطَ أَعْمَالَهُمْ﴾ بر محمد نازل شد یعنی آیه را این  
چنین آورد.

أَقْلَمَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَرُ اللَّهِ  
عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ امْتَالُهَا (۱۰)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۱)  
بِإِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى  
لَهُمْ (۱۲)

۱۰- آیا در روی زمین سیر و مهر می کنند تا ببینند که عاقبت پیشینیان  
چگونه بود؟ خداوند آنها را هلاک کرد، و برای کافران امثال ایگوره هوانب  
حواهد بود.

۱۱- این به خاطر آن است که خداوند مولی و سرپرست کسانی است که  
ایمان آورده اند و برای کافران مولی و سرپرستی نیست.

۱۲- همانا خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام دادند را  
در باغ هایی وارد می کند که از زیر درختانش بهرها جاریست، و کسانی که

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۷

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۷

کافر شدند از متاع دنیوی بهره کمی می‌برد و همچون چهارپایان می‌خورند، و آتش جهنم جایگاه آنهاست.

﴿أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ یعنی آیا در حالات امت‌های گذشته نگاه نمی‌کنند.

﴿دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾ یعنی آنها را هلاک کرده و عذاب نمود؛ سپس فرمود: ﴿وَاللَّكَافِرِينَ﴾ یعنی آنهایی که کافر شدند و آنچه را که خداوند درباره حضرت علی (ع) نازل فرمود آن را خوش نداشتند.

﴿أَمْثَلُهَا﴾ یعنی برای آنها از عذاب و هلاکت است‌های گذشته مثلی زدیم. سپس مومنین را که بر امامت امیر المؤمنین (ع) ثابت قدم بودند را ذکر کرده و فرمود: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾ این به خاطر آن است که خداوند مولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند و برای کافران مولی و سرپرستی نیست.

سپس مومنین را ذکر کرده و فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ یعنی به ولایت علی (ع).

﴿جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا﴾ از دشمنانش.

﴿يَسْمَعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ﴾ یعنی زیاد می‌خورند.

﴿وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ و آتش جهنم جایگاه آنهاست.

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْنَاكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (۱۳)

۱۳- چه شهرهای بسیار که بیرومندتر از شهری (مکه) بودند که تو را از بیرون کردند، که ما همه اهلس را هلاک کردیم و آنها هیچ یابوری نداشتند.

﴿وَكَيْنَ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ لَهْلَكَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ﴾ چه بسا از امت‌های گذشته را هلاک نمودیم که قریه‌های آنها محکم‌تر از قریه تو یعنی مکه که تو را از آن بیرون کردند بود و آنها هیچ یابوری نداشتند

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُجِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۴)  
 مثل الجنّة الّتی وعد المتّقون فیها آنهار من ماء غیر آسین و آنهار من لبّ لم یّتغیّر طعمه و آنهار من حمّی لدّة للشاربین و آنهار من عسل مصفی و لهم فیها من کل الثمرات و مغفرة من ربهم کمن هو خالد فی النار و سقوا ماء حمیماً فقلّعت ائمةاهم (۱۵)

۱۴- آیا کسی که از جانب پروردگارش دلیل روشنی دارد همانند کسی است که عمل دشمنش برای او ریا جلوه داده شده و از هوای نفسشان پیروی می‌کنند.

۱۵- توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است که در آن بهرهایی از آب رلال و صاف غیر متغیر می‌باشد، و بهرهایی رشیر که هرگز طعمش تغییر نمی‌کند، و بهرهایی از شراب ناب (صهور) که برای نوشدگانش باعث لذت است، و بهرهایی از عسل مصفاست، و برای آنها در آنجا از تمام میوه‌هاست، و آمرزشی از جانب پروردگارشان می‌باشد، آیا ایها همانند کسانی هستند که در آنش جهنم همیشگی هستند و از آب جوشان نوشاده می‌شوند و اندروشان را باره باره می‌کند؟

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ﴾ یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام).  
 ﴿كَمَنْ زُجِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ﴾ یعنی آنهایی که حق حضرت علی (علیه السلام) را غصب کردند ﴿وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ و از هوای نفسشان پیروی می‌کنند.

سپس برای دوستان و دشمنان آن حضرت مثلی می‌زند و برای دوستانش می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ - تا - مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ﴾ و خمر یعنی ظرف‌های نوشیدنی که هر وقت ولی خدا از آن میل می‌کند بوی مشک و عنبر از آن احساس می‌کند.

﴿وَ أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ مَعْقِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ و نهرهایی از عسل مصفاست، و برای شما در آنجا از تمام میوه‌هاست، و آمرزشی از جانب پروردگارشان می‌باشد.<sup>۱</sup>

سپس برای دشمنان مثلی زده و فرمود: ﴿كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَ سَقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾ به پیامبرش فرمود: آیا کسی که در این بهشت توصیف شده است مانند کسی است که در آتش جهنم می‌باشد، همانا دشمن خدا مانند ولی او نیست.

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنَا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۶)  
وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (۱۷)

۱۶- و گروهی از آنها به سخنان گوش می‌دهد تا هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند به کسانی که علم و دانش داده شده (ما تمسحر) می‌گویند، دوباره (پیامبر) چه گفت؟ ایها کسانی همد که حلاوت بر قلب‌هایشان مهر زده است و از هوای نفسان پیروی می‌کنند.

۱۷- و کسانی که هدایت یافته‌اند، (حلاوت) بر هدایتشان می‌افزاید، و تقوا و پرهیزگاری به آنها عطا می‌فرماید.

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا﴾ این آیه درباره منافقین از اصحاب رسول خدا ﷺ نازل شده است آنها وقتی آیه ای از قرآن را از پیامبر ﷺ می شنیدند به آن ایمان نمی آوردند و هنگامی که از نزد پیامبر بیرون می آمدند به مومنین می گفتند محمد چه می گفت؟ پس خداوند فرمود: ﴿لَوْلَيْكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ آنها کسانی بودند که خداوند بر قلب هایشان مهر زده و از هوا و هوس هایشان پیروی می کردند<sup>۱</sup>

ابو بصیر گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا رسول خدا ﷺ اصحابش را دعوت می کرد، پس هر کس از آنها که خداوند برایش خیری را اراده کرده بود دعوت پیامبر را می شنید و آن را درک می کرد و هر کسی که خداوند برایش شرّ اراده کرده بود بر قلبش مهر می زد و آن را نمی شنید و درکش نمی کرد و آن قول خداوند است که فرمود: ﴿حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا﴾ تا هنگامی که از نزد تو بیرون می روند به کسانی که علم و دانش داده شده (با تمسخر) می گویند: دوباره (پیامبر) و چه گفت؟<sup>۲</sup>

سپس هدایت یافتگان را ذکر کرده و فرمود: ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآثَانَهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾ و این آیه رد کسی است که گمان می کند ایمان کم و زیاد نمی شود.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۷۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۸۷؛ تاویل الآیات الظاهرة، ص ۵۷۱؛ تفسیر عاشی، ج ۲، ص ۲۷۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۷۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۰؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۳.

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۰.

فَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِدَا  
جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (۱۸)

۱۸- پس آیا آنها (کافران) انتظاری جرابس دارند که قیامت ناگهان فرا برسد؟  
که به محقق شروط و علائم آن آمده است، پس هگامی که باید در آن حال  
تذکر و یادآوری آنها فایده‌ای نمی‌بخشد؟

### شرایط قیامت

﴿فَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ﴾ که مراد از ﴿السَّاعَةَ﴾ قیامت است ﴿أَنْ تَأْتِيَهُمْ  
بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾<sup>۱</sup>

سلیمان بن مسلم خشاب از عبد الله بن جریح مکی از عطاء بن ابی ریح از  
عبد الله بن عباس نقل کرده که گفت: با رسول خدا به زیارت حج رفتیم، همان  
حجی که بعد از آن رسول خدا ﷺ از دنیا رفت، و یا به عبارت دیگر  
حجة الوداع، رسول خدا ﷺ در کعبه را گرفت و سپس روی نازنین خود را به  
طرف ما کرد و فرمود: می‌خواهید شما را خبر دهم از علامات قیامت؟

و در آن روز سلمان رضی الله عنه از هر کس دیگری به آن جناب نزدیک‌تر بود، لذا او در  
پاسخ رسول خدا ﷺ عرضه داشت: بلی یا رسول الله.

حضرت فرمود: یکی از علامت‌های قیامت این است که نماز ضایع می‌شود  
یعنی از میان مسلمین می‌رود و از شهوات پیروی می‌شود و مردم به سوی  
هواها میل می‌کنند، مال و ثروت مقامی عظیم پیدا می‌کند و مردم آن را تعظیم  
می‌کنند، دین به دنیا فروخته می‌شود، در آن زمان است که دل افراد با ایمان  
در جوفشان، برای منکرات بسیاری که می‌بینند و نمی‌توانند آن را تغییر دهند

آب می شود آن چنان که نمک در آب حل می گردد.

سلمان با تعجب عرضه داشت: یا رسول الله! به راستی چنین روزی خواهد رسید؟

فرمود: آری، به آن خدایی که جانم به دست اوست، ای سلمان در آن هنگام سرپرستی و ولایت مسلمانان را امرای جور به دست می گیرند امرایی که وزرایی فاسق و سرشناسانی ستمگر و امنایی خائن دارند.

سلمان پرسید: بر راستی چنین وضعی پیش خواهد آمد یا رسول الله؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این موقع منکر، معروف، و معروف، منکر می شود، خائن امین قلمداد می گردد و امین خیانت می کند، دروغگو تصدیق می شود و راستگو تکذیب می گردد.

سلمان با حالت تعجب پرسید: یا رسول الله! به راستی چنین چیزی خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در آن روزگار زنان به امارت می رسند و کنیزان طرف مشورت قرار می گیرند و کودکان بر فراز میبر می روند و دروغ نوعی زرنگی و زکات خسارت، و خوردن بیت المال نوعی غنیمت شمرده شود، مرد به پدر و مادرش جفا ولی به دوستش نیکی می نماید و ستاره دنباله دار طلوع می کند.

سلمان باز پرسید: یا رسول الله آیا چنین چیزی خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان! در این موقع زن با شوهرش در تجارت شرکت می کند و باران در فصلش نیامده بلکه در گرمای تابستان می بارد و افراد کریم سخت خشمگین می گردند، مرد فقیر تحقیر می شود در این هنگام بازارها به هم نزدیک می شوند وقتی یکی



می‌گوید: من چیزی نفروختم؛ و آن دیگری می‌گوید: من سودی نبرده‌ام،  
طوری می‌گویند که هر شنونده می‌فهمد دارد به خدا بد و بیراه می‌گوید.

سلمان پرسید: آیا حتما چنین وضعی خواهد شد یا رسول الله؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست، ای سلمان در این هنگام  
اقوامی بر آنان مسلط می‌شوند که اگر لب بچنانند کشته می‌شوند و اگر  
چیزی نگویند دشمنان همه چیزشان را مباح و برای خود حلال می‌کنند تا با  
بیت المالشان کیسه‌های خود را پر کنند و به ناموسشان تجاوز نموده،  
خونشان را بریزند و دلهایشان را پراز وحشت و رعب کنند و در آن روز  
مؤمنین را جز در حال ترس و وحشت و رعب و رهبت نمی‌بینی.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین روزگاری بر مؤمنین خواهد

گذشت؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این هنگام  
چیزی از مشرق می‌آورند و چیزی از مغرب تا امت اسلام را سرپرستی کنند،  
در آن روز وای به حال ناتوانان امت من، از شر شرقی و غربی‌ها و وای به  
حال آن شر بان و غریبان از عذاب خدا، آری نه کوچکی را رحم می‌کنند و نه  
پاس حرمت بزرگی را نگه دارند و نه از هیچ مقصری عفو می‌کنند، اخبارشان  
همه فحش و ناسزا است، چته آنان چته و بدن آدمیان است ولی دلهایشان  
دلهای شیاطین.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین روزی خواهد رسید؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان، در این هنگام  
مردان به مردان اکتفاء می‌کنند و زنان به زنان و همان طوری که پدر و اهل  
خانواده نسبت به دختر غیرت به خرج می‌دهند، نسبت به پسر نیز غیرت به

خرج می دهند، مردان به زنان شبیه می شوند و زنان به مردان و زنان مر مرکب ها سوار می شوند که از طرف امت من لعنت خدا بر آنان باد.

سلمان با تعجب پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی پیش می آید؟  
فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان، در این هنگام مساجد طلاکاری و زینت می شود آن چنان که کلیساها و معبد یهودیان زینت می شود، قرآنها به زیور آلات آرایش و سفارها بلند و صفها طولانی می شود اما با دلهایی که نسبت به هم خشمگین است و زبان هایی که هر یک برای خود منطقی دارد.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا این وضع پیش می آید؟  
فرمود آری به آن خدایی که جانم به دست اوست، در آن روز مردان و پسران امت من با طلا خود را می آرایند و حریر و دیبا می پوشند و پوست پلنگ کالای خرید و فروش می گردد.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟  
فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست، ای سلمان در آن روز ربا همه جا را می گیرد و یک عمل آشکار می شود و معاملات با غیبت و رشوه انجام می شود و دین خوار و دنیا بلند مرتبه می شود.

سلمان گفت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟  
فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این هنگام طلاق زیاد می شود و هیچ حدی جاری نمی گردد و البته خدای تعالی از این بابت هرگز متضرر نمی شود.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟  
فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این زمان

کنیزان آوازه‌خوان و نوازنده پیدا می‌شوند و اشرار امت بر امت من، ولایت و حکومت می‌کند.

سلمان پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این موقع اغنیای امت من صرفاً به منظور گردش و تفریح به حج می‌روند و طبقه متوسط برای تجارت و فقرا به منظور خودنمایی و ریا حج می‌روند، در این هنگام است که اقوامی قرآن را برای غیر خدا می‌آموزند و آن را نوعی مزمار و آلت موسیقی اتخاذ می‌کنند، اقوامی دیگر به تعلم فقه اسلامی می‌پردازند اما برای غیر خدا، در آن روزگار زنانادگان زیاد می‌شوند با قرآن آوازه‌خوانی می‌کنند و بر سر دنیا سر و دست می‌شکنند.

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین وضعی خواهد شد؟

فرمود: آری به خدایی سوگند که جانم به دست اوست ای سلمان این وقتی است که حرمت‌ها و قرق‌ها شکسته شود و مردم عالما و عامدا در پی ارتکاب گناه باشند و اشرار بر اخیار مسلط شوند، دروغ فاش و بی‌پرده و لجاجت‌ها ظاهر گردد فقرا فقر خود را علنی کنند، مردم در لباس به یکدیگر مباحثات کنند و باران در غیر فصل بیارد و مردم شطرنج و نرد و موسیقی را کاری پسندیده بشمارند و در مقابل امر به معروف و نهی از منکر را عملی نگوهیده بدانند تا آنجا که یک فرد با ایمان ذلیل‌ترین و متفوترترین فرد امت شود و قاریان عابدان را ملامت کنند و عابدان قاریان را، این مردمنده که در ملکوت آسمانها رجس و نجس نامیده می‌شوند.

سلمان از در تعجب پرسید: یا رسول الله آیا چنین وضعی پیش می‌آید؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست اوست ای سلمان در این هنگام

است که توانگر هیچ دلوپسی جز فقیر شدن ندارد، حتی یک سائل در طول یک هفته یعنی بین دو جمعه سؤال می‌کند و احدی نیست که چیری در دست او بگذارد.

سلمان باز پرسید: یا رسول الله آیا چنین روزگاری خواهد رسید؟  
فرمود: آری به آن خدایی که جانم در دست اوست ای سلمان در این زمان رویبضه تکلم می‌کنند، پرسید: یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو، رویبضه چیست؟ فرمود: چیزی و کسی به سخن در می‌آید و در امور عامه سخن می‌گوید که هرگز سخن نمی‌گفت، در این هنگام است که مردم، دیگر زیاد زنده نمی‌مانند تا گه‌ان زمین نعره‌ای می‌کشد و هر قومی چنین می‌پندارد که زمین تنها در ناحیه او نعره کشید بعد تا هر زمانی که خدا بخواهد هم چنان می‌مانند و سپس واژگون می‌شوند و زمین هر چه در دل دارد بیرون می‌ریزد- و خود آن جناب فرمود: یعنی طلا و نقره را- آن گاه با دست خود به ستونهایی که در آنجا بود اشاره نموده و فرمود مثل این، ولی در آن روز دیگر نه طلایی فائده دارد و نه نقره‌ای، این است معنای آیه: ﴿فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾ علامت‌هایش پیامد.<sup>۱</sup>

و يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَزُلْ سُوْرَةٌ فَاِذَا نَزَلَتْ سُوْرَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَ ذُكِرَ فِيهَا الْفِتْنَالِ زَايِلَتِ الَّذِينَ فِي قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ يَنْظُرُوْنَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوَّلَى لَهُمْ (۲۰)  
طَاعَةٌ وَ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَاِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ (۲۱)

۱ بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۶، تفسیر صامی، ج ۶ ص ۴۷۵، سور التقلین، ج ۵، ص ۳۴  
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۱

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ (۲۲)

۲۰- و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند چرا سوره‌ای (درباره جهاد یا کفار) نازل نمی‌شود؟ پس هنگامی که سوره‌ای محکم نازل می‌شود و در آن درباره جنگ مطلقه بیان می‌گردد، کسانی (منافقین) را که در قلب‌هایشان مرضی است را می‌بینی که همچون محتضران بر تو نگاه می‌کنند، پس مرگ و هلاکت از برای آنها سزاوارتر است

۲۱- (آری) اطاعت خداوند و گفتاری سنجیده (برای آنها بهتر است)، پس هنگامی که فرمان جهاد قطعی شد اگر نه خداوند راست بگوید برای آنها بهتر خواهد بود.

۲۲- پس اگر (ارایان فرمان الهی) روی نگردانید انتظار این می‌رود که در زمین به فساد پردازید و قطع رحم کنید؟

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ - ثَا - فَأُولَئِكَ لَهُمْ﴾ پس آنها منافقین

هستند.

﴿فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ﴾ یعنی جنگ.

﴿فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾ \* فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ؟ درباره بنی امیه نازل شده است.<sup>۱</sup>

ابو عباس مکی گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: عمر حضرت علی علیه السلام را دید و عرض کرد: شما می‌فرمائید این آیه ﴿بِأَيْكُمْ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۲</sup> درباره من و رفیقم ابوبکر نازل شده است؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: آیا آیه‌ای که درباره بنی امیه نازل شده را به تو

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۳۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۷۹

۲. قلم، ماده ۶؛ کلام تک از شما همچون همید.

نگویم و این آیه را ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ تلاوت نمود.

عمر گفت. بنی امیه از شما بنی هاشم بیشتر صله رحم بجای می آورند و لکن شما با بنی امیه و بنی عدی و بنی تیم دشمنی می کنید.<sup>۱</sup>

إِنَّ الدِّينَ أَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَذْبَارِهِمْ مِنْ تَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ  
وَأَمَلَىٰ لَهُمْ (۲۵)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنَطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ  
يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (۲۶)

فَكَتَبَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَصْرِيحُونَ وَجُوهَهُمْ وَأَذْبَارَهُمْ (۲۷)  
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَشْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۲۸)

۲۵- کسانی که بعد از روشن شدن هدایت پشت بر آن کردند، شیطان اعمال رشتاش را برای آنها ریا جلوه داده و به از روهای دراز سریشان سموده است.

۲۶- این به خاطر آن است که آنها به کسانی که از برول آیات الهی کراهت داشتند گفتند: بزودی در بعضی امور از شما پیروی می کنیم، و جداوند به اسرار پنهانی آنها آگاه است.

۲۷- پس حالشان چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشتشان می ریزند؟

۲۸- آیین به خاطر آن است که آنها از آنچه که مورد حشم و عصب خداوند بود پیروی کردند و از آنچه که مورد رضایت الهی بود کراهت داشتند، پس

(خداوند) اعمالشان را محو و نابود کرد

امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ﴾ فرمود: یعنی به خاطر ترک کردن ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام از ایمان برگشتند.

﴿الشَّيْطَانُ﴾ یعنی فلانی ﴿سَوَّلَ لَهُمْ﴾ یعنی بنی فلان و بنی امیه.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ﴾ ان چیزی است که خداوند از

ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بر بندگان او واجب نموده است.

﴿سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ﴾ در حق ابوبکر و عمر نازل شده چه آنها به

بنی امیه گفتند مگر شما با ما عهد و پیمان نبستید که بعد از پیغمبر اکرم

خلافت برای ما باشد و خمس را به بنی هاشم ندهیم و اگر خمس را به ایشان

بدهیم مستغنی و بی نیاز می شوئیم.

بنی امیه گفتند: ما بر عهد و پیمان خود باقی هستیم و از شما اطاعت

می کنیم و نمی گذاریم خمس به بنی هاشم برسد و خداوند بر پیامبرش نازل

فرمود: ﴿أَمْ أَمْرًا مِّمَّا مُمْرُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ﴾

وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُمُونَ<sup>۱</sup> بلکه آنان کار (توطئه و نیرنگ بر ضد حق) را محکم

کردند، پس ما هم کار (عذاب) را بر آنان محکم می کنیم. آیا آنان گمان می کنند

که ما رازشان و سخنان درگوشی آنان را نمی شنویم؟ چرا می شنویم و

فرستادگان ما (که فرشتگان نویسنده اعمال اند) نزد آنان حاضرند (و

اعمالشان و رازهایشان را) می نویسند.<sup>۲</sup>

﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ﴾

درباره کسانی که عهد و پیمان خدا را درباره امیر المؤمنین نقض کردند

۱. زخرف، آیه ۷۹ و ۸۰

۲. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۸۱، نورالتعلیل، ج ۵، ص ۴۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۱۸

مازل شده است.

«الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ» یعنی شیطان زشتی‌های آنها را برایشان آسان قرار داد که مراد از شیطان فلانی (دومی) است.

«وَ أَهْلَى لَهُمْ» یعنی آمال و آرزوهایشان را برایشان گستراند به اینکه آنچه محمد فرموده چیزی نیست.

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ» درباره امیرالمؤمنین علیه السلام مازل شده بود.

«سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ» یعنی خمس را به بنی هاشم ندهید.

«وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ» و خداوند به اسرار پنهانی آنها آگاه است.

خداوند فرمود: «فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَذْبَارَهُمْ»

به خاطر اینکه عهد و پیمان‌شان را شکستند و بر اهل بیت ستم نمودند و بعد از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله امر ولایت علی علیه السلام را محکم نمود از قبول آن سر باز زدند، پس هنگامی که مردند ملائکه آنها را به سوی آتش جهنم می‌برند و بر پشت و رویشان می‌زنند.

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَشْخَطَ اللَّهَ» یعنی دوستی فلانی و فلانی که به

امیرالمؤمنین علیه السلام ستم نمودند.

«فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» یعنی آن اعمال خیری را که انجام دادند همه را از بین

بردند.<sup>۱</sup>

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ شَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ

الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيُخْطِ أَعْمَالَهُمْ (۳۲)



۳۳- کسانی که کافر شدند و (مردم) را از راه الهی باز داشتند، و بعد از روشن شدن راه هدایت باز با رسول نه مخالفت میخواستند، هرگز در راهی بر خداوند ریان نمی‌رسانند، و بروی (خداوند) اعمالشان را محو و نابود می‌گرداند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ که مراد از «سبیل الله» امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

﴿وَوَاشِقُوا الرَّسُولَ﴾ یعنی از پیغمبر درباره اهل بیت آن حضرت بریدند بعد از آنکه اقرار گرفته بود عهده‌ای از ایشان برای اهل بیت خود و آن عهد این بود که خلافت و وصایت و امامت از آن حضرت امیرالمؤمنین باشد و بعد از او از آن اولاد معصومین او، و مفاقیق قطع این عهد کردند و اهل بیت را محروم گردانیدند.<sup>۱</sup>

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَغْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَبْزِلَكُمْ  
أَعْمَالُكُمْ (۳۵)

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ إِنْ تَوَلَّوْا وَتَنَاهَوْا يُؤْتِكُمْ أَخْوَزَكُمْ وَلَا يَسْئَلُكُمْ  
أَمْوَالُكُمْ (۳۶)

إِنْ يَسْئَلُكُمْوهَا فَيُخَفِّكُمْ تَتَخَلَّوْا وَ يُخْرِجْ أَمْوَالَكُمْ (۳۷)

۳۵- پس سست نشوید، و (کافران را) نه صلح دعوت مکنید، که شما برتر (از آنها) هستید، و خداوند با شماست، و هرگز چیزی از ثواب اعمالتان کاسته نمی‌شود.

۳۶- همانا زندگی دنیا بازی و هوسرانی بیش نیست، و اگر اعیان بیاورند و

برهیزگار باشید بازائش اعمالتان به شما داده می شود و از اموال شما چیزی خواسته نمی شود.

۳۷- چون اگر هر زمانی از اموال شما خواسته شود و اصرار نماید، بجز می ورزید و عصب شما را اشکار می سازد.

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُكُمْ أَغْمَالَكُمْ﴾ یعنی از اعمالتان کم نمی شود.

﴿وَلَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالُكُمْ﴾ اِنْ يَسْأَلُكُمْ هَا فَيُحَقِّقْكُمْ تَبَخَّلُوا ﴿ یعنی اگر در نزد شما مالی ببینند و چیزی از آن درخواست کنند بخل می ورزید ﴿وَيُخْرِجُ أَضْغَانَكُمْ﴾ دشمنی که در سینه هایتان دارید.

ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلْ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَخْشَىٰ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَدِلُّ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ (۳۸)

۳۸- آری، شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خداوند هر خوانده می شوید، پس بعضی از شما بخل می ورزید، و هر کس بخل بورزد همانا به خودش بخل ورزیده است، و خداوند می نیاز است و شما فقیر و محتاج هستید، و اگر سرپیچی کنید (خداوند) گروه دیگری را بجای شما می آورد سپس آنها همانند شما نخواهند بود (و در راه خدا انفاق خواهند کرد).

﴿ها أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ﴾ معنای «اَنْتُمْ یا هَؤُلَاءِ» شما یا آنها است.

﴿تُدْعَوْنَ لِتَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ - تا - وَإِنْ تَتَوَلَّوْا﴾ یعنی از ولایت

امیرالمؤمنین (علیه السلام).

«يَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» آنها را داخل در این امر ایمان که همان ولایت  
 امیرالمومنین علی علیه السلام می کند.  
 «ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» یعنی در دشمنی و اختلاف و ظلم و ستم شما با آل  
 محمد علیهم السلام <sup>۱</sup>.

یعقوب بن قیس روایت می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: ای فرزندان قیس  
 معنای آیه «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» یعنی  
 فرزندان موالی آزاد شده <sup>۲</sup>.

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۸۵؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۲۳

۲. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۷۴؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۶

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

# تفسیر سورة فتح

۴۸ - سورة فتح در مدینه

نازل شده و دارای ۲۹ آیه

است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا (۱)

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَيُمْسِكْ بِعِصْمَتِهِ عَلَيْكَ وَيُهْدِيكَ

صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲)

۱- همانا ما برای تو پیروزی آشکاری نمودیم.

۲- تا خداوند گناهان گذشته و آیندهات را (که به تو نسبت می‌دهند)

ببازردد، و معشیت را بر تو تمام کند و تو را به صراط مستقیم هدایت نماید.

## صلح حدیبیه

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾

این سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: سبب نزول این آیه و این فتح چنان بود که خدای عزوجل رسول گرامی خود را در رؤیا دستور داده بود که داخل مسجد الحرام شود و در آنجا طواف کند، و با سر تراشان، سر بتراشد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله این مطلب را به اصحاب خود خبر داد، و دستور داد تا با او خارج شوند.

همین که به ذو الحلیفه (مسجد شجره) رسیدند، احرام عمره بسته، و

قربانی با خود حرکت دادند، رسول خدا ﷺ هم شصت و شش قربانی با خود حرکت داد، در حالی که به احرام عمره تلبیه گفتند، و قربانیان خود را با جل و بی جل حرکت دادند.

از سوی دیگر وقتی قریش شنیدند که آن جناب به سوی مکه حرکت کرده، خالد بن ولید را با دو یست سواره فرستادند، تا بر سر راه آن جناب کمین کند، و منتظر رسیدن آن جناب باشد. خالد بن ولید از راه کوهستان پا به پای لشکر آن جناب می آمد. در این بین رسول خدا ﷺ و اصحابش به نماز ظهر ایستادند، بلال اذان گفت، و رسول خدا ﷺ به نماز ایستاد. خالد بن ولید به همراهان خود گفت: اگر همین الان به ایشان که سرگرم نمازند حمله کنیم همه را از پای در خواهیم آورد. چون من می دانم که ایشان نماز را قطع نمی کنند، و لیکن بهتر است که در این نماز حمله نکنیم، صبر کنیم تا نماز دیگرشان برسد که از نور چشمشان بیشتر دوستش می دارند، همین که داخل آن نماز شدید حمله می کنیم در این بین جبرئیل بر رسول خدا ﷺ نازل شد، و دستور نماز خوف را آورد که می فرماید: ﴿وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقِمْ لَهُمُ الصَّلَاةَ ...﴾ \* این آیه در سوره نساء است که خبر نماز خوف در آنجا ذکر شد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: فردای آن روز رسول خدا ﷺ به حدیبیه رسید، و آن جناب در بین راه اعرابی را که می دید دعوت می کرد تا به آن جناب بپیوندند، ولی احدی به وی نپیوست، و از در تعجب می گفتند: آیا محمد و اصحابش انتظار دارند داخل حرم شوند با اینکه قریش با ایشان در داخل شهرشان نبرد کرده و به قتلشان رساندند و ما یقین داریم که محمد و اصحابش هرگز به مدینه بر نمی گردند.

هنگامی که رسول خدا ﷺ در حدیبیه نزول فرمود قریش هم به دو بت



بزرگ جود لات و عزى قسم ياد نمودند که نگذارند پيغمبر و اصحابش داخل مکه شوند، آن حضرت مردى را به سوى قریش فرستاد که من براى جنگ نيامده‌ام، آمده‌ام که اعمال حج را به حاکم آورم و قربانى خود را ذبح نمايم شما را با اعتقاداتتان رها کرده‌ام.

آنها عروه بن مسعود ثقفى را که شخص عاقلى بود و همان کس است که مى گفتند چرا به او وحى نمى رسد چنانچه پروردگار حکايت قول آنها مى کند و مى فرمايد: ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ﴾<sup>۱</sup> به سوى حضرتش فرستادند چون عروه حضور پيغمبر رسيد عرض کرد: اى محمد ﷺ قوم تو را رها کردم در حالیکه آنها مسلح به اسلحه شدند و قسم ياد کردند به لات و عزى که نگذارند شما داخل مکه بشويد زيرا مکه شهر آنهاست نگهبانانى را داشته اند هرگاه نزديک شويد به شما و اصحاب حمله نمايند.

رسول اکرم ﷺ فرمود: من براى جنگ نيامده‌ام مى خواهم اعمال حج را بجا آورم و برگردم و کارى به آنها ندارم.

عروه گ: - به خدا قسم نديدم مثل امروز کسى را که قریش باز دارند از داخل شدن مکه چنانچه شما را باز داشته اند و به سوى آنها برگشت و قریش را از فرموده پيغمبر خبر داد، آنها گفتند اگر آن حضرت داخل مکه شود عربها مى شنوند و بر ما جرات پيدا مى کنند و ما را خوار و ذليل مى شمارند؛ پس حفص بن احنف و سهيل بن عمرو را حضور پيغمبر فرستادند. چون نظر آن حضرت به آن دو نفر افتاد فرمود: اى قریش و اى بر شما، من همراهان خود را

۱ زحرف، آيه ۳۱ و گهتند اين قرآن چرا بر مردى بزرگ از ميان يکى از اين دو شهر (مکه و طائف) نازل شد<sup>۱۳</sup>

از جنگ کردن با شما بازداشتم، مرا با عرب واگذارید، اگر راستگو باشم ملک و پادشاهی را با پیغمبری می گیرم و چنانچه دروغگو باشم کفایت کند شما را شما تئیکه عربها به من می کنند، امروز خطای مرا کسی از قریش بازخواست نکند خداوند غضب خودش را بر قریش فرود آورد چرا به حرفهای من گوش نمی کنند و مانع من می شوند که داخل مکه بشوم.

آنها عرض کردند: امسال شما داخل نشوید تا بدانیم کار شما با عربها به کجا می کشد، زیرا عربها آمدن شما را به مکه شنیده اند اگر داخل شهر ما بشوید عربها بر ما جرئت پیدا کرده و ما را خوار و ذلیل می گردانند سال آینده در این ماه سه روز را برای شما خلوت می کنیم تا با اصحاب تشریف بیاوری و اعمال حج را انجام دهی و مراجعت نمائی. مشروط بر اینکه هر کس از طرف ما حضور شما آمد آن را برگردانید و ما هم مسلمانانی که به جانب ما آیند آنها را برمی گردانیم.

پیغمبر فرمود: هر کس از مردان ما نزد شما آیند حاجتی نیست او را به ما برگردانید لکن مسلمین مکه را باید در اظهار کردن اسلام آزاد بگذارید و آنها را اذیت و آزار ننمائید و آنچه را از احکام و شریعت بجا می آورند ممانعت نکنید.

قریش با این شروط حاضر شدند با پیغمبر صلح کنند اصحاب آن حضرت راضی به صلح نشدند مخصوصا عمر که بسیار برای جنگ پافشاری می کرد، به پیغمبر گفت: ای رسول خدا ﷺ مگر ما بر حق و دشمنانمان بر باطل نیستند؟

آن حضرت فرمود: چرا!

عرض کرد: پس چگونه ما را در دین خود ذلیل و خوار می کنید؟ آیا

نفرمودید که ما داخل مسجد الحرام می شویم؟

پیامبر ﷺ فرمود: خداوند به من وعده داده و هرگز خلف وعده نمی فرماید اگر چهل نفر مرد مسلمان واقعی و از جان گذشته داشتیم با آنها جنگ می کردیم.

سهیل بن عمرو و حفص بن احنف به سوی قریش برگشته و خبر صلح را به آنها گفتند.

عمر گفت: ای رسول خدا ﷺ آیا به ما نفرمودی وارد مسجدالحرام می شویم و با حاجیان اعمال را انجام می دهیم؟

پیامبر ﷺ فرمود: آیا امسال وعده آن را دادم؟ من به شما گفتم: همانا خداوند عزوجل به من وعده داده که مکه را فتح می کنم و با حاجیان طواف و سعی را به جا می آورم. چون بر آن حضرت زیاد انتقاد کردند فرمود: اگر صلح را قبول نمی کنید پس با آنها جنگ کنید.

چون برای جنگ حرکت کردند دیدند که قریش هم برای جنگ آماده است چون اصحاب پیش رفتند به یک حمله قریش مفتوحانه متواری شدند. اصحاب حض. پیر پیغمبر برگشتند آن حضرت تبسمی نمود و به آنها فرمود. یا علی شمشیر را بردار و جلوی قریش را بگیر.

امیرالمؤمنین (ع) مسلح شده و بر قریش حمله کرد. چون آن حضرت را مشاهده کردند فرار نموده و گفتند: یا علی مگر پیغمبر از پیمان بستن صلح پشیمان شده است؟

حضرت علی (ع) فرمود: خیر اصحاب با حالت خجالت و شرمندگی حضور پیغمبر رسیده و عذر خواهی می نمودند پیغمبر به آنها فرمود: آیا در جنگ بدر مشاهده نکردید چگونه پروردگار فرشتگانی را از آسمان فرو

فرستاد تا به یاری شما آمدند ﴿إِذْ تَسْتَعِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفَلِيقِ مِنَ الْمُلْكِ مُرْدِفِينَ﴾<sup>۱</sup> ای ابر جنگ احد شما را یاری نکرد  
 ﴿إِذْ تَصْعِدُونَ وَلَا تُلَوُّونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ﴾<sup>۲</sup> و شما را  
 در فلان روز و فلان روز یاری نفرمود؟ آنها همچنان عذر می‌خواستند و از  
 کرده خود پشیمان و نادم بودند. پیامبر ﷺ فرمود: فعلا پروردگار صلاح و  
 مصلحت نمی‌بیند که شما با قریش جنگ کنید.

حفص بن احنف و سهیل بن عمرو به نزد رسول خدا ﷺ برگشته و عرض  
 کردند: ای محمد قریش با شروطی که فرمودید موافقت نمودند که پیمان صلح  
 ببندند.

پیغمبر اکرم ﷺ امیر المؤمنین را طلب نمود و به او دستور داد تا نامه‌ای  
 به طریق ذیل مرقوم بدارد «بسم الله الرحمن الرحيم» سهیل بن عمرو گفت: ما  
 رحمن را نمی‌شناسیم آن چیزیکه پدرانت می‌نوشتند بنویس «یا اسمک اللهم»  
 پیغمبر فرمود: یا علی این کلمه را بنویس که این نیز از اسماء خداوند است.  
 امیر المؤمنین پس از نام پروردگار مرقوم داشت: «این صلح نامه‌ای میان  
 محمد رسول خدا ﷺ و قریش است».

سهیل گفت: اگر ما علم داشتیم که شما رسول خدا هستی با حضرت جنگ  
 نمی‌کردیم آیا از نسبت ابا داری بنویس «این صلح نامه‌ای میان محمد بن عبد

۱. انعام، آیه ۹: (باد کنید) هنگامی را که (در حال مشاهده دشمن تا دیدن مسلح با دعا و  
 داری) از پروردگارتان یاری خواستید، و او درخواست شما را اجابت کرد که من مسلماً شما را با  
 هراز فرشته که پی در پی تارل می‌شوند، یاری می‌دهم.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۳: (ای پیامبر!) پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم جوی شدی،  
 و اگر درشت جوی و سخت دل بودی از پیرامون پراکنده می‌شدی بپایایی از آنان گذشت کن، و  
 برای آنان آمرزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن  
 زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد.

اللّٰهُ وَ...

آن حضرت فرمود: من رسول خدا هستم اگر چه شما اقرار ندارید یا علی  
اسم رسول اللّٰه را پاک کن و محمد بن عبدالله را بنویس.  
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای رسول گرامی من هرگز اسم شما را از نبوت  
پاک نمی‌کنم.

پس پیغمبر با دست مبارک خودش آن را پاک کرد.

امیر المؤمنین علیه السلام نوشت: این صلح‌نامه‌ای است که میان محمد بن عبد  
الله صلی الله علیه و آله و طایفه‌ای از قریش و سهیل بن عمرو منعقد می‌شود شرط اول باید  
تا ده سال جنگ نکنند، و طرفین به یکدیگر ظلم و ستم ننمایند، و میان آنها  
دوری باشد تا از تعرض به هم مصون بمانند، و هر کس بخواهد داخل دین  
محمد بشود مجاز و مختار است و اگر بخواهد در طریقت قریش بماند مجاز  
است و هر کس از قریش بدون اجازه سرپرست خود وارد بر محمد بشود او  
را بطرف قریش برگرداند و هر کس از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله بجانب قریش برود  
او را برنگردانند و اسلام در شهر مکه ظاهر و آشکار و علنی باشد و مسلمانان  
را مجبور نکنند که از اسلام دست بکشند و متعرض هیچ مسلمانی نشوند، در  
اجراء احکام اسلام مسلمانان را اذیت و آزار نکنند، محمد و اصحابش این  
سال برگردند و سال آینده داخل مکه شوند و تا سه روز آنجا بمانند به شرط  
آنکه با خود سلاح حمل نکنند مگر سلاحی که مرسوم است عربها در  
مسافرت همراه خود بر می‌دارند. این صلح‌نامه را امیر المؤمنین مرقوم داشته  
و مهر کرد و مهاجر و انصار نیز مهر نمودند و به قریش دادند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی تو ابا دأستی از اینکه اسم مرا از  
صدر عهدنامه محو نمائی به آن خدائی که مرا به حق فرستاده فرزندان همین

قریش در روز صفین با تو چنین معامله‌ای انجام دهند و تو آن روز مظلوم و ستم‌دیده باشی.

چون در جنگ صفین معاویه و یارانش راضی به حکم شدند صلح نمودند اصحاب امیر المؤمنین نوشتند «این صلح نامه‌ای است میان امیر المؤمنین و معاویه بن ابی سفیان».

عمر و عاص گفت: اگر ما تو را امیر المؤمنین می‌دانستیم با تو جنگ نمی‌کردیم بنویس «این صلح نامه‌ای است میان علی بن ابیطالب» آن حضرت فرمود راست فرمود رسول خدا خبر داد مرا به این موضوع در روز صلح حدیبیه با قریش.

چون صلح نامه را می‌نوشتند خراجه بلند شد و گفت: من در عهد و پیمان محمد رسول خدا ﷺ هستم. بنوبکر نیز بلند شد و گفت: من در عهد و پیمان قریش هستم.

صلح نامه را در دو نسخه نوشتند یکی را حضور پیغمبر تقدیم نمودند و دیگری را به سهیل و حفص دادند. آن دو به نزد قریش رفته و جریان را گفتند. رسول خدا ﷺ به اصحابش فرمود: قربانیهای خود را ذبح کنید و سرها را بتراشید و از احرام بیرون آئید.

بعضی از آنها امتناع کرده و گفتند چگونه قربانی کنیم و حال آنکه طواف و سعی بین صفا و مروه به جا نیاورده‌ایم.

رسول خدا ﷺ از سخنان آنها غمگین و ملول شد و به ام سلمه ناراحتی خویش را اظهار کرد.

ام سلمه گفت: یا رسول الله! شما خودت قربانی کن، و سر بتراش، رسول خدا ﷺ چنین کرد، مردم هم در بین یقین و شک و دو دلی قربانی کردند.

آن حضرت به خاطر تعظیم نحر فرمود: خداوند رحمت کند سر تراشیدگان را، جمعی عرض کردند بعضی از ما قربانی همراه خود نیاورده‌اند، پیغمبر مجدداً فرمود: خداوند رحمت کند کسانی که سر بتراشند هر چند قربانی همراه نیاورده‌اند. حضورش عرض کردند بعضی تقصیر کرده‌اند مرتبه سوم فرمود خداوند رحمت کند مقصرین را و پس از خارج شدن از احرام به طرف مدینه حرکت نمودند و در قریه تنعیم منزل کردند و زیر درختی فرود آمدند، آنهایی که منکر صلح و قربانی و سر تراشیدن بودند اظهار پشیمانی کرده و عذر خواستند و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تقاضا نمودند برای آنها استغفار و طلب آمرزش بفرماید در آن هنگام حبرئیل نازل شد و آیه رضوان را آورد ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾ منام خداوند بخشنده و مهربان، همانا ما برای تو پیروزی آشکاری نمودیم، تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را (که به تو نسبت می‌دهند) بیامورزد، و نعمتش را بر تو تمام کند و تو را به صراط مستقیم هدایت نماید.<sup>۱</sup>

عمر بن یزید بیاع سابری گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾ سوال کردم که چه معنا دارد؟ فرمود: ایشان گناهی نداشتند، حتی تصمیم بر گناهی را هم نگرفتند، و لیکن خدای تعالی گناهان شیعه‌اش را بر او حمل کرد، و آن گاه آمرزید<sup>۲</sup>

۱ بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۳۲۷؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۴۸۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۲۸  
 ۲ بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۷۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۲۹۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۳۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۲

هُوَ الَّذِي أَنزَلَ الشَّكَاكِبَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرْتَدَّذُوا إِيْمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيماً حَكِيماً (۴)

لِيُذْجِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جُنَاتٍ تَخْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ يُكَفِّرُ عَنْهُمْ سُبُوتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ قُورْأً عَظِيماً (۵)

وَ يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ الطَّاغِينَ بِاللَّهِ صُورَ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا (۶)

وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَكِيماً (۷)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِيراً (۸)

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُعَزِّزُوهُ وَ تُوقِرُوهُ وَ تُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً (۹)

۴- دوست کسی که سکنه و آرامش را در دلهای مؤمنان مازل می‌کند، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند، و برای خداوند لشکرهای آسمانها و زمین است، و خداوند دانا و حکیم است.

۵- تا مردان و زنان مومن را در باغ‌هایی از بهشت وارد کند که از ریز درختانش سهرها جاریست، همیشگی در آن می‌ماند، گناهانشان را می‌آمرزد، و این مرد خداوند رستگاری بزرگ است

۶- (خداوند) مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک و کسانی که به خداوند گمان بد دارند را عذاب می‌کند، حوادث ناگوار را برای آنهاست، و خداوند بر آنها عصب می‌کند، و از رحمت خودش دور می‌گرداند، و جهنم را برای آنها آماده می‌کند که چه سرانجام بدی است

۷- و برای خداوند لشکرهای آسمانها و زمین است، و خداوند عزیز و حکیم است



۸- همانا ما تو را گواه و شارب دهنده و نثار کننده (به سوی مردم)

فرستادیم.

۹- یا نه خداوند و رسولش ایمان بیاورید، او را یاری کنید و سرگش بدارید،

و هر صبح و شام تسبیحش را بگویند.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ - تَا - وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ آنها کسانی

هستند که با رسول خدا ﷺ مخالفت نورزیدند و منکر صلح هم نشدند

سپس فرمود: ﴿لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ - تَا - الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ الشَّوْءِ

عَلَيْهِمْ ذَاتِرَةُ الشَّوْءِ﴾ اینها کسانی هستند که صلح را منکر شدند و رسول

خدا ﷺ را متهم نمودند.

﴿وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَزِيْرًا حَكِيْمًا﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا

وَنَذِيرًا﴾ و خداوند بر آنها غضب می کند، و از رحمت خودش دور می گرداند،

و جهنم را برای آنها آماده می کند که چه سرانجام بدی است. و برای خداوند

لشکرهای آسمان ها و زمین است، و خداوند عزیز و حکیم است، همانا ما تو را

گواه و بشارت دهنده و انذار کننده (به سوی مردم) فرستادیم.

سپس با خطاب عطف بر اصحاب آن حضرت نموده و فرمود: ﴿لِتُؤْمِنُوا

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ﴾ تا به خداوند و رسولش ایمان بیاورید، او را

یاری کنید و بزرگش بدارید.

سپس خداوند عطف بر خودش کرده و فرمود: ﴿وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيْلًا﴾

که عطف بر قول ﴿لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ﴾ است.

إِنَّ الَّذِينَ يُنَاصِبُونَكَ إِنَّمَا يُنَاصِبُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فِيمَا

يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُتُّهُ أُخْرًا عَظِيمًا (١٠)  
 سَيَقُولُ لَكَ الْمُحَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شِعْلُتْنَا آمَالًا وَأَهْلُونا مَا شِئْنَا لَمَّا  
 يَقُولُونَ بِآلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ  
 أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نِعْمًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (١١)

بَلْ طَسَّيْتُمْ أَنْ لَنْ يَتَغَيَّبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَتَدَّ وَرَيْتَ دِيكَ فِي  
 قُلُوبِكُمْ وَطَسَّيْتُمْ ظَنَّ السُّوءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا تَوْرًا (١٢)

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا (١٣)  
 وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْيُرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعْذِبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ  
 اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (١٤)

سَيَقُولُ الْمُحَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَائِمٍ لِنَأْخُذْهَا ذُرُوبًا نَنْتَعِزُّكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ  
 يُتَدَلَّوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ نَلْ  
 نَخْشَدُوكُمْ نَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (١٥)

قُلْ لِلْمُحَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي نَأْسٍ شَدِيدٍ تُغَايِرُونَهُمْ أَوْ  
 يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْذِنَكُمْ اللَّهُ أُخْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كُنَّا تَوَلَّيْكُمْ مِنْ قَبْلِ  
 يُعْذِبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (١٦)

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ  
 وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ  
 يُعْذِبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا (١٧)

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ  
 فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (١٨)

وَمَغَائِمٍ كَثِيرَةٍ بِأَخْذِهَا وَكَانَ اللَّهُ غَزِيرًا حَكِيمًا (١٩)  
 وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَائِمَ كَثِيرَةٍ تَأْخُذُهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَدْيًا وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ

عَنكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۲۰)  
وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرًا (۲۱)

۱۰- همانا کسانی که یا تو بیعت می‌کنی در حقیقت با خداوند بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست آنهاست، پس هر کس پیمان شکنی کند فقط بر زبان خودش پیمان شکسته است، و هر کس به آنچه که با خدا عهد و پیمان بسته وفا نماید بزودی اجر بزرگی به او خواهد داد

۱۱- بزودی اعراب نادیده‌شین به تو می‌گویند به اموال و خانواده‌ها ما مشغول شدیم (و نتوانستیم در سفر حدیبیه با تو باشیم)، برای ما طلب آمرزش کن، به زبان می‌گویند آنچه را که در دل‌هایشان نیست، (به آنها) بگو، پس چه کسی می‌تواند شما را در برابر خداوند حفظ نماید اگر خداوند بخواهد به شما ضرری برساند، یا اگر نفسی برساند (مانع گردد)؟ بلکه خداوند به آنچه که انجام می‌دهید آگاه است.

۱۲- بلکه شما پنداشتید که پیامبر و مومنان هرگز به سوی خانواده‌ها باز نمی‌گردند، و این خیال (باطل) در دل شما حلوه یافته بود، و شما گمان بدی کردید، و شما گروهی در خور هلاکت هستید.

۱۳- و هر کس به خدا و رسولش ایمان بیاورد، که ما برای کافران آتش دوزخ را آماده کرده‌ایم.

۱۴- و ملوک آسمانها و زمین از برای خداست، هر کسی را که بخواهد می‌آمزد و هر کسی را که بخواهد عذاب می‌کند، و خداوند امر رانده و مهربان است

۱۵- هنگامی که شما برای بیعت آوردن عنایم حرکت کنید، تحلف

کشدگان (از حدیبه) می‌گیرید نگذارید ما همه با شما هستیم، آنها می‌خواهند که کلام الهی را تعبیر بدهند بگو: شما هرگز راه به دنبال ما بیایید، یحیی حدادود از قبل فرموده است. پس بزودی می‌گویند: بلکه شما به ما حسد می‌ورزید و جرعه کمی از آنها نمی‌فهمید.

۱۶- به مارانانگان از اعراب بگو به رودی به سوی قوم شجاع می‌روند برای جنگ دعوت می‌شوید و با آنها پیکار می‌کنید یا به اسلام واردشان نمایند که اگر اطاعت کند حدادود اجر بیکویی می‌دهد و اگر پشت کنید (و به جنگ بروید) همچنانکه قبل از این مخالفت کردید شما را به عذاب دردناکی کبیر می‌دهد.

۱۷- بر شخص نابینا و لنگ و مریض (برای برفتن به جنگ) گاهی بیست، و هر کس از حدادود و رسولش پیروی کند وارد نواح‌های بهشتی می‌شود که از زیر درختانش بهرها جاری است و هر کس پشت کند (و از حدادود و رسولش اطاعت نکند) با عذاب دردناکی کبیر می‌شود.

۱۸- به تحقیق حدادود از مومنانی که زیر درخت ماتو بیعت کردند راضی و خوشود گشت، پس از راز دل‌های آنها آگاه بود و لذا وقار و آرامش را بر آنها بارل کرد و پیروزی نزدیکی پاداش آنها قرار داد.

۱۹- و (بیر) عیبتهای فراوانی که بدست می‌آورد، حدادود غریب و حکیم است.

۲۰- حدادود به شما وعده داد که عیبتهای بسیاری بدست می‌آورد، پس این را برای شما رودیر فراهم صاحب، و دست تعدی مردم (کافر) را بر شما کوتاه کرد، با نشانه‌ای از برای مومنان باشد و شما را به صراط مستقیم هدایت کند.

۲۱- و (بیر وعده) عاتم دیگری به شما داد که توانایی بدست آوردن آن را

ندارید ولی قدرت خداوند احاطه به آن دارد، و خداوند بر هر چیزی

تواناست

در بیعت رضوان نازل شد ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ و با آنها شرط کرد که بعد از این هر عملی که رسول خدا ﷺ انجام دهد منکر آن نشوید و آنها را به هر چیزی که امر نمود مخالفت ننمایند و خداوند عزوجل بعد از نزول آیه فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِهُ اللَّهُ فَمَا لِيُبَدِّلَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ با این شرط از آنها راضی شد که بعد از این به عهد و پیمان خداوند وفا کنند و آن را نقض ننمایند که با این عهد خداوند از آنها راضی شد که به تمقیق اول آیه بیعت رضوان نازل شد و بعد از آن آیه شرط آمد.

سپس اعرابی را که با رسول خدا ﷺ مخالفت ورزیدند را ذکر کرده و فرمود: ﴿سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا - تَا - وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا﴾ یعنی شما گروهی بد هستید که در حدیبیه خودتان را کنار کشیدید

هنگامی که رسول خدا ﷺ از حدیبیه به مدینه برگشت غزوه خیبر پیش آمد مخالفین از پیامبر اجازه خواستند که ما آن حضرت بروند خداوند عزوجل فرمود: ﴿سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا - تَا - لَا يَقْتُهِونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ هنگامی که شما برای بدست آوردن غنایم حرکت کنید، تخلف کنندگان (از حدیبیه) میگویند: بگذارید ما هم با شما دیاتیم، آنها میخواهند که کلام الهی را تغییر بدهند. بگو: شما هرگز نباید به دنبال ما

بیانید، اینچنین خداوند از قبل فرموده است. پس بزودی می‌گویند: بلکه شما به ما حسد می‌ورزید و جز عده کمی از آنها نمی‌فهمند.

سپس فرمود: ﴿قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدُّعُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ ۚ وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا نَبَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ به بازماندگان از اعراب بگو: به رودی به سوی قومی شجاع و نیرومند برای جنگ دعوت می‌شوید و با آنها پیکار می‌کنید یا به اسلام واردشان نمائید که اگر اطاعت کنید خداوند اجر نیکویی می‌دهد و اگر پشت کنید (و به جنگ نروید) همچنانکه قبل از این مخالفت کردید شما را به عذاب دردناکی کیفر می‌دهد.

پس خداوند رخصت در جهاد داد و فرمود: ﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ هر شخص نابینا و لنگ و مریض (برای نرفتن به جنگ) گناهی نیست، و هر کس از خداوند و رسولش پیروی کند وارد باغ‌های بهشتی می‌شود که از زیر درختانش نهرها جاری است.

سپس فرمود: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ و هر کس پشت کند (و از خدا و رسولش اطاعت نکند) با عذاب دردناکی کیفر می‌شود.

سپس فرمود: ﴿وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ﴾ یعنی فتح خیر ﴿وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ تا نشانه‌ای از برای مومنان باشد.

سپس فرمود: ﴿وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ و (نیز وعده) غنائم دیگری به شما داد که توانائی بدست آوردن آن را ندارید ولی قدرت خداوند احاطه به آن دارد، و خداوند بر هر چیزی تواناست.

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّيَدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِطَلْعِ مَكَّةَ مِنْ تَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ نَصِيرًا (۲۴)

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَنكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجْلَهُ وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَؤُوهُمْ فَيَنْصَبِكُمْ بَيْنَهُمْ مَعْرَةً يَبْتَغِي غِلْمَ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مِنْ يَسَاءَ لَوْ تَرَيتُمُ لَعَدَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۲۵)

۲۴- و او کسی است که دست آنها را از شما و دست شما را از آنها در دل (داخل) مکه بعد از آنکه بر آنها پیروز شدید کوتاه کرد، و خداوند ندانچه که انجام می دهید بیناست.

۲۵- آنها کسانی بودند که کافر شدند و شما را از مسجد الحرام و رسیدن قربابها بپتان به قربانگاه مانع شدند، و اگر مردان و زنان مومنی در این بین بدون آگاهی شما در ربر دست و پا از بین می رفتند که ماحواسته عیبی به شما می رسید (که اگر به جنگ می پرداختید دین آنها به گردن شما می افتاد)، خداوند هر کسی را که بخواهد در رحمت خود وارد کند، اگر مومنان و کافران (در مکه) از یکدیگر جدا می بودند کافران را به عذاب دزدان گرفتار می ساختیم

﴿وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّيَدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِطَلْعِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ﴾ یعنی بعد از اینکه از مدینه قصد حرم را نمودید و قریش درخواست صلح با شما را کردند بعد از اینکه در مدینه با شما جنگ کرده بودند قبل از اینکه شما از آنها درخواست صلح کنید آنها از شما درخواست صلح نمودند<sup>۱</sup> سپس خداوند پیامبرش را از علت صلح و از آنچه که به آن حضرت اجازه

داده آگاه کرده و فرمود: «هُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلُّهُ وَلَوْ لَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ \* یعنی به مکه

«لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَؤُهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ \* پس خداوند علت صلح را به پیامبرش چنین فرمود که چون زنان و مردان مومن در مکه بودند و اگر صلحی بر قرار نمی شد در هنگام جنگ قریش آنها را می کشتند، اما هنگامی که صلح بر قرار شد آنها در امان بوده و اسلامشان را ظاهر کردند، و گفته می شود که آن صلح پیروزی از غلبه یا جنگ بر قریش بیشتر بود»<sup>۱</sup> سپس فرمود: «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا \* یعنی زنان و مردان مومینی که در مکه هستند؛ یعنی اگر مومنان از کافران جدا بودند و از میانشان بیرون می رفتند «لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا \* کسانی که کافر شده اند به عذابی دردناک گرفتار می ساختیم»<sup>۲</sup>

### سب امتناع علی علیه السلام از دشمنان

روایت است که مردی حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: آیا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دین خدا قوی نبود؟  
فرمود: بلی!

عرض کرد: پس چگونه منافقین بر حضرتش غالب شدند و آن بزرگوار در صدد منع و دفع آنها برنیامد؟  
فرمود: آیه ای از قرآن مانع آن حضرت شد.

۱ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۰۵؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۵؛ تفسیر پوهان، ج ۷، ص ۲۴۰

۲ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۰۵



عرض کرد: کدام آیه؟

امام صادق علیه السلام آیه «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً» را قرائت کردند، برای اینکه پروردگار در اصلاّب کفار و منافقین مؤمنانی به ودیعه گذاشته بود، امیر المؤمنین کفار و منافقین را به قتل ترسانید به خاطر فرزندان مؤمنیکه در اصلاّب آنها بود تا ایشان از صلب آنها بیرون آمدند، همچنین وجود مقدس حضرت ولی عصر روحی و روح العالمین لتراب مقدمه الفداء خروج نکند و ظاهر نشود تا مؤمنانیکه در اصلاّب کفار هستند بیرون آیند وقتی خارج شدند آن حضرت ظهور می کند و کفار را به قتل می رساند<sup>۱</sup>

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْخِيَةَ خِيَةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكَبْتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالرَّهْمُ كَلِمَةُ التَّوْحِيدِ وَكَانُوا أَخْقَ بِهَا وَأَقْلَمَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً (۲۶)

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحاً قَرِيباً (۲۷)

۲۶ - هنگامی که کافران در دل های خود حسم و بغرت جاهلیت داشتند و خداوند وقار و آرامش خود را بر رسولش و مومنان نازل فرمود، و آنها را به کلمه تقوا ملازم کرد که آنها سرافرازتر و اهل آن بودند، و خداوند به هر چیزی داناست.

۲۷ - به تحقیق خداوند آنچه را در عالم رویا به رسولش نشان داد راست بود، که اگر حلا بجواید شما با امتی وارد مسجد الحرام می شوید در

۱ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۴۲۸؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۰۵؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۰؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۲۲

حالی که سرهایشان را براشیده و با کوناه کرده و از هیچ کسی ترس و وحشتی نخواستند داشتند، و خداوند آنچه را که می‌دست شما

می‌دانستد، و قبل از آن پیروزی بر دیگری برای شما قرار داد

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ﴾ یعنی قریش و سهیل بن عمرو هنگامی که به رسول خدا ﷺ عرض کردند: ما رحمان و رحیم نمی‌شناسیم و گفتند که اگر ما علم داشتیم که شما رسول خدا هستید با شما نمی‌جنگیدیم بنویس محمد بن عبد الله

﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ و در پاکی حواب رسول خدا ﷺ که دیده بود نازل شد.<sup>۱</sup>

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ یعنی فتح خبیر زیرا رسول خدا ﷺ هنگامی که از حدیبیه برگشت غزوه خبیر پیش آمد.<sup>۲</sup>

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۲۸)

مُحَمَّدٌ رَسُولَ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوَارَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۲

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۵

آمُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۲۹)

۲۸- او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق مرستاده باشد را بر همه ادیان پیروز گرداند، و کفایت می‌کند که خداوند گواه این امر باشد.

۲۹- محمد صلی الله علیه و آله مرستاده حلالست، و کسانی که با او هستند تا کفار سخت و شدید و در بین خودشان مهربان هستند، آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی که همواره فصل و ریحای الهی را می‌طلبند، اثر سجده در صورت‌هایشان نمایان است، این توصیف آنها در تورات و انجیل است، همچون راعی که حیوانه‌های نازک و ضعیف خود را خارج ساخته، و حال به تقویت آن پرداخته تا محکم و قوی گردیده و با قدرت خود ایستاده است که راعیان را به تعجب وادارد، با بدیوسینه کافران به چشم بباید، ولی کسانی از آنها را که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند خداوند به آنها آموزش و اجر بزرگ وعده داده است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ \*

و مراد از دین حق امام است که خداوند آن را ظاهر می‌کند و زمین را پر از قسط و عدل می‌نماید همچنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد و آنچه که ما ذکر کردیم تاویل بعد از تنزیل است،<sup>۱</sup> بدانکه خداوند صفات پیامبر و یاران مومنینش را در تورات و انجیل نوشته است.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ یعنی کفار

را می‌کشند و بر آنها سخت هستند و اما در بین خودشان مهربان و رحم دل می‌باشند.<sup>۲</sup>

۱- تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۰۸، تورات، ج ۵، ص ۷۶؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۶

۲- تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۴۷

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

# تفسیر سورة حجرات

۴۹ - سورة حجرات در

مدینه نازل شده و دارای ۱۸

آیه است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۲)  
إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَصَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِنَسُوتِ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۳)

إِنَّ الَّذِينَ يَتَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴)  
وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ (۵)  
۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیری را بر خدا و رسولش تقدّم ندارید، و

از خداوند بپرهیزید، همانا که خداوند شنوا و داناست

۲- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایان را بر صدای پیامبر بلند نکنید، و در مقابلش صدایان را بلندتر نکنید همچنانکه با یکدیگر صدایان را بلند می‌کنید، که اعمالتان محو و نابود می‌شود و شما نمی‌دانید

۳- همانا کسانی که صدایشان را بر دسرگ خدا کوتاه می‌کنند آنها کاسی هستند که خداوند قلب‌هایشان را با تقوی امتحان نموده است، برای آنها

آمزش و پاداش بزرگی است.

۴. کسانی که نور از پشت حجره‌ها یا صدای بلند خدا می‌رسد، بیشترشان نمی‌فهمند.

۵. و اگر آنها صبر می‌کردند تا خود توبه سراغ آنها بروی، برایشان بهتر بود، و خداوند آمرزیده و مهربان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

این آیه درباره بنی‌تمیم نازل شده است که وقتی نزد رسول خدا ﷺ می‌آمدند جلوی در حجره پیامبر ﷺ می‌ایستادند و صدا می‌کردند ای محمد پیش ما بیا، و هنگامی که رسول خدا ﷺ بیرون می‌آمد در راه رفتن از آن حضرت جلو می‌افتادند، و هنگام سخن گفتن صدایشان را از صدای آن حضرت بلند می‌کردند و می‌گفتند: ای محمد! ای محمد! درباره فلان چیز چه می‌گویی؟ و مانند خودشان با آن حضرت سخن می‌گفتند که خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾<sup>۱</sup>

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ - تا - ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ﴾ و آنها بنو تمیم بودند.<sup>۲</sup>

﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ که بیشترشان نمی‌فهمند.

سپس فرمود: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ و اگر آنها صبر می‌کردند تا خود توبه سراغ آنها بروی، برایشان بهتر

۱. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۱۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۵۲؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۰

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۸



بود، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ جَاءَكُمُ فَاسِقٌ بَنِي فَصِيحُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ  
فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ بَادِمِينَ (۶)

۶- ای کسانی که ایمان آورده‌اند، اگر فاسق برای شما خبری آورد درباره آن تحقیق کنید، مبادا که از روی نادانی به قومی آسیبی برسانید و از کار خود پشیمان گردید.

### دروغ بستن بر ماریه قبطی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ جَاءَكُمُ فَاسِقٌ بَنِي فَصِيحُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ  
فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ بَادِمِينَ ۷

این آیه درباره ماریه قبطیه مادر ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ نازل شده است. علت آن این بود که چون ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ که از ماریه قبطیه متولد شده بود فوت شد، حضرت از فوت آن خیلی محزون شد، عایشه به آن حضرت گفت: چه چیز باعث حزن تو شده است؟ اگر بواسطه فوت ابراهیم است او خود فرزند تو نبود بلکه از جریح قبطی بود که همراه ماریه آمده و همیشه با او می‌باشد.

پیامبر ﷺ از شنیدن آن خشمگین شد و به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: شمشیرت را بردار و سر جریح قبطی را برایم بیاور. امیرمؤمنان علیه السلام شمشیر خود را برداشته و عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو یاد ای رسول خدا! در کاری که مرا می‌فرستی همانند آهن داغ شده‌ای باشم همان طور که امر کردی عمل کنم؟

رسول خدا ﷺ فرمود: همانطور که امر کردم عمل کن.

پس امیرالمومنین علیه السلام به طلب جریح میرون آمد و ادرس او را در میان باغی دادند و چون امیر المؤمنین به در آن باغ رسید، در باغ را رد، جریح خواست که در راه روی آن حضرت بگشاید چون آثار غضب از روی بورانی او مشاهده کرده در راه باز نکرده برگشت، حضرت از دیوار به باغ وارد شده و او را تعقیب نمود جریح فرار کرده به بالای درخت خرمایی که در آنجا بود رفت، امیرالمومنین علیه السلام چون نزدیک درخت شد فرمود: پایین بیا!

جریح گفت: ای علی! از خدا بترس اینجا کسی نیست و من آلت مردانه و زنانه ندارم، سپس کشف عورت نمود. پس امیر المؤمنین متعرض جریح نشده و او را به خدمت حضرت رسول ﷺ آورد.

رسول خدا ﷺ فرمود: ای جریح قضیه تو چیست؟

جریح گفت: ای رسول خدا ﷺ قطبی خادم و کسی را که به نزد خانواده خود می فرستد از خنثاها انتخاب می کند، و قبطیون با قبطیون انس و الفت می گیرند، پس پدر ماریه مرا برگزید که همیشه به نزد او بروم و خادم او بوده و با او انس بگیرم پس خداوند این آیه را نازل فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ سَبِيحًا»<sup>۱</sup>

عبدالله بن بکیر گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم رسول خدا ﷺ امر به کشتن قبطی داد، آیا می دانست که عایشه دروغ می گوید یا نمی دانست؟ و همانا خداوند کشته شدن قبطی را به وسیله احتیاط علی علیه السلام برطرف نمود.

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که می دانست، و اگر دستور رسول

۱. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۵۳؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۱؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۵۴

خدا ﷻ به علی از باب عزیمت و تکلیف حتمی بود، علی بر نمی گشت، مگر بعد از کشتن او و لیکن رسول خدا ﷺ این دستور را طوری داد که هم او کشته بشود و هم عایشه از گناهش برگردد، ولی از گناهش برنگشت، و از اینکه خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود هیچ باکی نکرد<sup>۱</sup>

وَاعْلَمُوا أَن فَبِكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَبْتُمْ وَلَكِن لَّاهَ حَتَّىٰ إِنَّا لَيَمَانٌ وَرَبُّهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الزَّائِدُونَ (۷)

۷- و بدانید که رسول خدا در میان شماست، که اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند خود شما به زحمت و سختی می افتید، ولیکن خدا ایمان را محبوب شما قرار داده و در دلها پتان رینت نموده است، و کفر و فسق و معصیت را منمورتان کرده است، اینها هلاکت یافته گاند

امام صادق علیه دربارۀ آیه ذیل فرمودند: «حَبَّبَ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ وَرَبُّهُ فِي قُلُوبِكُمْ» یعنی امیر المؤمنین «وَكَرَّهَ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» که فلانی و فلانی و فلانی (اولی و دومی و سومی) است.

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلَا فَأُضْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ نَفَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلَا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَبْغِيَ إِلَىٰ آلِهِ فَإِنَّ فَاتَتْ فَأُضْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۹)

۹- و اگر دو گروه از مومنان با هم به جنگ و نزاع پرداختند و میان را اصلاح کنید، پس اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز نمود با گروه تجاوزگر جنگ

کبید تا به سوی فرمان الهی بیاید، پس اگر برگشت ما عدالت ببشمار و

اصلاح بنمایید \* همانا که خداوند عدالت بیشگانی را دوست می‌درد

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْقَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ \* بدرستی که او شمشیر بر علیه اهل ستم و تاویل است.

صفص بن غیاث گوید مردی از امام صادق علیه السلام از جنگ‌های امیرالمومنین علیه السلام سوال کرد که سوال کننده از دوستان اهل بیت علیهم السلام بود. امام علیه السلام فرمودند: خداوند محمد صلی الله علیه و آله را با پنج شمشیر مبعوث نمود که سه تا از آنها آماده بوده و در غلاف نمی‌روند تا جنگ در دنیا به پایان برسد و جنگ در دنیا هرگز به پایان نمی‌رسد تا خورشید از مغرب طلوع می‌کند و چور خورشید از مغرب طلوع کرد در همان روز همه مردم در امن و امان خواهند بود، در آن روز ایمان کسی که از قبل ایمان نداشته بود هیچ خیر و سودی برای او ندارد. یکی از آن شمشیرها در هم پیچیده است و شمشیر دیگر در غلاف می‌باشد که آن را برای دیگران کشیده و حکمش ناماست.

اما آن سه شمشیر کشیده که یکی شمشیری است که بر روی مشرکان عرب کشیده شده است که خداوند متعال می‌فرماید ﴿فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُلُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا﴾<sup>۱</sup> یعنی ایمان آوردند ﴿فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ﴾<sup>۲</sup> برادران دینی شمايند.

از اينها مورد قبول واقع نمی‌شود مگر آنکه کشته گردند یا داخل در اسلام

۱. توبه، آیه ۵؛ مشرکان را هر جا یافتید، بکشید و به اسیری نگیرید و محاصره کنید و در هر کمپن گاهی به کمین آنان بنشینید ولی اگر توبه کردند.

۲. توبه، آیه ۱۱

شويد و اگر كشته شوند اموالشان به غنيمت، و زن و بچه هايشان اسير شوند چنانكه رسول خدا ﷺ آنها را اسير مى كرد يا آنها را مى بخشيد و يا اينكه در مقابل گرفتن پولى آنها را آزاد مى نمود.

شمشير دوم بر روى اهل ذمه كشيده شده است كه خداوند مى فرمايد: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾<sup>۱</sup> كه اين آيه درباره اهل ذمه نازل شده و با آيه ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾<sup>۲</sup> نسخ شده است. پس اگر كسى از اهل ذمه در سرزمين اسلامى باشد كه يا بايد جزيه بدهند و يا اينكه كشته شوند كه در اين صورت مالشان به غنيمت گرفته شده و زن و بچه هايشان به اسيرى گرفته مى شوند و اگر جزيه بدهند مال و جانشان در امان خواهد بود و ازدواج با زنانشان حلال خواهد بود و از آنها جز قبول جزيه و يا كشته شدن چيز ديگرى قبول نمى شود.

و اما شمشير سوم بر روى مشركان عجم يعنى ترك و ديلم و خزر كشيده شده است كه خداوند در اول سورة محمد ﷺ كسانى را كه كافر شده اند و قصه آنها را بيان مى كند مى فرمايد: ﴿فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا لُحِّمْتُمُوهُمُ قَتَلُوا أَوْ نَاقَ قَامًا مِّنَّا بَعْدُ﴾<sup>۳</sup> يعنى بعد از اسير

۱ بقره، آيه ۸۳: يا مردم با نيكي سخن بگوييد

۲ نوبه، آيه ۲۹: يا كسانى (از اهل كتاب) كه به خدا و رور هامت ايمان مى اوريد، و آنچه را خدا و پيامبرش حرام کرده اند، حرام مى شماريد، و دى حق را مى پذيريد، محكم كنيد با دست خود در حالى كه (سبب به احكام دولت اسلامى) متواضع و فروس آند، جزيه بپردازيد

۳ محمد، آيه ۴: و هنگامى كه با كفران (در ميدان جنگ) رو به رو شديد گردن هايشان را ببريد، يا وقتى كه دشمنان زيادى را از بين ببريد، پس از آن اسيران جنگ را محكم بستيد، بعد يا بر آنها مت بگذاريد و (از ايشان كنيد).

گرفتن از آنها \* وَاِمَّا فِدَاءٌ \*<sup>۱</sup> یعنی بعد از اسیر گرفتن یا پولی گرفته و آزادشان می کنید و یا می کشید و یا نیز داخل در اسلام شوید و بر ما ازدواج کردن با آنها مادامی که در حال جنگ با ما هستید حلال نیست.

و اما شمشیری که پیچیده شده است شمشیر اهل ستم و تاویل است که خداوند می فرماید: «وَ اِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَلَا ضَرَرٌ فِيْهِمَا فَاِنْ بَعَثْ اِحْدَاهُمَا عَلَى الْاُخْرٰى فَقَاتِلُوا الَّذِي تَبَغٰى حَتّٰى تَنْفِيءَ اِلٰى اَمْرِ اللّٰهِ \* هنگامی که این آیه نازل شد رسول خدا ﷺ فرمود: کدام یک از شما بعد از من با تاویل آیه می جنگد همچنانکه من با صریح آیه با مشرکان جنگیدم؟

سوال کردند: ای رسول خدا ﷺ او کیست؟

فرمود: او پینه زننده بر کفش یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

عمار بن یاسر گفت با رسول خدا ﷺ زیر همین پرچم سه بار با کفار و مشرکین جنگ کردم و این دسته چهارمی است که با آنها می جنگم به خدا سوگند اگر ما را عقب برانند تا به نخلستان های هجر (که از شهرهای یمن است) می دانیم که ما بر حق هستیم و آنها بر باطل

روش امیرالمؤمنین با کسانی که می جنگید همان روش پیامبر با اهل مکه در هنگام فتح آن بود، بدرستی که پیامبر زن و بچه های آنها را به اسارت نگرفت و فرمود: هر کس در خانه اش را ببندد او در امان است، هر کس سلاحش را بر زمین بگذارد او در امان است، و هر کس در خانه اوس و سفیان وارد شود او در امان است، و همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام در آن سه جنگ زن و بچه آنها را به اسارت نگرفت، فراری ها را دنبال ننمود و هر کس هم که در خانه اش را بست در امان بود.

و اما شمشیری که در غلاف است شمشیری است که با آن قصاص می کنند که خداوند می فرماید: «النَّفْسُ بِالنَّفْسِ . . . وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ» که این شمشیر را برای اولیای خون مقتول گذاشته ولی حکمش با ماست. این است شمشیرهایی که خداوند آن را با پیامبرش مبعوث فرمود که هر کس آنها را منکر شود و یا منکر یکی از آنها شود و یا چیزی از احکام و روش آنها را منکر گردد به آنچه خداوند بر محمد ﷺ نازل فرموده کافر شده است.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَلْسُنُ الْمُفْسُوقُ نَعْدُ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۱۱)

۱۱ - ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید گروهی از شما گروه دیگری را مسخره کنند، شاید گروه مسخره شونده از گروه مسخره کننده بهتر باشد، و نه زنانی را، شاید زنان مسخره شونده بهتر از مسخره کننده باشند، و هرگز یکدیگر را مورد عیبجویی قرار ندهید و با القاب رشت صنا نریند و چه بسیار بد است که بعد از ایمان روی هم دیگر بد رشت بگذارید، و کسانی که توبه نکنند از ستمکاران هستند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ﴾

۱ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۵، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶، حصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۷۴، کافی، ج ۵، ص ۱۱، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۵۹، نور الثقلین، ج ۵، ص ۸۴، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۱۹.

این آیه درباره صفیه دختر حی بن اخطب نازل شده است که زن رسول خدا ﷺ بود و علتش این بود که عایشه و حفصه او را ادیت و ارار کرده و شحاتش نموده و فحش می دادند و به او می گفتند: ای دختر یهودی! او به پیامبر ﷺ شکایت کرد، حضرت به او فرمود: آیا تو جواب آنها را ندادی؟

عرض کرد: چگونه ای رسول خدا!

فرمود: می گفتم پدرم هارون نبی خدا و عمویم موسی کلیم الله و شوهرم محمد رسول خدا ﷺ است چرا مرا مسخره می کنید  
صفیه آنچه را که از پیامبر ﷺ شنیده بود به آن دو گفت، گفتند: اینها را رسول خدا ﷺ یاد تو داده است که خداوند در این باره این آیه را نازل فرمود:  
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ - تَا - وَلَا تَتَّبِعُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا  
إِنْ أَكْثَرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَفَاكُمُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۱۳)

۱۳- ای کسانی که ایمان آورده اید، همانا ما شما را مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید، همانا گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شما هست، همانا خداوند دانا و آگاه است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾

مراد از شعوبه، ملت های غیر عرب است.

۱. بقره انفعلین، ج ۵، ص ۸۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۶۱؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۷ و ج ۷۲، ص ۱۴۴



و مراد از «قبائل» به معنای طوائف عرب است.

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ این آیه رد کیمیائی است که بر حسب و

سببشان افتخار می کنند.

رسول خدا ﷺ روز فتح مکه فرمود: ای مردم خداوند به وسیله اسلام

غرور جاهلیت و فخر به پدران و از بین برد، عربیت به پدر و مادر نیست

بلکه آن یک زبان است، هر کس به آن زبان سخن بگوید او عرب است، آگاه

باشید که شما از نسل آدم هستید و آدم نیز از خاک بود<sup>۱</sup> و گرامی ترین شما

نزد خداوند پرهیزگارترین شماهاست.<sup>۲</sup>

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِرُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ

فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلْعَنَكُمُ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ

عَزِيزٌ رَحِيمٌ (۱۴)

إِنَّهُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ

وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۱۵)

قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ

بِكُرْشِيٍّ عَلِيمٌ (۱۶)

۱۴- اعراب می گویند ما ایمان آوردیم، مگر شما ایمان نیاورداید. و لکن

می گوید اسلام آوردایم، و ایمان هر بر قلب های شما وارد نشده است، و

اگر از خداوند و رسولش اطاعت کنید چیزی از اجر اعمال شما فروگذازی

نمی کند همانا که خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۰۵

۲. نور الثقلین، ج ۵، ص ۹۶؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۲۴

۱۵- همانا مومنان کسانی هستند که به خداوند و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس شک و تردیدی به دلشان راه نداده‌اند، و در راه حق مال و جانشان جهاد کرده‌اند، ایها همان راستگویان هستند

۱۶- بگو آيا خداوند را به دینان آگاه می‌سازید؟ و در حالی که خداوند آنچه را که در آسمانها و زمین است را می‌داند و خداوند به همه چیز داناست

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾ یعنی به وسیله شمشیر اسلام آوردید.

﴿وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ و ایمان هنوز بر قلب‌های شما وارد نشده است.

﴿لَا يَلِيكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْءٌ﴾ یعنی از شما کم نمی‌کند.  
﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا﴾ یعنی شکایت نمی‌کنند.

﴿وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.<sup>۱</sup>

﴿قُلْ أَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ﴾ یعنی آیا دینتان را به خداوند یاد می‌دهید.<sup>۲</sup>

يُؤْمِنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَعْمُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۷)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ تَعَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

۱. نورالثقلین، ج ۵ ص ۱۰۳؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷۵

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۷۶

۱۷- آنها بر تو منت می گذارند که اسلام آورده اند، مگر به وسیله اسلامتان

بر من منت مگذارید، بلکه خداوند بر شما منت می گذارد که به سوی ایمان

هدایت تان نموده است اگر راستگو هستید.

۱۸- همانا خداوند غیب آسمانها و زمین را می داند، و خداوند به آنچه که

انجام می دهید پیوسته.

﴿يَتَذَكَّرُونَ عَلَيْكَ أَنْ تُسَلِّمُوا﴾

این آیه درباره عثمان در روز جنگ خندق نازل شده است که او به عمار بن

یاسر گذشت وقتی که او حفر خندق می کرد و از حفر غبار مرتفع می گردید

پس عثمان در این وقت آستین جامه خود را بر بینی گذاشت و گذشت.

عمار گفت: برابر نیست کسی که بناء مسجد کند و نماز خود را در آنجا به

جا بیارد با تمام رکوع و سجود با کسی که از غبار حفر خندق از روی کراهت

مانند معاندان و منافقان گذرد.

عثمان متوجه عقار شده گفت: یا فرزندان سپاه از این سخن مرا اراده

کرده ای؟ و از همانجا بخدمت حضرت رسول ﷺ آمده گفت: ما با تو در

اسلام داخل نشده ایم که ما را دشنام دهند.

حضرت رسول ﷺ به او فرمود: من فسخ بیعت اسلام را از تو کردم برو

هر جا که خواهی چون اسلام با نفاق سرشته بکار نمی آید، از این جهت حق

تعالی این آیه را نازل گردانید که ﴿يَتَذَكَّرُونَ عَلَيْكَ أَنْ تُسَلِّمُوا قُلْ لَا تَعْتُوا عَلَيَّ

إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَذَا كُمُ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ ای محمد بر تو

منت می نهند به اینکه ما اسلام آورده ایم، به ایشان بگو که بر من به اسلام خود

منت مگذارید بلکه خدای تعالی بر شما منت می نهد به اینکه شما را برای ایمان

به بحث دلائل واضح و حجت های باهره به راه راست هدایت نمود، اگر راستگو

باشید

﴿إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ یعنی راستگو نیستید.<sup>۱</sup>

﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ همانا

خداوند غیب آسمانها و زمین را می داند، و خداوند به آنچه انجام می دهید  
بیناست.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار ج ۹، ص ۲۳۸ و ج ۲۰، ص ۲۴۳ و ج ۳۰، ص ۱۷۳  
 ۲. تفسیر صافی ج ۶، ص ۵۲۸

## تفسیر سورة ق

۵۰ - سورة ق در مکه نازل

شده و دارای ۴۵ آیه است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (۱)

بَلْ عَجَبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲)

أِذَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ زَجَعٌ تَعِبَدٌ (۳)

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیْظٌ (۴)

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِیْجٍ (۵)

أَمْ لَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ تَنْسُبُهُمْ مُرْسَاهَا وَرِزْقُهَا وَمِنْ أَمْلَاقِهَا مِنْ فُجُوعٍ (۶)

وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رِوَابَهَا وَابْتَثَرْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ نَبِیْجٍ (۷)

۱- ق؛ و سوگند به قرآن مجید.

۲- بلکه آنها تعجب کردند که انداز کنندمای از میان خودشان آمده است و

کافران می گویند: این چیز عجیبی است.

۳- آیا هنگامی که مُردیم و خاک شدیم (بار رنده می شویم)؟ این بارگشتی

بعید است.

۴- به تحقیق ما می دانیم آنچه را که زمین از آنها می کاهد، و برد ما کتابی

است که همه چیز در آن محفوظ می باشد.

۵- بلکه آنها حق را تکذیب کردند هنگامی که به سراغشان آمد، پس آنها در

امور آشفته خود سرگردان هستند.

۶- اما آنها به اسماں بالای سرشان نمی‌نگرند که چگونه آن را ساخته‌ام و  
(به وسیله سارگان) ریت بخندیده‌ام. و هیچ شکاف و شکستی در آن  
ندارد.

۷- و من را بگسrandیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و بر هر نوع گیاه  
روح افزا در آن رویانیدیم؟

﴿ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ﴾ که ﴿ق﴾ کوهی محیط به دنیا است که در پشت  
آن یاجوج و ماجوج قرار دارند؛ بنابراین معنی چنین است که قسم به آن کوه  
عظیم.

﴿بَلْ عَجِبُوا﴾ یعنی قریش عجب داشتند.

﴿أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ﴾ یعنی رسول خدا ﷺ.

﴿فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ اِذَا مِثْلًا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ.

در باره ابی بن خلف نازل شده است. ابی بن خلف به ابوجهل گفت پیش من  
بیای تا تو را از گفته محمد به عجب آورم. آن گاه یک تکه استخوان پوسیده در  
دست گرفت و آن را خورد کرد. بعد گفت: ای محمد تو معتقدی که این استخوان  
زنده می‌شود؟ اینجا بود که خدای تعالی فرمود: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ  
فَهُمْ فِي أَمْرٍ مُرِيجٍ﴾ یعنی مختلف. سپس با آنها احتجاج نموده و برای بعث و  
نشور مثل زده و فرمود: ﴿أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بُنِيَهَا وَزَيَّنَّاها وَ  
مَالَهَا مِنْ فُرُوجٍ﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ  
بَهِيجٍ﴾ یعنی نیکو.

وَزَيَّنَّا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا جَنَاتٍ وَحَبَّ الْخَبْثِ (۹)



وَالنَّخْلَ نَاسِقَاتٍ لِّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ (۱۰)

رِزْقًا لِّلْعِبَادِ وَأَخْتَتَا بِهِ بَلَدَهُ مِثْنًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَ نُعُودُ (۱۲)

۹- و ما از آسمان آب بر برکتی باران کردیم و به وسیله آن باغها و دانه های

درو شدند و رویندیم.

۱۰- و بر بعلهای بلند حرما که میوه های متراکم و زیاد دارد

۱۱- (اینها) رزق و روری برای بندگان است، و به وسیله باران زمین مرده را

زنده کردیم، که ایچنین مردگان زنده می شوند.

۱۲- قبل از این قوم نوح و اصحاب رس و قوم نعود (پیامبرانشان را) تکذیب

کردند.

﴿قُلِّبْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ﴾ هر دانه ای درو می شود.

﴿وَالنَّخْلَ نَاسِقَاتٍ﴾ یعنی درختان خرما یی که بلند هستند.

﴿لِّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ﴾ یعنی بعضی بر بعض دیگر پیچیده شده است.

﴿رِزْقًا لِّلْعِبَادِ وَأَخْتَتَا بِهِ بَلَدَهُ مِثْنًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ﴾ جواب به گفته آنهاست

﴿أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ﴾<sup>۱</sup> پس خداوند فرمود: همچنانکه آب را از

آسمان فرو می فرستیم و گیاهان از زمین می رویند همچنین شماها بعد از

مردن از زمین میرون می آید.<sup>۲</sup>

خداوند عزوجل آنچه را که ما از هلاکت امت های گذشته تفسیر کردیم را

ذکر نموده و فرمود: ﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ﴾ و آنها کسانی

بودند که هلاک شدند چون مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می کردند و

۱. ق، آیه ۳

۲. تفسیر پرهانج ۷، ص ۲۸۰

«رَس» رودی در آذربایجان است.<sup>۱</sup>

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمٌ تُجِ كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ (۱۴)

أَفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لِسْنٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ

الْوَرِيدِ (۱۶)

۱۴- و اصحاب ايكه (امت شعیب) و قوم تبع (که در سرزمین یمن زندگی

می کردند) همه شان فرستادگان الهی را تکذیب کردند، پس وعده عذاب بر

آنان تحقق یافت.

۱۵- آیا ما در آفرینش خلق اول عاجز ماندیم (که دیگر نتوانیم روز قیامت

دوباره مردگان را زنده کنیم)؟ بلکه آنها در آفرینش خلق جدید در شک و

تردید هستند.

۱۶- و به تحقیق ما انسان را آفریدیم، و وسوسه های نفسش را می دانیم، و

ما به او از وی گردنش نزدیکتریم.

﴿أَفَعِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ﴾ یعنی در آفرینش خلق اول عاجز شدیم.

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ

الْوَرِيدِ﴾ یعنی رگ گردن.<sup>۲</sup>

﴿وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ﴾ یعنی اصحابی که در جنگل های سرسبز بودند.<sup>۳</sup>

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ (۱۹)

۱. بخارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۵۲

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۸۵

۳. تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۳۳

۱۹- و سحنی و بیهوشی مرگ به حق فرا رسید، (به آدمی گفته می شود)

این همان چیزی است که از آن فرار می کردی.

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ﴾ این چنین نازل شده است: «و جاءت سكرة

الحق بالموت».<sup>۱</sup>

﴿ذَلِكَ مَا كُنْتُمْ مِنْهُ تَحِيدُ﴾ درباره زریق (اولی) نازل شده است.

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (۲۱)

۲۱- و هر نفسی وارد محشر می شود در حالی که همراه او (فرشته ای)

حرکت دهنده و گولمی است.

﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ یعنی شهادت بر آن می دهد؛ و

«سائق» یعنی آنها را می رانند.

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (۲۳)

الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلُّ كَفَّارٍ عَنِيدٌ (۲۴)

۲۳- و فرشته همشین او می گوید این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر

است.

۲۴- (دستور می آید) هر کافر سرکشی را به دوزخ بیا فکند

﴿وَقَالَ قَرِينُهُ﴾ یعنی شیطان او گفت که همان حبتر (دومی) است.

﴿هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ﴾ این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر است.<sup>۲</sup>

﴿الْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلُّ كَفَّارٍ عَنِيدٌ﴾ که خطاب به پیامبر ﷺ و علی علیه السلام است.

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۱

۲. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۱

و آن فرمایش امام صادق علیه السلام است که فرمود: علی علیه السلام تقسیم کننده بهشت و جهنم است.<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام درباره ایه \* أَلَمْ يَأْتِ فِي جَهَنَّمَ كُلُّ كَفَّارٍ عَمِيدٍ \* فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی هنگامی که در روز قیامت در یک جا جمع نماید در آن هنگام من و تو در سمت راست عرش خواهیم بود سپس خداوند تبارک و تعالی به من و تو می فرماید گروهی را که با شما دشمنی ورزیدند و تکذیبتان کردند را در آخل آتش جهنم بیاندازید.<sup>۲</sup>

### مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در معشر

امام صادق علیه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: هرگاه خواستید چیزی را از خداوند طلب کنید با وسیله آن را طلب نمایید.

سوال کردند: آن وسیله چیست؟

فرمود: درجه من در بهشت است و آن از جواهرات مرصع می باشد بر هر یک از آن جواهرات هزار زبرجد و بر هر زبرجدی هزار لؤلؤ و بر هر یک از آن هزار طلا و نقره کوب شده، آن را روز قیامت می آورند و در میان درجات پیغمبران نصب می کنند و درجه من نسبت به آنها مانند ماه با ستارگان است و در روز قیامت پیغمبر مرسل و شهیدی نیست مگر آنکه آروزی درجه مرا بکند و بگوید خوشا بحال صاحب این درجه و رتبه، منادی با صدای رساننده کند این درجه تعلق به محمد صلی الله علیه و آله دارد و آن را بیاورند و بر سرم تاحی باشد که نور از آن طالع گردد که بر آن تاج نوشته شده: «لا اله الا الله محمد رسول

۱. بورالتقلیب، ج ۵، ص ۱۱۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۳۸

۲. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۹۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۳۸؛ بورالتقلیب، ج ۵، ص ۱۱۲

اللّٰهُ عَلٰی وَلِیِّ اللّٰهِ.

رستگار کسانی هستند که از طرف پروردگار فائز شدند چون من و علی را از حضور پیغمبران عبور دهد، گویند این دو سفر از فرشتگانند از پیش صفوف مرشکان که عبور کنیم گویند این دو نفر چه کسانی هستند که ما آنها را نمی‌شناسیم من به بالای آن درجه روم و علی هم متصل به من قرار گیرد، پیغمبر و مؤمنی نیست مگر آنکه سر خود را بلند کند و بگوید گوارا باد این درجه و کرامت برای شما، منادی ندا کند ای اهل محشر بدانید این حبیب من محمد و دیگری ولی من علی بن ابیطالب است خوشا بحال کسانی که در دنیا آنها را دوست داشته‌اند و بدا بحال اشخاصی که ایشان را دشمن و مبغوض می‌پنداشتند و با آنها عداوت کرده و تکذیب آنان می‌مودند.

سپس پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: یا علی در آن روز کسی که تو را دوست داشته از صدای آن منادی خوشحال گردد و صورتش سفید و قلبش روشن شود و هر که با تو جنگ کرده یا خلافت تو را منکر بوده و در حق تو ظلم و ستم و دشمنی نموده صورت او سیاه و قدمهایش بلغزد، در آن هنگام دو فرشته موکل بر بهشت و دوزخ رصوا و مالک نزد ما آیند، سلام کنند، جواب آنها را بدهم و به ایشان بگویم: شماها کیستید؟

آنکه پاکیزه و نیکو منظر است گوید: من رضوان خازن بهشت هستم، پروردگار به من فرمود کلیدهای بهشت را حضورت تقدیم بدارم ای رسول خدا این کلیدها را بردارید گویم تقدیم بر علی کن، کلیدها را به شما دهد من پروردگار را بر نعمتی که بجا عطا نموده حمد و ستایش می‌کنم و رضوا بر گردد.

فرشته دیگر پیش آید به او بگویم نام تو چیست که این قدر قبیح منطری،

گوید من مالک دوزخ هستم پرورنگار به من امر فرموده کلید دوزخ را  
حضورتان تقدیم بدارم ای رسول خدا این کلیدهاست، به او گویم به علی ده،  
کلیدها را به تو تقدیم نموده و مراجعت نماید، آنگاه علی با کلیدهای بهشت و  
دوزخ پیش رود و در جهنم را بدست گیرد جهنم صدا کند و شعله آتش سالها  
رود و فریاد کند: ای علی از کنار من دور شوید که نور جمالت شعله و شراره  
آتش مرا خاموش خواهد نمود، آن وقت علی میگوید ای دوزخ رها کن این  
بنده را که دوست من است و بگیر این شخص را که از دشمنان من بوده است.  
پیغمبر اکرم فرمود: اطاعت و فرمان برداری جهنم نسبت به او امر علی در  
آنچه امر می کند بیشتر است از غلامی که مطیع و فرمان بردار مولایش باشد  
و علی در آن روز قسیم بهشت و دوزخ است.<sup>۱</sup>

مَنَعَ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (۲۵)

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقَيْنَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (۲۶)

۲۵- آن کسی که مانع کارهای حیر است و در شک و تردید می باشد.

۲۶- همان کسی که با خداوند یگانه معبودی دیگر می گیرد پس او را در

عذاب شدید بیندازد.

«مَنَعَ لِّلْخَيْرِ» مراد از «مَنَعَ» دومی و مراد از «خَيْر» ولایت

امیرالمؤمنین و حقوق ال محمد است و هنگامی که اولی نامه نوشت نافذک را  
به حضرت فاطمه علیها السلام برگردانند دومی مانع آن شد.

«مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ \* الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» گفتند: ما به کسی که اسامت و

۱ بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۲۶: علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۴: امالی شیخ صدوق، ص ۱۱۶.

بشارة المصطفى، ص ۲۱: تاویل الایات الطاهره، ص ۱۵۲: روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۱۳.

معانی الاحیاء، ص ۱۱۶

خمس را برای شما قرار داد کافر هستیم.

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ نَعِيدٍ (۲۷)

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدُمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ (۲۸)

مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (۲۹)

۲۷ - همشین او (ار شیطاں) می گوید پروردگارا، من او را به طمعیاں و

سرکشی نکشاندم لکن او خود در گمراهی دوری بود

۲۸ - (خداوند) می فرماید در حضور من مجادله مکیده که من پیش از این

به شما هشدار دادم.

۲۹ - وعده من تغییر ناپذیر است، و من به بندگان هیچ ستمی نخواهم کرد

﴿قَالَ قَرِينُهُ﴾ یعنی شیطان او که حبیتر (دومی) است.

﴿رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ﴾ یعنی ذریق (که اولی است).

﴿وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ نَعِيدٍ﴾ لکن او خود در گمراهی دوری بود.

پس خداوند به آن دو می فرماید: ﴿لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدُمْتُ إِلَيْكُمْ

بِالْوَعِيدِ﴾ «ما یبدل القول لدی» یعنی آنچه که انجام دادید به حسنات مبدل

نمی شود، و آنچه به شما وعده داده شده از آن تخلف نمی کنم.<sup>۱</sup>

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ (۳۰)

وَأَرْسَلْنَا الْجِنَّ لِلْمُتَّبِعِينَ عِبْرًا نَعِيدٍ (۳۱)

۳۰ - روزی که به جهنم می گوئیم: پر شدی؟ و او می گوید: آری بار هم

هست؟

۳۱- و بهشت را برای پرهیزگاران آماده کند و از آن هیچ دوری ندارد.

«يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْلَأُ وَ نَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ؟» این استفهام از این جهت شده که خدای تعالی وعده داده بود جهنم را پر کند و جهنم مالا مال آتش شود. از او می پرسد آیا پر شده ای؟

او می پرسد: «و نَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ؟» مگر باز هم هست؟ و منظورش این است که دیگر جای خالی ندارم.

در این هنگام بهشت گوید. بار خدایا چنانچه دوزخ را وعده داده بودی که آن را پر کنی به من نیز وعده داده بودی که پر کنم پس چنانچه دوزخ را از اهل کفر و عصیان پر ساختی مرا نیز از اهل ایمان و تقوی پر کن حق تعالی در این وقت خلقی چند ایجاد کند و بهشت را مانند دوزخ مملو گرداند و بعد از این حضرت صادق (ع) فرمودند: خوشا به حال این بهشتیان که غمها و دردهای دنیا را ندیدند و در بهشت آرامیدند.<sup>۱</sup>

«وَأُرْفِتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ» یعنی بهشت با متقین زینت داده شد  
«غَيْرَ بَعِيدٍ» یعنی به سرعت.<sup>۲</sup>

لَهُمْ مَا يَشَاؤُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (۳۵)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَوْمٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ (۳۶)

إِنْ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (۳۷)

۳۵ در اینجا هر چه که بخواهد برای آنها هست، و نزد ما (بعضی های)

۱ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۴۰  
نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۴

۲ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۲؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۴۰؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۱۵



بیشتری دارند.

۳۶- و چه اقوامی که قبل از آنها هلاک کردیم که از آنها فوی مرو و بیروما را

بودند و شهرها را تصرف نمودند، آیا راه نجاتی یافتند؟

۳۷- همانا در این تذکری است برای کسی که غفل دارد تا گوش فرا دهد و

گواه باشد.

﴿لَهُمْ مَا يَشَاؤْنَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ﴾ نظر کردن به رحمت الهی.

﴿فَتَقَبَّلُوا فِي الْبِلَادِ﴾ یعنی رفتند، سفر کردند.

﴿إِنْ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٌ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ﴾ یعنی ذاکر.

﴿أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ یعنی شنید و اطاعت کرد.<sup>۱</sup>

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمَادُّ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصُّبْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ (۴۲)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِنَّا لَمُصِيرٌ (۴۳)

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ خَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (۴۴)

مَنْ أَعْلَمَ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِخَبَرٍ فَدَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ

وَعَيْدٍ (۴۵)

۴۱- و گوش فرا ده روزی که مادی از مکانی نزدیک ندا کند.

۴۲- روزی که همه، صبحه رستاخیز راه حق می‌شوند، که آن روز هنگام

خروج (از قبرها) است.

۴۳- همانا ما می‌زندهیم و می‌کشیم و بازگشت آنها به سوی ما است

۴۴- روزی که زمین به سرعت از روی آنها (مردگان) شکافته می‌شود، و

همه (در عرصه قامت) محشور می گردند، و این جمع کردن بر ما آسان  
ست

۲۵- آنچه را که می گویند ما می دانیم، و بر مأمور به اجبار کردن آنها ربه  
(یعنی) بستی، پس کسانی را که از وعده عذاب می ترسند راه وسیله قریب  
تذکرده

﴿وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ منادی به اسم حضرت قائم علیه السلام  
و به اسم پدرش ندا می کند.

﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ فریاد حضرت قائم علیه السلام از  
آسمان.

﴿ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ یعنی روز رجعت است.

امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ  
الْخُرُوجِ﴾ فرمود: که آن روز رجعت است.<sup>۱</sup>

﴿يَوْمَ تَشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا﴾ در رجعت.

ابوبصیر گوید از امام رضا علیه السلام درباره آیه ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَأَذْبَارَ  
الشُّجُودِ﴾ سوال کردم فرمود: چهار رکعت بعد از مغرب است.<sup>۲</sup>

﴿فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ﴾ یعنی ای محمد! با آن وعده های عذابی که  
در قرآن داده ایم ایشان را تذکر بده.<sup>۳</sup>

۱. نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۸

۲. بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۸۸؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۵

۳. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۶

# تفسیر سورة الذاریات

۵۱ - سورة الذاریات در مکه

نازل شده و دارای ۶۰ آیه

است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا (۱)

فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا (۲)

فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (۳)

فَالْمَقْنَنَاتِ امْرَأًا (۴)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ (۵)

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ (۶)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ (۷)

۱- سوگند به بادهای حرکت دهنده.

۲- سوگند به اسرهای سنگین بار (که حامل باران هستند)

۳- سوگند به کشتی‌هایی که به آسانی (در روی آب) در حرکت هستند

۴- سوگند به فرشتگان تقسیم کننده کارها

۵- همانا آنچه که به شما وعده داده شده همه راست است

۶- و همانا جزای اعمال، واقع خواهد شد

۷- سوگند به آسمان که در آن راههای بسیاری است.

﴿وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا﴾

جلیل از امام صادق علیه السلام روایت کرد که در معنای آیه ﴿وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءُ﴾<sup>۱</sup> فرمود: ابن الکواء از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید: این آیه چه معنا دارد؟ حضرت فرمود: منظور از «ذاریات» باد است و از «قَالِحِمَاتٍ وَ قُرَأُ» پرسید فرمود: ابر است. و از «قَالِحَارِيَاتٍ يُشْرَأُ» پرسید: فرمود: کشتیها است. از «قَالِمَقْسَمَاتٍ أَمْرًا» پرسید: فرمود: ملائکه است. تمام آیات اولی قسم و خبرش این آیه می باشد: ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ﴾<sup>۲</sup> و ﴿إِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ﴾<sup>۳</sup> یعنی مجازات و مکافات هر آینه به وقوع خواهد پیوست.<sup>۴</sup>

### معنی زیبا و نیکو بودن آسمان

#### ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ﴾

حسین بن خالد گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم معنای آیه ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ﴾ چیست؟

فرمود: آسمان به زمین بسته شده است، در اینجا امام علیه السلام انگشتهای مبارکش را داخل هم به طور مشبک قرار داد.

راوی می گوید: عرض کردم: چگونه آسمان ب زمین بسته شده است؟ در حالی که خدای تعالی می فرماید: ﴿رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ خداوند آسمان را بدون پایه و ستون بالا نگهداشته است.

امام علیه السلام فرمود: سبحان الله! مگر خداوند نمی فرماید: ﴿بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ یعنی بدون پایه و ستونی که شما آن را می بینید؟ عرض کردم: بلی.

فرمود: پس پایه هست ولی شما آن را نمی بینید.

۱ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۲۰۸؛ نورالتعلیل، ج ۵، ص ۱۲۰؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۴۷

عرض کردم: فدایت شوم، پس مطلب چگونه است؛ امام علیه السلام دست چپش را باز کرد، دست راست را بر روی آن قرار داد و فرمود: این زمین دنیا و آسمان دنیاست که بالای آن گنبد است، زمین دَوم روی آسمان دَوم است، روی آسمان دَوم گنبد است، زمین سوم روی آسمان دَوم است و روی آسمان سوم گنبد است و مطلب همچنین است تا زمین هفتم که روی آسمان ششم است و روی آسمان هفتم گنبد است، عرش رحمان روی آسمان هفتم است؛ و این است معای قول خدا ﴿خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ﴾ و صاحب امر عبارت از نبی صلی الله علیه و آله و وصی بعد از او یعنی علی علیه السلام می باشد و او بر روی زمین است و امر از بالای آسمان و بین آسمان ها و زمین ها به او نازل می شود. \

عرض کردم: زیر پای ما جز یک زمین چیزی نیست؟

فرمود: زیر پای ما جز یک زمین نیست، آن شش زمین بالای ما می باشد.<sup>۱</sup>  
ابو حمزه گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که درباره آیه ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ﴾ فرمود: یعنی در علی علیه السلام.

﴿وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ﴾ یعنی علی علیه السلام و علی همان دین است.

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ﴾ مراد از «السما» رسول خدا صلی الله علیه و آله و مراد از «ذات الحُبک» علی علیه السلام است.

إِنكُمْ لَمِنَ قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ (۸)

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹)

۱ بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۷۹؛ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۲۷؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۲۱.  
تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۰۹

قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ (۱۰)

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ شَاهُونَ (۱۱)

يَسْتَلُونَ أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ (۱۲)

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُعْتَنُونَ (۱۳)

دُوفُوا فَنَسَكُم هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۱۴)

۸- همانا که شما در گفتار گوناگون هستید

۹- کسی را ایمان منحرف می‌شود که از قول حق سربلجی می‌کند

۱۰- هرگز بر دروغگویان

۱۱- همان‌هایی که در صلاّت و عبادت فرو رفته‌اند

۱۲- می‌پرسند: روز جزا چه وقت/خواهد بود؟

۱۳- آن روزی است که آنها را در آتش سوزانند

۱۴- (و گفته شود) بپاشید عذاب خود را، این همان عذابی است که برای

آن عجله داشتید.

﴿إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ﴾ یعنی این امت درباره ولایت علی علیه السلام مختلف

شدند و هر کس در ولایت علی علیه السلام ثابت قدم شد وارد بهشت می‌شود و هر

کس با ولایت علی علیه السلام مخالفت ورزد داخل آتش جهنم می‌گردد.

﴿يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ﴾ یعنی هر کس از ولایت علی علیه السلام منحرف شود از

بهشت منحرف می‌شود.<sup>۱</sup>

﴿قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ﴾ آنهایی که بدون علم و یقین آراء دروغشان را بر دین

نسبت می‌دهند.

۱ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۶۹، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۴۹، نور الثعالبین، ج ۵، ص ۱۲۱،

تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۱۰



﴿الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ﴾ یعنی در ضلالت و گمراهی، و «ساهی» کسی است که متذکر خدا نمی‌گردد.

﴿يَسْأَلُونَ﴾ ای محمد از تو سوال می‌کنند.

﴿أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ﴾ مجازات در چه زمانی خواهد بود؛ خداوند فرمود: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَلُونَ» یعنی عذاب می‌شوند.

﴿ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ﴾ یعنی عذابتان را خواهید چشید

﴿هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾ این همان عذابی است که برای آن عجله داشتید.<sup>۱</sup>

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۵)

آنچنین ما آنها را رزق می‌دهیم آنهم كانوا قتل ذلك مخسبين (۱۶)

كانوا قلیلاً مِنَ اللَّیْلِ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷)

وَبِالْأَشْخَارِ هُمْ يُسْتَفْزَعُونَ (۱۸)

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلزَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۱۹)

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِ (۲۰)

۱۵- همانا پرهیزگاران در بهشت و کنار چشمه‌های آب می‌آرامند

۱۶- و آنچه پروردگارشان به آنها عطا کرده را می‌گیرند، چرا که قبل از آن از بی‌کوکاران بودند.

۱۷- آنها کمی از شب را می‌خوابیدند

۱۸- و آنها سحرگاهان از درگاه خداوند طلب آمرزش می‌کردند

۱۹- و در اموالشان حقی برای سائل و محروم قرار می‌دادند

۲۰- و در رهن برای اهل نفس است

خداوند متقین را دگر کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ  
آخِذِينَ مِنْ آثَانِهِمْ رَبُّهُمْ - تَا - مَا يَهْجَعُونَ﴾ که «ما یهجعون» یعنی  
نمی‌خوابند.<sup>۱</sup>

﴿وَبِالشَّارِحِ هُمْ يَسْتَفْتُونَ وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ سائل  
کسی است که سؤال می‌کند، و محروم کسی است که از تلاشش جلوگیری  
شده است.

﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ﴾ در هر چیزی که خداوند آفریده است.  
شاعر می‌گوید:

وفي كل شيء له آية      تدل على أنه واحد

یعنی: در هر چیزی برای او آیه و نشانی است، دلالت می‌کند که او واحد و  
یگانه است.

﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (۲۱)

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾ (۲۲)

﴿فَوَرَبُّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تُطِفُونَ﴾ (۲۳)

۲۱- و در خود شما (آیاتی است) آیا نمی‌بینید؟

۲۲- و در آسمان روری شماست و آنچه که به شما وعده داده می‌شود.

۲۳- پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که ایس وعده حق است

همانگونه که شما سخن می‌گوئید.

﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ خداوند تو را شنوا و بینا آفرید، یک بار

غضب می‌کنی، یک بار راضی می‌گرددی، گرسنه و سیر می‌شوی که همه اینها از آیات خداوند است.<sup>۱</sup>

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾ باران از آسمان می‌بارد و به وسیله آن غذای عالم از زمین می‌روید.

﴿وَمَا تُوعَدُونَ﴾ یعنی از اخبار رجعت و قیامت و اخباری که در آسمان است، سپس خداوند به خودش سوگند خورده و فرمود: ﴿قَوْلَ رَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تُنْفِقُونَ﴾ یعنی آنچه که وعده داده‌اید.<sup>۲</sup>

خداوند داستان حضرت ابراهیم علیه السلام را نقل می‌کند که ما آن را در سورة هود آورده‌ایم.

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَءَ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۲۹)

۲۹- پس همسر (ابراهیم ساره) در حالی که (از فرط حوشحالی) فریاد می‌کشید و بر صورت خود می‌زد جلو آمد و گفت (ایا صاحب بچه‌ای می‌شوم در حالی که) من رنی پیر و نازا هستم؟

﴿فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَءَ﴾ منظور از «صره» جماعت است.<sup>۳</sup>

﴿فَصَكَّتْ وَجْهَهَا﴾ یعنی هنگامی که جبرئیل علیه السلام او را به إسحاق علیه السلام بشارت داد رویش را پوشاند.<sup>۴</sup>

۱ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۵۱، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۲، نورالتقلید، ج ۵، ص ۱۲۳

۲ تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۵۲، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۳، نورالتقلید، ج ۵، ص ۱۲۴

۳ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۴۱۹، تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۵۴

۴ آن قدر حیا داشت که با آن همه عمری که از او گذشته بود باز حجالت کشیده و حیا نمود و رویش را از شرم و حیا پوشاند ولی الان در زمان ما زنان با کمال پریویی و بی شرمی در مقابل مردان نامحرم و دم از چندین بچه زائیدن و بچه به دنیا آوردن و حالت چگونگی زدن را بیان می‌کند بدون آنکه درهای شرم و حیا داشته باشند

﴿وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ﴾ یعنی بازابود و بچه به دنیا نمی آورد

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ (۴۱)

۴۱- ویر در سرگذشت قوم عاد (آبتی است) که برای هلاکت آنها سزادی

بدون باران فرستادیم

﴿وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ﴾ باد عقیم بادی است که نه درختان را بارور می کند و نه گیاهان را می رویاند.

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَنصِبُوا حَتَّىٰ حِينٍ (۴۲)

۴۲- ویر در قوم ثمود (آبتی است) هنگامی که به آنها گفته شد مدت کمی

(از لداند دبیری) بهره مند باشید (تا عذاب الهی فرا برسد)

﴿وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَنصِبُوا حَتَّىٰ حِينٍ﴾ و مراد از «حین» در اینجا سه روز است.

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (۴۷)

۴۷- و ما آسمان را به قدرت خود بسازیم و بر وسعت آن می فراییم

﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ﴾ یعنی با قدرت.

فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۵۰)

۵۰- پس به سوی خداوند بگریزید، همانا که من برای شما از جانب او انداز

کنده ای آشکار هستم.

﴿فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ﴾ یعنی حج به جا بیاورید.

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ (۵۲)

أَتَوَاصُوا بِهِ نَلَّ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۳)

فَقُولْ عَنْهُمْ مَا أَنْتَ بِمَلُومٌ (۵۴)

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (۵۵)

۵۲- ایچیس است که هیچ فرستاده‌ای قبل از ایشان به سوی قومی نیامد مگر

آنکه گفتند: او ساحر یا دیوانه است

۵۳- آیا یکدیگر را (به این تهمت‌ها) سفارش می‌کردند؟ (به) بلکه ای

قومی سرکش و طغیانگر بودید.

۵۴- پس از آنها روی نگردان که تو مورد ملامت و سرزنش واقع نمی‌شوی.

۵۵- و تذکر بده چرا که تذکر برای مؤمنان سودمند است

﴿كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ﴾ \*

﴿أَتَوَاصُوا بِهِ﴾ یعنی قریش با نامهایشان، تا اینکه به رسول خدا ساحر و مجنون گفتند.

﴿فَقُولْ عَنْهُمْ﴾ ای محمد ﴿مَا أَنْتَ بِمَلُومٌ﴾ یعنی خداوند اهتمام به هلاکت

اهل زمین کرده است. پس خداوند بر رسولش نازل فرمود: ای محمد از آنها

روی بر گردان که تو مورد ملامت و سرزنش واقع نمی‌شویی، سپس برای

خداوند بداء حاصل شده و بر پیامبر نازل فرمود ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ

الْمُؤْمِنِينَ﴾ و این آیه رد بر کسانی است که بداء و معیشت را از برای خداوند

منکر می‌شوند.<sup>۱</sup>

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا (۵۷)

۵۶- و من حق و اس را مافردم مگر اینکه مرا عبادت کند

۵۷- من از آنها روری نمی خواهم و نمی خواهم که مرا اطعام کند

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ خداوند آنها را به امر و بهی و تکلیف آفرید و خلقت آنها از روری جبر نیست که اجباراً او را عبادت کنند، و لکن خلقت آنها اختیاری است و با امر و نهی امتحان می کند تا چه کسی او را اطاعت می کند و چه کسی معصیت و نافرمانی؛ و در حدیث دیگر آمده است این آیه با آیه ﴿وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾ منسوخ شده است.

﴿مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ﴾ یعنی آنها را به خاطر نیازمند بودن به آنها خلق نکرده ام.

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ (۵۹)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۶۰)

۵۹- پس کسانی که ستم کردند گناهی (عذابی) مانند گناه (عذاب)

یارانشان هست پس نسبت به آن عجله نکنند.

۶۰- وای بر کسانی که کافر شدند از آن روری که به آنها وعده داده می شود

﴿فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ یعنی در حق آل محمد ستم کردند.

﴿ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ﴾ گناهی (عذابی) مانند گناه

(عذاب) یارانشان هست پس نسبت به آن عجله نکنند.

سپس فرمود: ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ﴾ پس وای بر

کسانی که کافر شدند از آن روزی که به آنها وعده داده می شود.<sup>۱</sup>

# تفسیر سورة طور



۵۲ - سورة طور در مکه نازل

شده و دارای ۴۹ آیه است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالطُّورِ (۱)

وَكِتَابٍ مُنطَوِّرٍ (۲)

فِي زَيْفٍ مُنْشَوِّرٍ (۳)

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (۴)

وَالسَّعْفِ الْمُرْفُوعِ (۵)

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (۶)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (۷)

بِأَلِّهِ مِنْ دَافِعٍ (۸)

۱- سوگند به طور.

۲- و سوگند به کتاب نوشته شده (قرآن).

۳- در صفحه‌ای گشوده.

۴- و سوگند به بیت المعمور.

۵- و سوگند به سقف برافراشته.

۶- و سوگند به دریای برافروخته.

۷- همانا که عذاب پروردگارت واقع می‌شود.

۸- و چیزی دافع آن نخواهد بود.

﴿وَالطُّورِ﴾ و کتابِ مَشْطُورِ\* طور کوهی در طور سینا است.

﴿وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ﴾ یعنی نوشته شده.

﴿فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ﴾ وَالْيَتِيبِ الْمُعْمَرِ\* بیت المعمور در آسمان چهارم است

که به آن صُراح می‌گویند و در هر روز هفتاد هزار ملک بر آن وارد می‌شوند که دیگر هرگز بر آن وارد نمی‌شوند.<sup>۱</sup>

﴿وَالسَّمَاءِ الْمَرْفُوعِ﴾ یعنی آسمان.

﴿وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾ یعنی روز قیامت دریای آتش فوران می‌شود؛ تمام

آیات گذشته قسم و جوابش آیه ﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ﴾ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ\* می‌باشد.

۱

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا<sup>(۹)</sup>

و تَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا<sup>(۱۰)</sup>

قَوِيلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَابِرِينَ<sup>(۱۱)</sup>

لَذِينَ هُمْ فِي حُوزٍ يُلْقَوْنَ<sup>(۱۲)</sup>

۹- روزی که آسمان به شدت به حرکت در می‌آید

۱۰- و کوهها از جا کنده شده و حرکت می‌کنند.

۱۱- پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

۱۲- همان‌هایی که به بازی باطل مشغول هستند.

﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا﴾ یعنی روزی که اضطراب و دگرگونی آسمان

نمایان گردد.

﴿وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا﴾ یعنی مانند باد می شود.  
 ﴿فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ﴾ در معاصی وارد می شوند.<sup>۱</sup>

يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا (۱۳)

۱۳- آن روزی که آنها را به رور به سوی آتش جهنم می رانند

### در بهشت غنا نیست

﴿يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا﴾ در آتش جهنم انداخته می شوند.

هنگامی که حضرت حمزه شهید شده بود، حضرت رسول ﷺ روزی عبور می کردند که دیدند عمرو بن العاص و عقبه بن ابی معیط دو نفری زیر دیواری نشسته بودند، شراب خورده و این شعر را می خوانند:

کم من حواری تلوح عظامه وراء الحرب أن یجر فیکبرا

یعنی، چه بسیار یارانی که استخوان هایشان بعد از جنگ آشکار شده و همسایه قبرها گشته اند.

پیامبر ﷺ فرمود: پروردگارا آن دو را لعن فرما و آنها را به فتنه شان برگردان و در آتش جهنم بینداز شان.<sup>۲</sup>

اضْلَوْهَا قَاصِرُوا أَوْ لَا تُضَيِّرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَنُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۶)

۱۶- در آن وارد شوید و بسوزید، پس صبر کنید یا صبر نکنید برای شما

۱. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۸  
 ۲. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۷۶ و ج ۲۲، ص ۹۹

یکسان است، چرا که به خاطر اعمالی که انجام داده‌اید کبیر می‌شوید.

﴿اَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا اَوْ لَا تَصْبِرُوا﴾ صبر در این مقام به معنی حقیقی خود محمول نیست زیرا که احدی صبر بر شدائد آتش نتواند کرد بلکه صبر در اینجا به معنی جرأت است یعنی در آید در جهنم خواه آنکه شما جرأت در آمدن داشته باشید یا نداشته باشید زیرا احدی صبر بر آتش ندارد و دلیل بر آن ﴿فَمَا اصْبِرْهُمْ عَلَى النَّارِ﴾<sup>۱</sup> یعنی جرأت تحمل آتش را ندارید.<sup>۲</sup>

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينَ (۲۱)

۲۱- و کسانی که ایمان آوردند و فرزندان‌شان هم در پیروی از آنها ایمان آوردند، فرزندان‌شان را (در بهشت) به آنها ملحق می‌کنیم، و از پاداش عمل آنها چیزی نمی‌کاهیم هر کس در گرو عمل خویش است

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾

ابو بصیر روایت می‌کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود: اطفال شیعیان ما از مومنین هستند و حضرت فاطمه (علیها السلام) آنها را تربیت می‌کند.<sup>۳</sup>

﴿أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ آنها را در روز قیامت به پدران‌شان ملحق می‌کنیم<sup>۴</sup>

عبد الرحمن بن کثیر گوید امام صادق (علیه السلام) در معنای آیه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾ فرمود: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی آنهایی که به پیامبر و امیرالمؤمنین ایمان آورده‌اند و مراد از ذریه ائمه

۱. بقره، آیه ۱۷۵

۲. نورالتقلید، ج ۵، ص ۱۳۸

۳. بحار الأنوار، ج ۴، ص ۲۲۹

۴. تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۱، تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۳۱، نورالتقلید، ج ۵، ص ۱۴۰

معصومین و اوصیاء پیغمبرند و ذریه آنها را به ایشان ملحق نمودیم و ذریه آنها را از حجتی که محمد ﷺ آن را درباره علی علیه السلام آورده بود کم ننمودیم که حجت آنها یکی و اطاعشان نیز یکی است.<sup>۱</sup>

﴿وَمَا التَّائِبُ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ﴾ یعنی ما ایشان را ناقص نمی‌کنیم.<sup>۲</sup>

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَعْنُ فِيهَا وَلَا تَأْنِيمُ (۲۳)

۲۳- آنها در بهشت جام‌های نوشیدنی پاک و گوارا را از دست همدیگر می‌گیرند که نه بیهودگی در آن است و نه گیاهی.

﴿لَا لَعْنُ فِيهَا وَلَا تَأْنِيمُ﴾ در بهشت غنا و فحش نیست مومن می‌آشامد ولی

گناه نمی‌کند.



وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۵)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (۲۶)

فَقَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ (۲۷)

۲۵- و آنها رو به همدیگر کرده و سؤال می‌کنند ؛

۲۶- و می‌گویند: ما قبل از این در میان خانواده خود بیمناک بودیم.

۲۷- پس خداوند بر ما مَنّت نهاد و ما را از عذاب سموم (کُشنده) حفظ

نمود.

خداوند گفتار اهل بهشت را حکایت کرده و فرمود: ﴿وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ

بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾ یعنی در بهشت.

۱. کالی، ج ۱، ص ۲۷۵ ؛ بصائر الدرجات، ص ۴۸۰ ؛ تاویل الآيات الظاهرة، ص ۵۹۸ ؛ تفسیر

برهان، ج ۷، ص ۳۴۱

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۹۰

﴿قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ﴾ یعنی در دنیا از عذاب خدا می ترسیدیم.  
 ﴿فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ﴾ مراد از «سموم» گرما و حرارت

شدید است.

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَرَبَّصُّ بِهِ رَبِّبُ الْمُؤْمِنِينَ (۳۰)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُرْتَبِصِينَ (۳۱)

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ (۳۲)

أَمْ يَقُولُونَ نَعْلَمُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۳۴)

۳۰- بلکه می گویند او (محمد) شاعری است که ما مرگ او را انتظار داریم.

۳۱- بگو: انتظار بکشید که من نیز با شما از منتظران هستم.

۳۲- آیا غیالات باطنشان اینها را به این اعمال وا می دارد یا آنها گروهی

طغیانگر هستند؟

۳۳- بلکه می گویند او قرآن را به خداوند اقترا بسته است، بلکه آنها ایمان

نمی آورند.

۳۴- پس اگر راست می گویند سخنی همانند آن را بیاورند.

خداوند گفتار قریش را حکایت کرده و فرمود: ﴿أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ﴾ که

رسول خدا ﷺ را سرزنش می کردند ﴿تَتَرَبَّصُّ بِهِ رَبِّبُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ که ما مرگ او را انتظار داریم.

پس خداوند فرمود: ای محمد به آنها بگو: ﴿تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُرْتَبِصِينَ﴾

در دنیا کسی بر دبارتر و خردمندتر از قریش نبود، سپس عطف بر اصحاب رسول خدا ﷺ کرده و فرمود: ﴿أَمْ

يَقُولُونَ ﴿ اَي مُحَمَّدٌ ﴿ تَقَوْلُهُ ﴾ يعنى امير المؤمنين (عليه السلام) : آيا مى گويند كه پيامبر (صلى الله عليه وآله) على را با رأى و نظر خودش خليفه قرار داده است.  
 ﴿ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴾ زيرا پيامبر او را با رأى و نظر خودش خليفه قرار نداده است.

سپس فرمود: ﴿ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ ﴾ يعنى مردى همچون او را از جانب خداوند بياوريد ﴿ اِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴾ اگر راستگو هستيد.

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبُتُونَ (۳۹)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ (۴۰)

۳۹- آيا براى خداوند فرزندان دختر است تو براى شما فرزندان پسر؟

۴۰- آيا تو از آنها اجر رسالت مى خواهى كه زير بار سنگين غرامت در

مانده اند؟

﴿ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبُتُونَ ﴾ آن گفته قريش است كه مى گفتند ملائكه دختران خداوند هستند.

سپس فرمود: ﴿ أَمْ تَسْأَلُهُمْ ﴾ اى محمد ﴿ أَجْرًا ﴾ در مقابل آنچه كه از رسالت به آنها عطا كرده اى.

﴿ فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴾ يعنى كه غرامت سنگينى بر آنها وارد مى شود.<sup>۱</sup>

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۷)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (۴۹)

۴۷- و کسانی که ستم کرده‌اند عذاب قبل از آن است و لکن بیشتر آنها نمی‌دانند.

۴۸- برای حکم پروردگارت صبر کن، چرا که تو تحت مراقبت ما هستی، و هنگامی که بر می‌خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی.

۴۹- و در شب و هنگام پشت کردن ستارگان به تسبیح خداوند بپرداز.

﴿وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ کسانی که در حق آل محمد ستم نمودند.

﴿عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ﴾ یعنی عذاب رجعت یا شمشیر.<sup>۱</sup>

﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا﴾ یعنی تو در حفاظت و حرز و امان و

زیر پوشش نعمت ما هستی.

﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾ حمد و تسبیح پروردگارت را هنگامی که

برای نماز شب به پا می‌خیزی به جای آور.

﴿فَسَبِّحْهُ﴾ قبل از نماز شب ﴿وَإِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ هنگام پشت کردن ستارگان.

ابن ابی نصر [ بصیر ] گوید که امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از ﴿إِدْبَارَ

السُّجُود﴾ چهار رکعت بعد از مغرب است و مراد از ﴿إِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ دو رکعت

قبل از نماز صبح می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۳۵؛ تفسیر صافی، ج ۷، ص ۱۶

۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۸۸؛ کافی، ج ۲۴۴؛ تفسیر برهان، ج ۷، ص ۳۳۵